

کیمهان ۵۴۵

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده
جمعه ۱۹ تا پنجشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۴ خورشیدی
سال چهل و دوم - شماره ۲۰۱۱

خیزش میلیونی

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و دوم
کیهان شماره ۲۰۱۱ (۵۴۵)

۱۹ تا ۲۵ دی ۱۴۰۴
۹ تا ۱۵ ژانویه ۲۰۲۶



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»
برای نخستین بار ایده‌آه گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
عالمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق فایس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا
به کوشش منصوره پیرنیا

لطفاً جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهرپیران
شماره تلفن: ۳۰۱۲۷۹۶۷۷۸ و یا ۲۴۰۶۰۲۷۲۷۳ در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.
Web: www.pirnia.com Email: pirniam@pirnia.com

کیهان

فهرست مطالب**

۴	سرمقاله - هجدهم دی ماه، پیمان «شاه» و «ملت» / روشنگر آسترکی
۴-۵	تیر هفته - خیزش میلیونی ... / ...
۶-۹	متن کامل گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی با وال استریت ژورنال ... / ...
۹	هشدار دونالد ترامپ: اگر رژیم ایران به معتز ضامن شلیک کند، آمریکای نجات آنها می آید ... / ...
۱۰-۱۱	متن کامل مقاله شاهزاده رضا پهلوی در واشنگتن پست: ایران آماده گذار دموکراتیک ... / ...
۱۱	پالانچی پهلوان ... / خبراندیش (احمد/حرار)
۱۲-۱۳	خاطراتی چند از تلویزیون ایران (بخش یابانی) ... / عزت الله متوجه
۱۴-۱۵	تحلیل سیاسی روز: سر نوشت «آخرین نبرد» در دست «شاه» و «ملت» ... / الاهی بقرط
۱۶-۱۷	روزنامه «اورشلیم پست»: ایران باستان باز گشت پهلوی ها و نظام پادشاهی هستند ... / ...
۱۷	دوران محمدرضا شاه: ملکه به پتانیا در برابر شکوه ایران (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی
۱۸	شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با فاکس نیوز: «آماده بازگشت به ایران و رهبری پیکار نهایی هستیم» ... / ...
۱۹	شورای سردبیری «اورشلیم پست»: مردم ایران نام رضا پهلوی را فریاد می زنند، این قدرت است ... / ...
۲۰-۲۱	تاکتیک دو گانه «همدلی» و «سرکوب» جمهوری اسلامی با اعتراضات ... / روشنگر آسترکی
۲۱	دوران محمدرضا شاه: نایب ستادگی برای حق کارگر (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی
۲۱	هنری که بیضایی می شناخت ... / بهنام محمدی
۲۱	صدور نخستین فرآخوان شاهزاده رضا پهلوی در اعتراضات دی ۴۰۴ ... / ...
۲۲	دوران محمدرضا شاه: محیطی برای رشد دموکراسی (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی
۲۲	باسج بر شور مردم ایران به فرآخوان شاهزاده رضا پهلوی و ثبت نقطه عطف مهمی در انقلاب ملی ... / ...
۲۳	اعتراضات سراسری دی ماه ۱۴۰۴: شعار بازاربان: «رضا پهلوی، این است شعار ملی» ... / ...
۲۴-۳۱	حمله آمریکایی به اهدافی در ونزوئلا: دونالد ترامپ: مادر و و همسرش دستگیر شدند ... / ...
۳۲	آمریکاشکبه ای مرتبط با همکاری های نظامی جمهوری اسلامی و ونزوئلا تحریم کرد ... / ...
۳۲-۳۳	روزنامه «واشنگتن پست»: نتایج دو هفته دنیال گرفتن چراغ سبز برای حمله به ... / ...
۳۳	پراگماتیسم ایرانی در انتظار آزمونی دشوار ... / مشاری الذنادی (روزنامه الشرق الاوسط)
۳۴	قطع اینترنت جهانی: موج جدیدی از سرکوب ایران باستان معتزض توسط جمهوری اسلامی ... / ...
۳۴-۳۵	دوران محمدرضا شاه: شاه و شهبانو در تروژ (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی
۳۵	آنچه که برای جمهوری اسلامی باقی ماند ... / بهنام محمدی
۳۵	گزارش «فرانس ۲۴» درباره جنگ ۱۲ روزه: توان جمهوری اسلامی به طور قابل توجهی تضعیف شده ... / ...
۳۶-۳۷	ابراز نگرانی لاوروف از احتمال حمله مجدد اسرائیل به جمهوری اسلامی ... / ...
۳۷	گزارش انستیتو «مطالعات سیاست بین الملل» ایتالیا: چراغ سبز خامنه ای به ساخت کلاهک هسته ای ... / ...
۳۸	هشدار ترامپ به جمهوری اسلامی: درد پدارتتانیها: اگر به سمت توسعه برنامه موشکی و ... / ...
۳۹	رژیم ایران و جمعی بندی سال ۲۰۲۵: کاهش نفوذ و شکاف داخلی ... / هدی رؤوف (ایندپندنت عربی)
۴۰-۴۱	اختلال در اینترنت ایران تأیید شد ... / ...
۴۱	گوانی بی با بیان در آمد های ناچیز: بای مرغ با سو با یک زن گوشت در سفره حقوق بگیران شد ... / ...
۴۲	۲۲ سال پس از زلزله مهیب بم: روایت دوامدادگر داوطلب از ... / فروزه نور دستروم
۴۳-۴۴	پدر آزاداری از قربانیان سرنگونی هواپیمای اوکراینی: دولت کانادا این فاجعه را ... / فروزه نور دستروم
۴۴-۴۵	«وعده درمانی» دولت اصلاح طلب پس شکیان برای کشاندن مردم معتزض ... / روشنگر آسترکی
۴۶-۴۷	برگزاری کنفرانس سه روزه «انجمن ادب و هنر ایران» در لندن ... / ...
۴۷	لژوم نجات ایران در چارچوب یک انقلاب ملی به رهبری شاهزاده رضا پهلوی ... / دکتر رضا سعیدی فیروز آبادی
۴۸	شعار «جاوید شاه»: زفر اندومی پیش از سرنگونی! ... / اکورش زمانی
۴۸-۵۰	جنبشی بدون فرش قرمز: چرا ستاره هادر اعتراضات اخیر ایران تماشاگرند؟ ... / مهدی بهرامی
۵۱	حکومت «بقا محور» و وقتی اداره کردن فدای زنده ماندن می شود ... / اس. روزبه
۵۲	دموکراسی با نام حکومت نمی آید بلکه با مهار قدرت می آید ... / سیروس ملکوتی
۵۳	انقلاب برای پایان دادن به رنج، نه برای رنج ... / بهزاد پریان
۵۳	روزنامه آلمانی «بیلد» خیزش هاعلیه رژیم اسلام گرای ملاحادر ایران واردمر حله ای تازه شده ... / ...
۵۴	یک مقام ایرانی به روتیز: برخی مقام ها تکرار اند که جمهوری اسلامی قربانی بعدی ترامپ باشد ... / ...
۵۵	پنجره تاریخی آزادی: چرا اکنون لحظه تعیین کننده ایران است ... / ادانیال ایلخانی بور
۵۶	به یاد هوشنگ انصاری، صنعتگر برجسته، وزیر دارایی پیشین ایران ... / نازنین نوری
۵۷	حمایت گسترده و روزشکاران و هنرمندان از اعتراضات سراسری ... / ...
۵۸-۵۹	سرکوب معتزض در ایران: احتمال مداخله آمریکاعلیه جمهوری اسلامی جدی تر شد ... / ...
۵۹	افراشی ۲۰۰۰ صدها دستمزد دهادر لایحه بودجه: هشدار درباره تورم و حشناک ... / ...
۶۰-۶۱	پیوند مشکلات اقتصادی به «نفوذ» و «توطئه دشمن»: هدف سرکوب شد بدتر شهر و ندان است! ... / ...
۶۱-۶۲	میراث فرهنگی کشور در بحرانی ترین شرایط: دربر همان پاشنه پیشین می چرخد ... / ...
۶۲-۶۳	شرط بندی دوباره جمهوری اسلامی بر روی اسب بازنده «زیست عقیقانه»! ... / ...
۶۳	بودجه ای برای «بقا»: پس شکیان می گوید تا کیز دای برای رئیس جمهور ماندن ندارد! ... / ...
۶۴	رکورد جدید ایران در مهاجرت دانشجویی: بیش از ۱۱۰ هزار ایرانی در خارج از کشور تحصیل می کنند ... / ...
۶۵	تشدید دوباره آلودگی هوا در ایران به علت افزایش مازوت سوزی ... / ...
۶۶	باز آفرینی ایران در «کیو گاردنز» لندن ... / آدوم صابونچیان
۶۷-۶۸	بهرام بیضایی نویسنده و کارگردان سرشناس ایرانی درگذشت ... / ...
۶۹	خبرهای کوتاه ... / ...
۷۰-۷۱	پشت جلد - عکس هفته / ایران «شاه» را صدا زد ... / ...

بازنشر
بازنشر



هجدهم دی ماه، پیمان «شاه» و «ملت»

هجده دی ۴۰۴ با مشارکت میلیونی شهروندان ایران در برگزاری اعتراضات ضد حکومتی و پاسخ به فراخوان شاهزاده رضاهلوی در تاریخ ایران ماندگار خواهد شد. حضور باشکوه و بی نظیری که معترضان رقم زده اند، برافراشتن پرچم های شیروخورشید، در کنار واکنش های علی خامنه ای و نهادهای امنیتی و قضایی حکومت، همگی به صدا درآمدن شمارش معکوس عمر جمهوری اسلامی را نوید می دهند.

فارغ از آنکه روز موعود «پیروزی» چه زمانی فرا می رسد،



معترضان با شعارهایی همچون «جاویدشاه» نشان داده اند ایرانیان اینبار به طور مشخص به جای «اعتراض به وضع موجود» علیه ساختار و نظم سیاسی حاکم قیام کرده اند. این دور از اعتراضات سراسری نه تنها بدون پشتوانه حکومتی -مانند اعتراضات ۸۸- شکل گرفت، بلکه برای نخستین بار ساعت معترضان در ایران با ساعت رهبر اپوزیسیون، در خارج از کشور، کوک شده است.

در حالیکه جناحین حکومت همچنان در تلاش هستند تا واقعیت اعتراضات را مخدوش کرده و آن را اعتراضاتی از سر غیظ اقتصادی جا بزنند اما این روزها در ایران، انقلابی ملی در جریان است که هر کش آن بر پایه آگاهی جمعی و برآمده از تجربه زیست تاریخی یک ملت است. جنبش ملی نیم قرن گذشته، خانه به خانه انسجام یافت و رشد کرد و نخستین نمود اجتماعی آن در هفتم آبان ۹۵ در پاسارگاد بود و با شعارهای «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» و «رضاشاه روح شاد» گام به گام در جامعه فراگیر شد و بلوغ یافت و امروز به شعارهای «جاوید شاه» و «این آخرین نبرده، پهلوی بر میگرده» رسیده است.

سال پنجاه و هفت همه گروه های انقلابی در شعار «مرگ بر شاه» همراه و هم آواز بودند. آنها انقلابشان را علیه تاریخ «شاهنشاهی» ایران یا به گفته خودشان «دوران ستمشاهی» ترسیم کرده بودند؛ یعنی برانداختن و دفن کردن نهاد کهنسال و دیرپای «پادشاهی». همان ساختاری که هزاران سال از یورش اسکندر تا هجوم تازیان و بیابانگردان استوار مانده بود؛ ساختاری که ایرانیان در درازای تاریخ آنرا از آن خود دانسته و خود را با آن شناخته بودند. در فصل جدید «بی شاهی» که پس از انقلاب ۵۷ با جمهوری اسلامی آغاز شد ساختاری تباهکار و تباهی گستر شکل گرفت و ملت کهن ایران را در روندی فرساینده رو در روی بحران های عمیق و جانفرسا قرار داد.

جنبش ملی معاصر پس از نمایان شدن آثار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی انقلاب ۵۷ متبلور شد و با تکیه بر آگاهی ملی، «شاه» را نجات بخش مصائب این کهن دیار و مردمانش، و نهاد پادشاهی را چون چتری بر سر همه مردم این سرزمین برای بازگشت دوباره رفاه و شکوفایی و امنیت یافت. این جنبش چند دهه مقاومت و کوشش خستگی ناپذیر ایرانی خواهان را پشت سر گذاشته، و مجیدرضاها و پویاها و نیکاها برایش جان را سپر کردند و در این روزهای بینماک اما پرامید نیز با چشم انداز روشن، مشخص است که با چه چیزی در نبرد است، بر چه اصولی استوار است، هدفش چیست و از همه مهمتر رهبرش کیست. در همین چارچوب، ملت ایران هجدهم دی ماه با شاهزاده رضا پهلوی پیمانی دوباره بستند تا در نبرد با دستگاه خلافت برآمده از امت و ولایت، و تا پیروزی نور بر تاریکی با هم همراه و همزم باشند.

تیتتر هفته

خیزش میلیونی



با جمعیتی میلیونی در سراسر کشور به خیابان آمدند و بزرگترین کارزار ملی را علیه جمهوری اسلامی در تمام ۴۶ سال گذشته رقم زدند.

خیزش ملی دی ماه ۱۴۰۴

استقبال از این فراخوان، غیرمنتظره بود و ناظران را بهت زده کرد؛ آنهم در شرایطی که علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی صبح روز جمعه در جمع هوادارانش معترضان را «یک مشت تخریبگر» و «افراد مضر» خواند و گفت دیگر «مزدوری را تحمل نخواهد کرد». بسیاری معتقدند او با این تهدیداتش، مجوز سرکوب صادر کرد.

حکومت طی دوهفته علی رغم به صف کردن قوای نظامی، اعم از نیروی انتظامی، بسیج، سپاه پاسداران و نیروهای لباس شخصی و چماقداران، هرگز نتوانست اعتراضات را کنترل یا خاموش کند.

حضور پرتعداد و گسترده مردم، شعارهای واحد، عمق ناراضیاتی، حمایت های نسبی بین المللی از اعتراضات و فشار افکار عمومی، ناتوانی در ارائه نسخه جایگزین برای بهبود اوضاع از سوی حکومت و در نهایت ریزش نیروهای امنیتی و کمبود شدید نیرو، ماشین سرکوب را زمینگیر کرد؛ اما براساس آمار غیررسمی حدود ۵۰ نفر از ایرانیان معترض در شهرهای مختلف جان باختند.

کمبود و تهدید نیروی امنیتی، باعث شد حکومت در برخی شهرها از بازنشستگان نظامی و انتظامی برای همکاری کمک بگیرد. در برخی مناطق نیز، بکارگیری سربازان وظیفه تازه وارد و حتی نوجوانان ۱۶ تا ۱۷ ساله مجهز به باتوم و چماق گزارش شده است.

دونالد ترامپ جمعه شب، خیزش ملی ایران را «باورنکردنی» خواند و با اشاره به اینکه کنترل

● مردم ایران با فراخوان شاهزاده رضا پهلوی در دو شب متوالی پنجشنبه و جمعه (۱۸ و ۱۹ دی ماه ۱۴۰۴) با جمعیتی میلیونی در سراسر کشور به خیابان آمدند و بزرگترین کارزار ملی را علیه جمهوری اسلامی در تمام ۴۶ سال گذشته رقم زدند.

● اکنون این پرسش مطرح است که بعد از این چه خواهد شد؟ جمهوری اسلامی در حالی دچار «فرسایش قدرت» شده است که اطلاعات پذیری سرکوبگران از فرماندهان در میدان کم شده است و حتا فرماندهان میل به اجرای دستور سرکوب ندارند؛ در چنین شرایطی حاکمیت توان بازتولید ترس را از دست می دهد و مردم تصاعدی جسورتر می شوند.

● جمهوری اسلامی در مرحله ای است که اگر سرکوب نکند، سقوط می کند و اگر سرکوب کند، روند فروپاشی خود را شتاب می بخشد.

● به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران منصف، نقش رهبری سیاسی شاهزاده رضا پهلوی و پیوند قلبی او با ملت ایران بی بدیل است.

● بر اساس برآوردهای میدانی، طولانی شدن و گستردگی اعتراضات، نیروهای امنیتی و انتظامی را به شدت فرسوده کرده است؛ به ویژه آنکه گزارش هایی از همصدایی بخشی از این نیروها با مردم در برخی شهرها منتشر شده است. با این حال، بسیاری از ناظران معتقدند که حضور میلیونی مردم در پایتخت، نقطه تعیین کننده نهایی خواهد بود؛ نقطه عطفی که می تواند معادله قدرت را به طور کامل به نفع مردم تغییر دهد. به نظر می رسد چیزی تا رسیدن به آن مرحله باقی نمانده است.

مردم ایران با فراخوان شاهزاده رضا پهلوی در دو شب متوالی پنجشنبه و جمعه (۱۸ و ۱۹ دی ماه ۱۴۰۴)

محکوم می‌کنم.»
روبرت متسولا، رئیس پارلمان اروپا، نیز در حمایت از مردم ایران گفت: «اروپا می‌داند که تغییری در راه است... جهان

سپاه پاسداران هشدار داد که «جهان و رئیس‌جمهور آمریکا با دقت شما را زیر نظر دارند» و «سرکوب مردم بدون پاسخ نخواهد ماند.» اندکی بعد، دونالد ترامپ برای سومین بار

برخی شهرها در دست مردم است به علی خامنه‌ای اولتیماتوم داد: «بهتر است به معترضان تیراندازی نکنی که من هم شروع به تیراندازی خواهم کرد.»



بار دیگر شاهد ایستادگی شجاعانه مردم ایران است. فریاد آنان برای کرامت، آزادی و حق انتخاب شیوه زندگی و حکمرانی بر خود، در سراسر جهان شنیده شده است. دونالد ترامپ در واکنش به استقبال مردم ایران از فراخوان شاهزاده رضا پهلوی اظهار داشت: «فکر می‌کنم باید اجازه داد همه به میدان بیایند و ببینیم چه کسی سر برمی‌آورد.» برخی تحلیلگران معتقدند رئیس‌جمهور آمریکا، به‌عنوان یک سیاستمدار تاجر، به‌دنبال کسب امتیاز است. با این حال، شاهزاده رضا پهلوی بارها تأکید کرده، که حاضر نیست بر سر منافع ایران معامله کند و خطاب به ترامپ گفته است مردم ایران مسئولیتی بزرگ به او سپرده‌اند: «تلاش برای احیای رابطه‌ای که ایران زمانی با آمریکا داشت؛ رابطه‌ای که صلح و شکوفایی را برای خاورمیانه به ارمغان آورد.» یک تحلیلگر امنیتی که نخواست نامش فاش شود، به کیهان لندن گفت: «وضعیت ایران به نقطه‌ای رسیده است که سرنوشت مردم و کشور در وزن‌کشی کف خیابان تعیین می‌شود. میان رژیم و مردم به رهبری شاهزاده رضا پهلوی، یک رویارویی اساسی در جریان است و اگر مردم در این بزنگاه موفق به سرنگونی حکومت شوند، معادلات بین‌المللی درباره ایران و منطقه به‌طور کلی تغییر خواهد کرد.» بر اساس برآوردهای میدانی، طولانی شدن و گستردگی اعتراضات، نیروهای امنیتی و انتظامی را به‌شدت فرسوده کرده است؛ به‌ویژه آنکه گزارش‌هایی از همصدایی بخشی از این نیروها با مردم در برخی شهرها منتشر شده است. با این حال، بسیاری از ناظران معتقدند که حضور میلیونی مردم در پایتخت، نقطه تعیین‌کننده نهایی خواهد بود؛ نقطه عطفی که می‌تواند معادله قدرت را به‌طور کامل به نفع مردم تغییر دهد. به نظر می‌رسد چیزی تا رسیدن به آن مرحله باقی نمانده است.

طی یک هفته به رژیم ایران هشدار داد: «اگر معترضان را بکشید، ضربه سختی خواهید خورد.» او در دومین روز فراخوان نیز خطاب به رهبران رژیم ایران گفته بود: «در صورت کشتار مردم ایران، جایی را هدف قرار می‌دهیم که بسیار دردناک باشد.»

واکنش مقام‌های غربی

اولف کریسترسون، نخست‌وزیر سوئد، با محکوم کردن سرکوب‌ها نوشت: «مردم ایران بار دیگر علیه ستم و سرکوب بی‌باخته‌اند. ما صدای آنان را می‌شنویم و از مبارزه شجاعانه‌شان برای آزادی حمایت می‌کنیم.» او افزود که خواسته‌های بدیهی مردم برای آزادی و آینده‌ای بهتر را، نمی‌توان در درازمدت با خشونت و فشار خاموش کرد. کمیته روابط خارجی کنگره آمریکا نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد: «آیت‌الله‌ها در حال از دست دادن کنترل خود بر جامعه ایران هستند و نافرمانی ایرانیان از حکومت به سطحی بی‌سابقه رسیده است.»

سناتور جمهوری خواه، لیندزی گراهام، به سران جمهوری اسلامی هشدار داد، در صورت کشتار معترضان «روز بعد از خواب بیدار خواهند شد.»

پت فالن، نماینده جمهوری خواه مجلس نمایندگان آمریکا، نیز در شبکه ایکس نوشت: «خامنه‌ای و اطرافیانش هنوز فرصت دارند ایران را ترک کنند. مردم ایران حق دارند دولتی داشته باشند که از سرکوب دینی آیت‌الله‌ها آزاد باشد.»

یوهان وادفول، وزیر خارجه آلمان، با اشاره به سرکوب معترضان، از مقام‌های جمهوری اسلامی خواست به تعهدات بین‌المللی پایبند باشند. او نوشت: «چند روزی است که مردم ایران به خیابان‌ها آمده‌اند. بیان مسالمت‌آمیز نظر، حق آنان است و استفاده بیش از حد از خشونت علیه معترضان را

فرسایش قدرت

اکنون این پرسش مطرح است که بعد از این چه خواهد شد؟ جمهوری اسلامی در حالی دچار «فرسایش قدرت» شده است که اطلاعات‌پذیری سرکوبگران از فرماندهان در میدان کم شده است و حتا فرماندهان میل به اجرای دستور سرکوب ندارند؛ در چنین شرایطی حاکمیت توان بازتولید ترس را از دست می‌دهد و مردم تصاعدی جسورتر می‌شوند. جمهوری اسلامی در مرحله‌ای است که اگر سرکوب نکند، سقوط می‌کند و اگر سرکوب کند، روند فروپاشی خود را شتاب می‌بخشد.

اگر چه حکومت طبق روال همیشگی، اینترنت را قطع کرد تا از ارتباطات و ارسال ویدیوهای مربوط به اعتراضات گسترده مردم جلوگیری کند، اما شهروندان طی ۲۴ ساعت بر تاریکخانه‌ای که حکومت ایجاد کرده بود، غلبه کردند و در دومین روز فراخوان شاهزاده، با کمک تکنولوژی‌های روز و استارلینک، صدها عکس و ویدیو را از داخل ایران پخش کردند.

نقش بی‌بدیل شاهزاده رضا پهلوی

به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران منصف، نقش رهبری سیاسی شاهزاده رضا پهلوی و پیوند قلبی او با ملت ایران بی‌بدیل است. این مسئله را حتا رسانه‌های خارجی نیز که طی این سال‌ها چشم به روی این واقعیت بسته بودند، بیان کردند. او تلاش کرد مدام از طریق پیام و اطلاعیه، ارتباط خود را با مردم داخل حفظ کند و همزمان، ترامپ را به عنوان قدرتمندترین رهبر دنیا، برای حمایت عملی از مردم ایران متقاعد کند.

شاهزاده رضا پهلوی با افزایش احتمال تشدید سرکوب‌ها، در پیامی خطاب به رهبر جمهوری اسلامی، علی خامنه‌ای و

متن کامل گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی با وال استریت ژورنال: ما به حضور نیروهای نظامی خارجی در خاک ایران نیازی نداریم



شاهزاده رضا پهلوی

سبز در حال شکل گیری بود، شخصی به نام باراک اوباما در کاخ سفید حضور داشت. واکنش دولت او این بود که میرحسین موسوی، نامزد مخالف در انتخاباتی مهندسی شده که در آن محمود احمدی نژاد برنده اعلام شد و هوادارانش هیچ درخواستی برای حمایت مطرح نکرده‌اند. این رویکرد برخلاف آن چیزی بود که مردم ایران امید داشتند: رخ دهد، چرا که شعارهای آن روزهای خیابان چنین بود: «اوباما، اوباما، یا با اونا، یا با ما» یعنی: «اوباما، یا با آن‌هایی، یا با ما».

نسل جنبش سبز عملاً قربانی و به کناری نهاده شد. نوار را به دوران خیزش مهسا امینی جلو ببریم: در آن زمان فردی به نام جو بایدن در کاخ سفید بود. بایدنی که به رژیم اسلامی امکان داد به بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی دسترسی پیدا کند. درآمدی که اساساً نباید در اختیارش قرار می‌گرفت. رژیم این منابع را نه برای بهبود معیشت مردم ایران و سامان دادن به وضعیت اقتصادی، بلکه برای تقویت نیروهای نیابتی خود به کار گرفت.

این روند سرانجام به هفتم اکتبر انجامید. اکنون در اسرائیل نخست وزیری بسیار مقتدر بر سر کار است که آشکارا در کنار ما ایستاده است. و به گمان من، رئیس جمهور ترامپ، برخلاف سلف خود، در قبال آنچه امروز در ایران می‌گذرد بی تردید مسیری متفاوت در پیش گرفته است. افزون بر این، مارکو ربیو در وزارت خارجه حضور دارد که به باور من، شاید او نخستین وزیر خارجه‌ای از زمان انقلاب ایران باشد که واقعاً عمق ماجرا را درک می‌کند.

● پرسش: از وضعیت کنونی رژیم ایران برایم بگویید. شاهزاده رضا پهلوی: همین عامل است که شاید این بار وضعیت را متفاوت سازد. در حال حاضر، رژیم دچار آشفتگی است. شکاف‌ها و از هم گسیختگی‌ها، روز به روز بیشتر می‌شود و ما شاهد افزایش پیوسته ریزش‌ها و

نوع، چه نظامی و چه عملیات ویژه نیست. زیرا معتقدم این رژیم در حال فروپاشی است. حکومت در ضعیف ترین موقعیت خود قرار دارد. ایرانیان در خیابان‌ها نه فقط علیه فلاکت اقتصادی، بلکه با مطالبه پایان این رژیم به پا خاسته‌اند. به باور من، در طول این ۴۶ سال گذشته، هرگز شاهد چنین خواستِ روشن، صریح و فراگیری از سوی مردم ایران نبوده‌ایم.

● پرسش: پس، برای روشن شدن مطلب، آیا به نظر شما مداخله‌ای به سبک ونزوئلا از سوی ایالات متحده در ایران، ایده بدی خواهد بود؟

شاهزاده رضا پهلوی: در ایران با یک دیکتاتوری بی‌رحم روبرو هستیم که مردم خود را با خشن‌ترین وجه، سرکوب کرده است. مردمی بی‌دفاع و بی‌سلاح در برابر این رژیم به مبارزه برخاسته‌اند. مبارزهای که سال‌هاست آغاز شده‌است. آخرین خیزش بزرگ، در جریان قیام مهسا ژینا امینی بود؛ پس از کشته شدن دختر ۲۲ ساله کرد به دست نیروهای رژیم که در سپتامبر ۲۰۲۲ به اعتراضات گسترده انجامید. آنچه این بار به روشنی متفاوت است، وجود فرصتی واقعی برای به سرانجام رساندن کار و برانداختن این رژیم است. به گمان من، ستارگان همسو شده‌اند و به نوعی همه عوامل همزمان مهیاست. شرایط در سطوح گوناگون برای فروپاشی حکومت فراهم آمده است.

● پرسش: بارها پیش از این نیز ناامید شده‌ایم؛ جنبش سبز در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۰ و اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» در سال ۲۰۲۲. امیدها برانگیخته شد، اما رژیم آن‌ها را درهم شکست. آیا می‌گویید این اعتراضات کنونی در ایران همان خیزش بزرگ و سرنوشت سازی است که به نتیجه خواهد رسید؟

شاهزاده رضا پهلوی: می‌خواهم توضیح دهم که چرا گفتم «ستارگان همسو شده‌اند». در سال ۲۰۰۹، زمانی که جنبش

● شاهزاده رضا پهلوی: ما حتی به حضور یک سرباز از نیروهای نظامی خارجی در خاک ایران نیازی نداریم.

● «دولت انتقالی، ترکیبی خواهد بود از شخصیت‌های گوناگونی که هم اکنون در داخل ایران حضور دارند که بسیاری از آنان را به دلایل بدیهی نمی‌توان زود هنگام معرفی کرد و باید هویت‌شان محفوظ بماند.»

● «بگذارید این گونه بیان کنم، به گمان من، در این جهان تنها دو کشور هستند که می‌توانند از رابطه‌ای مقدس سخن بگویند: ایران و اسرائیل. ریشه این پیوند به دو هزار و پانصد سال پیش بازمی‌گردد.»

● «برای من همواره اولویت آن بوده است که سناریویی ارائه کنم که تغییر در ایران با کمترین هزینه ممکن برای ملت میسر شود. تصور گذار موفق از این رژیم به نظام آینده، بدون همکاری ضمنی بدنه اصلی نیروهای نظامی و شبه نظامی، برای ما ناممکن است.»

● «این را بارها گفته‌ام؛ دغدغه من قرار گرفتن در مقام حکومت یا اقتدار نیست. اداره امور کشور را به دیگران می‌سپارم. گمان می‌کنم نقش من بسیار ژرف‌تر و ارزشمندتر از آن است که در یک منصب اجرایی مشخص محصور شود.»

تونکو و راداراجان، پژوهشگر مؤسسه آمریکن اینترپرایز و نیز رابط مطبوعاتی مؤسسه لبرالسم دانشکده حقوق دانشگاه نیویورک با شاهزاده رضا پهلوی گفتگویی تفصیلی انجام داده است. این گفتگو روز پنجم ژانویه ۲۰۲۵ برابر با ۱۵ دی‌ماه ۱۴۰۴، و همزمان با موج تازه‌ای از اعتراضات سراسری در ایران که دهمین روز خود را پشت سر می‌گذاشت، در وبسایت وال استریت ژورنال منتشر شده است. متن کامل این گفتگو را در ادامه می‌خوانید.

رضا پهلوی فرزند شاه فقید ایران، محمدرضا پهلوی (۱۹۱۹-۱۹۸۰) است. او از سال ۱۹۷۸ در ایالات متحده آمریکا زندگی می‌کند. رضا پهلوی که امروز ۶۵ سال دارد، به عنوان رهبر کنونی اپوزیسیون مخالف رژیم اسلامی ایران -حکومتی که پس از خروج پدرش از کشور در سال ۱۹۷۹ به قدرت رسید- قد برافراشته است.

او از مکانی خصوصی در ساحل شرقی ایالات متحده، از طریق زوم با تونکو و راداراجان گفتگو کرده است. مشاوران وی به اقتضای ملاحظات امنیتی، از ذکر موقعیت جغرافیایی خودداری کرده‌اند.

● پرسش: مقتضیات خبر ایجاب می‌کند که این پرسش را با شما در میان بگذارم؛ آیا ایالات متحده باید در ایران همان کاری را انجام دهد که در ونزوئلا انجام داد؟ آیا باید علی‌خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی را از کشور خارج کند و او را به سبب جرایم گوناگون محاکمه نماید؟

شاهزاده رضا پهلوی: من آن را ضروری نمی‌دانم. بر این باورم که تغییر در ایران، در نهایت، در دست خود مردم است. دولت‌های بسیاری دلایل موجهی برای پاسخگو کردن علی‌خامنه‌ای دارند، اما به گمان من، شایسته‌تر آن است که این امر منحصراً به اراده و خواست مردم ایران واگذار شود و دولت‌های جهان در کنار مبارزه ایرانیان برای رهایی از این دیکتاتوری دینی، نقش حمایتی ایفا کنند.

بنابراین، به گمان من، موضوع اساساً دخالت بیرونی از هر

همچنین برآنیم، خطاهایی را که در برخی تحولات سیاسی منطقه دیده‌ایم تکرار نکنیم. نمونه آشکار آن، سقوط صدام حسین و روند «بعث‌زدایی» است. پرهیز از چنین سناریویی برای ما حیاتی است.

● پرسش: این نکته به نظر بسیار تعیین کننده است. روند «بعث‌زدایی» که پس از سقوط صدام در عراق اجرا



شد، همان گونه که همگان می‌توانیم بپذیریم، سرچشمه بخش بزرگی از فروپاشی‌ها و آشفتگی‌های بعدی آن کشور بود. شما چه خواهید کرد تا از تکرار معادل ایرانی بعث‌زدایی و هرگونه فروپاشی مدنی پس از آن، پیشگیری شود؟

شاهزاده رضا پهلوی: برای من همواره اولویت آن بوده است که سناریویی ارائه کنم که تغییر در ایران با کمترین هزینه ممکن برای ملت میسر شود. تصور گذار موفق از این رژیم به نظام آینده، بدون همکاری ضمنی بدنه اصلی نیروهای نظامی و شبه نظامی، برای ما ناممکن است.

بخش عمده‌ای از ارتش، بخش بزرگی از سپاه پاسداران، و نیز نیروهای نامنظم همچون بسیج، امروز کشتی را در حال غرق شدن می‌بینند و می‌دانند که این رژیم در واپسین رمق‌های خود است. برای این نیروها باید راه خروجی اندیشید. آنچه من در سناریوی تغییر خود گنجانده‌ام این است که بگویم: هرکس که دستش به خون مردم ایران آلوده نیست، باید و ناگزیر است که از مرحله تغییر رژیم جان به در برد. این افراد باید جزئی از راه حل باشند و در بازسازی میهن با ما همکاری کنند. باید راهی برای خروج پیش‌پایشان گذاشت نه آنکه آنان را در وضعیتی بی‌سرانجام و بی‌پناه رها کرد تا ناچار شوند تا واپسین لحظه به رژیم بچسبند. من سال‌هاست بر چنین رویکردی تأکید کرده‌ام.

در آغاز، بسیاری از ایرانیان به درستی درمی‌یافتند که چرا چنین پیشنهادی مطرح کردم. اما اکنون خود می‌بینند. روند ریزش و جدا شدن آغاز شده‌است و ما پذیرای ده‌ها هزار نفر بوده‌ایم. از همین جاست که وضعیت ایران با عراق تفاوت پیدا می‌کند زیرا آن‌گاه که گارد جمهوری عراق را به خانه‌هایشان فرستادید، نیمی از آنان سرانجام به صفوف داعش پیوستند؛ و این سخن تنها درباره نیروهای نظامی نیست؛ دستگاه اداری کشور را نیز دربر می‌گیرد. بر

شاهزاده رضا پهلوی: در موقعیتی قرار دارم که می‌توانم با اطمینان بگویم: از من جز نهایت تعهد برای خدمت به منافع کشورمان و منافع هم‌میهنان انتظار نداشته باشید. می‌توانید بر این حساب کنید که داوری بی‌طرف باشم، جانب هیچ‌سو را نگیرم و برای این یا آن گزینه تبلیغ نکنم، بلکه بکوشم تضمین کنم که فرآیندی حقیقتاً دموکراتیک



برقرار شود تا ایرانیان بتوانند روزی خود سرنوشت خویش را تعیین کنند. این دستور کار کارزار من و آن چیزی است که هم اکنون در پی انجام آن هستم.

● پرسش: خود را رهبر این دوره گذار می‌دانید، درست است؟

شاهزاده رضا پهلوی: بله، زیرا بر این باورم که هیچ جنبشی بدون میزانی از جهت‌دهی و هماهنگی به ثمر نمی‌رسد و رهبری در این میان ضرورتی انکارناپذیر است. در واقع، این همان چیزی است که بسیاری از ایرانیان می‌گفتند: «نگاه کنید، ما به شما نیاز داریم که وارد میدان شوید، به ما یاری دهید و در این مسیر راهنمایی‌مان کنید.» و دقیقاً همین کاری است که من طی چندین سال گذشته انجام داده‌ام. اما در این مقطع، ضرورت آن است که سطح تلاش‌ها به مراتب بالاتر رود و با قاطعیت بیشتری پیش برویم.

بگذارید نمونه‌ای عینی از مقصودم بیاورم. هنگامی که در اواخر ژوئن، اگر اشتباه نکنم، در پاریس بودم، اعلام کردم که دو اقدام را در دستور کار قرار داده‌ام. نخست، راه‌اندازی کارزاری تازه برای روند ریزش و جدا شدن. تا بتوانیم شاهد پیوستن نیروهای بیشتری از بدنه رژیم به جنبش در داخل ایران باشیم؛ و هم‌زمان با آن، «پروژه شکوفایی ایران» که در واقع نقشه راه ما برای چگونگی مدیریت دوره گذار است. صد روز نخست با ایجاد فضایی از ثبات، به یاری گروهی از تکنوکرات‌ها، حقوقدانان و کارشناسان اقتصادی که در این طرح با من همکاری می‌کنند، به تثبیت وضعیت اقتصادی کشور و سامان بخشی به ارزش پول ملی متمرکز خواهد بود. مقصود ما آن است که هم به ملت ایران و هم به جهان نشان دهیم برای این دوره گذار، برنامه‌ای روشن و سنجیده در اختیار داریم. می‌خواهیم این گذار به آرامی و بدون تلاطم‌های زیان‌بار انجام شود و اطمینان دهیم که جهان پس از فروپاشی این رژیم نگران هرج و مرج نخواهد بود.

➔ جدا شدن‌ها هستیم. افزون بر این، اوضاع اقتصادی بسیار اسفبار است.

ارز ما به بدترین سطح خود سقوط کرده است. به نقطه‌ای رسیده‌ایم که مردم در آستانه انفجارند. کمبود آب! حتی سخن از آن می‌رود که پایتخت را از تهران به جایی دیگر منتقل کنند، زیرا آبی در کار نیست. اکنون مردم می‌گویند: بنگرید، باید پیش از آنکه دیر شود، کشورمان را بازپس بگیریم. این نیرومندترین و گسترده‌ترین جنبشی است که تاکنون شاهد آن بوده‌ایم. در بیش از ۱۰۰ شهر و بیش از ۲۰ استان. این وضعیتی بی‌سابقه و فرصتی طلایی است که نباید از دست برود.

● پرسش: شما شاهزاده‌ای در تبعید هستید و اکنون ۴۷ سال است که بیرون از کشور خود به سر می‌برید. چگونه از آنچه در داخل کشور و در میدان عمل می‌گذرد، آگاه می‌مانید؟

شاهزاده رضا پهلوی: به یمن شبکه‌های اجتماعی و پیشرفت‌های فناوری، ارتباط امروز دیگر امر دشواری نیست. تفاوتی بنیادین با زمانی دارد که بلافاصله پس از درگذشت پدرم در قاهره به سر می‌بردم و به سختی می‌توانستیم تماسی با اروپا برقرار کنیم، چه رسد با ایران. نخستین پیام من نیز با دستگاه تلکس کهنه‌ای نوشته شد. دستگاهی که شاید اکنون نمونه‌ای از آن را بتوان در موزه اسمیتسونین یافت.

با این همه، فاصله جغرافیایی هرگز برای من به معنای گسست از ایران نبوده است. سراسر زندگی خویش را وقف خدمت به هم‌میهن‌انم کرده‌ام. می‌دانستم این روز فراخواهد رسید. همواره به آن ایمان داشته‌ام. همین ایمان بود که در همه این سال‌ها مرا استوار و پابرجا نگاه داشت.

● پرسش: شما شاهزاده‌اید، به‌عنوان شاهزاده به دنیا آمده‌اید و در نگاه بسیاری نیز همواره چنین خواهید ماند. اما آیا خود را سیاستمدار هم می‌دانید، یا این واژه را خوشایند نمی‌شمارید؟ آیا رضا پهلوی یک سیاستمدار است؟ **شاهزاده رضا پهلوی:** بگذارید در اینجا پرتنزی باز کنم، در سطحی انسانی‌تر، شخصی‌تر و عاطفی‌تر. بسیاری از ایرانیان سالخورده روز تولد مرا به یاد دارند و هیجان ملی آن روز را. اما امروز، در ۶۵ سالگی، در گردهمایی گروه‌ها و سازمان‌های گوناگون اپوزیسیون ایران در مونیخ در ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۵ مرا «پدر» خطاب کردند. جوانان ایرانی مرا پدر می‌خوانند و این، بهترین چیزی است که می‌توان از آن برخوردار بود.

من واقعاً باور دارم به عنوان خادم ملت و پدر آنها، نقش طبیعی من آن است که هر پدری برای فرزندان‌اش انجام می‌دهد: در کنارشان باشد، راهنمایی‌شان کند و به آنان مشورت دهد نه اینکه به جای آنها تصمیم بگیرد، بلکه یاری‌شان دهد تا بهترین تصمیم ممکن را خود بگیرند. راستش نمی‌دانم آیا این را می‌توان «نقش سیاسی» نامید یا نه؟ نمی‌دانم چگونه باید توصیفش کرد، اما تنها می‌گویم آنچه می‌کوشم برایشان انجام دهم همین است. اینکه بتوانند بر تجربه من تکیه کنند و بدانند که من هیچ منفعت شخصی‌ای جز خیر و صلاح ایران ندارم.

به گمان من، ایرانیان بار دیگر راه خود را پیدا می‌کنند و من برای یاری رساندن در کنارشان هستم و به درخواست آنان پا پیش گذاشته‌ام تا رهبری این گذار را بر عهده گیرم. فکر می‌کنم آنان دریافته‌اند که من واجد نقشی هستم که به گونه‌ای طبیعی و فراتر از این است که ایران در آینده پادشاهی باشد یا جمهوری. سخن بر سر آن نیست، سخن بر سر حق تعیین سرنوشت است، بر سر آزادی است، و بر سر بازسازی میهن ما.

● پرسش: آیا شما خود را فراتر از کشاکش‌ها و جدال‌های جاری قرار می‌دهید؟

این باورم که برای آنکه گذار ما باثبات باشد، اکثریت کسانی که هم اکنون در این یا آن وزارتخانه مشغول کارند باید در جای خود باقی بمانند. ایران بایستی همچنان کار کند: باید برق و آب مردم، هرچه از آن باقی است تأمین شود، کسی باید زباله‌ها را جمع‌آوری کند، کسی بایستی کالاهای تازه فروشگاه‌ها برساند.

● **پرسش:** اگر درست فهمیده باشم، شما می‌گویید که آشتی ملی و عفو عمومی را در مقیاسی گسترده پیشنهاد خواهید کرد، مگر در مورد کسانی که از رهبران اصلی و عاملان کلیدی رژیم بوده‌اند، درست است؟

شاهزاده رضا پهلوی: خوب، به گمان من نمی‌توان حق مردم را برای دادخواهی از کسانی که بر آنان ستم روا داشته‌اند، فرزندانشان را به قتل رسانده‌اند و اعضای خانواده‌شان را اعدام کرده‌اند، از ایشان سلب کرد. عدالت باید اجرا شود. پس از پایان جنگ جهانی دوم، دادگاه‌های نورنبرگ برگزار شد. اما شما تک‌تک سربازانی را که در آن جنگ جنگیده بودند محاکمه نکردید. باید عنصری وجود داشته باشد که به خاطر صلاح برتر ملت، درجه‌ای از «بخشایش، بی‌آنکه فراموشی در کار باشد» را فرا خواند، درست است؟ مقصودم این است که می‌توان با چنین رویکردی روند ریزش و جدا شدن را به حداقل رساند، با این پیام روشن که: «دیگر نمی‌توانید دوپهلوی بایستید.» یا در کنار مردم هستید اما اگر تصمیم بگیرید که همچنان بازوی سرکوب بمانید....

● **پرسش:** پس منظورتان این است که ما شاهد «نورنبرگی به سبک ایران» خواهیم بود؟

شاهزاده رضا پهلوی: نورنبرگ پس از یک جنگ جهانی برگزار شد. اما جنگ ما از جنسی دیگر است. این جنگی است علیه یک رژیم. رژیمی که از آغاز، خود علیه مردمش اعلام جنگ کرده است. ابزارهای سرکوب آن سپاه پاسداران و نیز عناصر بیگانه‌ای هستند که از لبنان، فلسطین و از نقاط دیگر آورده می‌شوند تا کارهای کثیف را انجام دهند.

نگریستن به ایران از منظر روان‌شناختی اهمیتی بنیادین دارد. خود را به جای آن فرمانده نظامی یا سپاهی بگذارید: شب نمی‌تواند نانی سفره فرزندان را فراهم کند، بسیاری از این افراد ناچارند شغل دوم داشته باشند، زیرا حقوقشان کفاف تأمین خانواده را نمی‌دهد. سپس با خود می‌اندیشند: تا کی باید این‌گونه بایستم و از علی خامنه‌ای که یکی از بزرگ‌ترین جنایتکاران تاریخ جهان است، حراست کنم؟

از همین رو پیام عفو اهمیتی حیاتی دارد، درست است؟ زیرا هنگامی که به آرامش و نظم فرامی‌خوانید، نخستین عناصری که در گذار برای حفظ نظم به ما یاری خواهند رساند، همان کسانی‌اند که سلاح در دست دارند. و چگونه می‌توان آنان را به سوی بدیل آینده جذب کرد، اگر راه خروجی برایشان فراهم نکنیم؟ در عین حال، کسانی که مسئول رفتارهای جنایتکارانه بوده‌اند، باید پاسخگو باشند. به گمان من، ملت تفاوت میان دادخواهی و ضرورت ارائه هرچه گسترده‌تر راه‌های خروج را درک خواهد کرد. زیرا تنها از این راه است که می‌توان هزینه تغییر را از بابت تلفات انسانی به حداقل رساند.

● **پرسش:** آیا خود را شاه آینده ایران می‌دانید؟ تنها نمونه موفق معاصر از بازگشت یک پادشاه، خوان کارلوس در اسپانیاست. بازگشت شما چه ماهیتی خواهد داشت؟ آیا همچون چارلز پادشاه بریتانیا، پادشاهی مشروطه خواهید بود؟

شاهزاده رضا پهلوی: پاسخ صادقانه من این است: راستش این سخن گفتن، کالسه‌که را پیش از اسب بستن است. تنها تمرکز من در حال حاضر آن است که اطمینان حاصل کنیم گذار دموکراتیک موفق در کشور تحقق می‌یابد. برای آنکه

بتوانم بهترین خدمت را به این فرایند انجام دهم، لازم می‌دانم از جانبداری از هر گزینه مشخصی فاصله بگیرم و بگذارم روند قانون اساسی تعیین کند که اکثریت مردم در نهایت چه نوع از نظام دموکراتیک را برمی‌گزینند.

شما به خوان کارلوس اشاره کردید. من او را به خوبی می‌شناسم. به یاد دارم که بارها در مادرید با او دیدار کرده‌ام و روایت‌هایی را که از تمام روند گذار از دوران فرانکو و نقشی که خود برای پاسداری از دموکراسی ایفا کرد، نقل می‌کرد، شنیده‌ام. اما در سناریوی ایران، آنچه من پیشنهاد می‌کنم تشکیل یک دولت موقت، یک دولت انتقالی است. مرحله‌ای که بلافاصله پس از فروپاشی رژیم آغاز می‌شود. ما وارد دوره‌ای خواهیم شد که در آن امور موقت کشور باید اداره و سامان داده شود.

دولت انتقالی وظیفه خواهد داشت کارکرد نظام را حفظ کند، اما همزمان زمینه را برای تشکیل مجلس مؤسسان فراهم آورد. نهادی که به همه مسائل مربوط به قانون اساسی آینده، شکل نظام و جدایی دین از دولت رسیدگی خواهد کرد. زیرا ما پیش از انقلاب از سطحی از این جدایی برخوردار بودیم و به سبب دیکتاتوری دینی، ملت ایران امروز برای جایگزینی آن با نظامی سکولار و دموکراتیک آماده است؛ و به گمان من، می‌تواند میان جمهوری‌خواهان و مشروطه‌خواهان گفتگویی سالم و سازنده شکل گیرد.

بیایید واقع‌بین باشیم؛ چهل و هفت سال پیش، زمانی که خمینی به صحنه آمد، هیچ‌کس از جمله بسیاری از انقلابیونی که علیه رژیم پدرم برخاسته بودند، درکی روشن از سرانجام آنچه او در قالب «ولایت فقیه» پیشنهاد می‌کرد، نداشت. زمانی که دریافتند این طرح در عمل به چه می‌انجامد، دیگر دیر شده بود. از این رو، این بار باید کاملاً مطمئن باشیم که ملت از گزینه‌ها آگاه است و می‌تواند با ذهنی روشن و سنجیده، در نهایت تصمیم خود را بگیرد. بنابراین، وظیفه من نه آن است که در مقام نامزد ظاهر شوم، بلکه آن است که همچون پلی به سوی آن مقصد عمل کنم. نباید پیش از موعد وارد مجادلاتی شوم که مسائل اصلی و بنیادین نیستند.

● **پرسش:** و این مسائل اصلی و بنیادین در حال حاضر کدام‌اند؟

شاهزاده رضا پهلوی: برچیدن این رژیم و جایگزین کردن آن با الگویی سکولار و دموکراتیک. این همان نقطه‌ای است که در آن، گروه‌های گوناگون ایرانی چه پادشاهی‌خواه باشند و چه جمهوری‌خواه، چه در چپ و چه در میانه یا راست، به اتحاد می‌رسند. به گمان من، این بانگ فراخوان ملت است. و تنها نکته‌ای که من پیشنهاد کرده‌ام تا مقصود روشن‌تر شود، این است که سراسر فلسفه ما بر پذیرش سه اصل بنیادین استوار باشد که بتواند ما را در یک هدف مشترک گرد آورد:

اصل نخست، تمامیت ارضی ایران است و این اهمیتی حیاتی دارد.

اصل دوم، بی‌گمان، ضرورت جدایی دین از دولت به‌عنوان پیش‌شرط دموکراسی است. ما این حقیقت را به بهایی سنگین آموخته و هزینه‌اش را پرداخته‌ایم.

و البته مهم‌ترین رکن، آزادی‌های فردی است، و برابری همه شهروندان ایرانی در برابر قانون، و حق آنان برای تعیین سرنوشت خویش از رهگذر یک فرآیند دموکراتیک.

● **پرسش:** دولت انتقالی از چه کسانی تشکیل خواهد شد؟

شاهزاده رضا پهلوی: دولت انتقالی، ترکیبی خواهد بود از شخصیت‌های گوناگونی که هم اکنون در داخل ایران حضور دارند که بسیاری از آنان را به دلایل بدیهی نمی‌توان زود

هنگام معرفی کرد و باید هویت‌شان محفوظ بماند. تیم من با شمار زیادی از چهره‌های دانشگاهی، تکنوکرات‌ها، مدیران اداری و دیگر افرادی که در داخل کشور هستند در ارتباط است. کسانی که می‌توانند خلأ موجود را پُر کنند و در این فرایند نقش داشته باشند. افزون بر این، برخی افراد خارج از ایران نیز که توانمندی‌ها و تخصص لازم برای مشارکت دارند، به این مجموعه خواهند پیوست. این ساختار، وضعیتی ترکیبی خواهد داشت. با این حال، به احتمال زیاد اکثریت اعضا از داخل کشور خواهند بود.

● **پرسش:** اما شما خود را پدر یا رهبر این فرایند می‌دانید، درست است؟

شاهزاده رضا پهلوی: به گمان من، دقیقاً همین است که مردم از من انتظار دارند. زیرا همین نقش است که به آنان آرامش و احساس امنیت می‌بخشد. اینکه کسی هست که پشتشان بایستد و بتواند به تثبیت اوضاع کمک کند. کسی که به او اعتماد دارند، کسی که می‌شناسند و فکر می‌کنم کارنامه من این جایگاه ویژه را برای ایفای چنین نقشی به من می‌دهد. همان‌گونه که گفتم، این خواست خود آنان است که من گام پیش بگذارم. چرا که همواره نبود رهبری را حس می‌کردند و نیاز به جایگزینی داشتند.

● **پرسش:** با فروپاشی رژیم، نگرانی و حتی بیم قابل درکی پدید می‌آید: اگر شرایط بدتر شود چه؟

شاهزاده رضا پهلوی: از آن جا که تغییر رژیم در افغانستان و به ویژه در عراق به نحو نادرستی مدیریت شد، این مفهوم امروز نام و اعتباری ناخوشایند پیدا کرده است. اما تغییر رژیم به خودی خود مفهوم بدی نیست. اینکه در جایی دیگر آن را بد اجرا کرده‌اند، به معنای نادرست بودن اصل راه حل نیست. راه حل همچنان همان تغییر رژیم است.

و از همین رو، اگر کسی مانند دونالد ترامپ بگوید: «منی خواهم حتی یک سرباز به آنجا نفرستیم، نمی‌خواهم بار ماجرای دیگر را بر دوش بکشیم»، پیام محوری ما همواره این بوده است: ما حتی به حضور یک سرباز از نیروهای نظامی شما بر خاک ایران نیاز نداریم. «نیروهای ما در میدان»، مردم ایران‌اند که در خیابان‌های کشور ایستاده‌اند. امروز نیز بر آن نیستیم که حتی یک پنی از مالیات شما برای این هدف هزینه شود. اما شما می‌توانید در حوزه‌های گوناگون به ما یاری رسانید. از جمله با بازکارگیری دارایی‌های مسدودشده‌ای که به مردم ایران تعلق دارد، برای تأمین مالی کارزارهای ما، از جمله اعتصابات کارگری.

● **پرسش:** پیش از آنکه گفتگو را به پایان برسانیم، دو پرسش دارم. نخست اینکه: آیا تهران پس از سقوط رژیم اسلامی به «توافقی‌های ابراهیم» خواهد پیوست؟

شاهزاده رضا پهلوی: بگذارید این گونه بیان کنم، به گمان من، در این جهان تنها دو کشور هستند که می‌توانند از رابطه‌ای مقدس سخن بگویند: ایران و اسرائیل. ریشه این پیوند به دو هزار و پانصد سال پیش بازمی‌گردد. کوروش بزرگ (حدود ۵۳۰ تا ۶۰۰ پیش از میلاد) یهودیان اسیر در بابل را آزاد کرد و آنان را در بازسازی معبدشان در اورشلیم یاری داد.

امروز ایران با بحران‌های جدی آب روبروست. برجسته‌ترین متخصصان این حوزه اتفاقاً دانشمندان اسرائیلی‌اند. بخشی از انگیزه من برای سفر به آنجا، گفتگو با آنان درباره این موضوع و تدوین برنامه‌ای عملی بود تا بتوانیم بی‌درنگ به معضلی رسیدگی کنیم که می‌تواند به بحرانی بزرگ بدل شود. این صرفاً شعار نیست. ایرانیان بر این باورند که با اسرائیل و با همسایگان عرب خود، مشارکتی راهبردی و استوار خواهند داشت تا خاورمیانه بار دیگر به مسیر درست بازگردد. همین امر نیز از جمله دلایلی است که رژیم

هشدار دونالد ترامپ: اگر رژیم ایران به معترضان شلیک کند، آمریکا برای نجات آنها می‌آید



دونالد ترامپ رئیس جمهوری اسلامی

این مواضع کم‌سابقه از سوی ترامپ به عنوان یکی از رهبران قدرتمند دنیا، هشدار واضح به جمهوری اسلامی است که سه روز پس از دیدار او با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل بیان شد. نتانیاهو و سایر مقام‌های این کشور مستقیم و غیرمستقیم بارها خطاب به مردم ایران گفته‌اند از تلاش‌های آنها برای دستیابی به جمهوری اسلامی و «خلاص شدن از شر ملاها» حمایت خواهند کرد.

در واکنش صحبت‌های ترامپ، علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی در «ایکس» نوشت: «با موضع‌گیری مقامات اسرائیلی و ترامپ، پشت صحنه ماجرا روشن شد. ما مواضع کسبهی معترض را از عوامل تخریب‌گر جدا می‌دانیم و ترامپ بداند دخالت آمریکا در این مسئله داخلی برابر است با بهم‌ریختگی کل منطقه و هدم منافع آمریکا. مردم آمریکا بدانند ماجراجویی را ترامپ شروع کرد.» او تهدید کرد: «مراقب سربازان خود باشند.»

مسعود پزشکیان رئیس دولت جمهوری اسلامی ۹ دی‌ماه گفت، «به وزیر کشور مأموریت دادم از مسیر گفت‌وگو با نمایندگان معترضان، مطالبات برحق آنها را بشنود تا دولت با تمام توان برای رفع مشکلات و پاسخگویی مسئولانه عمل کند.» سخنگوی دولت او نیز گفته بود اعتراضات را به رسمیت می‌شناسد اما در جریان اصلی قدرت در ایران که دولت بازوی آن است اعتراضات را به دشمنان و برنامه آنها برای بی‌ثبات‌سازی نظام نسبت می‌دهند.

مرتضی محمودی نماینده مجلس شورای اسلامی ۱۱ دی‌ماه ۱۴۰۴ با اشاره به ادامه اعتراضات در «ایکس» نوشت: «الان دیگر اغتشاش‌ها توسط هسته‌های اوباش‌محور انجام می‌شود، نه مردم معترض! منطق حاکم بر رفتار این طیف، منطق خشونت، تخریب و غارت است نه مطالبه واقعی. لذا برخورد قاطع، سریع و بدون ملاحظات با اوباش و ضدانقلاب ضروری است و این برخورد باید مطالبه عمومی شود.»

● دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا روز جمعه ۱۲ دی‌ماه ۱۴۰۴ با اشاره به اعتراضات ضدحکومتی در ایران، در شبکه اجتماعی «تروت سوشال» نوشت اگر جمهوری اسلامی «به معترضان مسالمت‌جو شلیک کند و آنها را به‌طور خشونت‌آمیز بکشد، که این رویه همیشگی آنها است»، ایالات متحده برای نجات مردم اقدام خواهد کرد.

● ترامپ در این پیام تاکید کرد کشتن خشونت‌آمیز معترضان «رویه همیشگی» حکومت ایران است و واشینگتن در چنین شرایطی واکنش نشان خواهد داد.

● او همچنین اعلام کرد ایالات متحده در «حالت آماده‌باش کامل» قرار دارد و برای اقدام آماده است.

● این مواضع کم‌سابقه از سوی ترامپ به عنوان یکی از رهبران قدرتمند دنیا، هشدار واضح به جمهوری اسلامی است که سه روز پس از دیدار او با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل بیان شد. نتانیاهو و سایر مقام‌های این کشور مستقیم و غیرمستقیم بارها خطاب به مردم ایران گفته‌اند از تلاش‌های آنها برای دستیابی به جمهوری اسلامی و «خلاص شدن از شر ملاها» حمایت خواهند کرد.

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا روز جمعه ۱۲ دی‌ماه ۱۴۰۴ با اشاره به اعتراضات ضدحکومتی در ایران، در شبکه اجتماعی «تروت سوشال» نوشت اگر جمهوری اسلامی «به معترضان مسالمت‌جو شلیک کند و آنها را به‌طور خشونت‌آمیز بکشد، که این رویه همیشگی آنها است»، ایالات متحده برای نجات مردم اقدام خواهد کرد. ترامپ در این پیام تاکید کرد کشتن خشونت‌آمیز معترضان «رویه همیشگی» حکومت ایران است و واشینگتن در چنین شرایطی واکنش نشان خواهد داد.

ترامپ همچنین اعلام کرد ایالات متحده در «حالت آماده‌باش کامل» قرار دارد و برای اقدام آماده است.

➔ ایران «توافقی‌های ابراهیم» را به شکست کشاند و در صدد تخریب آن برآمد.

● پرسش: آخرین پرسش من درباره پدرتان، «شاه» است. او محبوب همگان نبود و می‌توان گفت دموکرات‌گریزی هم به شمار می‌رفت. آیا می‌پذیرید که او مرتکب خطاهایی شد؟ و شما از چه جهاتی با پدرتان متفاوت هستید؟

شاهزاده رضا پهلوی: بی‌تردید خطاهایی رخ داده است. هیچ کس منکر آن نیست. اما وقتی به نیت‌ها و نیز به شرایط آن روزگار می‌نگرید، و در نظر می‌آورید که همه این رویدادها در بستر جنگ سرد اتفاق افتاد، دورانی که ما پیوسته زیر فشار نیروهای کمونیستی، مارکسیستی و اسلام‌گرا بودیم، درمی‌یابید که همین فشارها، در نهایت، به ظهور این رژیم اسلامی انجامید.

امروز، اگر با نگاهی واپس‌نگرانه به مسیری بنگریم که او می‌کوشید ملت را در آن به پیش برد، میزان قدردانی از نیت‌هایش در ایران و سطح محبوبیتش به مراتب بیش از هیاهوی محبوبیتی است که شاید در همان زمان از آن برخوردار بود. چرا؟ زیرا هنگامی که مردم به گذشته می‌نگرند و می‌بینند کشور از حیث نوسازی و آزادسازی به کدام سو می‌رفت، حقوقی را که زنان داشتند به یاد می‌آورند، و این واقعیت را می‌بینند که در ایران مسائلی وجود نداشت که کسی را به سبب تعلق به یک اقلیت دینی، خواه یهودی، خواه بهایی یا هر گروه دیگر، از حقوقش محروم کند. با این همه، در عین اذعان به این نکات، می‌گویم: بله، شاید مهم‌ترین نقد وارد آن باشد که سطح آزادسازی سیاسی همپای میزان گشایش اقتصادی پیش نرفت.

بی تردید خطاهایی رخ داد. اما باید بپذیرید که مخالفان پدرم نیز دچار اشتباهات و محاسبات نادرست بزرگی شدند. مقصود از همه این سخنان آن است که امروز که می‌نشینیم و به آینده خود می‌نگریم، این پرسش اساسی پیش روی ماست: آیا قرار است خطاهای گذشته را بار دیگر تکرار کنیم؟

● پرسش: به نظر شما چه زمانی به ایران بازخواهید گشت؟

شاهزاده رضا پهلوی: امیدوارم هرچه زودتر. من باید آنجا باشم تا به هم میهنانم یاری رسانم. به دلایل روشن اکنون نمی‌توانم در ایران حضور داشته باشم. زیرا هدف شماره یک این رژیم هستم و می‌کوشند مرا از صحنه حذف کنند. اما می‌دانید چیست؟ پوس‌ت کلفتی دارم. برای یک آرمان درست باید آماده فدا کردن جان بود. دوست دارم در کنار برادران و خواهرانم باشم و در واپسین نبردها همراهشان بجنگم. و خود را آماده کرده‌ام تا در همان لحظه‌ای که فرصت فراهم شود، قدم به میدان بگذارم.

● پرسش: و نه به عنوان شاه، و نه برای نامزدی در انتخابات؟

شاهزاده رضا پهلوی: این را بارها گفته‌ام: دغدغه من قرار گرفتن در مقام حکومت یا اقتدار نیست. اداره امور کشور را به دیگران می‌سپارم. گمان می‌کنم نقش من بسیار ژرف‌تر و ارزشمندتر از آن است که در یک منصب اجرایی مشخص محصور شود.

می‌دانید، بازگشت ملت به حالت عادی زمان می‌برد. ملتی که سخت آزرد، افسرده، دلسرد، فریب خورده و دروغ شنیده است. مسائل اقتصادی، بخش آسان‌تر کار است. اما ترمیم روانی و سازگاری با این واقعیت، دست کم چند نسل زمان خواهد برد. این وضعیتی شبیه به «اختلال پس از سانحه» است. زنی که مورد تجاوز قرار گرفته باشد، هرگز همان زنی پیشین نخواهد شد. یک ملت مورد تجاوز قرار گرفته، و غلبه بر پیامدهای آن برای مردم، زمان می‌برد.

متن کامل مقاله شاهزاده رضا پهلوی در واشنگتن پُست: ایران آماده گذارِ دموکراتیک، رژیم از هم گسیخته، و اپوزیسیون هماهنگ است؛ لحظه تعیین کننده نزدیک می شود



● ایران با آغاز سال ۲۰۲۴، در آستانه دگرگونی ژرفی قرار گرفته است. ایرانیان در سراسر کشور، از بازار بزرگ تهران گرفته تا شهرها، بخش‌ها و روستاهای دور از پایتخت، جان بر کف نهاده‌اند تا آینده خود را بازپس گیرند. پیام آنان بی‌ابهام است: جمهوری اسلامی مشروعیت خود را از دست داده و پس از نزدیک به ۴۷ سال، کشور خواهان آزادی است.

● تمامیت ارضی ایران، پاسداشت آزادی‌های فردی و برابری همه شهروندان، و جدایی دین از دولت. این سه اصل باید با فرایندی از آشتی ملی و برگزاری همه‌پرسی برای تعیین صورت نهایی نظام دموکراتیک آینده پشتیبانی و استوار شود.

● برای رهبری و خدمت در این جایگاه گام پیش نهاده‌ام: نه به‌عنوان فرمانروایی در انتظار قدرت، بلکه به مثابه امانت‌دار یک گذار ملی به دموکراسی. نقش من گردآوردن نیروهای گوناگون دموکراتیک ایران است.

● شجاعت این مردان و زنان، لایق بیش از همدردی است. به موضعی روشن، آمادگی و رهبری مسئولانه نیاز دارد هم در درون ایران و هم در میان آنان که بر صحنه امور جهانی اثر می‌گذارند.

● جمهوری اسلامی ایران، امروز از هر زمان دیگری از سال ۱۹۷۹ بدین سو، ضعیف‌تر و دچار شکاف‌های عمیق‌تر است. واکنش آن به اعتراض‌های مسالمت‌آمیز، بازداشت‌های گسترده، اعدام‌ها و سرکوب نشان می‌دهد که رژیم هراسان است.

● آزادی ایران تنها به بازگرداندن کرامت به ایرانیان محدود نخواهد شد. بلکه سودی عظیم برای صلح جهانی به همراه خواهد آورد. منافعی با ابعادی که تصور آن نیز دشوار است.

● تاریخ به ندرت نقاط عطف خود را از پیش اعلام می‌کند. اما امروز نشانه‌ها بی‌ابهام‌اند. مردم ایران با شجاعت و عزم راسخ به پیش می‌روند. آنچه اکنون نیاز دارند، جهانی است که برای پشتیبانی از گذاری مسئولانه آماده باشد. اکنون زمان آن فرا رسیده است.

شاهزاده رضا پهلوی در مقاله‌ای در روزنامه واشنگتن پُست که ششم ژانویه ۲۰۲۵ برابر با ۱۶ دی‌ماه ۱۴۰۴ منتشر شده با اشاره به آغاز دور جدید اعتراضات سراسری در ایران، این اعتراضات را همچون نقطه عطف تاریخی ارزیابی کرده و تأکید کرده اعتراضات شجاعانه مردم ایران نیازمند حمایت جهانی برای گذار مسئولانه از جمهوری اسلامی است. شاهزاده رضا پهلوی افزوده «آزادی ایران تنها به بازگرداندن کرامت به ایرانیان محدود نخواهد شد. بلکه سودی عظیم برای صلح جهانی به همراه خواهد آورد. منافعی با ابعادی که تصور آن نیز دشوار است.»

او همچنین تأکید کرده نه به‌عنوان فرمانروایی در انتظار قدرت، بلکه به مثابه امانت‌دار یک گذار ملی به دموکراسی به جایگاه «رهبری» اعتراضات گام نهاده است. شاهزاده رضا پهلوی بار دیگر به سه اصل تمامیت ارضی ایران، پاسداشت آزادی‌های فردی و برابری همه شهروندان، و جدایی دین از دولت به‌عنوان سه اصلی که «باید با فرایندی از آشتی

اینکه تنها نیستند اهمیتی اساسی دارد. و برای رژیم، این یادآوری است که ارباب، دیگر تضمین بقا نیست. ما نمونه این واقعیت را در ونزوئلا دیدیم.

جمهوری اسلامی ایران، امروز از هر زمان دیگری از سال ۱۹۷۹ بدین سو، ضعیف‌تر و دچار شکاف‌های عمیق‌تر است. واکنش آن به اعتراض‌های مسالمت‌آمیز، بازداشت‌های گسترده، اعدام‌ها و سرکوب نشان می‌دهد که رژیم هراسان است. بنا بر گزارش نهادهای حقوق بشری، دست‌کم ۱۵۰۰ اعدام از ژانویه تا اوایل دسامبر سال گذشته صورت گرفته است. افزایشی چشمگیر نسبت به سال ۲۰۲۴. اقلیت‌های دینی، مسیحیان، یهودیان و بهاییان با آزار و تعقیب نظام‌مند روبرو هستند. خشونت رژیم نشانه ماندگاری آن نیست، بلکه رفتار سامانه‌ای است که برای حفظ کنترل، دست و پا می‌زند.

با وجود این فشارها، مردم ایران ایستادگی می‌کنند. در روزهای اخیر، اعتراضات در نزدیک به همه استان‌ها و در بیش از ۱۰۰ شهر کشور گسترش یافته است. معترضان نام مرا در کنار شعارهای آزادی و وحدت ملی فریاد می‌زنند. من این را دعوتی برای تصاحب قدرت تعبیر نمی‌کنم. بلکه آن را به عنوان مسئولیتی عظیم بر دوش می‌گیرم. این بازتاب آن است که در درون ایران، این درک شکل گرفته که ملت ما به چهره‌ای وحدت‌بخش نیاز دارد تا به هدایت گذار از استبداد و حرکت به سوی آینده‌ای دموکراتیک که به دست خود مردم برگزیده می‌شود، یاری رساند.

از این‌رو، برای رهبری و خدمت در این جایگاه گام پیش نهاده‌ام: نه به‌عنوان فرمانروایی در انتظار قدرت، بلکه به مثابه امانت‌دار یک گذار ملی به دموکراسی. نقش من گردآوردن نیروهای گوناگون دموکراتیک ایران است. پادشاهی‌خواهان و جمهوری‌خواهان، سکولارها و دینداران، کنشگران و متخصصین، شهروندان عادی و اعضای نیروهای مسلحی که می‌خواهند ایران بار دیگر کشوری با ثبات و مستقل

ملی و برگزاری همه‌پرسی برای تعیین صورت نهایی نظام دموکراتیک آینده پشتیبانی و استوار شود» تأکید کرده است. شاهزاده رضا پهلوی به دولت‌های خارجی گفته «به تماشای تولد «ایران نو» بسنده نکنید. با ما همراه شوید تا تضمین کنیم این زایش، مسالمت‌آمیز، باثبات و درخور فداکاری‌هایی باشد که مردمش روا می‌دارند.»

متن کامل مقاله شاهزاده رضا پهلوی در روزنامه واشنگتن پُست را در ادامه می‌خوانید:

«شاهزاده رضا پهلوی از رهبران اپوزیسیون دموکراتیک ایران می باشد. او فرزند ارشد محمدرضا پهلوی، پادشاه فقید ایران است.»

ایران با آغاز سال ۲۰۲۴، در آستانه دگرگونی ژرفی قرار گرفته است. ایرانیان در سراسر کشور، از بازار بزرگ تهران گرفته تا شهرها، بخش‌ها و روستاهای دور از پایتخت، جان بر کف نهاده‌اند تا آینده خود را بازپس گیرند. پیام آنان بی‌ابهام است: جمهوری اسلامی مشروعیت خود را از دست داده و پس از نزدیک به ۴۷ سال، کشور خواهان آزادی است.

شجاعت این مردان و زنان، لایق بیش از همدردی است. به موضعی روشن، آمادگی و رهبری مسئولانه نیاز دارد هم در درون ایران و هم در میان آنان که بر صحنه امور جهانی اثر می‌گذارند.

زیرا آزادی ایران تنها به بازگرداندن کرامت به ایرانیان محدود نخواهد شد. بلکه سودی عظیم برای صلح جهانی به همراه خواهد آورد. منافعی با ابعادی که تصور آن نیز دشوار است.

از همین روست که من از حمایت روشن و قاطع رئیس‌جمهور دونالد ترامپ از مردم ایران استقبال می‌کنم. پیام او، اینکه ایالات متحده در کنار آنهایی می‌ایستد که در پی آزادی‌اند، نه در کنار رژیمی که ترور و بی‌ثباتی را صادر می‌کند، در درون ایران بازتابی عمیق یافته است. برای معترضان که با زندان، شکنجه یا مرگ روبرو هستند، دانستن

باشش

پالانچی پهلوان

خبراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۱۸۰) آبان ۱۳۸۶

افراطی مشابه فاشیسم در حال حاضر یک دولت دارد و آن هم حکومت ایران است.

دیک چینی معاون رئیس جمهوری آمریکا هشدار داد که اگر رژیم ایران به عملیات غنی‌سازی اورانیوم خاتمه ندهد پیامدهای وخیمی برای ایران در بر خواهد داشت. آمریکا و متحدانش اجازه نخواهند داد یک رژیم افراط‌گرای حامی تروریسم به زیاده‌طلبی‌های خطرناک خود ادامه دهد.

بی‌اعتنا به این وقایع خارجی و داخلی و بدون اندک هراسی از تهدیدهای دشمن، سپاهی سابق و رئیس جمهوری لاحق - آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد - مثل شیر شربه، محکم بر جای خود نشسته است و می‌گرد که ما را از این تهدیدها و تحریم‌ها باکی نیست. به میدان بیایید تا نشانان دهیم که ترسو کیست.

خان بزرگ بر کرسی ریاست ایل در خیمه نشسته بود و به گزارش کدخدایان و حساب و کتاب رعایا رسیدگی می‌کرد. خبر آوردند که لشکر مهاجم به آن حدود تاخته و قبایل مجاور را سرکوب ساخته و عنقریب است که بر ایل هجوم آورد. خان گفت جرأت دارند بیایند تا دماغشان را به خاک مالیم و پوست از سرشان بکنیم.

لشکر مهاجم نزدیک شد. خبر به خان دادند. اعتنا نکرد. تهاجم آغاز شد. لشکر مهاجم هر که را بر سر راهش قرار گرفت کشت و هرچه را بر سر راه دید غارت کرد. اطرافیان خان همه گریختند و تنها او بود که از سر جایش تکان نخورد.



وقتی غائله فروخت و مهاجمان رفتند و فراریان بازگشتند، خان را همچنان برجای خود استوار دیدند. زبان به مدح او گشودند و خود را ملامت‌ها کردند که چرا جرأت و جلالت از خان بزرگ نیاموخته‌اند.

از خان خواستند که برخیزد و بیرون آید تا چشم همگان به مشاهده جمال بی‌مثالش روشن شود.

خان گفت: تنبان بیاورید که تا تنبان عوض نکنم از جای نتوانم جنبیدن!

سایت خبری و تحلیلی «بازتاب» را بستند. جرمش این بود که اسرار هویدا می‌کرد. خبرهای خانگی را به خارج درز می‌داد.

یکی از آخرین خبرهای «بازتاب»، در آخرین روزهای عمرش، این بود:

«شب گذشته در میدان هروی، زمانی که پدر و مادر یک جوان ۲۷ ساله به نام آرش به منزل خود مراجعت می‌کنند با جسد حلق‌آویز شده فرزندشان از حفاظ پنجره مواجه شده و فوراً مأمورین کلانتری را در جریان حادثه قرار می‌دهند.

با گزارش موضوع به قاضی محمد شهریاری، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنائی تهران، تحقیقات در این زمینه آغاز و مشخص می‌شود که آرش مسافرش بوده و از طریق مسافرش به امرار معاش ۲ خانوار می‌پرداخته که به علت نداشتن بزمین و عدم توانایی کسب درآمد، خود را در منزل پدرش حلق‌آویز کرده و به زندگی خود پایان داده است. تحقیقات قاضی جهت کشف ابعاد مختلف این حادثه در شعبه هفتم بازپرسی دادسرای جنائی آغاز شد».

این از داخل.

و اما چند خبر از خارج:
لئونید فدون نایب رئیس کمپانی نفتی «لوک اویل» روسیه اطلاع داد که کار بر روی بلوک «اناران» در غرب ایران که در چهارچوب مؤسسه مشترک «لوک اویل» و «هیدرو» انجام می‌گرفت متوقف شد. او گفت ما معدن بزرگی را در این منطقه کشف کردیم اما به دلیل تحریم‌های آمریکا در مورد

سرمایه‌گذاری بیش از ۲۰ میلیون دلار از سوی کمپانی‌های خارجی در صنایع نفت و گاز ایران، نمی‌توانیم کار را آغاز کنیم. معدن «آذر» در بلوک «اناران» در تابستان سال ۲۰۰۵ کشف شد و ذخایر آن در حدود ۲ میلیارد بشکه ارزیابی می‌شود.

تونی بلر نخست‌وزیر پیشین انگلستان گفت جهان با وضعی مشابه ظهور فاشیسم در سالهای ۱۹۲۰ روبروست و در برابر چنین تهاجمی نباید عقب‌نشینی کرد. ایدئولوژی

باشد؛ بر گرد اصول مشترک تمامیت ارضی ایران، پاسداشت آزادی‌های فردی و برابری همه شهروندان، و جدایی دین از دولت. این سه اصل باید با فرایندی از آشتی ملی و برگزاری همه‌پرسی برای تعیین صورت نهایی نظام دموکراتیک آینده پشتیبانی و استوار شود.

بسیاری نگران‌اند که گذار ایران به آشوب، ازهم گسیختگی یا بی‌ثباتی طولانی مدت، همچون آنچه در عراق یا افغانستان رخ داد، بیانجامد. این نگرانی بجاست و دقیقاً از همین روست که آمادگی و پیش‌بینی، اهمیتی تعیین‌کننده دارد.

طی چند سال گذشته، من «پروژه شکوفایی ایران» را بنیان نهاده‌ام. شبکه‌ای رو به گسترش و متشکل از بیش از یکصد کارشناس ایرانی در حوزه‌های اقتصاد، حقوق، انرژی، حکمرانی، بهداشت عمومی و زیرساخت؛ این گروه، به طور مشترک، برنامه‌هایی دقیق و بخش به بخش برای گذار منظم تدوین کرده‌اند. گذاری که خدمات حیاتی را حفظ کند، اقتصاد را تثبیت نماید و اعتماد را در داخل و خارج از کشور بازسازی کند. این تلاش‌ها با رایزنی‌های مستمر با رهبران و مدیران برجسته کسب و کار در سطح بین‌المللی تکمیل می‌شود. کسانی که به خویی می‌دانند احیای اقتصادی و مدیریت درست در عمل چه اقتضائاتی دارد، نه صرفاً در نظریه.

عامل دیگر ثبات، همکاری با کسانی است که در درون رژیم هستند و از آن گسست می‌کنند. ما خطاهای «بعث‌زدایی» در عراق را تکرار نخواهیم کرد. تیم من برای آن دسته از افراد حاضر در نهادهای خود رژیم که می‌خواهند از رژیم آخوندی فاصله بگیرند و از ایرانی دموکراتیک پشتیبانی کنند، مجاری امن و محرمانه‌ای برقرار کرده است.

این ابتکار که از طریق پربیننده‌ترین شبکه خبری ماهواره‌ای ایران، «ایران اینترنشنال»، پخش شد، به تیم من امکان داده است تا یک بستر امن راه‌اندازی کند. بستری که از طریق آن اعضای نیروهای مسلح، دستگاه‌های امنیتی و نهادهای دولتی بتوانند به طور محرمانه آمادگی خود را برای جدا شدن از رژیم در حال فروپاشی و همسویی با مردم ایران اعلام کنند. تاکنون ده‌ها هزار نفر از این مجرا وارد شده‌اند. گواهی روشن بر گسترده‌ی نارضایتی در صفوف رژیم و بر این واقعیت که بسیاری در درون نهادهای ایران آماده‌اند نقشی‌سازنده در گذار مسالمت‌آمیز ایفا کنند.

خلاء قدرتی در کار نخواهد بود. در هر جا که ممکن باشد، تداوم نهادها حفظ می‌شود. هر جا که لازم باشد، پاسخگویی برقرار خواهد بود و فرایند قانون اساسی، به گونه‌ای شفاف و زیر نظارت بین‌المللی، اجرا خواهد شد تا ایرانیان از هر نسلی، برای نخستین بار بتوانند خود درباره نظام حکمرانی خویش تصمیم بگیرند.

پشتیبانی از مردم ایران نه عملی خیرخواهانه است و نه مداخله‌جویانه. بلکه سرمایه‌گذاری در ثبات جهانی است. جمهوری اسلامی طی نزدیک به ۴۷ سال، به منازعات منطقه‌ای دامن زده، به باج‌گیری هسته‌ای پرداخته و آشوبی فراگیر در عرصه بین‌المللی پدید آورده است. ایران آزاد و دموکراتیک، نیرویی برای ثبات در خاورمیانه خواهد بود نه سرچشمه‌ای برای بحران‌های بی‌پایان.

تاریخ به ندرت نقاط عطف خود را از پیش اعلام می‌کند. اما امروز نشانه‌ها بی‌ابهام‌اند. مردم ایران با شجاعت و عزم راسخ به پیش می‌روند. آنچه اکنون نیاز دارند، جهانی است که برای پشتیبانی از گذاری مسئولانه آماده باشد. اکنون زمان آن فرا رسیده است.

به تماشای تولد «ایران نو» بسنده نکنید. با ما همراه شوید تا تضمین کنیم این زایش، مسالمت‌آمیز، باثبات و درخور فداکاری‌هایی باشد که مردمش روا می‌دارند.



یادی از هنرمندان مشهور و شیرینکاریهای آنان در محافل خصوصی

(تاریخ نشر در کیهان لندن: اسفند ۱۳۸۱ و فروردین ماه ۱۳۸۲ - شماره‌های ۹۴۷ - ۹۵۰)



خاطراتی چند از تلویزیون ایران (بایان)

عزت الله متوجه

«بابک را به حيله گرفتار کردند. خليفه المعتمصم بالله گویی هنور باور نمی کرد مردی که ۲۲ سال خلفای عباسی را گرفتار جنگ و آشوب و نگرانی کرده است اسیر شده باشد. وقتی که او را به بغداد آوردند شبانه بطور ناشناس به زندان رفت و او را دید ...»

امیر المؤمنین دژخیم خواست تا دست و پاهای او را ببرد. بفرمود تا دژخیم او را که «نود نود» بود بخواندند... چون فراز آمد امیرالمؤمنین فرمان داد تا هر دو دست بابک را

گوشی مختصری در حدود ۹۰ درصد مبتلا شده است در عوض عزت الله متوجه هم زبان شیرین و هم قلم نمکین خود را حفظ کرده و به تشویق پسرش همایون خاطراتی را از بیست سال همکاری با تلویزیون روی کاغذ آورده است که در چند شماره خواهید خواند.

نحوه کشته شدن او از تواریخ ذکر کردم پس از پایان برنامه تلفنچی تلویزیون به من گفت که آقای بسیار عصبانی می خواهد با شما صحبت کند.

از صدا و طرز صحبت به نظر می آمد که مرد مسنی است و اهل مطالعه و با سواد میگفت به چه مناسبت از بابک خرم دین کافر چنین و چنان در تلویزیون یک کشور اسلامی تجلیل کرده ای؟! با عرض ادب گفتم من درباره اعتقادات او صحبت نکرده ام بلکه درباره مردانگی او و مردانه جان

نام و چهره عزت الله متوجه را نسل اول مهاجرین بعد از انقلاب از یاد نبرده اند. او یکی از چهره های سرشناس تلویزیونی بود که شهرت خود را با اجرای موفقیت آمیز برنامه های هوش آزمایی و مسابقات ادبی حاصل کرد. متوجه اینک دوران سوم زندگی را در سواحل نورماندی (فرانسه) می گذراند و دچار گرانشی است یا به قول خودش به گران

چون در خاطرات ذکر می از هوایمایی ملی ایران و برنامه «هما» به میان آمد. در اینجا باید از دو انسان ارجمند یاد کنم که اینک هر دوی روی در نقاب خاک کشیده اند.

تیمسار سپهبد علی محمد خادمی مدیر عامل هوایمایی ملی ایران که انسانی بود به تمام معنی درویش درستکار و کم نظیر و این قولی است که جملگی برآند. بارها با من یک لاقبا نرد مجانی زده و برده یا باخته هنگامی که در مهر یا آبان ۱۳۵۷ خودکشی کرد و برای اولین بار در مجلس پرسه بخانه اش رفتیم و آن را با خانه بزرگان دیگر مقایسه کردم به میزان پاکی و درستی او پی بردم در حالی که سالی پانصد میلیون تومان درآمد «هما» در اختیار او بود.

دیگر شادروان علی اصغر عزیزی رئیس روابط عمومی «هما» و در اواخر معاون آن سازمان بود. وی نیز از عاشقان ایران و مردی بسیار دانشمند و نازنین بود. پس از جمهوری اسلامی به اتریش آمد و در ۱۹۹۲ در وین درگذشت.

همچنین باید از تیمسار سرلشکر علی اصغر رفعت معاون هوایمایی ملی ایران که بعدها مدیر عامل شرکت «آسمان» شد یاد کنم وی نیز از مردان کم نظیر و به قول فردوسی «نژاده ایست که مانند او را کمتر دیده ام به برنامه های من لطفی داشت و بسیاری از شرکت کنندگان در برنامه ها به لطف او تهران را با هوایمهای شرکت «آسمان» از آسمان دیده اند. هر کجا هست خدایا سلامت دارش.

در پایان این قسمت باید از دوست ارجمند محسن باقرزاده مدیر عامل شرکت تی بی تی یاد کنم که همواره جوایزی به شرکت کنندگان میداد و به لطف او بسیاری از آنان به نقاط مختلف ایران سفر کردند و مهمان تی بی تی بودند.

اگر از دیگران یاد نکرده ام به علت کمی حافظه است و بهر حال اینک که به قول جامی نه از تاک نشان مانده است و نه از تاکستان و تصور مدهانه ای نمی رود از درگذشتگان و ماندگان یاد کردم تا شاید به میزانی ناچیز از لطف آنان تشکر نموده باشم.

این خاطرات همگی مربوط به زمانی است که هنوز برنامه ها ضبط نمی شد.

یا به اصطلاح امروز «ویدئویی و قابل کنترل نبود و گر نه بعدها که برنامه ها قبلا ضبط و کنترل میشد دیگر مشکلی نبود و در مورد سوالات هم به دلیل اینکه دقت بسیار میکردم و ماخذ همگی مستند و مورد اطمینان بودند مشکلی پیش نمی آمد.

بهر حال شبی از شرکت کننده ای پرسیدم بابک خرم دین که بود؟ و پس از جواب او توضیح دادم که بابک خرم دین از چهره های درخشان ضد تازی در ایران است و سالها با خلفای غاصب عباسی جنگیده است. و شرحی در مورد



قطع کند خونسردی و بی پروایی دلبرانه ای که بابک در مواجهه با مرگ نشان داد شایسته قهرمانان بود. گویند چون بابک بر معتصم در آمد. برادرش هم بدانجا بود.

وی را گفت ای بابک کاری کردی که کس نکرد اکنون صبری کن که دیگری نکرده باشد. گفت: «خواهی دید که صبر چگونه کنم چون یک دستش بریدند دست دیگر در خون خود زد و در روی خود مالید و همه روی خود را از خون سرخ کرد و گفت «آسانیا» (یعنی آسان است)

معتصم گفت ای سگ این بهر چه کردی؟ گفت شما هر دست و پای من بخواهید برید و گونه روی مردم از خون سرخ باشد. خون از روی پرود زرد گردد. من روی خویش از خون خود سرخ کردم تا چون خون از تنم بیرون شود نگویند که رویش از بیم زرد شد. «(از کتب «دو قرن سکوت» و «از پاریز تا پاریس» نقل کرده ام)

باختن او حرف زده ام و مواجهه او با مرگی چنین دهشت انگیز واقعا شاهکاری است از مردانگی و نیروی اراده و ما که پس از ۱۲۰۰ سال این واقعه حقیقی را میخوانیم لرزه براندامان می افتد. از سیاست نامه خواجه نظام الملک متعصب بر سنت گفته ام از شذرات الذهب» گفته ام و از سایر مراجع اسلامی و چنین مردانگی تا بحال از که دیده اید؟ و آنچه گفته ام از قول مورخین متعصب و طبعاً مغرض اسلامی است که اینک بزرگان ادب و تاریخ ایران از قبیل علامه دهخدا در لغت نامه و شادروان سعید نفیسی در ماه نخشب و استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب در کتاب دو قرن سکوت و استاد ذبیح الله صفا در مجله ارتش و غیره باز آوری کرده اند. یاد همه این استادان گرانقدر گرامی باد. بد نیست آنچه را که آنش در تلویزیون گفته ام برای عاشقان ایران تکرار کنم:



صحبت کردن هم معرکه ای بود. شبی در هتل هیلتون شب نشینی مفصلی بود که بسیاری از وزرا و رجال بودند و اداره برنامه با من بود.

یکی از دوستان آمد که آقای مهندس کورس آموزگار وزیر آبادانی و مسکن اینجاست و آدمی است بیش از حد جدی و خنده او را کمتر دیده اند. حسین ملک باغی در کرج داشت که در آن زندگی می کرد و درختان میوه فراوانی داشت. از نظر مساحت زمین مشکلی با ثبت کرج داشت. سوژه جالبی بدست آمده بود. شادروان سپهبد خادمی، مدیر عامل هواپیمایی ملی هم که میزبان بود طبعاً حضور داشت. به سراغش رفتم و گفتم همسار، حسین ملک مشکلی دارد که به دست آقای آموزگار حل می شود. لطفاً شما هم بیایید. البته به تیمسار زمینه را گفته بودیم و باید بگویم که سابقاً این بلا را به سر خودش هم آورده بودیم. زنده یاد دکتر عزیزی هم به ما ملحق شد و چهار نفری به سراغ آقای آموزگار رفتیم.

گفتم «جناب وزیر، آقای ملک که از هنرمندان هستند و امشب هم برنامه خواهند داشت مشکلی دارند که به دست شما حل می شود. استدعا دارم لطفی بفرمائید.» با همان قیافه جدی و ضمناً متعجب که اینجا جای این گونه مسائل نیست گفت بفرمائید.

گفتم اجازه بفرمائید خودش برایتان بگوید. حسین ملک شروع کرد که «جناب وزیر من باغی در کرج دارم که... و البته ... ضمناً شهرداری کرج ... و چون اداره ثبت... اما همسایگان... و شما بهتر می دانید که... و حتی... و البته دیگران هم... استدعا دارم...»

مدت یکی دو دقیقه صحبت کرد و چون نیم جمله را درست میگفت و بقیه بی سر و ته بود کسی چیزی از آن نمی فهمید مجسم کنید قیافه وزیر جدی و ابروهای در هم رفته او را بالاخره تیمسار خادمی دوام نیاورد و به قول معروف زد زیر خنده و آنقدر خندید که اشک از چشمهایش سرازیر شد. حالت بعدی جناب وزیر را نمی دانم بهر حال توضیح دادم که چون شب نشینی است شوخی بود و فرار کردم.

خاطره ای دارم از شب نشینی در منزل خودم. استاد فقید ضرب، شادروان حسین تهرانی به من لطفی داشت شبی از او دعوت کردم که به اتفاق استاد فرامرز پایور به منزل ما بیایند و بزمی داشته باشیم. با محبت بسیار قبول کرد. اما در این میان رفقا خبردار شدند و طبق معمول ایرانی هر کس هم دیگری را خبر کرد و بجای بزم چند نفره بیست و چند نفر شدند. بهر صورت نوشیدند و گپ زدند و پس از ساعتی استاد اشاره کرد. مجلس را ساکت کردیم و ضمن تشکر از لطف آنان هر دو استاد شروع به نوازندگی کردند.

دقایقی گذشت و سکوت بود و لذت بردن از هنر اساتید یگانه در منزل ما سگ کوچکی بود از نژاد پکینوا. نمی دانم چه اتفاقی افتاد که از بیرون سالن، یکباره به واق واق شدید افتاد و منوچهر نوذری که سرش از باده ناب گرم بود در همین هنگام و بی معطلی گفت:

«بر همکار بد لعنت.» مجلس بهم خورد و همه حضار بشدت خندیدند. نتیجه این شد که استادان قهر کردند و بساط را جمع کردند و شام نخورده رفتند. به دنبالش به خیابان دویدم و هرچه التماس کردم به جایی نرسید و هنوز هم از این تصادف واقعا شرمندم ام. استاد حسین تهرانی واقعا هنرمندی بی نظیر بود. هم در ضرب و هم در مجلس آرای و لطیفه و جوک گویی. همیشه لطیفه های دست اولی داشت و با قیافه ای بسیار جدی لطیفه می گفت و همه را به غش و ریشه می انداخت و خودش هرگز نمی خندید.

پایان

گاه بر سبیل استمرار شهباز از حافظ و سعدی و مولانا و عراقی پشت سرهم اشعاری میخواند و بلافاصله بسراغ ترجیع بند مشهور هاتف اصفهانی می رفت و آن را از اول تا به آخر میخواند و تا رفقا میخواستند رشته کلام را از او بگیرند بسراغ لرد بایرون و شکسپیر و هوگو و اسکار وایلد می رفت و بازهم تا رفقا می گفتند بحمد الله خسته شده است و نفسی تازه خواهد کرد رشته کلام را از او خواهیم گرفت. شعر چالوس دکتر علی آبادی و پس از آن قطعه شعری نو از فروغ فرخ زاد.

واقعا خدایش حفظ کند. کمتر حافظه ای بدین قدرت و وسعت حرکت در جهات مختلف اندیشه دیده ام.

اگر دوستی می خواست در جمع اظهار وجودی کند و مثلاً نامی از وحشی بافقی می آورد بلافاصله حسن رشته کلام را از او می گرفت و می گفت بلی وحشی در ترکیب بند زیبایش گفته است... و شروع می کرد این ترکیب بند مفصل را از ابتدا تا انتها می خواند و نمی دانم چگونه می توانست از این ترکیب بند به مسمط منوچهری بپردازد و خیزید و خز آرید که هنگام خزان است را از ابتدا تا انتها بخواند. واقعا خدایش حفظ کند که هیچ محفلی بدون او صفایی ندارد و چه شها که در خانه زیبایش در خیابان قبادیان و با جمع هنرمندان شور و حالی داشته ایم.

یکی از دوستانی که اغلب در جلسات ما بود مرحوم مهدی سهیلی است که به علت کارش در رادیو واقعا در شعر حافظه ای توانا داشت و البته خودش هم شاعر بود و ضمناً در لطیفه و جوک گویی استادی کم نظیر حال مجسم کنید جلساتی را که این دو نفر در آن بودند و تکلیف بقیه را که باید از ابتدا تا انتها ساکت باشند و گوش کنند و باید قبول کنم که از آن جلسات لذت بخش تر به عرم نداشته ام.

منوچهر نوذری را همه شما می شناسید. برنامه های صبح جمعه رادیو تا آخرین روزهای قبل از تغییر اوضاع با او بود و واقعا هنرمندی است. کم نظیر اما حسین ملک علاوه بر سنتور در شوخ طبعی و مجلس آرائی یگانه بود. وی تخصصی داشت در زبان فرانسه زبان فرانسه ای که او حرف می زد زبانی بود که همه فرانسه دانها قبول می کردند زبان فرانسه است اما از آن چیزی نمی فهمیدند. چندین کلمه فرانسه را ضمن کلمات به بی سرو تهی به هم می چسباند و سرعت می گفت و طرف حاج و واج که این چگونه زبان فرانسه ایست که وی چیزی از آن نمی فهمد.

شبی در پاریس در یک مهمانی به حضور شهبانو، که به زبان فرانسه بسیار مسلط هستند. می رود و شروع می کند به فرانسه صحبت کردن پس از دقیقه ای بالاخره شهبانو آقای بوشهری را صدا میکند که «آقای بوشهری بیایید و کمک کنید. آقای ملک فرانسه صحبت می کند ولی متأسفانه معلومات من در حدود درک مطالب نیست.»

وی واقعا در شوخی و مجلس آرائی همتا نداشت. به یاد دارم به مناسبت افتتاح خط هوایی تهران - توکیو به ژاپن رفته بودیم و عده ای مهمان «هما» بودیم. حسین ملک هم با ما بود و قرار بود در توکیو برنامه مخصوصی از سنتور نوازی با لباسهای محلی اجرا شود. روزی به یکی از فروشگاههای بزرگ توکیو برای بازدید و خرید رفته بودیم حسین ملک با دختران فروشنده به ژاپنی شروع به صحبت کرد و با چند کلمه ژاپنی که یاد گرفته و میان کلمات بی سرو ته به کار می برد بقدری ادا و اطوار آمد و حرف زد که تمام دختران فروشنده شیدا به خنده افتادند و از اطراف بدور او جمع شدند و کار فروشگاه بهم خورد. بالاخره مدیر فروشگاه آمد و چون او هم چیزی نفهمید مقداری جایزه به ما داد و خوش و خرم اخراجمان کرد.

خاطره بسیار جالبی از او دارم وی در این زمینه در فارسی

در اینجا از استاد فقید و پرتوان و پرکار سعید نفیسی یاد میکنم که کتابی را که به نام و یاد جان باختگان در راه ایران به نام «ماه نخشب» نگاشته است تقدیم میکند به وطنش و در صفحه اول آن می نویسد: «به ایران گرامیم به ایران جاودانیم.»

در پایان این مقال باید بگویم یادآوری آخرین خاطره و یادی از عاشقان راستین ایران در گذشته و حال به قدری مرا منقلب کرد که در نگاشت خاطرات در این دیار غربت با یاد ایران قدرت نگاشت از دست دادم و ساعتی اشک ریختم و با اینکه در آرامترین و بهترین و امن ترین نقاط جهان ساکنم باز به قول شاعر قرن پنجم هجری ازرقی هروی:

اگرچه نرگسداها از سیم و زر سازند

برای نرگس هم خاک نرگستان به

بغربت اندر اگر سیم و زر فراوانست

هنوز هم وطن خویش و بیت احزان به

اجازه بفرمائید این خاطرات را با چند بیتی از علامه فقید علی اکبر دهخدا به پایان بریم:

هنوزم از خردی به خاطر در است

که در لانه ماکیان برده دست

به منقارم آنسان به سختی گزید

که اشکم چو خون از رگ آن دم جمید

پدر خنده برگریه ام زد که «هان

وطن داری آموز از ماکیان»

اینک که خاطرات تلویزیونی به پایان رسیده است و به علت طول زمان چیزی به یاد نمی آید و چون با نقل آخرین خاطره تلویزیونی شما را متأثر کردم شاید بد نباشد برای تفریح خاطرات خاطراتی از هنرمندانی که با آنان معاشر بوده ام نقل کنم شاید به قول مشهور «قلقلکی» باشد برای سایرین که به سزدوق بیایند و داستانهایی در این زمینه برایتان بنویسند. من معمولاً اهل کاباره و کافه نبودم و اجرای برنامه ها و طرح سوالات و بقیه گرفتاریها وقتی برایم باقی نمی گذاشت و از نظر موسیقی هم طرفدار خوانندگان و نوازندگان آهنگهای سنگین و اصیل ایرانی بودم برخی شبها که فراغت بود با نوازندگان و خوانندگان مشهور از قبیل شادروان غلامحسین بنان، شادروان حسین تهرانی، شادروان استاد عبادی، استاد فرامرز پایور، شادروان استاد محمد میر نقیعی، شادروان محمودی خوانساری، شادروان حبیب بدیعی، شادروان حسین ملک استاد سنتور و شادروان اسدالله ملک استاد ویلون، شادروان جهانگیر ملک استاد ضرب، احمد ابراهیمی خواننده هنرهای زیبای کشور، خانم الهه، خانم مرضیه، شادروان حسین قوامی، عبدالوهاب شهیدی، شادروان علیرضا خواجه نوری که سالهای نوجوانی نابینا شده بود و استادی بود مسلم در پیانو و آهنگسازی توانا استاد فرهنگ شریف خانم مهستی و شادروان هاید عباد رام و خواننده ای که با او کار می کرد و متأسفانه نامش را فراموش کرده ام محمد رضا شجریان که اولین بار او را در خدمت استاد عبادی شناختم و از او تعلیم می گرفت و اینک از بزرگان مسلم موسیقی ایران است و در آن روزگار خود را سیاوش پیدگانی می خواند و دیگر هنرمندان که متأسفانه به علت کمی حافظه نامشان را فراموش کرده ام در منزل خودم یا دوستان برمی داشتیم و به قول شیخ اجل غنیمتی بود روی دوستان دیدن بسیاری از اوقات شمع جمع ما استاد گرانقدر حسن شهباز بود که به قول ادبا طال بقائه و برایش عمر جاودان آرزو دارم گرچه به گفته خودش و به نقل از خواجه شیراز:

وصال او ز عمر جاودان به

خداوندا مرا آن ده که آن به

تحلیل سیاسی روز؛ سرنوشت «آخرین نبرد» در دست «شاه» و ملت

عمل در کنار جمهوری اسلامی به دنبال رهبرسازی هستند، آن شخصیتی که مردم وی را در اعتراضات خود با یادآوری نقش واقعی وی صدا می‌زنند، بسی فراتر از «وکیل» و «پدر» و حتا صرفاً «رهبر» است. او وارث تاج و تخت پادشاهی نه خود، بلکه پادشاهی ملت و مملکت و نجات تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران از شرّ اهریمن جمهوری اسلامی است. بیان این موضوع تکرار مکررات است که مردم راه و خواست و آلترناتیو خود را در برابر رژیم جمهوری اسلامی اعلام کرده و مدت‌هاست آن را در انواع شعارها از جمله با نام او و «جاوید شاه» فریاد می‌زنند. پذیرش این نقش هیچ مغایرتی با تعهد شاهزاده رضا پهلوی در مورد انتخاب نوع نظام دموکراتیک آینده ایران توسط مردم ندارد چرا

دسامبر) از بازار تهران در ابعاد وسیع به گروه‌های مختلف شهروندان در بسیاری از مناطق کشور گسترش پیدا کرد و همچنان ادامه دارد. با وجود عزم و اراده‌ی ستایش‌برانگیز معترضان در تمامی اعتراضات سال‌های اخیر رژیم مذهبی و مافیایی حاکم بر کشور اما، من عین سال‌های گذشته همچنان معتقدم تا شاهزاده رضا پهلوی در نقش اصلی خود به عنوان نماد تاریخ و تمدن و فرهنگ یک دولت-ملت کهن، قاطعانه در همان جایگاه و هیبتی که ملت ایران وی را می‌بیند و می‌خواهد، ظاهر نشود، چه بسا این فرصت نیز مانند جنبش بی‌همتای ۴۰۱ با سرکوب و فریب و بازیگری دلقک‌های سیاسی و عدم قاطعیت بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی، از دست

● در حالی که همه ضدپهلوی‌ها در عمل در کنار جمهوری اسلامی به دنبال رهبرسازی هستند، آن شخصیتی که مردم وی را در اعتراضات خود با یادآوری نقش واقعی وی صدا می‌زنند، بسی فراتر از «وکیل» و «پدر» و حتا صرفاً «رهبر» است. او وارث تاج و تخت پادشاهی نه خود، بلکه پادشاهی ملت و مملکت و نجات تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران از شرّ اهریمن جمهوری اسلامی است.

● پذیرش این نقش هیچ مغایرتی با تعهد شاهزاده رضا پهلوی در مورد انتخاب نوع نظام دموکراتیک آینده ایران توسط مردم ندارد چرا که وی با این نقش است که می‌تواند مقدمات اجرای آن انتخابات را فراهم کند! اکنون اما ملت هنوز اسیر و در بند است و برای نجات خود از این رژیم ضدایرانی و رسیدن به مرحله انتخاب، به نقش تاریخی و فرهنگی «شاه» نیاز دارد.

● گذشته از پیشینه‌ی تاریخی و تمدنی و فرهنگی که جریان پهلوی حامل آنست، این موضوع نیز در عین حال اهمیت دارد که برخلاف همه جریان‌های سیاسی که در طول تاریخ معاصر ایران به دنبال تشکیلات سیاسی- نظامی بوده‌اند و حتا مخالفان به اصطلاح «جنبش چریکی» نیز دارای تشکیلات نظامی مخفی بوده‌اند، جریان پهلوی و شخص شاهزاده و حامیان وی، به تأسیس و فعالیت در پروژه‌های سیاسی- علمی روی آوردند. وی نیازی به تشکیلات نظامی نداشت چرا که به درستی ملت ایران را «ارتش» آزادبخش کشور می‌دانست که نظامیان ایران‌دوست که وظیفه‌شان محافظت از ملت و مملکت است می‌بایست به آن پیوندند.

● شاهزاده رضا پهلوی نیز مأموریتی برای وطن‌اش دارد که در مسیر مأموریت دو پادشاه فقید پهلوی، پس از بنیانگذاری «ایران نوین» در دوران رضاشاه و شکوفایی ایران نوین در دوران محمدرضاشاه قرار دارد: آزادی و امنیت و رفاه در داخل و صلح و همزیستی با منطقه و جهان. مردم این موضوع را به تجربه و بر اساس خاطره‌ی تاریخی و جمعی خود درک نموده و به همین دلیل در شعارهای خود از وی حمایت کرده و با اطمینان به قدرتی که نقش «شاه» در همبستگی ملی و پیروزی آنها دارد، فریاد می‌زنند: پهلوی برمیگردد!

● شاهزاده رضا پهلوی نه امروز بلکه همان زمان که سوگند پادشاهی یاد کرد، تاج را از بین انقلاب ارتجاعی ۵۷ و نظام ضدایرانی جمهوری اسلامی برداشت تا آن را سرانجام بر سر ملت ایران بگذارد و آنها را بار دیگر به دوران شکوه و عظمت میهن رهنمون شود... سرنوشت این «آخرین نبرد» و تحقق «پهلوی برمیگردد» در دست «شاه» و ملت است و شعارهای مردم زمانی پاسخ تاریخی خود را دریافت خواهند کرد که «پهلوی» در نقش تاریخی و تمدنی این ملت کهن ظاهر شود: «شاه»!

الاهه بقراط - آنچه در ادامه می‌آید، تأملات مکرر در شرایطی است که «فرصت»‌های فردی و عمومی از یکسو هنوز وجود دارند و از سوی دیگر در حال به پایان رسیدن هستند آنهم در حالی که جرقه‌ی موج تازه‌ای از اعتراضات مردم ایران درواقع روز جمعه ۲۱ آذرماه (۱۲ دسامبر ۲۰۲۵) در مراسم یادبود خسرو علی‌کردی، وکیل و فعال حقوق بشر که پانزدهم آذرماه به طرز مشکوکی در دفتر کار خود درگذشت، در مشهد زده شد و از روز هفتم دی‌ماه (۲۸



که وی با این نقش است که می‌تواند مقدمات اجرای آن انتخابات را فراهم کند! اکنون اما ملت هنوز اسیر و در بند است و برای نجات خود از این رژیم ضدایرانی و رسیدن به مرحله انتخاب، به نقش تاریخی و فرهنگی «شاه» نیاز دارد که فقط «پهلوی» با تاریخچه و کارنامه‌ای ایران‌ساز، مترقی و آزادیخواهانه حامل آنست. این فرصت اما ابدی نیست و کسی نمی‌تواند تضمین دهد که شرایط آنقدر مساعد خواهد ماند تا هدف حاصل شود! بیهوده نیست که جمهوری اسلامی و تمام ضدپهلوی‌ها روی همین نکته یعنی عامل گذشت زمان و منتفی شدن پهلوی و پادشاهی تأکید می‌کنند: «حالا چه عجله‌ایست؟! ده سال دیگر هم بگذرد، در مقابل تاریخ چیزی نیست که!» چرا هست! حتا یک روز و یک ساعت هم اهمیت دارد چرا که در همین زمان کوتاه نیز شهروندان کشته و دستگیر و شکنجه می‌شوند و منابع ایران از یکسو با بی‌لیاقتی حاکمان و از سوی دیگر در چمدان‌های آنها و خانواده‌هایشان بیش از پیش غارت و نابود می‌شود.

برود؛ آنهم در حالی که خود رژیم پی برده به مرحله «بقا» و سرنگونی رسیده و اصلاح‌طلبانش که همواره در برابر مردم ایستاده‌اند، اینبار برای جانشینی یکی از قماش خودشان بجای علی خامنه‌ای تلاش می‌کنند. عملی‌ترین الگو برای آنها، که عمدتاً اسلامگرایانی از تبار فکری چپ سنتی ایران و ملی-مذهبی‌های پیشانی‌سفید و همگی ضدپهلوی هستند، روسیه است. آنها تلاش می‌کنند با الهام از روسیه پوتین نیرویی عمدتاً امنیتی را از درون رژیم در رهبری نظام جاسازی کنند تا قدرت سیاسی و اقتصادی خانواده‌های مافیایی رژیم (عین الیگارشی‌های روسی) در مداخلات با غرب و کشورهای منطقه استمرار یافته و به حیات ادامه دهد. قابل تصور است که این نیرو پس از تثبیت احتمالی، اینبار با افزودن جاشنی «ناسیونالیسم» و «ایران» به ایدئولوژی سرخ و سیاه خود، عین روسیه‌ی پوتین، دوباره به تهدید و گردنکشی و جنگ‌افروزی در برابر دموکراسی‌ها و جهان آزاد بپردازد.

وقوع سناریوی اصلاح‌طلبان و وابستگان رژیم و مدافعان پنجاه و هفت، به معنی ناکامی «آخرین نبرد» معترضان خواهد بود که جان خود را برای بازگشت «شاه» و پهلوی جهت آزادی و آبادی و سربلندی ایران دوباره به کف گرفته‌اند. به همین دلیل، در حالی که همه ضدپهلوی‌ها در

سوگند پادشاهی زیربنای یک نقش تاریخی

سوگندی که شاهزاده رضا پهلوی به عنوان ولیعهد و وارث تاج و تخت پادشاهی (و نه صرفاً پهلوی) در بیست ←

گسست و اضمحلال شد. علیه چنان انقلاب شومی باید که همان تاریخ و تمدن و فرهنگ قاطعانه در برابر رژیم بایستد و این همان مسیری است که مردم در پیش گرفته‌اند. اسلام سیاسی و حامیان چپ و راست آن در پنجاه و هفت با تروریسم و خدعه و فریب، نه برای آزادی و امنیت و رفاه بیشتر بلکه علیه «پهلوی»، «شاه» و «پادشاهی» که نماد و نگهدارنده‌ی آن تاریخ و تمدن و فرهنگ بود، قیام کردند و پیروز شدند. برای شکست این هیولا می‌بایست بر میراث تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران تکیه کرد که پادشاهی حلقه‌ی انسجام و همبستگی آنست و شاهزاده رضا پهلوی نماد آن! ایران فقط یک نفر را دارد که می‌تواند در این نقش برای نجات آن اقدام کند و آن یک نفر در حال حاضر، فقط اوست!

دست‌کم از اعتراضات سال ۹۶ به بعد، بخش مهمی از مردم نقشی را که تاریخ برای وی رقم زده، درک کرده و آن را در شعارهای خود اصرار می‌کنند. آنها باید در این «آخرین نبرد» پیروز شوند وگرنه جمهوری اسلامی به این یا آن شکل استمرار خواهد یافت تا روزی نه چندان دور که فرصت «شاه» و ملت برای همیشه از دست برود و ایران کهن و قدرتمند به کشوری در منطقه تبدیل شود که مطلقاً قابل مقایسه با ترکیه و عربستان سعودی نیز نخواهد بود چه برسد به ایران دوران پهلوی!

سرمایه‌ی بزرگی که در میان است، سرنوشت یک ملت و تاریخ است؛ سرنوشتی که نه مانند «بهرام»، برداشتن تاج پادشاهی یک فرد از میان دو شیر باشد، بلکه تاج پادشاهی تاریخ و تمدن و فرهنگ ایرانیان در میان انقلاب ارتجاعی پنجاه و هفت و نظام جمهوری اسلامی است. این تاج در دست ولیعهد ایران است تا سرانجام بر سر ملتی گذاشته شود که باید مسئولیت انتخاب خود را نیز بپذیرد. همان هدفی که شاهزاده رضا پهلوی در سال‌های اخیر نیز همواره بر آن تأکید کرده و هیچ تردیدی نیست که به عنوان «شاه» نیز به آن متعهد خواهد بود و چه بسا بیشتر و قدرتمندتر!

تا آن زمان اما می‌بایست سده‌ی جمهوری اسلامی را از میان برداشت و شهروندان جان بر کف با همین هدف دوباره به خیابان‌ها ریخته‌اند. «شاه» پشتوانه‌ی «آخرین نبرد» و «اتوریته»‌ی دوران گذاری است که ملت را به پای صندوق‌های رأی برساند. بدون چنین پشتوانه و اتوریته‌ای، روند رویدادها مبهم خواهد بود و ملتی که «شاه» و «پهلوی» را فریاد می‌زنند، چه بسا نتوانند خواست و راه خود را علیه رژیم به کشورهای قدرتمند تحمیل کنند.

همزمان با چهل و هفتمین سالگرد ۲۶ دی‌ماه می‌بایست بر این واقعیت تأکید کرد که شاهزاده رضا پهلوی نه امروز بلکه همان زمان که سوگند پادشاهی یاد کرد، تاج را از بین انقلاب ارتجاعی ۵۷ و نظام ضدایرانی جمهوری اسلامی برداشت تا آن را سرانجام بر سر ملت ایران بگذارد و آنها را بار دیگر به دوران شکوه و عظمت میهن رهنمون شود. سرنوشت ایران و مبارزات مردم وارد مرحله جدید و جدی دیگری شده و نقش صریح «شاه» در پاسخ به شعارها و خواست ملت یک ضرورت حیاتی است.

سرنوشت این «آخرین نبرد» و تحقق «پهلوی برمیگرده» در دست «شاه» و ملت است و شعارهای مردم زمانی پاسخ تاریخی خود را دریافت خواهند کرد که «پهلوی» در نقش تاریخی و تمدنی این ملت کهن ظاهر شود: «شاه»!

را ندارد و در طول تقریباً نیم قرن نیز هیچ شخصیتی در چنین جایگاهی شکل نگرفته! اینکه بعضی جریان‌های سیاسی از جمله برخی چپ‌گرایان و مدافعان نظام جمهوری حاضر نیستند اهمیت این نقش را در پیروزی خود بر جمهوری اسلامی و آینده بهتری برای ایران و خودشان ببینند و به هر دلیلی با آن مخالفت می‌کنند، چیزی از اهمیت و موجودیت این نقش، که ملت بر آن آگاه شده، کم نمی‌کند. بیهوده نیست که نقشه‌های فریبکارانه‌ی رهبرسازی از سوی محافل جمهوری اسلامی و مدافعان چپ و راست پنجاه و هفت مدام شکست می‌خورد. شاهزاده رضا پهلوی برای پادشاهی و سروری یک ملت تلاش کرده و این ملت شامل مخالفان وی و افراتیون همه جریانات نیز می‌شود. اوست که به دلیل نقش تاریخی و فرهنگی خود می‌تواند بر این اختلافات غلبه کند و آنها را به همزیستی سیاسی-علمی برای بازسازی و آبادی کشور و آزادی و امنیت و رفاه همگانی و نه درگیری‌های بی‌پایان سیاسی-نظامی فرا بخواند.



شاهزاده رضا پهلوی نیز مأموریتی برای وطن‌اش دارد که در مسیر مأموریت دو پادشاه فقید پهلوی، پس از بنیانگذاری «ایران نوین» در دوران رضاشاه و شکوفایی ایران نوین در دوران محمدرضا شاه قرار دارد: آزادی و امنیت و رفاه در داخل و صلح و همزیستی با منطقه و جهان. مردم این موضوع را به تجربه و بر اساس خاطره‌ی تاریخی و جمعی خود درک نموده و به همین دلیل در شعارهای خود از وی حمایت کرده و با اطمینان به قدرتی که نقش «شاه» در همبستگی ملی و پیروزی آنها دارد، فریاد می‌زنند: پهلوی برمیگرده!

برداشتن تاج از میان دو گفتار

به زودی ۲۶ دی‌ماه، روزی که دومین پادشاه پهلوی و شهبانو ایران را در سال ۱۳۵۷ ترک کردند، فرا می‌رسد. کمتر از یک ماه پس از آن، با وقوع انقلاب ارتجاعی به پشتوانه‌ی اتحاد سرخ و سیاه، نه فقط یک حکومت، یک شاه با صرفاً پهلوی بلکه تاریخ و تمدن و فرهنگ یک ملت کهن دچار

سالی (جمعه ۹ آبان ۱۳۵۹ / ۳۱ اکتبر ۱۹۸۰) یاد کرد، صرف نظر از بحث و اختلاف نظر بر سر برخی مفاد «متمم قانون اساسی مشروطه» و نقش غالب و ارتجاعی مذهب و ملایان در آن، در عمل و در بُعد تاریخی، زیربنای مسیری را ساخته که امروز ملت ایران برای غلبه بر گسست ۵۷ و جمهوری اسلامی بر اساس تجربه عینی خود بر آن ایستاده و تأکید می‌کند. به همین دلیل نه تنها به هیچ وجه نمی‌بایست از آن سوگند دوری کرد بلکه باید بر اهمیت آن برای رسیدن به روزی که مردم در انتخاب نظام سیاسی و دموکراتیک آینده ایران آزادانه تصمیم بگیرند، تأکید نمود؛ ولیعهد بیست ساله‌ی ایران با این سوگند متعهد شد پادشاهی و سروری را به ملت ایران بازگرداند. هدفی که وی در تمام چهل و اندی سال گذشته برای آن تلاش کرده از جمله در دورانی که بخشی از ملت در دام بی‌تجربگی و ناآگاهی و دستگاه‌های تبلیغاتی جمهوری اسلامی گرفتار بود و مملکت با سرعت به سوی ورشکستگی و نابودی رانده می‌شد.

مأموریتی برای وطن

گذشته از پیشینه‌ی تاریخی و تمدنی و فرهنگی که جریان پهلوی حامل آنست، این موضوع نیز در عین حال اهمیت دارد که برخلاف همه جریانات سیاسی که در طول تاریخ معاصر ایران به دنبال تشکیلات سیاسی-نظامی بوده‌اند و حتا مخالفان به اصطلاح «جنبش چریکی» نیز دارای تشکیلات نظامی مخفی بوده‌اند، جریان پهلوی و شخص شاهزاده و حامیان وی، به تأسیس و فعالیت در پروژه‌های سیاسی-علمی روی آوردند. وی نیازی به تشکیلات نظامی نداشت چرا که به درستی ملت ایران را «ارتش» آزادبخش کشور می‌دانست که نظامیان ایران‌دوست که وظیفه‌شان محافظت از ملت و مملکت است می‌بایست به آن پیوندند. شاهزاده رضا پهلوی به عنوان یک شخصیت میهن‌پرست و مدافع دموکراسی و حقوق بشر همواره نقش یک چتر فراگیر را برای ملت و همه جریانات سیاسی داشته و بر آن تأکید کرده است. هیچ فردی موقعیت و توانایی این نقش بی‌بدیل

روزنامه «اورشلیم پست»: ایرانیان خواستار بازگشت پهلوی‌ها و نظام پادشاهی هستند

● الکس وینستون تحلیلگر سیاسی در مقاله‌ای که جمعه ۱۲ دی‌ماه ۱۴۰۴ در روزنامه «اورشلیم پست» منتشر شد با اشاره به تظاهرات ضدحکومتی گسترده در ایران و شعارهای مردم در حمایت از پهلوی‌ها از جمله «جاوید شاه» استدلال می‌کند که این شعارها صرفاً نوستالژی یا حمایت ساده از نظام پادشاهی نیست، بلکه نشانه‌ای از ضدیت بخش بزرگی از جامعه با کلیت نظام جمهوری اسلامی است.

● شعار «جاوید شاه» در یک سطح، بیانگر تمایل مردم ایران به چیزی است که در بخش عمده‌ای از تاریخ خود تجربه کرده‌اند (یا تحمل کرده‌اند، بسته به نگاه به پادشاهی). بسیاری از ایرانیان، آیت‌الله‌ها را با وسواسشان نسبت به امت اسلامی و حمایت از فلسطینیان و گروه‌های نیابتی مانند حزب‌الله، به‌عنوان عناصری بیگانه با تاریخ ایران می‌بینند.

● دانشجویان در سال ۱۳۵۷ نقش محوری در سرنگونی شاه داشتند. دانشگاه‌ها در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ کانون فعالیت اسلام‌گرایان و چپ‌های سکولار بودند و بسیاری از چهره‌هایی که به فروپاشی نظام پادشاهی کمک کردند از دل آن‌ها بیرون آمدند. جنبش دانشجویی آن دوران به شدت ضدپادشاهی بود. اینکه امروز همان قشر جمعیتی، شعارهای طرفدارانه از پهلوی سر می‌دهد، نشان می‌دهد که نقاط مرجع سیاسی ایران تا چه اندازه عمیق و بی‌سروصدا تغییر کرده‌اند.

الکس وینستون تحلیلگر سیاسی در مقاله‌ای که جمعه ۱۲ دی‌ماه ۱۴۰۴ در روزنامه «اورشلیم پست» منتشر شد با اشاره به تظاهرات ضدحکومتی گسترده در ایران و شعارهای مردم در حمایت از پهلوی‌ها از جمله «جاوید شاه» استدلال می‌کند که این شعارها صرفاً نوستالژی یا حمایت ساده از نظام پادشاهی نیست، بلکه نشانه‌ای از ضدیت بخش بزرگی از جامعه با کلیت نظام جمهوری اسلامی است.

در مقدمه این مقاله آمده، در حالیکه مخالفان جمهوری اسلامی در خیابان‌ها دست به اعتراض زده‌اند، در میان شعارهای خشم‌آلود علیه علی خامنه‌ای و عصبانیت از اقتصادی که در حال سقوط آزاد است، مردم شعارهایی نظیر «جاوید شاه» سر می‌دهند که شاید از نظر سیاسی دوباره شنیدن آن غیرممکن به نظر می‌رسد.

ویدیوهایی که از داخل ایران ارسال شده‌اند نشان می‌دهند که معترضان بصورت علنی در حمایت از خاندان پهلوی شعار سر می‌دهند و همزمان خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی هستند. برای حکومتی که بر پایه سرنگونی نظام پادشاهی و محو میراث پهلوی بنا شده‌است، این شعار تهدیدی ماهیتی است. این نشانه آن است که خشم عمومی یا نارضایتی، از مسئولان یا وضعیت اقتصادی فراتر رفته و به سمت رد کامل اصل نظام جمهوری اسلامی حرکت کرده است.

اعتراض‌ها از بازار تهران شروع شد، طبقه‌ای قدرتمند که نسبت به تشدید بحران مالی در ایران معترض‌اند. آنها مغازه‌های خود را تعطیل کردند و دست به اعتصاب زدند. سقوط ارزش ریال، ناامیدی اقتصادی انباشته‌شده را به ناآرامی آشکار تبدیل کرد. از تهران تا اصفهان، مشهد، اهواز



شاهزاده رضا پهلوی در نشست «همکاری ملی برای نجات ایران» و سلام نظامی به خلبانان ارتش شاهنشاهی / مونیخ / ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۵

عمده‌ای از تاریخ خود تجربه کرده‌اند (یا تحمل کرده‌اند، بسته به نگاه به پادشاهی). بسیاری از ایرانیان، آیت‌الله‌ها را با وسواسشان نسبت به امت اسلامی و حمایت از فلسطینیان و گروه‌های نیابتی مانند حزب‌الله، به‌عنوان عناصری بیگانه با تاریخ ایران می‌بینند.

بیش از چهار دهه است که حکومت، دوره پهلوی را به‌طور خاص فاسد، نامشروع و ضدایرانی معرفی کرده است. از این رو، امروز یاد کردن از شاه صرفاً نوستالژی نیست، بلکه حمله‌ای مستقیم به روایت بنیان‌گذارانه رژیم محسوب می‌شود.

تحولات سیاسی اغلب با شکست تابه‌وا آغاز می‌شوند؛ همان‌گونه که در اعتراض‌های «زن، زندگی، آزادی» در سال ۲۰۲۲ بر سر مسئله حجاب زنان رخ داد. زمانی که معترضان از زبانی که دولت تحمیل کرده فراتر می‌روند و به نمادهای ممنوعه متوسل می‌شوند، اقتدار حکومت شروع به فرسایش می‌کند. «جاوید شاه» دقیقاً چنین نمادی است.

وقتی بازار و دانشجو با هم سخن می‌گویند

برای قرن‌ها، طبقه بازاری ایران نقشی سیاسی بسیار فراتر از اندازه خود داشته و هم ستون فقرات اقتصادی و هم نیروی بسیج‌کننده در بزنگاه‌های بحران ملی بوده است. بازاریاران به ریشه در بازارهای سنتی شهرهایی چون تهران، اصفهان، تبریز و مشهد دارند، از طریق موقوفات مذهبی، پیوند نزدیکی با شبکه‌های روحانیت داشته‌اند و همین امر به آن‌ها هم اهرم مالی و هم اقتدار اخلاقی داده است.

این نفوذ بارها مسیر کشور را تغییر داده است. تعطیلی بازارها در دهه ۱۸۹۰ به لغو امتیاز تنباکو انجامید، به انقلاب مشروطه در اوایل قرن بیستم سوخت رساند و از جنبش ملی شدن نفت به رهبری دکتر محمد مصدق در دهه ۱۹۵۰ پشتیبانی کرد. مهم‌تر از همه، اعتصاب‌های مداوم بازار در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۸ دولت پهلوی را از درآمد

و همدان، اعتراض‌ها به سرعت گسترش یافت و شعارها خیلی زود از مطالبات معیشتی فراتر رفت.

مردم شعار می‌دهند: «این آخرین نبرده، پهلوی برمیگردد»، «شاه میاد به خونه، ضحاک سرنگونه» و «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» که نشان می‌دهد مردم نه تنها از فاجعه اقتصادی، بلکه از انتقال مداوم میلیاردها دلار به گروه‌های نیابتی نیز به ستوه آمده‌اند.

تا اینجا، نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران عمدتاً از گاز اشک‌آور، ماشین‌های آب‌پاش و گلوله‌های پلاستیکی برای متفرق کردن جمعیت استفاده کرده‌اند، هرچند شب چهارشنبه نخستین کشته اعتراض‌ها گزارش شد اما به نظر می‌رسد حکومت در به‌کارگیری خشونت شدید، محتاط است و در ابتدا تلاش کرده‌است با راه‌حل‌های سیاسی و پیام‌های «گفت‌وگو» معترضان را آرام کند، زیرا آگاه است که چنین اقدامی می‌تواند ناآرامی‌ها را به مرحله‌ای غیرقابل کنترل سوق دهد. با این حال، شعارهایی که در خیابان‌ها طنین‌انداز شده‌اند نشان می‌دهد که مسیری عمیق‌تر از پیش آغاز شده است.

برای ناظران بیرونی، شعار «جاوید شاه» ممکن است به معنای دعوتی مستقیم به بازگشت نظام پادشاهی به نظر برسد. اما در داخل ایران، معنای آن پیچیده‌تر است. برای حکومتی که ظرفیت عظیمی صرف سرنگونی نظام پادشاهی ایران کرده، بازگشت چنین شعارهایی عمیقاً نگران‌کننده است. جمهوری اسلامی در نهایت تنها لحظه‌ای گذرا در تاریخ طولانی ایران به شمار می‌آید. اگر این نظام تا سال ۲۰۲۹ به پنجاه‌سالگی برسد، کمتر از دو درصد از تاریخ ایران را نمایندگی خواهد کرد. در بیشتر این تاریخ، ایران نه توسط روحانیون، بلکه به‌وسیله پادشاهان، شاهان و سلاطین اداره شده است.

الکس وینستون معتقد است شعار «جاوید شاه» در یک سطح، بیانگر تمایل مردم ایران به چیزی است که در بخش

دوران محمدرضا شاهی؛ ملکه بریتانیا در برابر شکوه ایران (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

شخصاً به پیشباز آمد و دست شاهنشاه ایران را صمیمانه فشرد. ملکه بریتانیا در مهمانی شامی که به افتخار شاه ایران در کاخ باکینگهام ترتیب داده شده بود گفت: «سنت ها و فرهنگ سرزمین تاریخی شما، از دیرباز مورد ستایش ما بوده است».

اقتصادی و سیاسی ایران. او همچنین «دفعه چهارم دوران اضطرار» را ارائه داد و تأکید کرد که نظام آینده ایران -از جمله پادشاهی- باید از طریق همه‌پرسی ملی تعیین شود. پهلوی بارها، در پاریس، مونیخ و بیانه‌های بعدی، تأکید کرده است که به دنبال تصدی مقام سیاسی نیست و تاج‌وتخت را تنها در صورت انتخاب از طریق رأی دموکراتیک خواهد پذیرفت. یادآوری این نکته مهم است که پهلوی منتظر نیست که ناگهان وارد صحنه شود و مردم ایران را مجذوب کند؛ او مایل است بگذارد خودشان آینده‌شان را انتخاب کنند. با این حال، صداهایی که از خیابان‌ها به گوش می‌رسد نشان می‌دهد که او از حمایت مردمی قابل‌توجهی در میان معترضان برخوردار است.

یکی از مخالفان در تبعید جمهوری اسلامی به روزنامه «اورشلیم پست» گفت: «کاملاً روشن است که مردم رهبری شاهزاده رضا پهلوی را پذیرفته‌اند. اکنون این به عهده شاهزاده است که دایره خود را گسترش دهد و نشان دهد کادربلای حرفه‌ای‌اش می‌تواند اداره کشور را به دست بگیرند. در آن صورت، ارتش می‌تواند به مردم بپیوندد. این سناریویی است که در صورت تداوم اعتراض‌ها ممکن است رخ دهد».

در پایان این مقاله آمده، اینکه آیا اعتراض‌های کنونی ایران شتاب خود را حفظ خواهند کرد یا نه، هنوز نامشخص است. حکومت ممکن است در نهایت سرکوب را تشدید کند و عزم معترضان را به آزمایش بگذارد.

اما چیزی برگشت‌ناپذیر در خیابان‌های جمهوری اسلامی رخ داده است: مردم خواستار بازگشت پادشاه خود هستند.

۱۴ اردیبهشت ۱۳۳۸ در حالیکه پرچم‌های بزرگ شیرخورشید شاهنشاهی ایران در خیابان‌های شهر به اهتزاز درآمده بود قطار سلطنتی حامل محمدرضا شاه پهلوی وارد ایستگاه راه‌آهن ویکتوریا در مرکز لندن شد و ملکه الیزابت

پیشتر وی در یک کنفرانس خبری در پاریس آشکارا خواستار «تغییر رژیم» شده بود و برنامه‌هایی برای تشکیل یک جبهه گسترده اپوزیسیون تدوین کرده بود. او سرکوب اعتراضات را محکوم کرد و به دولت‌های غربی هشدار داد که از فراهم کردن راه‌های نجات اقتصادی یا دیپلماتیک برای رژیم خودداری کنند. مهم‌تر از همه، اصول بنیادین ایران پس از جمهوری اسلامی را ترسیم کرد: حفظ تمامیت ارضی، برابری همه شهروندان، آزادی‌های فردی و جدایی دین از دولت.

در همان حضور در پاریس، پهلوی مستقیماً خاتمه‌ای را خطاب قرار داد و از او خواست کناره‌گیری کند و وعده دادرسی عادلانه داد: «بیش از آنچه تاکنون به هر ایرانی داده‌ای». او این لحظه را «لحظه دیوار برلین» ایران توصیف کرد؛ نشانه‌ای از یک گسست روانی، نه تصرف فوری قدرت.

این پیام در یک گردهمایی بزرگ اپوزیسیون در مونیخ در ماه ژوئیه تقویت شد؛ جایی که پهلوی بیش از ۵۰۰ مخالف ایرانی از طیف‌های مختلف ایدئولوژیک را گرد هم آورد. پادشاهی‌خواهان و جمهوری‌خواهان، فعالان سکولار، رهبران قومی، هنرمندان، ورزشکاران و زندانیان سیاسی سابق در آنچه برگزارکنندگان «گسترده‌ترین ائتلاف اپوزیسیون در دهه‌های اخیر» خواندند، شرکت کردند.

در آنجا پهلوی، راهبردی پنج‌محوری برای تغییر بنیادین ترسیم کرد: حداکثر فشار بین‌المللی بر رژیم، حداکثر حمایت از مردم ایران، تشویق ریزش نیروها از درون سیستم، بسیج و سازمان‌دهی گسترده، و برنامه‌ریزی دقیق برای بازسازی

و ثبات لجستیکی محروم و به تسریع سقوط نظام پادشاهی انجامید.

حتی در دوران جمهوری اسلامی -که خود در ابتدا از ائتلاف روحانیت و بازار سر برآورد- بازاریان به‌صورت دوره‌ای از طریق اعتصاب و اعتراض، به‌ویژه در دوره‌های بحران اقتصادی یا سقوط ارزش پول، قدرت خود را دوباره نشان داده‌اند. بنابراین بازار بسیار فراتر از یک محل خرید و فروش است؛ سابقه آن نشان می‌دهد که موتور تاریخی هدایت‌کننده ایران به این سو یا آن سو بوده است.

سؤالی که در ابتدای هفته مطرح شد این بود: «آیا بازاریان صرفاً به دلیل نارضایتی مالی اعتصاب کرده‌اند یا آنها نیز مخالف رژیم هستند؟» شنیده شدن نام پهلوی از زبان آنها، به نظر می‌رسد پاسخ را روشن می‌کند.

اما آنچه ناآرامی‌های کنونی را بی‌ثبات‌کننده‌تر می‌کند این است که بازار دیگر تنها نیست.

در کنار بازرگانان، دانشجویان نیز دوباره به‌عنوان نیرویی فعال ظاهر شده‌اند. گزارش‌ها از تهران حاکی از آن بود که دانشجویان چندین دانشگاه به اعتراض‌ها پیوسته‌اند و نه‌تنها علیه خامنه‌ای، بلکه آشکارا در حمایت از شاهزاده رضا پهلوی شعار داده‌اند. ویدیوها نشان می‌دهد که دانشجویان بازداشت می‌شوند و هر روز افراد بیشتری در سراسر کشور به اعتراض‌ها می‌پیوندند.

دانشجویان در سال ۱۳۵۷ نقش محوری در سرنگونی شاه داشتند. دانشگاه‌ها در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ کانون فعالیت اسلام‌گرایان و چپ‌های سکولار بودند و بسیاری از چهره‌هایی که به فروپاشی نظام پادشاهی کمک کردند از دل آن‌ها بیرون آمدند. جنبش دانشجویی آن دوران به‌شدت ضدپادشاهی بود.

اینکه امروز همان قشر جمعیتی، شعارهای طرفدارانه از پهلوی سر می‌دهد، نشان می‌دهد که نقاط مرجع سیاسی ایران تا چه اندازه عمیق و بی‌سروصدا تغییر کرده‌اند.

برای دانشجویان امروز، که بیشترشان دهه‌ها پس از انقلاب به دنیا آمده‌اند، شاه شخصیتی تاریخی و نمادین است، نه فردی که بتوانند از روی خاطره با او هم‌ذات‌پنداری کنند. در مقابل جمهوری اسلامی که تمام عمر خود را با آن زیسته‌اند، دوره پهلوی نمایانگر ایرانی بدون سلطه روحانیت، بدون تحمیل ایدئولوژی بر زندگی روزمره است و برای کسانی که می‌خواهند ثمره کار ایرانیان در داخل کشور مصرف شود، نیز بدون هدررفت ثروت ملی در جنگ‌های نیابتی منطقه‌ای است.

در ادامه این مقاله آمده، همگرایی بازاریان و دانشجویان پدیده‌ای نادر و از نظر سیاسی انفجاری است. هرگاه این دو نیرو در کنار هم حرکت کرده‌اند، حکومت‌های ایران برای بقا با مشکل جدی مواجه شده‌اند. در سال ۱۳۵۷، اتحاد آن‌ها به سقوط نظام پادشاهی انجامید. در سال ۲۰۲۵، آن‌ها بار دیگر در حال همگرایی هستند؛ این بار علیه همان سیستمی که به قدرت رسیدنش کمک کردند.

پیش‌آمدن پهلوی و تعیین مرزها

در چنین فضایی که شاهزاده رضا پهلوی به کانون اصلی توجه اپوزیسیون پراکنده ایران تبدیل شده است، دوشنبه شب همزمان با تشدید اعتراض‌ها، پیامی عمومی صادر کرد و گفت: «امروز زمان همبستگی بیشتر است... من از همه اقشار جامعه می‌خواهم که به شهروندان خود در خیابان‌ها بپیوندند و صدای خود را برای مطالبه سرنگونی این نظام بلند کنند».

این پیام در ادامه ماه‌ها موضع‌گیری هرچه سیاسی‌تر او صادر شد.

متن کامل گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی با شبکه تلویزیونی فاکس نیوز؛ «آماده بازگشت به ایران و رهبری پیکار نهایی هستم»

● شاهزاده رضا پهلوی ششم ژانویه ۲۰۲۶ در گفتگو با شبکه فاکس نیوز خواستار آشتی ملی و گذار مسالمت‌آمیز به یک دموکراسی سکولار از طریق برگزاری همه‌پرسی و تشکیل مجلس مؤسسان شد.

● شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرد «من سراسر عمرم برای خدمت به هم میهنانم آموزش دیده‌ام. حضور من برای خدمت است و برای یاری رساندن به هموطنانم در تحقق این هدف. امروز بیش از هر زمان دیگری آماده‌ام که به محض آن که اوضاع اقتضا کند، قدم به ایران بگذارم و در کنار هم‌زمان خود، رهبری پیکار نهایی را بر عهده گیرم.»

● او همچنین گفت «نکته‌ای مهم وجود دارد که مایلیم توجه کسانی را که رویدادهای نزدیک به نیم قرن پیش در ایران را دنبال کرده‌اند به آن جلب کنم: نقشی که «بازار» به مثابه طبقه سنتی بورژوازی در سیاست ایران ایفا می‌کند. امروز ما شاهد صحنه‌هایی بی‌سابقه در بازارهای ایران بوده‌ایم. جایی که کسبه و بازاریان به معترضان پیوسته‌اند.»

● شاهزاده رضا پهلوی توضیح داد که «مردم ایران بیش از هر زمان دیگری مصمم هستند به این رژیم پایان دهند. چنان که جهان در روزهای اخیر مشاهده کرده است، سطح و گستره تظاهرات در ایران بی سابقه بوده است.»

شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با شان هِنیتی که در ششم ژانویه ۲۰۲۶ از شبکه تلویزیونی فاکس نیوز پخش شد، به تحولات جاری در ایران پرداخت. این مصاحبه در شرایطی انجام گرفت که گزارش‌ها از تشدید ناآرامی‌ها و احتمال فروپاشی رژیم جمهوری اسلامی حکایت دارد. شاهزاده رضا پهلوی، به عنوان رهبر اپوزیسیون جمهوری اسلامی، از اعتراضات بی‌سابقه در سراسر کشور سخن گفت؛ به افزایش ریزش نیرو در میان دستگاه‌های امنیتی و بدنه اداری کشور اشاره کرد و نقش تاریخی بازار را در اعلام و تسریع تغییرات ساختاری برجسته نمود.

وی خواستار آشتی ملی و گذار مسالمت‌آمیز به یک دموکراسی سکولار از طریق برگزاری همه‌پرسی و تشکیل مجلس مؤسسان شد. پهلوی همچنین آمادگی خود را برای بازگشت به ایران، در صورت فراهم بودن شرایط، اعلام کرد و این مقطع را گسستی سرنوشت‌ساز از نظام اقتدارگرایانه‌ای دانست که پس از انقلاب ۱۳۵۷ به رهبری آیت‌الله خمینی برقرار شد. **شان هِنیتی:** امشب گزارش‌های متعددی به دست ما رسیده است که حاکی از آن است که دولت رادیکال حاکم بر ایران اکنون احتمالاً در آستانه فروپاشی قرار دارد. امشب رهبر اپوزیسیون ایران، ولیعهد رضا پهلوی با ماست. رضا، بار دیگر از گفتگو با شما خوشوقتیم، و از اینکه به این برنامه بازگشتید از حضورتان سپاسگزارم.

خوب، برای آنانی که شاید ندانند: شما در ایران به دنیا آمدید، شاه ایران به دست آیت‌الله خمینی، برکنار شد و آن انقلاب از آن زمان تاکنون به یک حکومت دینی خشن و خونریز بدل شده‌است. منابع شما درباره آنچه اکنون در ایران می‌گذرد چه می‌گویند؟

شاهزاده رضا پهلوی: شان، پیش از هر چیز از دعوت شما به برنامه‌تان سپاسگزارم. مدت‌ها بود که با یکدیگر گفتگو نکرده بودیم. ببینید، در تمام این سال‌ها هرگز فرصتی همانند آنچه امروز در ایران شاهد آن هستیم ندیده‌ام. مردم



کارزار را حدود شش ماه پیش آغاز کردم و تاکنون ده‌ها هزار نفر برای پیوستن، اعلام آمادگی کرده‌اند. این روند تنها به نیروهای نظامی و شبه نظامی محدود نمی‌شود، بلکه بدنه اداری کشور و کارکنان وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی را نیز در بر می‌گیرد. همگی آنان بخشی از راه حلی هستند که این رژیم را به زانو درخواهد آورد.

اما درباره وضعیت خامنه‌ای و این که آیا آماده خروج و گریز هست یا نه، کسی به درستی نمی‌داند. با این همه، در هر حال، رژیم در حال فروپاشی است و به فروپاشی بسیار نزدیک شده است.

شان هِنیتی: به نظر شما کدام بخش از سیاست‌های رئیس جمهور ترامپ در مهار و برچیدن برنامه هسته‌ای ایران در شکل‌گیری و تشدید این خیزش نقش داشته است؟ این نخستین پرسش من است. و دوم این که، آیا قصد دارید به ایران بازگردید؟ شما سالیان بسیار آنجا نبوده‌اید، در سال ۱۹۷۹ بود که آیت‌الله، پس از تبعید، از فرانسه به ایران بازگشت. آیا شما نیز برنامه‌ای برای بازگشت دارید؟ آیا در پی برگزاری انتخابات آزاد هستید؟ آیا در این باره اندیشیده‌اید؟

شاهزاده رضا پهلوی: شان، به دعوت هم میهنانم قدم پیش نهاده‌ام تا رهبری این گذار را از این استبداد به سوی آینده‌ای دموکراتیک بر عهده گیرم. نقش من یاری رساندن به هموطنانم برای تحقق این هدف است: فراهم آوردن یک پایان مسالمت‌آمیز از طریق برگزاری یک همه‌پرسی ملی و تشکیل مجلس مؤسسان. من نسبت به نتیجه نهایی بی‌طرفم، مشروط بر آن که حاصل کار، استقرار یک دموکراسی سکولار باشد.

من سراسر عمرم برای خدمت به هم میهنانم آموزش دیده‌ام. حضور من برای خدمت است و برای یاری رساندن به هموطنانم در تحقق این هدف. امروز بیش از هر زمان دیگری آماده‌ام که به محض آن که اوضاع اقتضا کند، قدم به ایران بگذارم و در کنار هم‌زمان خود، رهبری پیکار نهایی را بر عهده گیرم.

شان هِنیتی: رضا پهلوی، از حضور شما در برنامه بسیار سپاسگزارم و برای آزادی مردم ایران دعا می‌کنم. ما با آنان در حال جنگ نیستیم.

ایران بیش از هر زمان دیگری مصمم هستند به این رژیم پایان دهند. چنان که جهان در روزهای اخیر مشاهده کرده است، سطح و گستره تظاهرات در ایران بی سابقه بوده است. بیش از صد شهر و میلیون‌ها نفر در خیابان‌ها با فریاد «مرگ بر دیکتاتور»، درخواست پایان این حکومت را دارند. و به امید خدا، زمان آن فرا رسیده که ایران فرصت رهایی از یک رژیم استبدادی را به دست آورد.

شان هِنیتی: من گزارش‌ها و ویدئوهایی را در شبکه‌های اجتماعی دیدم. آیا می‌توانید تأیید کنید که نیروهای پلیس بر بام ساختمان‌های خود سلاح بر زمین نهاده و همبستگی شان را با معترضان نشان می‌دهند؟ آیا شما نیز چنین گزارش‌هایی دریافت کرده‌اید؟ آیا این اطلاعات دقیق است؟ و آیا هیچ گونه خبر یا ارزیابی اطلاعاتی در اختیار دارید که نشان دهد علی خامنه‌ای واقعاً طرح دومی برای رفتن به روسیه دارد؟

شاهزاده رضا پهلوی: شان، نکته‌ای مهم وجود دارد که مایلیم توجه کسانی را که رویدادهای نزدیک به نیم قرن پیش در ایران را دنبال کرده‌اند به آن جلب کنم: نقشی که «بازار» به مثابه طبقه سنتی بورژوازی در سیاست ایران ایفا می‌کند. امروز ما شاهد صحنه‌هایی بی‌سابقه در بازارهای ایران بوده‌ایم. جایی که کسبه و بازاریان به معترضان پیوسته‌اند.

و این همواره راهبرد من بوده است که از نیروهای نظامی و اعضای قوای مسلح بخوایم سلاح بر زمین بگذارند و به مردم بپیوندند تا بخشی از راه حل باشند و مسیری برای خروج از بن بست فراهم شود. ما به آنان آشتی ملی پیشنهاد می‌کنیم و نشانه‌های روشنی از پذیرش این پیام را مشاهده کرده‌ایم. این امر از اهمیت بسزایی برخوردار است، زیرا هنگامی که با رژیمی بی‌نهایت خشن و سرکوبگر روبه‌رو هستید، و آنگاه که به دوران پس از فروپاشی و ثبات یک گذار نرم می‌انديشیم، چنین امری بدون همکاری ضمنی و همراهی نیروهای نظامی ممکن نخواهد بود. این که آنان به فراخوان من توجه نشان داده‌اند و این که بار دیگر پیامی روشن برایشان می‌فرستم که موضع خود را شفاف کنند، یا در کنار مردم باشید یا در مقابل آنان بایستید، خود گویای اهمیت این لحظه است.

ما اکنون شاهد افزایش روزافزون ریزش‌ها هستیم. من این

شورای سردبیری «اورشلیم پست»:

مردم ایران نام رضا پهلوی را فریاد می‌زنند، این قدرت است



شاهزاده رضا پهلوی و شاهدخت نور در نشست «همکاری ملی برای نجات ایران» / مونیخ / شنبه ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۵ / ۴ مرداد ۱۴۰۴

بلکه به‌عنوان کنشگری سیاسی که اکنون بر تحولات میدانی اثر می‌گذارد. او این هفته در گفت‌وگویی با وال‌استریت ژورنال گفت: «برای رهبری این گذار وارد عمل شده‌ام... مسئله، حق تعیین سرنوشت است... آزادی... و بازسازی کشورمان.» او همچنین تأکید کرد که مداخله نظامی آمریکا ضروری نیست و تغییر رژیم باید از درون ایران بگوشد، نه از بیرون.

این موضع‌گیری حاصل ماه‌ها کار است. پهلوی در کنفرانس خبری پاریس در ماه ژوئن آشکارا خواستار تغییر رژیم شد و اصول ایران پس از جمهوری اسلامی را برشمرد: حفظ تمامیت ارضی، برابری همه شهروندان، آزادی‌های فردی و جدایی دین از دولت. او مستقیماً علی‌خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، را خطاب قرار داد، از او خواست کناره‌گیری کند و وعده دادرسی عادلانه داد.

این پیام در کنفرانس مونیخ تقویت شد؛ جایی که پهلوی بیش از ۵۰۰ مخالف ایرانی از طیف‌های ایدئولوژیک گوناگون را گرد هم آورد. پادشاهی‌خواهان و جمهوری‌خواهان، فعالان سکولار، رهبران قومی، هنرمندان، ورزشکاران و زندانیان سیاسی پیشین در گردهمایی‌ای شرکت کردند که به‌گفته بسیاری، گسترده‌ترین ائتلاف مخالفان در دهه‌های اخیر بود. پهلوی در آن‌جا راهبردی پنج‌ستونی را تشریح کرد: حداکثر فشار بین‌المللی بر رژیم، حداکثر حمایت از مردم ایران، تشویق ریزش نیروها از درون نظام، بسیج و سازمان‌دهی گسترده، و برنامه‌ریزی دقیق برای بازسازی اقتصادی و سیاسی. او به‌طور کلیدی تأکید کرد که نظام آینده ایران، از جمله مسئله پادشاهی، باید از طریق همه‌پرسی ملی تعیین شود.

به‌نوشته وینستون، «باید این نکته را به یاد داشت. پهلوی منتظر نیست ناگهان وارد شود و ایرانیان را با خود ببرد؛ او آماده است که خودشان آینده‌شان را انتخاب کنند. اما صداهایی که از خیابان‌ها برمی‌خیزد نشان می‌دهد او در میان معترضان از حمایت مردمی قابل‌توجهی برخوردار است.»

در پایان این مقاله آمده: این، هسته «قدرت پهلوی» است. مردم ایران دیگر نام پهلوی را در گوش هم زمزمه نمی‌کنند؛ آن را فریاد می‌زنند.

برجسته‌ترین و منسجم‌ترین صدای بیرونی حامی معترضان بدل شده است. از پیام‌های همبستگی با قربانیان خشونت رژیم گرفته تا ارائه تصویری هرچه دقیق‌تر از ایران پس از جمهوری اسلامی، او خلأی را پر کرده که سال‌ها اپوزیسیون پراکنده ایران از آن رنج می‌برد.

در ادامه مقاله اورشلیم‌پست آمده، این هفته، پس از گزارش‌هایی از تیراندازی در شهر غربی ملک‌شاهی و حمله به یک بیمارستان در ایلام، پهلوی پیامی صریح صادر کرد. او کشتن جوانان بی‌سلاح و یورش به مراکز درمانی را «جنایتی آشکار» خواند و آن را به کشتار زاهدان در سال ۲۰۲۲ یادآوری کرد؛ زمانی که نزدیک به ۱۰۰ معترض کشته و بیش از ۳۰۰ نفر به‌دست نیروهای امنیتی زخمی شدند. او افزود رژیمی که جوانان را می‌کشد و به بیمارستان‌ها حمله می‌کند «به‌وضوح مشروعیتی ندارد و به پایان خود نزدیک می‌شود.»

این ادبیات در داخل ایران طنین‌انداز شده، زیرا بازتاب صدای معترضان است.

در شهرهای مختلف، شعارهایی که زمانی غیرقابل بیان تلقی می‌شدند دوباره شنیده می‌شوند: «جاوید شاه»، برخی حتی فراتر می‌روند: «این آخرین نبرد، پهلوی برمی‌گردد» و «پهلوی برمی‌گردد و ضحاک سرنگونه» اشاره‌ای به چهره اسطوره‌ای استبداد در ادبیات فارسی.

همان‌طور که الکس وینستون تحلیلگر «اورشلیم پست»، اخیراً نوشت، این شعارها تهدیدی وجودی برای رژیمی است که بر سرنوشت پادشاهی و پاک‌کردن میراث پهلوی بنا شده است. این شعارها نشان می‌دهند خشم مردم از مطالبات صرفاً اقتصادی فراتر رفته و به رد کامل جمهوری اسلامی رسیده است.

جمهوری اسلامی تنها لحظه‌ای گذرا در تاریخ بلند ایران است. در بخش اعظم این تاریخ، ایران نه به‌دست روحانیونی و سواس‌گونه در پی صدور انقلاب اسلامی و هزینه‌کرد میلیاردها دلار در جنگ‌های نیابتی در غزه، لبنان، سوریه و یمن، بلکه توسط پادشاهان اداره می‌شد.

در چنین بستری است که پهلوی گام به پیش گذاشته؛ نه صرفاً به‌عنوان نمادی دوردست در هزاران کیلومتر آن‌سوتر،

● شورای سردبیری روزنامه «اورشلیم پست»، ۷ ژانویه ۲۰۲۶ (۱۷ دی‌ماه) در سرمقاله‌ای با اشاره به گسترش اعتراضات ضدحکومتی در ایران، می‌نویسد، که در اغلب شهرهای کشور مردم یکصد نام رضا پهلوی را به آن آلت‌ناتیو جمهوری اسلامی فریاد می‌زنند.

● در مقدمه این مقاله آمده، در میان درهم‌ریختگی که از ایران بیرون می‌تراود، اینکه چند نفر از معترضان کشته شده‌اند، چند نفر واقعاً در خیابان‌ها هستند، چه کسی «عامل موساد» است و چه کسی برای رژیم کار می‌کند از نخستین روز اعتراضات یک مسئله ثابت مانده است: حمایت از رضا پهلوی.

● در حالیکه جمهوری اسلامی تلاش می‌کند کشور را در سیلی از اطلاعات نادرست و سرکوب غرق کند، پهلوی به برجسته‌ترین و منسجم‌ترین صدای بیرونی حامی معترضان بدل شده است. از پیام‌های همبستگی با قربانیان خشونت رژیم گرفته تا ارائه تصویری هرچه دقیق‌تر از ایران پس از جمهوری اسلامی، او خلأی را پر کرده که سال‌ها اپوزیسیون پراکنده ایران از آن رنج می‌برد.

● جمهوری اسلامی تنها لحظه‌ای گذرا در تاریخ بلند ایران است. در بخش اعظم این تاریخ، ایران نه به‌دست روحانیونی و سواس‌گونه در پی صدور انقلاب اسلامی و هزینه‌کرد میلیاردها دلار در جنگ‌های نیابتی در غزه، لبنان، سوریه و یمن، بلکه توسط پادشاهان اداره می‌شد.

● «باید این نکته را به یاد داشت. پهلوی منتظر نیست ناگهان وارد شود و ایرانیان را با خود ببرد؛ او آماده است که خودشان آینده‌شان را انتخاب کنند. اما صداهایی که از خیابان‌ها برمی‌خیزد نشان می‌دهد او در میان معترضان از حمایت مردمی قابل‌توجهی برخوردار است.» این، هسته «قدرت پهلوی» است. مردم ایران دیگر نام پهلوی را در گوش هم زمزمه نمی‌کنند؛ آن را فریاد می‌زنند.

شورای سردبیری روزنامه «اورشلیم پست»، ۷ ژانویه ۲۰۲۶ (۱۷ دی‌ماه) در سرمقاله‌ای با اشاره به گسترش اعتراضات ضدحکومتی در ایران، می‌نویسد، که در اغلب شهرهای کشور مردم یکصد نام رضا پهلوی را به آن آلت‌ناتیو جمهوری اسلامی فریاد می‌زنند.

در مقدمه این مقاله آمده، در میان درهم‌ریختگی که از ایران بیرون می‌تراود، اینکه چند نفر از معترضان کشته شده‌اند، چند نفر واقعاً در خیابان‌ها هستند، چه کسی «عامل موساد» است و چه کسی برای رژیم کار می‌کند از نخستین روز اعتراضات یک مسئله ثابت مانده است: حمایت از رضا پهلوی.

بر اساس آمارهای تا روز سه‌شنبه، بنا بر گزارش گروه‌های حقوق بشری، دست‌کم ۲۹ معترض کشته شده‌اند، هرچند به‌طور گسترده باور بر این است که شمار واقعی بسیار بیشتر است. بیش از هزار نفر نیز در جریان سرکوب‌های گسترده نیروهای امنیتی رژیم در چندین شهر بازداشت شده‌اند؛ بازداشت‌هایی که بسیاری از آن‌ها هرگز به‌طور علنی تأیید نشده است.

در حالیکه جمهوری اسلامی تلاش می‌کند کشور را در سیلی از اطلاعات نادرست و سرکوب غرق کند، پهلوی به

تاکتیک دوگانه «همدلی» و «سرکوب» جمهوری اسلامی با اعتراضات؛ جنبش ملی خواستار بازگشت پادشاهی است



● در حالیکه جمهوری اسلامی با اختلافات شدید درون حکومت روبروست، با کسری شدید بودجه و بحران‌های شدید اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کند، و همچنان سایه جنگ بر سر ایران سنگینی می‌کند، دور تازه‌ای از اعتراضات سراسری از سوی مردم رقم خورده است.

● اگرچه جرقه اعتراضات با اعتصاب بازاریان در تهران زده شد اما این اعتراضات به سرعت با شعارهایی سیاسی و مشخصاً با حمایت از سلسله پهلوی و ولیعهد، و مطالبه بازگشت نظام پادشاهی در بیش از ۷۰ شهر کشور گسترش یافت.

● شعار «جاویدشاه» پرتکرارترین و اصلی‌ترین شعار در دور جدید اعتراضات مردم ایران بوده است. دیگر شعارها همچون «این آخرین نبرده، پهلوی بر می‌گردد» و «ایرانی داد بزن، شاهتو فریاد بزن» نیز به روشنی بیانگر یک مطالبه مشخص سیاسی از سوی شهروندان معترض است: برانداختن نظام اسلامی و جایگزینی نظام پادشاهی.

● جمهوری اسلامی امیدوار بود با تشکیل دولت اصلاح‌طلب مسعود پزشکیان بتواند روند مذاکرات با ایالات متحده بر سر موضوع هسته‌ای را به صورت کج‌دار و مریز، و خرید زمان برای جلوگیری از تشدید انسداد روابط بین‌الملل ادامه دهد و در آنسو با «وعده‌فروشی» به مردم بر محور «اصلاحات» جامعه را در حال «انتظار آمیخته به امید» معلق نگه دارد تا شاید گره‌ای از مشکلات اقتصادی باز شود.

● مقامات جمهوری اسلامی در اقدامی سازمانیافته، برخی از همدلی با معترضان و محق بودن مردم برای اعتراض می‌گویند و بخشی دیگر به سرکوب و کشتار مردم در خیابان مشغولند و رسانه‌های حکومتی نیز تلاش می‌کنند جمهوری اسلامی را از سیل اعتراضات مردم خارج و مطالبات مردم را به مشکلات معیشتی تقلیل دهند.

● اصلاح‌طلبانی که در اعتراضات سالهای گذشته شهروندان معترض را مزدور، اغتشاشگر، ویرانی‌طلب و نفوذی‌های دشمن می‌خواندند و خواستار برخورد تند دولت اصلاح‌طلب حسن روحانی با معترضان بودند حالا معتقدند باید صدای مردم شنیده شود.

● مقاماتی که تاکتیک دیگر نظام را پیش می‌برند اعتراضات را «توطئه دشمن» با «هدایت از خارج» خوانده‌اند تا با «امنیتی» کردن اعتراضات بتوانند مسیر سرکوب شهروندان را هموار و به کشتار و بازداشت مردم «مشروعیت» ببخشند!

روشنک آسترکی - در حالیکه جمهوری اسلامی با اختلافات شدید درون حکومت روبروست، با کسری شدید بودجه و بحران‌های شدید اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کند، و همچنان سایه جنگ بر سر ایران سنگینی می‌کند، دور تازه‌ای از اعتراضات سراسری از سوی مردم رقم خورده است. اگرچه جرقه اعتراضات با اعتصاب بازاریان در تهران زده شد اما این اعتراضات به سرعت با شعارهایی سیاسی و مشخصاً با حمایت از سلسله پهلوی و ولیعهد، و مطالبه بازگشت نظام پادشاهی در بیش از ۷۰ شهر کشور گسترش یافت.

شعار «جاویدشاه» پرتکرارترین و اصلی‌ترین شعار در دور جدید اعتراضات مردم ایران بوده است. دیگر شعارها

برخی معتقدند بروز جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل و موج رصد و سرکوبی که پس از آن در کشور ایجاد شد از جمله دلایل عقب افتادن وقوع اعتراضات سراسری بود.

با اینهمه افزایش افسارگسیخته قیمت‌ها در دو بازار ارز و طلا، و افزایش دو برابری قیمت دلار طی یک سال، نخستین جرقه اعتراضات را با اعتصاب کسبه بازار موبایل علاءالدین در تهران زد و آتش ناراضی مردم از جمهوری اسلامی بار دیگر شعله‌ور شد.

در ششمین روز از اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴، هزاران شهروند در ۷۵ شهر ایران به اعتراضات پیوسته‌اند. جمهوری اسلامی با توجه به مواردی چون تشدید تهدیدهای خارجی، نفوذ و تضعیف درون‌ساختاری، و چندپارگی جریاناتی که برای داشتن رانت و قدرت همچنان یکدیگر را می‌درند، وضعیتی به شدت شکننده دارد و به نظر می‌رسد با اجرای تاکتیکی دوگانه به دنبال عبور از اعتراضاتی است که ممکن است به‌عنوان «تبر آخر بر پیکر پوسیده نظام اسلامی» در تاریخ ثبت شود!

مقامات دولت پزشکیان طی روزهای گذشته در اظهاراتی عوام‌فریبانه گفته‌اند معترضان در خیابان را درک می‌کنند و وجود مشکلاتی در حوزه «اقتصاد» را پذیرفته‌اند.

اصلاح‌طلبانی که در اعتراضات سالهای گذشته شهروندان معترض را مزدور، اغتشاشگر، ویرانی‌طلب و نفوذی‌های دشمن می‌خواندند و خواستار برخورد تند دولت اصلاح‌طلب حسن روحانی با معترضان بودند حالا معتقدند باید صدای مردم شنیده شود.

از جمله عباس عبدی فعال اصلاح‌طلب که در اعتراضات دی ۹۶ خواستار «برخورد تند با اغتشاشگران» شده بود حالا از «برخورد همدلانه دولت با مردم معترض» حمایت کرده است. او البته معتقد است «امروز وضعیت ما با سال ۶۰ متفاوت است؛ الان چشم‌انداز امید نیست» و به نظر می‌رسد علت «چرخش» او در شیوه رویارویی دولت با معترضان، هراس و ناامیدی از چشم‌انداز پیش‌روی نظام متبوع‌اش است!

همچون «این آخرین نبرده، پهلوی بر می‌گردد» و «ایرانی داد بزن، شاهتو فریاد بزن» نیز به روشنی بیانگر یک مطالبه مشخص سیاسی از سوی شهروندان معترض است: برانداختن نظام اسلامی و جایگزینی نظام پادشاهی.

جمهوری اسلامی امیدوار بود با تشکیل دولت اصلاح‌طلب مسعود پزشکیان بتواند روند مذاکرات با ایالات متحده بر سر موضوع هسته‌ای را به صورت کج‌دار و مریز، و خرید زمان برای جلوگیری از تشدید انسداد روابط بین‌الملل ادامه دهد و در آنسو با «وعده‌فروشی» به مردم بر محور «اصلاحات» جامعه را در حال «انتظار آمیخته به امید» معلق نگه دارد تا شاید گره‌ای از مشکلات اقتصادی باز شود.

معادلات سیاست خارجی برخلاف انتظار و محاسبات حکومت پیش رفت و نه تنها مذاکرات کاملاً در بن‌بست قرار گرفت بلکه تشدید تحریم‌های ایالات متحده و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل با فعال شدن مکانیسم ماشه، جریان باریک ورود دلار به کشور را با اختلال روبرو کرده است.

در آنسو مسعود پزشکیان توان و اراده کافی برای عملی‌کردن وعده‌های انتخاباتی را نداشت و تیم اقتصادی ضعیف و ناکارآمد او نه تنها در ساماندهی وضعیت اقتصاد کشور شکست خورد بلکه بر بحران‌ها افزوده و معیشت خانوارهای کم‌درآمد را بیش از پیش در معرض آسیب قرار داده است.

مطالبات محوری بی‌ارتباط به تحریم و اقتصاد، مانند کاهش فشارهای اجتماعی و رفع فیلترینگ، که اتفاقاً از مهمترین وعده‌های اصلاح‌طلبان در زمان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری بود نیز عملی نشده است.

همچنین اختلافات و رقابت‌های بین‌جناحی در جمهوری اسلامی سبب عمیق شدن شکاف‌ها در حکومت، و در نتیجه کاهش اثربخشی اقدامات بخش‌های مختلف از جمله دولت و مجلس شورای اسلامی برای کنترل و مدیریت کشور شده است. دولت اصلاح‌طلب چهاردهم هنوز نیمی از سال نخست فعالیت را پشت سر گذاشته بود که بسیاری از تحلیلگران از احتمال بروز دور جدیدی از اعتراضات سراسری خبر دادند.

دوران محمدرضا شاهی؛ ایستادگی برای حق کارگر (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

وزیر مختار آمریکا حضور داشتند. شهبانو فرح پهلوی ۱۲ اردیبهشت به پرورشگاه شماره یک شهرداری تهران رفت تا با کودکان ملاقات کند. کودکانی که در این پرورشگاه خواندن و نوشتن و فنون زندگی را می‌آموختند تا هنگام ورود به اجتماع هر یک از آنان بتوانند شغل و جایگاه مناسبی به دست آورند.

بعد از ظهر یکشنبه دهم اردیبهشت ۱۳۴۰ شهبانو فرح پهلوی موزه هنرهای تزئینی را گشود. این موزه با کوشش اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه هنرهای زیبای کشور تأسیس شده بود و در این مراسم رئیس هنرهای زیبای کشور، تعدادی از سناتورها، اساتید دانشگاه، شخصیت‌های فرهنگی و همچنین

هنری که بیضایی می‌شناخت



به مناسبت درگذشت بهرام بیضایی
نویسنده، نمایشنامه‌نویس و کارگردان
شهر ایرانی و به یاد او.

بهرام بیضایی
۱۳۰۴ - ۱۳۷۷



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم حتی گفته برای مشکلات معیشتی مردم دنبال مقصر «بیرونی» نباشیم. همچنین دولت تلاش کرده با «وعده‌فروشی» از جمله وعده پرداخت یارانه ناچیز و بی‌ارزش ۷۰۰ هزار تومانی، افکار عمومی را مدیریت و معترضان را «دلخوش» کند!

در ادامه تاکتیک همدلی با مردم، آیت‌الله صادق آملی لاریجانی که روزی در ریاست قوه قضاییه در محور سرکوب شهروندان قرار داشت، حالا به عنوان رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و در حالی که شهروندان معترض فریاد سرنگونی نظام را سر می‌دهند گفته «انتقاد از نحوه اداره کشور حق تکتک احاد ملت است».

درست در همین روزهایی که چنین اظهاراتی از تریبون‌های حکومت مطرح است، در آنسو بخش دیگری تاکتیک سرکوب را پیش می‌برند. مقاماتی که تاکتیک دیگر نظام را پیش می‌برند اعتراضات را «توطئه دشمن» با «هدایت از خارج» خوانده‌اند تا با «امنیتی» کردن اعتراضات بتوانند مسیر سرکوب شهروندان را هموار و به کشتار و بازداشت مردم «مشروعیت» ببخشند!

بر اساس گزارش‌های ثبت شده از سوی نهادهای حقوق‌بشری در طول پنج روز نخست اعتراضات دست‌کم ۱۰ شهروند در شهرهای مختلف کشور توسط مأموران حکومتی جان خود را از دست دادند؛ سه تن از جان‌باختگان کودک، و زیر ۱۸ سال، بودند. بیش از ۱۲۰ تن بازداشت شده و ده‌ها تن مجروح شده‌اند. این آمار را باید آمار اولیه در نظر داشت. قابل پیش‌بینی است که شماری از قربانیان سرکوب، همچنان شناسایی و گزارش نشده باشند.

از سوی دیگر این آمار در حالیکه که جمهوری اسلامی سرکوب گسترده را از روز چهارم اعتراضات در دستور کار قرار داد. در نتیجه با تداوم اعتراضات آمار جان‌باختگان، مجروحان و بازداشت‌شدگان به‌صورت تصاعدی افزایش پیدا خواهد کرد؛ این الگوی سرکوب در اعتراضات دوره‌های گذشته نیز تکرار شده بود.

در میان تاکتیک دوگانه جمهوری اسلامی در برخورد با این دور از اعتراضات سراسری، رسانه‌های حکومتی در اقدامی سازمان‌یافته تلاش دارند اعتراضات بنیادین شهروندان ایران را به «مشکلات اقتصادی» تقلیل دهند و تحلیل کنند که اگر مشکلات معیشتی مردم حل شود دیگر معترضی در خیابان‌ها نخواهد بود. این گزارش‌ها در تلاش هستند تا کلیت جمهوری اسلامی را سیل اعتراضات خارج و نشان دهند مردم تنها برای داشتن جیب پر پول است که با دست خالی مقابل نیروهای تاندان مسلح جمهوری اسلامی سینه سپر می‌کنند.

این در حالیکه که در تحولات سیاسی معاصر ایران، جنبشی ملی‌گرایانه تاریخ‌ساز شده است که نه تنها با بنیان جمهوری اسلامی بلکه حتی با انقلاب ۵۷ در تضاد است؛ جنبشی که نخستین جلوه‌های اجتماعی آن در تجمع هزاران شهروند در پاسارگاد در آبان ۹۵ بروز پیدا کرد و گام به گام در اعتراضات سراسری دی ۹۶، آبان ۹۸، شهریور ۴۰۱، و امروز در دی ۴۰۴ پیش آمده و رو در روی ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایستاده است.

در چنین شرایطی جمهوری اسلامی در بکارگیری تاکتیک دوگانه نیز شکست خواهد خورد. فارغ از آنکه سرانجام اعتراضاتی که از یکشنبه هفتم دی‌ماه آغاز و دو سوم ایران را فراگرفته چه باشد، جنبش ملی ملت ایران علیه جمهوری اسلامی که امروز با صراحت در شعارهای خواستار سرنگونی نظام اسلامی و جایگزین شدن نظام پادشاهی است، تداوم می‌یابد و در آینده سیاسی ایران نقش محوری ایفا خواهد کرد.

صدور نخستین فراخوان شاهزاده رضا پهلوی در اعتراضات دی ۴۰۴: شعار شبانه، ۱۸ و ۱۹ دی ماه، ساعت ۸ شب



حرکت، من فراخوان‌های بعدی را به شما اعلام خواهم کرد.» شاهزاده رضا پهلوی همچنین با اشاره به «ایستادگی ستودنی» مردم معترض با وجود سرکوب‌های جمهوری اسلامی گفت ازدحام جمعیت باعث می‌شود نیروهای سرکوب پس بروند و احتمال ریزش به سوی مردم زیاد شود و به همین علت خواستار حفظ «انضباط و گستردگی» در اعتراضات شد.

شاهزاده رضا پهلوی شامگاه سه‌شنبه ۱۵ دی‌ماه ۱۴۰۴ نخستین فراخوان خود را در رابطه با اعتراضات سراسری ۴۰۴ صادر کرد. شاهزاده رضا پهلوی اعلام کرد: «من اولین فراخوان خود را امروز با شما در میان می‌گذارم و از شما دعوت می‌کنم که این پنجشنبه و جمعه، ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه، هم‌زمان سر ساعت ۸ شب، همگی چه در خیابان‌ها یا حتی از منازل خودتان شروع به سردادن شعار کنید. در نتیجه بازخورد این

دوران محمدرضا شاهی؛ محیطی برای رشد دموکراسی

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



وبدئو

فروردین ۱۳۴۰ ساختمان راکتور اتمی دانشگاه تهران آغاز شد و شاهنشاهی ایران که حالا در ابتدای دهه چهل خورشیدی در حال تبدیل شدن به یکی از کشورهای غنونه منطقه بود دارای تکنولوژی کارآمد و به روز همگام با غرب می‌شد.

اسفند ۱۳۳۹ روزنامه واشنگتن پست به نقل از شاه ایران نوشت: «در ایران ثبات سیاسی وجود دارد. در این کشور سیستم فتودالیسم رو به زوال است. باید دانست که یک شبه نمی‌شود تمام مظاهر دموکراسی را به وجود آورد، ولی من محیطی را به وجود می‌آورم که دموکراسی در آن رشد کند.»

پاسخ پرشور مردم ایران به فراخوان شاهزاده رضا پهلوی و ثبت نقطه عطف مهمی در انقلاب ملی

● شهروندان معترض در ایران روز پنجشنبه ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ و در پاسخ به فراخوان شاهزاده رضا پهلوی اعتراضاتی میلیونی را در ده‌ها شهر کشور برگزار کردند.

● جمعیت معترضان در شهرهایی چون تهران و مشهد بیش از یک میلیون نفر برآورد شده است. در شهرهای دیگر از جمله تبریز، اهواز، بروجرد، بابل، اصفهان، شیراز، کرمان، و خرم‌آباد صدها هزار نفر در خیابان‌ها حضور داشتند.

● شعارهای «جاویدشاه» و «این آخرین نبرده پهلوی بر می‌گردد» همچنان دو شعار اصلی اعتراضات بود. شعارهای دیگری مانند «رضاشاه روح‌ت شاه»، «مرگ بر خائنه‌ای» و «مرگ بر دیکتاتور» نیز از سوی معترضان سر داده شد.

● در شهر تبریز مردم معترض شعارهای «شاه رضا پهلوی» و «بیز اولغه حاضر یخ، پهلوی سرباز یخ» (ما برای جانفشانی آماده‌ایم؛ سرباز پهلوی هستم) نیز در کنار «جاویدشاه» و «این آخرین نبرده، پهلوی بر میگردد» سر دادند.

● در برخی شهرها از جمله تهران و خرم‌آباد شهروندان پرچم شیروخورشید را به اهتزاز درآوردند؛ بن‌های تصاویر خائنه‌ای، مجسمه‌های قاسم سلیمانی و اتومبیل‌های نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی توسط شهروندان به آتش کشیده شد.

● شاهزاده رضا پهلوی بامداد جمعه ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴ با انتشار پیامی ویدئویی با اشاره به حضور گسترده مردم در خیابان در شامگاه هجدهم دی‌ماه تأکید کرد «جمعیت انبوه، باعث عقب‌نشینی نیروهای سرکوب می‌شود» و از رهبران میدانی دعوت کرد که تلاش کنند تا مسیرهای مختلف جمعیت به هم برسند و بزرگتر شوند.

● علی‌خائنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی صبح ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴ و ساعاتی پس از حضور میلیونی شهروندان در خیابان‌ها در سخنانی گفت: «همه بدانند جمهوری اسلامی با خون صدها هزار انسان شریف روی کار آمده؛ در مقابل تخریب‌گرها کوتاه نخواهد آمد.»

● جمهوری اسلامی پس از شکست از انبوه جمعیت معترضان، از حدود ساعت ۱۰ شب هجدهم دی‌ماه به وقت محلی تهران اینترنت جهانی را در ایران قطع و کشور را در خاموشی فرو برد.

● قطع اینترنت هشدار نهادهای حقوق بشری درباره احتمال تشدید سرکوب معترضان در حالیکه ارتباط مردم با خارج از مرزهای کشور قطع است را در پی داشته است.

شهروندان معترض در ایران روز پنجشنبه ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ و در پاسخ به فراخوان شاهزاده رضا پهلوی اعتراضاتی میلیونی را در دست‌کم ۵۰ شهر کشور برگزار کردند. جمهوری اسلامی از ساعت ۱۰ شب پنجشنبه اقدام به قطع

سازمان عفو بین‌الملل و دیدبان حقوق بشر روز گذشته در گزارشی نوشتند نیروهای امنیتی، از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی برای متفرق کردن، ارباب و مجازات معترضان عمدتاً مسالمت‌جو از تفنگ، شات‌گان‌های مجهز به ساچمه‌های فلزی، ماشین آب‌پاش، گاز اشک‌آور و ضرب‌وشتم استفاده کرده‌اند. بر اساس اطلاعات موثق گردآوری‌شده از سوی این دو سازمان حقوق بشری، این سرکوب بین ۳۱ دسامبر ۲۰۲۵ تا ۳ ژانویه ۲۰۲۶ و طی تنها چهار روز به کشته شدن دست‌کم ۲۸ معترض و رهگذر، از جمله کودکان، در ۱۳ شهر از هشت

جمهوری اسلامی پس از شکست از انبوه جمعیت معترضان، از حدود ساعت ۱۰ شب هجدهم دی‌ماه به وقت محلی تهران اینترنت جهانی را در ایران قطع و کشور را در خاموشی فرو برد. علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی صبح ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴ و ساعاتی پس از حضور میلیونی شهروندان در شهرهای مختلف ایران در پاسخ مثبت به فراخوان شاهزاده رضا پهلوی و برگزاری تظاهرات ضدحکومتی، در سخنانی گفت: «همه بدانند جمهوری اسلامی با خون صدها هزار انسان شریف روی کار آمده؛ در مقابل تخریب‌گرها کوتاه نخواهد آمد».



استان انجامیده است.

جمهوری اسلامی امروز جمعه و ساعتی پس از انتشار سخنان علی‌خامنه‌ای در شهر زاهدان نیز به نمازگزاران سنی‌مذهب حمله کرد و شماری را زخمی کرد. با وجود سرکوب‌ها حمایت از اعتراضات سراسری در حال افزایش است. از جمله ۱۸۴ سینماگر ایرانی که اکثراً ساکن درون کشور هستند با انتشار بیانیه‌ای از اعتراضات حمایت کردند. شاهزاده رضا پهلوی بامداد جمعه ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴ با انتشار پیامی ویدئویی با اشاره به حضور گسترده مردم در خیابان در شامگاه هجدهم دی‌ماه تأکید کرد «جمعیت انبوه، باعث عقب‌نشینی نیروهای سرکوب می‌شود.» او همچنین با اشاره به دومین روز فرخوان، جمعه ۱۹ دی-ساعت ۸ شب از آن دسته از شهروندانی که برای حضور در خیابان تردید داشتند خواسته به دیگر هم‌میهنان پیوندند، و جمعیت را بیشتر کنند تا توان سرکوب رژیم از این هم کمتر شود. شاهزاده رضا پهلوی همچنین از رهبران میدانی دعوت کرده که تلاش کنند تا مسیرهای مختلف جمعیت به هم برسند و بزرگتر شوند. او تأکید کرده «می‌دانم که با وجود قطع اینترنت و ارتباطات، خیابان‌ها را رها نخواهید کرد. مطمئن باشید که پیروزی از آن شماست!»

این جملات علی‌خامنه‌ای به معنای تداوم مقاومت جمهوری اسلامی در برابر خواست و اراده ملت ایران و صدور مجوزی برای سرکوب و کشتار بیش از پیش ایرانیان معترض است.

بیش از ۱۲ ساعت است جمهوری اسلامی اینترنت جهانی را بر روی مردم بسته و ایران را در خاموشی فرو برده است. این شرایط هشدار نهادهای حقوق بشری درباره احتمال تشدید سرکوب معترضان در حالیکه ارتباط مردم با خارج از مرزهای کشور قطع است را در پی داشته است. اگر چه هنوز آمار رسمی از تعداد جان‌باختگان، بازداشت‌شدگان و مصدومان اعتراضات روز سه‌شنبه ۱۸ دی‌ماه منتشر نشده اما منابع حقوق بشری از گسترش سرکوب‌های مسلحانه، بازداشت، احضار و تهدید شهروندان حکایت دارد.

سازمان «حقوق بشر ایران» اعلام کرد از آغاز اعتراضات در اواخر دسامبر تاکنون دست‌کم ۴۵ معترض، از جمله هشت کودک، به دست نیروهای امنیتی کشته شده‌اند. خبرگزاری هرانا نوشته شمار بازداشت‌شدگان احراز هویت شده تا روز سه‌شنبه به بیش از ۲۲۷۰ تن رسیده است که در میان بازداشت‌شدگان، دست‌کم ۴۸ نفر دانشجو و ۱۶۶ نفر زیر ۱۸ سال ثبت شده‌اند.

اینترنت کرد و بر اساس گزارش منابع حقوق‌بشری بر شدت سرکوب‌ها افزود. علی‌خامنه‌ای بامداد چهارشنبه در سخنرانی عجولانه‌ای پس از حضور میلیون مردم در خیابان اعلام کرد جمهوری اسلامی کوتاه نمی‌آید.

جمعیت معترضان در شهرهایی چون تهران و مشهد بیش از یک میلیون نفر برآورد شده است. در شهرهای دیگر از جمله تبریز، اهواز، بروجرد، بابل، اصفهان، شیراز، کرمان، و خرم‌آباد صدها هزار نفر در خیابان‌ها حضور داشتند. شاهزاده رضا پهلوی در فراخوانی از شهروندان خواسته بود روزهای پنجشنبه و جمعه، ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه، با حضور در خیابان یا سر دادن شعار شبانه از خانه‌ها علیه جمهوری اسلامی قیام کنند. مردم اما از صبح پنجشنبه با حضور گسترده در خیابان‌ها علیه جمهوری اسلامی شعار دادند و اراده جمعی برای تغییر ساختار سیاسی در ایران را مقابل چشم جهانیان به نمایش گذاشتند.

در برخی شهرها از جمله تهران و خرم‌آباد شهروندان پرچم شیروخورشید را به هتزاز درآوردند؛ بنه‌های تصاویر خامنه‌ای، مجسمه‌های قاسم سلیمانی و اتومبیل‌های نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی توسط شهروندان به آتش کشیده شد.

حضور جمعیت انبوه در بسیاری شهرها سرکوب را برای نیروهای حکومتی دشوار کرد و ناچار شدند در مقابل جمعیت عقب‌نشینی کنند.

در پایتخت در بیش از ۲۰ محله مختلف صدها هزار نفر اقدام به تظاهرات کردند. در مناطق مختلف شهر نیز شهروندان تلاش کردند با حضور در خیابان‌ها و روشن کردن آتش، شعله اعتراضات را زنده نگه داشته و به فراخوان شاهزاده رضا پهلوی پاسخ مثبت دهند.

خبرگزاری «هرانا» گزارش داده از صبح تا شامگاه روز سه‌شنبه مناطق مختلفی از جمله آریاشهر و صادقیه، نارمک، ولیعصر، بلوار کشاورز، یوسف‌آباد، خیابان آزادی (تقاطع اسکندری)، تهرانسر، نازی‌آباد، ستارخان، هفت‌حوض، قیطریه، ونک، پونک (از میدان اصفهانی تا مرزداران)، بلوار کاشانی، چهارراه طالقانی و شهرک آزادی تظاهرات کردند. همچنین گزارش‌هایی از شعاردهی شبانه از داخل خانه‌ها در محدوده هروی و نیز اعتراضات محله‌ای در سعادت‌آباد و جنت‌آباد منتشر شده است.

«هرانا» نوشته در برخی گزارش‌های دریافتی، به تجمعات خیابانی در اسلامشهر اشاره شده است. علاوه بر این، «هرانا» گزارشی نیز از تعطیلی-اعتصاب مغازه‌ها از بازار تهران و مناطق مرکزی این شهر همزمان با تمرکز نیروهای امنیتی در اطراف سبزه‌میدان، خیابان امیرکبیر و مسیر مترو ۱۵ خرداد تا تقاطع ناصرخسرو و سبزه‌میدان دریافت کرده است.

شعارهای «جاویدشاه» و «این آخرین نبرده، پهلوی بر می‌گردد» همچنان دو شعار اصلی اعتراضات بود. شعارهای دیگری مانند «رضاشاه روح‌شاه»، «مرگ بر خامنه‌ای» و «مرگ بر دیکتاتور» نیز از سوی معترضان سر داده شد.

در شهر تبریز مردم معترض شعارهای «شاه رضا پهلوی» و «بیز اولمغه حاضریرخ، پهلوی سربازینرخ» (ما برای جانفشانی آماده‌ایم؛ سرباز پهلوی هستیم) نیز در کنار «جاویدشاه» و «این آخرین نبرده، پهلوی بر می‌گردد» سر دادند.

دانشجویان نیز از صبح ۱۸ دی‌ماه تجمعاتی را در پاسخ به فراخوان شاهزاده برگزار کردند. همچنین مهرداد محمدنژاد، دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد نظری دانشگاه تربیت مدرس و زندانی سیاسی سابق روز پنجشنبه ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ با در دست داشتن پرچم ملی شیروخورشید ایران در این دانشگاه حاضر و پرچم را مقابل ورودی دانشکده علوم انسانی این دانشگاه به اهتزاز درآورد.

اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴

شعار بازاریان: «رضارضا پهلوی، این است شعار ملی» تأکید شاهزاده رضا پهلوی بر ضرورت «تسخیر خیابان» و «ایجاد راه‌بندان»



مقاومت یک شهروند در تهران مقابل نیروهای یگان ضدشوری که قصد حمله به معترضان را داشتند - هشتم دی‌ماه ۱۴۰۴

دومین روز اعتصاب بازاریان در چند شهر ایران؛ اعتراضات شبانه با حضور گسترده شهروندان

- اعتصاب بازاریان در روز دوشنبه هشتم دی‌ماه ۱۴۰۴ در شهرهای مختلف از جمله تهران، کرج، اصفهان، همدان، اهواز، ملارد، قشم و شهر جدید پردیس ادامه یافت و شماری از مردم نیز به بازاریان پیوستند.
- «جاویدشاه»، «رضاشاه روح‌شاد»، «امسال سال خونه، سیدعلی سرنگونه»، «این آخرین نبرده، پهلوی برمی‌گرده»، «هم غزه، هم لبنان، هر دو فدای ایران» و «تا آخوند کفن نشود، این وطن وطن نشود» از جمله شعارهای معترضان در شهرهای مختلف ایران بود.
- در ملارد در جنوب غرب تهران نیز صدها نفر از شهروندان شامگاه دوشنبه با تجمع در خیابان‌ها شعارهایی از جمله «جاویدشاه» سر دادند.
- نیروهای امنیتی و انتظامی و یگان ویژه در

اعتراضات عصر یکشنبه هفتم دی‌ماه ۱۴۰۴ از پاساژ علاءالدین و چارسو بورس موبایل در خیابان «جمهوری» آغاز شد. دومین روز اعتصاب نیز از لاله‌زار بورس لوازم برقی آغاز شد. بازاریان می‌گویند به دلیل افزایش قیمت دلار و نوسان ارز، امکان معامله ندارند.

بازاریان شعارهای مختلفی سر دادند از جمله: «نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم»، «اسلام رو پله کردن، مردم رو ذله کردن»، «رضارضا پهلوی، این است شعار ملی»، «این آخرین نبرده، پهلوی برمی‌گرده»، «رضاشاه روح‌شاد»، «جاویدشاه».

در اصفهان نیز بازاریان همزمان با هم‌صنفی‌های خود در تهران، دست به اعتصاب زدند و به خیابان آمدند. به سرعت جمعیت معترضان که اغلب جوان بودند اضافه شد. آنها نیز در حمایت از خاندان پهلوی شعار «جاویدشاه» سر دادند.

منابع میدانی می‌گویند با وجود اینکه نیروهای امنیتی در اطراف بازار حضور داشتند، جمعیت معترضان حوالی ظهر بیشتر شد.

شنیده‌ها حاکی از آن است که در بازار تهران، مردم مأموران حکومتی را وادار به عقب‌نشینی کردند.

غلامحسین محسنی‌اژه‌ای رئیس دستگاه قضایی جمهوری اسلامی در یک نشست خبری هشدار داده است «لحظه‌ای نباید از عملیات دشمن غفلت کنیم، دشمن دنبال عملیات روانی و گذاشتن فشار اقتصادی روی دوش مردم است.»

در میان معترضان برخی ترجیح داده بودند صورت خود را با ماسک بپوشانند اما اغلب بدون ماسک بودند.

گزارش‌هایی از پیوستن بازاریان مشهد نیز در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد.

● در تهران و اصفهان روز دوشنبه هشتم دی‌ماه ۱۴۰۴ کسبه و بازاریان در اعتراض به افزایش نرخ ارز، رکود، گرانی، افزایش مالیات‌ها و اجاره بهای سنگین اعتصاب کردند.

● در پایتخت مغازه‌داران در خیابان لاله‌زار، پاساژ کاشانی، خیابان ملت و سعدی، امیرکبیر (چراغ برق) حوالی ساعت ۱۰ صبح کرکره‌ها را پایین کشیدند و به خیابان آمدند. با وجود فضای امنیتی و استقرار مأموران انتظامی و مخرها همزمان مغازه‌داران و حجره‌داران در بازار بزرگ تهران [بین‌الحرمین و چارسوق] اعتصاب کردند و در کوچه پس کوچه‌های بازار دست به اعتراض زدند. بازاریان اصفهان نیز حوالی ظهر دست به اعتراضات پیوستند.

● بازاریان شعارهای مختلفی سر دادند از جمله: «نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم»، «اسلام رو پله کردن، مردم رو ذله کردن»، «رضارضا پهلوی، این است شعار ملی»، «این آخرین نبرده، پهلوی برمی‌گرده»، «رضاشاه روح‌شاد»، «جاویدشاه».

● در تهران و اصفهان روز دوشنبه هشتم دی‌ماه ۱۴۰۴ کسبه و بازاریان در اعتراض به افزایش نرخ ارز، رکود، گرانی، افزایش مالیات‌ها و اجاره بهای سنگین اعتصاب کردند.

● در پایتخت مغازه‌داران در خیابان لاله‌زار، پاساژ کاشانی، خیابان ملت و سعدی، امیرکبیر (چراغ برق) حوالی ساعت ۱۰ صبح کرکره‌ها را پایین کشیدند و به خیابان آمدند. با وجود فضای امنیتی و استقرار مأموران انتظامی و مخرها همزمان مغازه‌داران و حجره‌داران در بازار بزرگ تهران [بین‌الحرمین و چارسوق] اعتصاب کردند و در کوچه پس کوچه‌های بازار دست به اعتراض زدند. بازاریان اصفهان نیز حوالی ظهر دست به اعتراضات پیوستند.

→ **شهرهای مختلف برای پراکنده کردن معترضان اقدام کردند.** در برخی شهرها از جمله تهران و ملارد به سوی معترضان گاز اشک‌آور شلیک شده است. - شاهزاده رضا پهلوی دوشنبه هشتم دی‌ماه ۱۴۰۴ در پیامی خطاب به نیروهای مسلح گفت: «نظام در حال فروپاشی است، در مقابل مردم نایستد.»

● **جمعی از فعالان دانشجویی در دانشگاه‌های تهران و امیرکبیر نیز در بیانیه‌هایی جداگانه با حمایت از اعتصاب بازاریان از مردم و دانشجویان خواسته‌اند به اعتراضات بپیوندند.**

● **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای تهدیدآمیز «هرگونه تلاش برای دوگانه‌سازی و تضعیف اعتماد عمومی» را «بازی در زمین دشمن و در راستای اهداف اردوگاه استکبار جهانی به‌سردمداری آمریکا و رژیم صهیونی» خوانده است.**

اعتصاب بازاریان که از روز گذشته از پایتخت آغاز شده بود، در روز دوشنبه هشتم دی‌ماه در چند شهر دیگر ایران گسترش یافت. اعتراضات در ایران به صورت شبانه با حضور گسترده مردم در چند شهر ادامه یافته است. معترضان ضمن تجمع و تظاهرات شعارهایی از جمله «جاویدشاه»، «رضاشاه روح شاد» و «این آخرین نبرده، پهلوی برمی‌گردد» سر دادند. دانشجویان در دو دانشگاه تهران و امیرکبیر با صدور بیانیه‌هایی جداگانه خواستار پیوستن دانشجویان به اعتراضات شدند. شاهزاده رضا پهلوی از نیروهای مسلح خواسته به سوی مردم شلیک نکنند. اعتصاب بازاریان در روز دوشنبه هشتم دی‌ماه ۱۴۰۴ در شهرهای مختلف از جمله تهران، کرج، اصفهان، همدان، اهواز، ملارد، قشم و شهر جدید پردیس ادامه یافت و شماری از مردم نیز به بازاریان پیوستند.

«جاویدشاه»، «رضاشاه روح شاد»، «امسال سال خونه، سیدعلی سرنگونه»، «این آخرین نبرده، پهلوی برمی‌گردد»، «هم غزه، هم لبنان، هر دو فدای ایران» و «تا آخوند کفن نشود، این وطن وطن نشود» از جمله شعارهای معترضان در شهرهای مختلف ایران بود.

در تهران اعتصاب بازاریان که روز گذشته از بازار موبایل علاءالدین آغاز شده بود، در روز دوشنبه در نقاط مختلف شهر گسترش یافت. ویدئوهای منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد بازاریان در روز دوشنبه در بازارها و مراکز تجاری از جمله چهارسوق، بازار طلا، پاساژ علاءالدین، مجتمع چهارسو، بازار مبل دلوران، بازار جعفری، بازار شوش، بازار بزرگ، بازار امین‌حضور و باغ سپهسالار اعتصاب کردند.

همچنین اعتراضات بازاریان و دیگر مردمی که به اعتراض پیوسته بودند به خیابان‌های مختلف از جمله سعدی، لاله‌زار، طالقانی، انقلاب، نجات‌الهی، کارگر، جمهوری و مولوی کشیده شد.

در کلانشهر اصفهان نیز صبح روز دوشنبه شماری از بازاریان اعتصاب کردند و با تظاهرات در خیابان شعار «رضاشاه، روح شاد» و «جاویدشاه» سر دادند.

ویدئویی از جزیره قشم منتشر شده که نشان می‌دهد ده‌ها تن از بازاریان مغازه‌های خود را تعطیل کرده و از دیگر بازاریان می‌خواهند به اعتراضات بپیوندند. بر اساس گزارش‌ها شمار معترضان در قشم در شامگاه دوشنبه به صدها نفر افزایش یافته است.

در همدان نیز شهروندان از عصر دوشنبه به اعتراضات پیوستند. همزمان روابط عمومی استانداری همدان اعلام کرده «با توجه به شرایط جوی تمامی کودکان،

پیش‌دستانی و مدارس ابتدایی استان همدان فردا ۹ دی به‌صورت غیرحضوری برگزار می‌شود». برخی تحلیلگران معتقدند تعطیلی مدارس به‌علت هراس از گسترش اعتراضات صورت گرفته است.

در ملارد در جنوب غرب تهران نیز صدها نفر از شهروندان شامگاه دوشنبه با تجمع در خیابان‌ها شعارهایی از جمله «جاویدشاه» سر دادند.

اعتراضات شهروندان در شهرهای مختلف به شامگاه کشیده شده و با غروب آفتاب بر شمار معترضان افزوده شده است.

از سوی دیگر نیروهای امنیتی و انتظامی و یگان ویژه در شهرهای مختلف برای پراکنده کردن معترضان اقدام کردند. در برخی شهرها از جمله تهران و ملارد به سوی معترضان گاز اشک‌آور شلیک شده است.

شاهزاده رضا پهلوی دوشنبه هشتم دی‌ماه ۱۴۰۴ در پیامی خطاب به نیروهای مسلح گفت: «نظام در حال فروپاشی است، در مقابل مردم نایستد.»

این بیانیه افزوده «تا زمانی که این رژیم سر کار است، وضعیت اقتصادی مملکت رو به زوال خواهد بود. امروز، زمان همبستگی بیشتر است. از تمام اقشار جامعه می‌خواهم که به هم‌میهن‌تان در خیابانها بپیوندید و فریاد سقوط این نظام را سر دهید.»

او افزوده «پیام ویژه من به نیروهای امنیتی و انتظامی: این نظام در حال فروپاشی است. در مقابل مردم نایستد. به مردم بپیوندید. ما پیروزم چون حق با ماست و متحد و یک‌صدا هستیم.»

همچنین جمعی از فعالان دانشجویی در دانشگاه‌های تهران و امیرکبیر نیز در بیانیه‌هایی جداگانه با حمایت از اعتصاب بازاریان از مردم و دانشجویان خواسته‌اند به اعتراضات بپیوندند.

دانشجویان دانشگاه امیرکبیر با اشاره به گسترده شدن اعتصاب بازاریان در روز دوشنبه هشتم دی‌ماه نوشتند «امروز: بر قله تاریخ چشمه‌ایمان به نور همبستگی مردم بار دیگر روشن شد. مردمی که از ظلم و سرکوب فریادهایشان به پا خاسته و می‌رود تا بنای ظالم را بر سرش آوار کند.»

در این بیانیه خطاب به دانشجویان آمده «دانشجویان آگاه! امروز به گوش باشید که ما نیز باید در کنار مردمان رنج‌دیده و مورد ظلم‌مان به پا خیزیم و از هیچ چیزی ابایی نداشته باشیم. ما دست در دست هم برای ایرانی آباد فردا به پا خواهیم خاست و صدای اعتراض خود را به گوش همگان خواهیم رسانید. جمهوری اسلامی سالها با سرکوب و خفقان سیاسی اجازه فعالیت را از دانشگاه ما سلب نمود و فردا همچون سیلی بر سرشان آوار خواهیم شد.»

جمعی از فعالان دانشجویی دانشگاه تهران نیز خطاب به دانشجویان این دانشگاه نوشتند «اکنون لحظه تماشا نیست؛ لحظه ایستادن است؛ لحظه برخاستن.»

این بیانیه تأکید کرده «دانشگاه تهران هیچگاه خاموش نبوده است. وقت آن است که سردر تاریخی دانشگاه باری دیگر شاهد قدم‌های مصمم ما باشد، دوباره طنین فریاد آزادی را بشنود؛ نه نوحه‌ای گاه و بیگاه.»

منوچهر بختیاری پدر دادخواه پویا بختیاری از جانب‌اختگان راه آزادی، نیز روز دوشنبه هشتم دی‌ماه ۱۴۰۴ در پیامی ویدئویی با حمایت از قیام مردم ایران علیه حکومت ظلم و فساد گفت: «دادخواهان یک ملت هستند، صدای دادخواهی ملت هرگز خاموش شدنی نیست.»

اعتصاب بازاریان در شهرهای مختلف ایران در رسانه‌های داخلی نیز بازتاب یافته است. خبرگزاری‌های حکومتی از جمله «ایسنا»، «تابناک»، «فارس» و «انتخاب» درباره

اعتراض بازاریان به علت «افزایش نرخ ارز» خبر داده‌اند. خبرگزاری «ایسنا» نوشته «بازار موبایل تهران در محدوده پل حافظ، پاساژ علاءالدین و مجتمع چهارسو، پیش از ظهر امروز شاهد تجمع و اعتراض جمعی از کاسبان و مغازه‌داران در اعتراض به نوسانات قیمت ارز و طلا در روزهای اخیر بود.»

در حالیکه تمام شعارهای سر داده شده علیه جمهوری اسلامی و در حمایت از خاندان پهلوی بود اما خبرگزاری «ایسنا» مدعی شده که «برخی از افراد حاضر در تجمع شعارهایی که در آن مطالبات صنفی مطرح می‌شد سر دادند، این در حالی است که گروه اندکی با سر دادن شعارهای سیاسی تلاش داشتند از این اعتراض صنفی سوء استفاده کنند.»

خبرگزاری «ایسنا» همچنین به نقل از مهدی اسدی، رئیس انجمن موبایل، نوشته «مسئله اساسی صنف موبایل صرفاً نرخ ارز نیست، بلکه «قفل شدن مسیر ثبت سفارش و واردات» مهم‌ترین چالش فعالان این حوزه به شمار می‌رود. در صورت رفع این مانع، شرایط بازار می‌تواند به‌طور محسوسی بهبود پیدا کند.»

خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز روز دوشنبه ۸ دی ماه معترضان و اعتصاب‌کنندگان را به جریانات «خارج از کشور» مرتبط کرد و مدعی شد «رسانه‌های ضدایرانی و سازمان‌های امنیتی خارجی، از طریق برخی عوامل داخلی‌شان، در برخی تجمعات حاضر شده‌اند تا اعتراضات را به ناآرامی و سازوکار ضدامنیتی تبدیل کنند.»

در همین حال سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای تهدیدآمیز «هرگونه تلاش برای دوگانه‌سازی و تضعیف اعتماد عمومی» را «بازی در زمین دشمن و در راستای اهداف اردوگاه استکبار جهانی به‌سردمداری آمریکا و رژیم صهیونی» خوانده و تأکید کرده «بی‌تردید امروز بیش از هر زمان دیگر، هم‌صدایی مردم، مسئولان و نخبگان برای صیانت از امنیت و پیشرفت کشور ضروری است.»

در این بیانیه که به بهانه «گرامیداشت سالگرد ۹ دی» (اعتراضاتی که در اعتراض سال ۸۸ از سوی حکومتی‌ها برگزار شد) صادر شده آمده سپاه و دیگر مدافعان «دشمنان را از هرگونه خطای محاسباتی برحذر می‌دارند و هشدار می‌دهند در برابر هرگونه فتنه، آشوب، جنگ شناختی یا تهدید امنیتی و تعرض سرزمینی شجاعانه می‌ایستند و مقتدرانه پاسدار استقلال، امنیت، عزت و اقتدار جمهوری اسلامی خواهند بود.»

صبح دوشنبه نیز غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه از «دستور مؤکد» برای برخورد با «اخلالگران در نظام اقتصادی» خبر داد و گفت با کسانی که علیه معیشت مردم و کسب و کار مردم اقدام می‌کنند، با توجه به قوانین موجود از جمله «قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور» و «قانون مجازات اسلامی» برخورد کرد.

رئیس قوه قضاییه همچنین به «توطئه‌های مستمر دشمن» اشاره کرده و مدعی شده «دشمنان طی سالیان گذشته نهایت تلاش خود را مصروف کردند تا تاب‌آوری مردم ما را کاهش دهند؛ از تحریم‌های به زعم خودشان فلج‌کننده تا جنگ تحمیلی؛ آنها همه این توطئه‌ها را برای ضربه زدن به مردم ما به کار بستند، اما مقصودشان حاصل نشد، فلذا امروز شاهد هستیم که دشمن برای کاهش تاب‌آوری مردم، بر روی عملیات روانی و فشار اقتصادی و معیشتی به صورت همزمان، متمرکز شده است. در شرایط فعلی، وظیفه ما بسیار سنگین و خطیر است؛ نباید لحظه‌ای از حربه‌ها و ترفندهای دشمن غافل شویم.»



گسترش اعتراضات ضد حکومتی به بیش از ۴۵ شهر ایران؛ شاهزاده رضا پهلوی: «متحد بمانید»

● اعتراضات ضدحکومتی در ایران که از بازار موبایل «علاءالدین» تهران آغاز شد به یک کارزار سراسری گسترده علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده است. علی‌رغم فضای امنیتی و حضور گسترده نیروی انتظامی، بسیج و لباس شخصی‌ها، اعتراضات تا پنجشنبه ۱۱ دی‌ماه ۱۴۰۴ در بیش از ۴۵ شهر و شهرستان گسترش یافت.

● براساس آمار منابع غیررسمی، تاکنون ۹ الی ۱۰ نفر در این اعتراضات جان باختند که از شهروندان مرودشت (استان فارس)، کوه‌دشت و ازنا (استان لرستان) بودند اما آمار دقیقی از تعداد جانب‌باختگان، زخمی‌ها و دستگیری‌ها در دست نیست.

● شاهزاده رضا پهلوی در یک پیام که جمعه ۱۲ دی‌ماه صادر شد خطاب به مردم گفت: «شما در حال تاریخ‌سازی هستید؛ تاریخی که با شجاعت، همبستگی و اراده یک ملت برای بازپس‌گیری کشورش نوشته می‌شود».

● در شرایطی که هزاران نفر از مردم در سراسر کشور در مقابل باتوم، گاز اشک‌آور و گلوله ایستادگی می‌کنند، برخی جریان‌های سیاسی که خود را مخالف و منتقد نظام معرفی می‌کردند، خود را از حضور در میدان کنار کشیدند به این دلیل که با حضور گسترده طرفداران رضا پهلوی در صحنه موافق نیستند.

● در واکنش به مخالفت‌ها، سعید قاسمی‌نژاد فعال سیاسی و از مشاوران شاهزاده رضا پهلوی خطاب به آنهایی که نسبت به میدان‌داری هواداران پادشاهی اعتراض دارند در اینستاگرام خود نوشت: «این اندازه از اینکه رهبری اعتراض‌ها در دست شما نیست و مردم شاهزاده رضا پهلوی را صدا می‌زنند نترسید. آینده‌ای که شاهزاده رضا پهلوی از آن صحبت می‌کند و در پی ساختن آن است متعلق به همه ایرانیان است».

اعتراضات ضدحکومتی در ایران که از بازار موبایل «علاءالدین» تهران آغاز شد به یک کارزار سراسری گسترده علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده است. علی‌رغم فضای امنیتی و حضور گسترده نیروی انتظامی، بسیج و لباس شخصی‌ها، اعتراضات تا پنجشنبه ۱۱ دی‌ماه ۱۴۰۴ در بیش از ۴۵ شهر و شهرستان گسترش یافت.

براساس آمار منابع غیررسمی، تاکنون ۹ الی ۱۰ نفر در این اعتراضات جان باختند که از شهروندان مرودشت (استان فارس)، کوه‌دشت و ازنا (استان لرستان) بودند اما آمار دقیقی از تعداد جانب‌باختگان، زخمی‌ها و دستگیری‌ها در دست نیست.

به گفته کاظم نظری دادستان کوه‌دشت در جریان اعتراضات این شهرستان تاکنون ۱۳ مأمور زخمی، یک بسیجی کشته و ۲۰ نفر دستگیر شدند اما آمارهای حکومتی قابل استناد نیست زیرا کاملاً پیداست در تلاشی سازمان‌یافته

تلفات که مربوط به شلیک نیروهای امنیتی به مردم است سرپوش گذاشته شود. بنا به گزارش منابع محلی امیرحسام خدایاری‌فرد یک شهروند عادی بود که در اعتراضات کوه‌دشت توسط یک گروه‌بان پلیس کشته شد اما رسانه‌های حکومتی او را «بسیجی» جا زدند.

رسانه‌ها و مقامات حکومتی طبق معمول اعتراضات را «نسخه‌دشمن برای بی‌ثبات‌سازی کشور» می‌دانند. محمدجواد لاریجانی رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی مدعی شده «آشوب اقتصادی، طراحی دشمن است؛ آن‌ها تلاش می‌کنند با اغوای مردم، القای ناکارآمدی و انداختن مسئولیت مشکلات به گردن نظام جمهوری اسلامی، ناآرامی ایجاد کنند».

براساس گزارش‌های میدانی در استان‌های همدان، فارس و لرستان موارد درگیری و استفاده نیروهای امنیتی از خشونت

و خراسان و هرمزگان. شما در حال تاریخ‌سازی هستید؛ تاریخی که با شجاعت، همبستگی و اراده یک ملت برای بازپس‌گیری کشورش نوشته می‌شود».

مخالفان حکومت درخواست کرده‌اند که سایر اصناف از جمله کامیونداران، معلمان و پرستاران به اعتراضات ملحق شوند.

همسویی برخی جریان‌های سیاسی با حکومت

در شرایطی که هزاران نفر از مردم در سراسر کشور در مقابل باتوم، گاز اشک‌آور و گلوله ایستادگی می‌کنند، برخی جریان‌های سیاسی که خود را مخالف و منتقد نظام معرفی می‌کردند، خود را از حضور در میدان کنار کشیدند به این دلیل که با حضور گسترده طرفداران رضا پهلوی در صحنه موافق نیستند. نیشابور و مشهد، تهران، کرج، قم، رشت،



اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴

همدان تا مرودشت و شیراز و سایر شهرها در حمایت از پهلوی‌ها شعار می‌دهند. هواداران دو تیم سپاهان اصفهان و تاج (استقلال) پنجشنبه پس از خروج از استادیوم «نقش جهان» در حمایت از پهلوی شعار دادند.

«از اراده ملت نترسید»

در واکنش به مخالفت‌ها، سعید قاسمی‌نژاد فعال سیاسی و از مشاوران شاهزاده رضا پهلوی خطاب به آنهایی که نسبت به میدان‌داری هواداران پادشاهی اعتراض دارند در اینستاگرام خود نوشت: «این اندازه از اینکه رهبری اعتراض‌ها در دست شما نیست و مردم شاهزاده رضا پهلوی را صدا می‌زنند نترسید. آینده‌ای که شاهزاده رضا پهلوی از آن صحبت می‌کند و در پی ساختن آن است متعلق به همه ایرانیان است».

او در ادامه تأکید کرد: «همه گروه‌ها و افرادی که به دنبال دموکراسی سکولار مبتنی بر حقوق فردی بشر، با حفظ تمامیت ارضی ایران، براساس احترام به حث ملت ایران برای انتخاب شکل و محتوای نظام سیاسی کشور هستند، در ساختن ایران مشارکت خواهند داشت. افراد و گروه‌ها نیز به میزانی که در انتخابات آزاد و منصفانه رای بیاورند، در اداره کشور نقش خواهند داشت... اگر ایران را دوست می‌دارید از اراده ملت ایران، رای ملت ایران و صدای ملت ایران نترسید».

بیشتر از سایر مناطق است.

در مواردی معترضان تلاش کردند کنترل کلانتری یا ساختمان‌های حکومتی را بدست بگیرند.

پیوست دانشجویان به بازاریان در نخستین روزهای اعتراض و همچنین سر دادن شعارهای واحد در حمایت از پهلوی‌ها از رویدادهای برجسته این دور از اعتراضات بود. مخالفان حکومت تلاش می‌کنند مردم در شهرهای بزرگ را به میدان بیاورند. برخی شهرها از جمله تبریز و ارومیه یا زنجان و همچنین اهواز و آبادان که سابقه اعتراضات گسترده در آنجا وجود دارد، تا ششمین روز اعتراضات، ساکت بودند.

حکومت تلاش می‌کند با تبلیغات قومیتی، همسو با جریان‌های سیاسی مخالف پهلوی، از پیوستن بیشتر مردم به اعتراضات جلوگیری کند.

متحد بمانید

در واکنش به ادامه اعتراضات شاهزاده رضا پهلوی در پیامی که روز جمعه دوم دسامبر (۱۲ دی‌ماه) در ششمین روز اعتراضات منتشر شد از مخالفان حکومت در داخل کشور خواست که «متحد بمانید».

او در این پیام که در «ایکس» منتشر شد در واکنش به ادامه اعتراضات نوشت: «درد بر شما که دلبرانه در سراسر ایران ایستاده‌اید؛ از لرستان، چهارمحال‌وختیاری، و اصفهان تا کرمانشاه، ایلام و خوزستان؛ از فارس، همدان و زنجان، تا مرکزی، قم، و تهران؛ از قزوین و البرز و گیلان، تا مازندران،

فراگیری اعتراضات سراسری دی ۴۰۴ در هفته نخست؛ ۲۵ استان و ۱۷۴ نقطه در کشور

● خبرگزاری «هرانا» نوشته در هفته نخست اعتراضات، دست کم ۱۷۴ نقطه در ایران شاهد اعتراضات، تجمعات خیابانی یا اعتصابات صنفی بوده‌اند. این اعتراضات مجموعاً در ۲۵ استان کشور گزارش شده و طی این مدت، ۱۸ دانشگاه نیز صحنه اعتراضات دانشجویان بوده‌اند.

● در هفته نخست اعتراضات جان باخت دست کم ۲۵ نفر و بازداشت دست کم ۵۸۲ شهروند نیز از سوی نهادهای حقوق بشری گزارش و ثبت شده است.

● سرکوب شهروندان طی هفته نخست با ضرب و جرح با باتوم، شلیک گاز اشک‌آور، شلیک گلوله ساچمه‌ای، استفاده از ماشین آب‌پاش، و بازداشت بوده است. شلیک گاز اشک‌آور، شلیک گلوله ساچمه‌ای و وارد کردن ضربه با باتوم، به ویژه به سر، از جمله دلائل جان باختن معترضان بوده است.

● پراکندگی جغرافیایی اعتراضات نیز نشان می‌دهد اعتراضات محدود به کلانشهرها نبوده و شهرهای کوچک‌تر و حتی بخش‌های حاشیه شهرهای مختلف نیز محل اعتراض شهروندان در هفته نخست اعتراضات بوده است.

● گزارش‌های میدانی حاکی از آن است که در برخی شهرها، تجمعات اعتراضی به فضاهای نمادین یا معابر اصلی کشیده شده و نیروهای انتظامی-امنیتی برای متفرق کردن معترضان از ابزارهای کنترل جمعیت استفاده کرده‌اند.

اعتراضات سراسری دی ۴۰۴ که از هفتم دی‌ماه آغاز شد طی هفته نخست به ۲۵ استان و ۱۷۴ نقطه کشور گسترده شده است. در هفته نخست اعتراضات جان باخت دست کم ۲۵ نفر و بازداشت دست کم ۵۸۲ شهروند نیز از سوی نهادهای حقوق بشری گزارش و ثبت شده است.

اعتراضات سراسری دی ۴۰۴ روز یکشنبه ۱۴ دی‌ماه وارد دومین هفته شد. طی هفته نخست شهروندان در ۲۵ استان ایران یعنی حدود سه چهارم استان‌ها دست به اعتراضات زدند.

خبرگزاری «هرانا»، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، در گزارشی اعلام کرده طی یک هفته گذشته هویت دست کم ۱۶ نفر در جریان اعتراضات را ثبت کرده است.

مجموعه گزارش‌های حقوق بشری اما نشان می‌دهد هویت دست کم ۲۵ شهروند در اعتراضات ثبت شده است. همچنین بر اساس گزارش‌ها دست کم دو نیروی حکومتی نیز طی هفته نخست اعتراضات کشته شدند.

روابط عمومی سپاه «نبی اکرم» در استان کرمانشاه مدعی شده علی عزیزی عضو بسیج در شهرستان هرسین کشته شده است.

از سوی دیگر شماری از شهروندان مجروح شده که بیمارستان منتقل شده‌اند نیز وخیم گزارش شده است. از

جمله در اعتراضات روز ۱۳ دی‌ماه در شهر ملکشاهی، استان ایلام، ۳۰ نفر دیگر پس از زخمی شدن به بیمارستان این شهر و همچنین بیمارستان «خمینی» ایلام منتقل شده‌اند و وضعیت تعدادی از آنان وخیم گزارش شده است.

گزارش «هرانا» افزوده در هفت روز گذشته دست کم ۱۷۴ نقطه در ایران شاهد اعتراضات، تجمعات خیابانی یا اعتصابات صنفی بوده‌اند. این اعتراضات مجموعاً در ۲۵ استان کشور گزارش شده و طی این مدت، ۱۸ دانشگاه نیز صحنه تحركات اعتراضی دانشجویان بوده‌اند.

همچنین در شبانه‌روز گذشته که هفتمین روز اعتراضات محسوب می‌شود، تجمعات اعتراضی در ۱۲ شهر از ۸ استان ثبت شده است از جمله شهرهای کازرون، ملکشاهی، کرمانشاه، شیراز، مشهد، آراكواز، اصفهان، تهران، هفشجان،

استان گزارش شده است. خبرگزاری «هرانا» همچنین نوشته «در برخی تجمعات، اعتراضات در قالب اعتصاب صنفی، تعطیلی واحدهای تجاری یا تجمعات کوتاه‌مدت خیابانی شکل گرفته و در برخی دیگر، راهپیمایی‌های محدود و پراکنده گزارش شده است. تکرار و فراگیری این مضامین در شهرهای مختلف نشان می‌دهد که مرز میان مطالبات صنفی و روزمره با مطالبات سیاسی کم‌رنگ شده و اعتراضات جاری بر بستری از نارضایتی‌های انباشته و چندلایه شکل گرفته است.»

گزارش دیگری نشان می‌دهد با تفکیک شهرها از بخش‌ها و شهرک‌های حاشیه‌ای، فراگیری اعتراضات طی هفته نخست در حدود ۸۰ شهر و شهرستان ایران بوده است. اعتراضات در هفته نخست، مانند دیگر اعتراضات سراسری



در سالهای ۹۶، ۹۸، و ۱۴۰۱ با سرکوب گسترده معترضان از سوی نیروهای حکومتی روبرو بوده است. نیروهای امنیتی شامل نیروهای وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس)، نیروهای بسیجی و لباس شخصی، نیروهای انتظامی و یگان ویژه ضدشورش به سرکوب شهروندان پرداختند.

سرکوب شهروندان طی هفته نخست با ضرب و جرح با باتوم، شلیک گاز اشک‌آور، شلیک گلوله ساچمه‌ای، استفاده از ماشین آب‌پاش، و بازداشت بوده است. شلیک گاز اشک‌آور، شلیک گلوله ساچمه‌ای و وارد کردن ضربه با باتوم، به ویژه به سر، از جمله دلائل جان باختن معترضان بوده است.

همچنین اعلام شده گزارش‌های میدانی حاکی از آن است که در برخی شهرها، تجمعات اعتراضی به فضاهای نمادین یا معابر اصلی کشیده شده و نیروهای انتظامی-امنیتی برای متفرق کردن معترضان از ابزارهای کنترل جمعیت استفاده کرده‌اند. همزمان، استقرار گسترده نیروهای امنیتی در خیابان‌های اصلی، میادین و اطراف مراکز حساس شهری گزارش شده و فضای امنیتی در بخش‌هایی از این شهرها تشدید شده است.

از سوی دیگر صدها شهروند نیز طی روزهای گذشته بازداشت شده‌اند. خبرگزاری «هرانا» آمار بازداشت‌شدگان احراز هویت شده را ۵۸۲ نفر اعلام کرده است اما بر اساس تجربه اعتراضات سراسری سالهای گذشته قابل

کرج، شهرکرد، فردیس. با وجود تعطیلی کلاس‌های درس دانشگاه پس از بروز اعتراضات اما روز شنبه ۱۴ دی‌ماه در دو دانشگاه در تهران نیز اعتراضاتی برگزار شد.

خبرگزاری «هرانا» در اینبار گزارش داده که داده‌های موجود نشان می‌دهد که با وجود نوسان در شدت و پراکندگی روزانه اعتراضات، حضور دانشگاه‌ها به‌عنوان یکی از کانون‌های اعتراض، همچنان استمرار داشته است. بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از سوی خبرگزاری «هرانا» طی هفته نخست اعتراضات در مجموع ۱۸ تجمع دانشجویی در ۱۵ دانشگاه کشور برگزار شده است.

وزارت علوم از روز چهارشنبه دهم دی‌ماه، چهارمین روز اعتراضات، اقدام به تعطیلی کلاس‌های درس در برخی دانشگاه‌هایی کرد که در آنها تجمع اعتراضی برگزار شده بود. وزارت علوم جمهوری اسلامی همچنین به مسئولان دانشگاه‌های سراسر کشور مجوز تعطیل کردن کلاس‌های درس تا آخر دی‌ماه را نیز داد.

پراکندگی جغرافیایی اعتراضات نیز نشان می‌دهد اعتراضات محدود به کلانشهرها نبوده و شهرهای کوچک‌تر و حتی بخش‌های حاشیه شهرهای مختلف نیز محل اعتراض شهروندان در هفته نخست اعتراضات بوده است.

در این رابطه خبرگزاری «هرانا» گزارش داده که با توجه به گزارشات راستی‌آزمایی شده تا شامگاه شنبه ۱۳ دی‌ماه مجموعاً ۱۷۴ اعتراض در مناطق مختلف از ۶۰ شهر در ۲۵

دومین هفته از اعتراضات سراسری؛ لغو و عقب افتادن امتحانات مدارس و دانشگاه‌ها در برخی شهرها



تظاهرات ضدحکومتی، دی‌ماه ۱۴۰۴

● دانشگاه صنعتی اصفهان با صدور اطلاعیه‌ای رسمی از تعویق یک‌هفته‌ای امتحانات پایان نیمسال جاری خبر داد. همچنین اعلام شده امتحانات دانشگاه شیراز و دانشگاه اصفهان نیز با یک هفته تأخیر و تا ۲۷ دی‌ماه برگزار خواهند شد.

● در روزهای گذشته دانشگاه‌های زیادی از جمله تهران، علم و صنعت و آریامهر (شریف) نیز خوابگاه‌ها را تعطیل و کلاس‌های درس را آنلاین کردند. همچنین به دانشجویان اعلام شده بود طی دو روز باید خوابگاه‌ها را ترک کنند.

● «خبرنامه امیرکبیر» گزارش داده فضای امنیتی در دانشگاه «سوره» تشدید شده و تعدادی از دانشجویان این دانشگاه از سوی حراست و نهادهای امنیتی احضار و تهدید شده‌اند.

● حسین خسروی، معاون امور دانشجویی دانشگاه صنعتی شاهرود، با انتشار پیامی در کانال شخصی خود در شبکه اجتماعی-امنیتی سروش، از فعال شدن کمیته انضباطی دانشگاه خبر داد و به دانشجویان نسبت به ادامه حضور در تجمعات هشدار داد.

● خبرگزاری «هرانا» در گزارشی اعلام کرده که طی هفته نخست اعتراضات سراسری در مجموع ۱۸ تجمع دانشجویی در ۱۵ دانشگاه کشور برگزار شده است.

● تغییراتی نیز در برنامه برگزاری امتحانات مدارس نیز ایجاد شده است. آموزش و پرورش استان تهران از

پادشاهی به ایران شعار دادند.

حضور گسترده مردم در اعتراضات، گستردش آن در شهرهای مختلف و سر دادن شعارهای واحد از ویژگی‌های منحصر بفرد این کارزار بزرگ ضدحکومتی است. حمایت دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا از مردم ایران و همزمان همچنین بازداشت نیکلاس مادورو رئیس جمهوری سابق ونزوئلا بشدت حکومت را در تنگنا قرار داد و همزمان روحیه مردم را بالا برد.

شاهزاده رضا پهلوی روز یکشنبه ۱۴ دی‌ماه ۱۴۰۴ در پیامی ضمن تقدیر از شجاعت هم‌میهنان گفت که نوجوانان و جوانان وطن‌دوست «خواب را از خامنه‌ای و رژیمش» گرفته‌اند.

او بار دیگر روی دو «مسئله کلیدی» تأکید کرد: تداوم

پیش‌بینی است که بخش زیادی از بازداشت‌شدگان مستندسازی و فهرست نشده‌اند. در برخی موارد خانواده و اطرافیان همچنان تا چند روز پس از بازداشت اطلاع از بازداشت افراد ندارد و در برخی موارد نیز اطرافیان دسترسی به خبرنگاران و نهادهای حقوق‌بشری برای گزارش بازداشت فرد را ندارند. همچنین گاهی خانواده‌ها با تحریک یا تهدید نهادهای امنیتی از گزارش بازداشت عضو خانواده خودداری می‌کنند، به این امید که فرد به زودی آزاد شود!

هفتمین شب متوالی خیزش ملی؛ تأکید شاهزاده رضا پهلوی بر ضرورت «تسخیر خیابان» و «ایجاد راه‌بندان»

● اعتراضات در ایران به هفتمین شب متوالی رسید، آنهم در شرایطی که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی صبح روز شنبه ۱۳ دی‌ماه ۱۴۰۴ فرمان سرکوب صادر کرد و طی سخنانی در جمع هواداران خود گفت، «اغتشاشگر را باید سرچایش نشانند».

● همان شب، با وجود فضای امنیتی شدید، هزاران نفر از شهروندان در بیش از ۸۰ شهر ایران دست به تظاهرات زدند و تندترین شعارها را علیه خامنه‌ای و نظام سر دادند و در یک حرکت جمعی در حمایت از خاندان پهلوی و بازگشت پادشاهی به ایران شعار دادند.

● شاهزاده رضا پهلوی روز یکشنبه ۱۴ دی‌ماه ۱۴۰۴ در پیامی بار دیگر روی دو «مسئله کلیدی» تأکید کرد: تداوم تسخیر خیابان‌ها و ایجاد راه‌بندان برای جلوگیری و مانع‌شدن از سرکوب رژیم.

● تأکید رضا پهلوی بر تداوم مبارزه، تسخیر خیابان و ایجاد راه‌بندان برای مقابله با سرکوب یکی از تاکتیک‌های اصلی مبارزات مدنی در مقابله با سرکوبگران است. اینکه در عمل مردم با استفاده از تجربیات گذشته این تاکتیک‌ها را اجرا می‌کنند حکومت را نگران کرده است.

● مقابله با سرکوبگران آن هم با روش‌های خشونت‌پرهیز دشوار است. بر اساس آمارهای غیررسمی از آغاز تظاهرات ضدحکومتی تا کنون (هفت شب) دست‌کم ۱۵ نفر کشته شدند.

اعتراضات در ایران به هفتمین شب متوالی رسید، آنهم در شرایطی که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی صبح روز شنبه ۱۳ دی‌ماه ۱۴۰۴ فرمان سرکوب صادر کرد و طی سخنانی در جمع هواداران خود گفت، «اغتشاشگر را باید سرچایش نشانند».

همان شب، با وجود فضای امنیتی شدید، هزاران نفر از شهروندان در بیش از ۸۰ شهر ایران دست به تظاهرات زدند و تندترین شعارها را علیه خامنه‌ای و نظام سر دادند و در یک حرکت جمعی در حمایت از خاندان پهلوی و بازگشت

تسخیر خیابان‌ها و ایجاد راه‌بندان برای جلوگیری و مانع‌شدن از سرکوب رژیم.

تأکید شاهزاده رضا پهلوی بر تداوم مبارزه، تسخیر خیابان و ایجاد راه‌بندان برای مقابله با سرکوب یکی از تاکتیک‌های اصلی مبارزات مدنی در مقابله با سرکوبگران است. اینکه در عمل مردم با استفاده از تجربیات گذشته این تاکتیک‌ها را اجرا می‌کنند حکومت را نگران کرده است.

مقابله با سرکوبگران آن هم با روش‌های خشونت‌پرهیز دشوار است. بر اساس آمارهای غیررسمی از آغاز تظاهرات ضدحکومتی تا کنون (هفت شب) دست‌کم ۱۵ نفر کشته شدند.

ترامپ تأکید کرده بود در صورت شلیک به معترضان ایرانی، «آمریکا به کمک آنها خواهد آمد» اما هنوز مشخص نیست او چگونه کمک می‌کند و آیا اساساً مداخله خواهد کرد یا نه؟

امیرسعید ایروانی سفیر جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل و رئیس شورای امنیت اظهارات ترامپ را «مداخله جویانه» توصیف کرد و گفته بود: «هرگونه تشویق، حمایت یا تسهیل فعالیت‌های براندازانه یا خشونت‌آمیز در داخل دولت دیگر، به‌موجب حقوق بین‌الملل عملی متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شود و به‌طور مستقیم مسئولیت بین‌المللی دولت مداخله‌گر را متحقق می‌سازد.»

رئیس قوه قضاییه همزمان با گسترش اعتراضات سراسری: اینبار هیچ ارفاقی به «اغتاشگران» نمی‌کنیم



● رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی با اشاره به اعتراضات سراسری گفته «اغتاشگران بدانند که اگر در مقاطع پیشین، ارفاقاتی اعمال می‌شد، دیگر خبری از آن قبیل مباحثات نخواهد بود و نمی‌تواند ادعا کند که فریب خورده‌اند».

● غلامحسین محسنی اژه‌ای گفته «دشمنان اصلی مردم ما یعنی رژیم‌های آمریکا و صهیونیستی در مقطع فعلی رسماً و علناً از آشوب در کشور ما حمایت کرده‌اند؛ بنابراین هیچ اغتشاشگری دیگر نمی‌تواند مدعی فریب خوردن شود».

● او خواستار برگزاری سریع دادگاه بازداشت‌شدگان شده است: «اینگونه نباشد که برای عنصر اغتشاشگری که جرائم دیگری نیز در خلال آشوب‌ها مرتکب شده، شش ماه بعد رأی صادر شود؛ این امر فاقد بازدارندگی خواهد بود».

● اظهارات رئیس قوه قضاییه و رئیس مجلس شورای اسلامی پس از آن مطرح شده که رهبر جمهوری اسلامی در سخنانی شهروندان معترض را «اغتاشگر» خواند و گفت باید «آنها را سر جایشان نشانند»!

در حالیکه اعتراضات سراسری دی‌ماه ۴۰۴ وارد نهمین روز شده است رئیس قوه قضاییه با تهدید شهروندان معترض گفته اینبار هیچ ارفاقی به «اغتاشگران» نمی‌کنیم. او همچنین از مسئولان قضایی خواست که با کمک نهادهای اطلاعاتی «عوامل و عناصر اصلی» را شناسایی کنند.

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه

تماس‌های تهدیدآمیز، اقدام به حذف استوری‌ها و محتوای منتشرشده خود کرده‌اند.

در نمونه دیگری که «خبرنامه امیرکبیر» گزارش داده حسین خسروی، معاون امور دانشجویی دانشگاه صنعتی شاهرود، با انتشار پیامی در کانال شخصی خود در شبکه اجتماعی-امنیتی سروش، از فعال شدن کمیته انضباطی دانشگاه خبر داد و به دانشجویان نسبت به ادامه حضور در تجمعات هشدار داد.

در این پیام که با عبارت «بسم‌الله الرحمن الرحیم» آغاز شده، آمده است: «بعد از چند روز مدارا، ناچار شدیم کمیته انضباطی را فعال کنیم». در ادامه، از دانشجویان خواسته شده است که «زین پس در تجمعات شرکت نکنند» و تأکید شده که «فضای شهر امنیتی شده» و دانشگاه از سوی

«مراجع مختلف» مورد بازخواست قرار می‌گیرد. این پیام در پایان با درخواست از دانشجویان برای «رعایت» و پرهیز از حضور در تجمعات، منتشر شده و به‌طور رسمی در کانال شخصی معاون امور دانشجویی دانشگاه صنعتی شاهرود در دسترس قرار گرفته است.

خبرگزاری «هرانا» در گزارشی اعلام کرده که طی هفته نخست اعتراضات سراسری در مجموع ۱۸ تجمع دانشجویی در ۱۵ دانشگاه کشور برگزار شده است.

همچنین تغییراتی در برنامه برگزاری امتحانات مدارس نیز ایجاد شده است. آموزش و پرورش استان تهران از لغو کلیه امتحانات دانش‌آموزان در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه، ۱۶ و ۱۷ دی‌ماه، خبر داده است.

علی صفری، رئیس کمیته اضطرار آلودگی هوای استان البرز، نیز روز دوشنبه ۱۵ دی‌ماه ۱۴۰۴ اعلام کرده بر اساس تصمیم این کمیته کلیه مراکز پیش‌دبستانی و مهدکودک‌ها در این استان روز سه‌شنبه ۱۶ دی‌ماه تعطیل است و تمام مقاطع تحصیلی تحت پوشش آموزش و پرورش (به‌جز امتحانات نهایی) به‌صورت غیرحضور و مجازی برگزار می‌شود.

او همچنین از دورکاری مادران خبر داده و گفته «مادران شاغل مشمول دورکاری می‌شوند. همچنین مادران باردار و گروهی که دارای بیماری‌های خاص هستند شامل دورکاری می‌شوند».

➔ لغو کلیه امتحانات دانش‌آموزان در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه، ۱۶ و ۱۷ دی‌ماه، خبر داده است. مدارس استان البرز نیز برای روز سه‌شنبه تعطیل اعلام شده است.

اعتراضات سراسری دی‌ماه ۴۰۴ در حالی وارد نهمین روز شده که مقامات دانشگاه‌هایی که طی روزهای گذشته محل تظاهرات و تجمع دانشجویان در شهرهای مختلف بوده، از تأخیر در برگزاری امتحانات خبر دادند. همچنین مدارس برخی شهرها به بهانه‌ای چون سرما یا آلودگی هوا تعطیل یا امتحانات دانش‌آموزان لغو شده است.

دانشگاه صنعتی اصفهان با صدور اطلاعیه‌ای رسمی از تعویق یک‌هفته‌ای امتحانات پایان نیمسال جاری خبر داد. بر اساس این اطلاعیه، امتحانات پایان نیمسال با یک هفته تأخیر و از روز یکشنبه ۲۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ برگزار خواهد شد. پیشتر نیز مقامات این دانشگاه اعلام کرده بودند که با توجه به غیرحضور شدن کلاس‌ها از ۱۴ دی‌ماه، خوابگاه‌های دانشجویی در مقطع کارشناسی تا ۲۶ دی‌ماه تعطیل اعلام شده و دانشجویان موظف شده‌اند تا یکشنبه ۱۴ دی‌ماه ساعت ۲۲ خوابگاه‌ها را ترک کنند.

همچنین اعلام شده امتحانات دانشگاه شیراز و دانشگاه اصفهان نیز با یک هفته تأخیر و تا ۲۷ دی‌ماه برگزار خواهند شد. روابط عمومی دانشگاه شیراز اعلام کرده است که این تصمیم با مصوبه هیئت رئیسه و به‌صورت رسمی ابلاغ شده است.

در روزهای گذشته دانشگاه‌های زیادی از جمله تهران، علم و صنعت و آریامهر (شریف) نیز خوابگاه‌ها را تعطیل و کلاس‌های درس را آنلاین کردند. همچنین به دانشجویان اعلام شده بود طی دو روز باید خوابگاه‌ها را ترک کنند.

«خبرنامه امیرکبیر» که اخبار جنبش دانشجویی ایران را گزارش می‌دهد اعلام کرده که در بخش تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های مختلف نیز اعلام شده است که جلسات دفاع، آزمون‌های جامع دکتری و برنامه‌های آموزشی و پژوهشی تا ۲۸ دی‌ماه بنا به تصمیم دانشکده‌ها به‌صورت حضوری یا مجازی برگزار می‌شود و کلاس‌های سمینار به شکل مجازی ادامه خواهد داشت.

«خبرنامه امیرکبیر» تأکید کرده «این تغییرات گسترده در تقویم آموزشی، در شرایطی رخ می‌دهد که دانشگاه‌ها در روزهای اخیر به کانون اعتراضات دانشجویی بدل شده‌اند و دامنه این تحولات، ساختارهای رسمی آموزش عالی را با عقب‌نشینی‌های پی‌درپی مواجه کرده است».

همزمان دانشجویان با موجی از بازداشت و تهدید روبرو هستند تا با این ابزار از اعتراضات آنها جلوگیری شود. «خبرنامه امیرکبیر» گزارش داده فضای امنیتی در دانشگاه «سوره» تشدید شده و تعدادی از دانشجویان این دانشگاه از سوی حراست و نهادهای امنیتی احضار و تهدید شده‌اند.

این تشکل دانشجویی اعلام کرده به‌طور اختصاصی مطلع شده حراست دانشگاه سوره با تماس تلفنی از خطوط ثابت دانشگاه و همچنین شماره‌های ناشناس (Private Number) با شماری از دانشجویان تماس گرفته و نسبت به فعالیت آنان در شبکه‌های اجتماعی واکنش نشان داده است. در این تماس‌ها، دانشجویان به دلیل انتشار استوری و ذکر نام دانشگاه مورد تهدید قرار گرفته و از آنان خواسته شده محتوای منتشرشده را حذف کنند.

طبق این گزارش‌ها، حراست دانشگاه «سوره» دانشجویان را به تشکیل پرونده انضباطی، ارجاع به کمیته‌های داخلی و حتی تعلیق از امتحانات تهدید کرده است. شدت این فشارها به حدی بوده که برخی دانشجویان، در پی

→ جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۴ در نشست عالی قوه قضاییه با اشاره به اعتراضات سراسری گفته «اغتاشگران بدانند که اگر در مقاطع پیشین، ارفاقاتی اعمال می‌شد، دیگر خبری از آن قبیل مظاهرات نخواهد بود و نمی‌توانند ادعا کنند که فریب خورده‌اند».

رئیس قوه قضاییه تأکید کرده «هیچ ارفاقی در برخورد با اغتاشگران در کار نیست. نباید مقابل کسی که دنبال سوءاستفاده و برهم زدن امنیت و آرامش مردم است ساکت نشست» او علت تشدید برخورد با شهروندان معترض را حمایت اسرائیل و آمریکا از اعتراضات خوانده است: «دشمنان اصلی مردم ما یعنی رژیم‌های آمریکا و صهیونیستی در مقطع فعلی رسماً و علناً آشوب در کشور ما حمایت کرده‌اند؛ بنابراین هیچ اغتاشگری دیگر نمی‌تواند مدعی فریب خوردن شود».

رئیس قوه قضاییه افزود «پرونده عناصر اغتاشگر که در خلال اغتاشات، جرایم دیگری نیز مرتکب شده‌اند و حامل سلاح گرم و یا سرد بوده‌اند، بلافاصله و با دقت، در دادسراها رسیدگی و تکمیل شود و وقتی این پرونده‌ها به دادگاه‌ها نیز ارسال شد، در برگزاری جلسات محاکمه و صدور رأی این عناصر اغتاشگر، تأخیر و تعلل صورت نگیرد».

غلامحسین محسنی اژه‌ای همچنین خواستار برگزاری سریع دادگاه شهروندان بازداشت‌شده و صدور حکم علیه آنها شده است: «اینگونه نباشد که برای عنصر اغتاشگری که جرائم دیگری نیز در خلال آشوب‌ها مرتکب شده، شش ماه بعد رأی صادر شود؛ این امر فاقد بازدارندگی خواهد بود؛ همچنین رؤسای کل دادگستری‌ها نیز شعبی اختصاصی را که در زمینه رسیدگی به پرونده اغتاشگران دارای تجربه، علم و انگیزه هستند، برای این مهم در نظر گیرند».

رئیس قوه قضاییه همچنین از مسئولان قضائی خواست که با کمک نهادهای اطلاعاتی افرادی را که «لیدر و محرک اصلی آشوب‌ها» هستند و «به عناصر میدانی خط می‌دهند» شناسایی کنند: «دادستان کل و دادستان‌های سراسر کشور با کمک نیروهای اطلاعاتی، عناصر اصلی و پشت‌پرده اغتاشات را شناسایی کنند؛ در این قبیل اغتاشات و آشوب‌ها یک سری لیدر و محرک اصلی وجود دارد که چه‌بسا به خیابان هم نمی‌آیند، بلکه صرفاً به عناصر میدانی اغتاشات خط می‌دهند و ابزار و ادوات در اختیار آنها قرار می‌دهند».

محمداقربار قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی نیز روز دوشنبه ۱۵ دی‌ماه در سخنانی گفته «اعتراض باید شنیده شود و مبنای تغییرات قرار گیرد. اما حساب افرادی که مستقیماً یا با واسطه به سرویس‌های جاسوسی متصلند و وظیفه مصادره و به آشوب کشیدن اعتراضات را بر عهده دارند جداسازی و با آنها باید هوشمندانه و به شیوه‌ای موثر مقابله کرد تا امنیت و آرامش مردم به خطر نیفتد».

اظهارات رئیس قوه قضاییه و رئیس مجلس شورای اسلامی پس از آن مطرح شده که رهبر جمهوری اسلامی در سخنانی شهروندان معترض را «اغتاشگر» خواند و گفت باید «آنها را سر جایشان نشانند»!

علی خامنه‌ای روز شنبه ۱۳ دی‌ماه ۱۴۰۴ در سخنانی گفته «با معترض حرف می‌زنیم اما با اغتاشگر حرف‌زدن فایده ندارد؛ اغتاشگر را باید سر جایش نشانند».

علی خامنه‌ای گفته «اینکه یک عده‌ای تحت عناوین گوناگون نام‌های گوناگون می‌آیند به قصد تخریب به قصد ناامن کردن کشور پشت سر بازاری‌های مؤمن و سالم و انقلابی قرار بگیرند از اعتراض آنها سوءاستفاده کنند اغتاش کنند اصلاً قابل قبول نیست، مطلقاً».

رهبر جمهوری اسلامی طبق معمول موضوع را به

«دشمن» ربط داد و گفت: «کار دشمن را باید شناخت، دشمن آرام نمی‌نشیند از هر فرصتی استفاده می‌کند. اینجا دیدند یک فرصتی است از این خواستند استفاده کنند، البته مسئولین ما در میدان بودند و خواهند بود».

خامنه‌ای «بی‌تفاوت نبودن مقابل شایعه‌پردازی‌های دشمن» را مهم خوانده و گفته «مهم این است که وقتی انسان احساس کرد دشمن طلبکارانه می‌خواهد تحمیل کند یک چیزی را بر کشور و مسئولین، با قدرت کامل بایستد در مقابل دشمن و سینه سپر کند».

رهبر جمهوری اسلامی گفته «ما در مقابل دشمن کوتاه نمی‌آییم» و «ان‌شاءالله به توفیق الهی دشمن را به زانو در خواهیم آورد».

اعتراضات سراسری دی‌۴۰۴ از یکشنبه گذشته هفتم دی‌ماه با اعتصاب بازاریان در تهران آغاز و به سرعت با پیوستن مردم به کسبه معترض، این اعتراضات به اعتراضات سراسری در شهرهای مختلف کشور تبدیل و همچنان در حال افزایش است. از ابتدای اعتراضات تا روز یکشنبه دی‌ماه مردم بیش از ۸۰ شهر و ۲۵ استان ایران به اعتراضات پیوسته‌اند. این اعتراضات با شعار محوری «جاویدشاه» خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی است.

گسترش اعتراضات سراسری به ۲۵۷ نقطه در ۸۸ شهر از ۲۷ استان کشور

● طی روزهای گذشته، دستکم ۲۵۷ نقطه در ۸۸ شهر از ۲۷ استان کشور شاهد برگزاری تجمعات اعتراضی بوده است. در همین بازه زمانی، ۱۷ دانشگاه نیز محل بروز تجمعات اعتراضی دانشجویان بوده‌اند.

● گزارش‌ها از تداوم فضای امنیتی و به کارگیری ابزارهای سرکوب از سوی نیروهای انتظامی-امنیتی برای جلوگیری از شکل‌گیری یا گسترش تجمعات اعتراضی حکایت دارد. گزارشات دریافتی از شهرهای مختلف، برخوردهای خشونت آمیز، تیراندازی، استفاده از گاز اشک‌آور و بازداشت معترضان را نشان می‌دهد.

خبرگزاری «هرانا» اعلام کرده اعتراضات سراسری دی‌۴۰۴ تا پایان نهمین روز به ۲۵۷ نقطه در ۸۸ شهر از ۲۷ استان کشور گسترش یافته است. همچنین موج بازداشت شهروندان معترض در روز نهم اعتراضات و همزمان با تهدید رئیس قوه قضاییه با افزایش قابل توجهی روبرو شده است.

خبرگزاری «هرانا»، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، در «گزارش تفصیلی» از اعتراضات سراسری در ایران اعلام کرده طی روزهای گذشته، دستکم ۲۵۷ نقطه در ۸۸ شهر از ۲۷ استان کشور شاهد برگزاری تجمعات اعتراضی بوده است. در همین بازه زمانی، ۱۷ دانشگاه نیز محل بروز تجمعات اعتراضی دانشجویان بوده‌اند.

این گزارش افزوده روز دوشنبه ۱۵ دی‌ماه ۱۴۰۴ و در نهمین روز اعتراضات، شهرهای ایلام، اراک، همدان، آمل، لاهیجان، ملکشاهی، سمنان، شلمزار، بجنورد، بابل، کوشک، یاسوج، پرنده، تهران، اصغرآباد، بندر گناوه، مرودشت، نجف آباد، آباد، اسلام آباد غرب، سنندج، ساری، فارسان، شاندز، سنقر

و بیرجند، شاهد تجمعات اعتراضی شهروندان بوده است. گزارش‌ها از تداوم فضای امنیتی و به کارگیری ابزارهای سرکوب از سوی نیروهای انتظامی-امنیتی برای جلوگیری از شکل‌گیری یا گسترش تجمعات اعتراضی حکایت دارد. گزارشات دریافتی از شهرهای مختلف، برخوردهای خشونت آمیز، تیراندازی، استفاده از گاز اشک‌آور و بازداشت معترضان را نشان می‌دهد.

از سوی دیگر موج بازداشت شهروندان در روز دوشنبه ۱۵ دی، نهمین روز اعتراضات، و همزمان با تهدیدهای رئیس قوه قضاییه، افزایش یافت.

خبرگزاری «هرانا» نیز تأکید کرده از تداوم فضای امنیتی و به کارگیری ابزارهای سرکوب از سوی نیروهای انتظام-امنیتی برای جلوگیری از شکل‌گیری یا گسترش تجمعات اعتراضی حکایت دارد. گزارشات دریافتی از شهرهای مختلف، برخوردهای خشونت آمیز، تیراندازی، استفاده از گاز اشک‌آور و بازداشت معترضان را نشان می‌دهد.

بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از سوی خبرگزاری «هرانا» در جریان ۹ روز نخست اعتراضات بازداشت ۱۲۰۳ شهروند و جان باخت دستکم ۲۹ تن از معترضان گزارش شده است.

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۱۵ دی‌ماه ۱۴۰۴ در نشست عالی قوه قضاییه با اشاره به اعتراضات سراسری گفته «اغتاشگران بدانند که اگر در مقاطع پیشین، ارفاقاتی اعمال می‌شد، دیگر خبری از آن قبیل مظاهرات نخواهد بود و نمی‌توانند ادعا کنند که فریب خورده‌اند».

او علت تشدید برخورد با شهروندان معترض را حمایت اسرائیل و آمریکا از اعتراضات خوانده است: «دشمنان اصلی مردم ما یعنی رژیم‌های آمریکا و صهیونیستی در مقطع فعلی رسماً و علناً آشوب در کشور ما حمایت کرده‌اند؛ بنابراین هیچ اغتاشگری دیگر نمی‌تواند مدعی فریب خوردن شود».

رئیس قوه قضاییه افزود «پرونده عناصر اغتاشگر که در خلال اغتاشات، جرایم دیگری نیز مرتکب شده‌اند و حامل سلاح گرم و یا سرد بوده‌اند، بلافاصله و با دقت، در دادسراها رسیدگی و تکمیل شود و وقتی این پرونده‌ها به دادگاه‌ها نیز ارسال شد، در برگزاری جلسات محاکمه و صدور رأی این عناصر اغتاشگر، تأخیر و تعلل صورت نگیرد».

غلامحسین محسنی اژه‌ای همچنین خواستار برگزاری سریع دادگاه شهروندان بازداشت‌شده و صدور حکم علیه آنها شد. دقایقی پس از سخنان رئیس قوه قضاییه، سازمان اطلاعات سپاه لرستان نیز با صدور بیانیه‌ای، از پایان «دوره مظاهرات» خبر داد و اعلام کرد که «عوامل و سازمان‌دهندگان اغتاشات، با قاطعیت و در کوتاه‌ترین زمان ممکن شناسایی و برخورد قانونی با آنها انجام خواهد شد».

خبرگزاری «هرانا» از جان باخت دستکم ۲۹ نفر در جریان ۹ روز نخست اعتراضات محرز شده است. از این میان، دو تن از جان‌باختگان وابسته به نیروهای امنیتی-انتظامی بوده است. همچنین تاکنون ۶۴ مورد مجروحیت شهروندان معترض ثبت شده؛ مجروحیت‌هایی که عمدتاً ناشی از اصابت گلوله‌های ساچمه‌ای و پلاستیکی بوده است. وضعیت جسمی برخی از مصدومان بستری‌شده وخیم گزارش شده است.

همچنین ادعاهای خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی حاکی از زخمی و مصدوم شدن ۳۱۴ نیروی انتظامی و بسیجی طی ۹ روز نخست اعتراضات است. خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گزارش داده از آغاز اعتراضات در روز یکشنبه هفتم دی‌ماه تا شامگاه دوشنبه ۱۵

شاهزاده رضا پهلوی به اعتراضات و سر دادن شعار شبانه در شامگاه پنجشنبه و جمعه، ۱۸ و ۱۹ دیماه، نشان از هراس حکومت از پاسخ مثبت مردم به این فراخوان، بهویژه در کلانشهرها، دارد.

نیمه شب گذشته و ساعتی پس از آغاز اختلالات جدی اینترنت در ایران شاهزاده رضا پهلوی با انتشار یک پیام ویدئویی اعلام کرد «گزارشهایی به ما رسیده که رژیم سخت ترسیده است و تلاش دارد تا بار دیگر اینترنت را قطع کند.» او افزود: «بدانید که ارتباط ما قطع نخواهد شد؛ چه از طریق صدها هزار دستگاه استارلینک در ایران، یا از طریق شبکههای ایراناینترنتشال و منوتو.»

شاهزاده رضا پهلوی تاکید کرد: «اگر رژیم مرتکب این اشتباه شود و اینترنت را قطع کند، این خودش فراخوان

اینترنت همراه و ثابت خبر دادهاند؛ بهگونهای که در برخی ساعات، استفاده از پیامرسانها، تماسهای اینترنتی و حتی مرور ساده صفحات وب امکانپذیر نیست.

وضعیت مشابهی در کرج گزارش شده و برخی محلهها با اختلال شدید یا قطعیهای کوتاهمدت روبرو بودهاند.

در دیگر شهرهای بزرگ از جمله اصفهان، شیراز، مشهد و تبریز نیز کاربران از کاهش محسوس کیفیت اینترنت خبر میدهند.

در برخی مناطق، اینترنت بینالملل بهصورت ناپایدار در دسترس بوده و اتصال به سرویسهای خارجی یا ابزارهای تغییر مسیر (جی‌پی‌اس) با اختلال همراه شده است.

رسانه‌های داخلی گزارش داده‌اند که قطع و اختلال اینترنت در سطح کشور یکنواخت و سراسری نیست و شدت

دیماه حدود ۲۵۰ نفر از نیروهای پلیس و ۴۵ تن از بسیجیان مصدوم و مجروح شدند.

طی روز دوشنبه ۱۵ دیماه بازداشت دستکم ۱۰۰ شهروند در بجنورد، بازداشت ۷ شهروند در تهران، بندرعباس، قم، یاسوج، ملارد و دره‌شهر، بازداشت پنج تن از دانشجویان دانشگاه بیرجند، بازداشت ۱۴ تن در قزوین، بازداشت شماری از شهروندان زیر ۲۰ سال در یزدانشهر، بازداشت ۲ نفر در اصفهان و بازداشت دستکم ۴ دانشجو در دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل از سوی رسانه‌های حقوق بشری گزارش شده است.

قطع اینترنت جهانی؛ موج جدیدی از سرکوب ایرانیان معترض توسط جمهوری اسلامی

● در استان‌های شیراز، اصفهان و کردستان از شامگاه چهارشنبه ۱۷ دیماه اختلال اینترنت شدت یافته و بسیاری از کاربران مطلقاً امکان اتصال به اینترنت جهانی را ندارند.

● در تهران، کاربران در مناطق مختلف از کندی شدید اینترنت همراه و ثابت خبر داده‌اند؛ بهگونه‌ای که در برخی ساعات، استفاده از پیامرسانها، تماسهای اینترنتی و حتی مرور ساده صفحات وب امکانپذیر نیست.

● از بامداد روز چهارشنبه ۱۷ دیماه تا نیمه شب ده‌ها هزار نفر در شهرها و استان‌های مختلف ایران به خیابان آمدند و علیه جمهوری اسلامی و در حمایت از شاهزاده رضا پهلوی و نظام پادشاهی شعار دادند. همچنین اعتصاب بازاریان به شکل چشمگیری در روز چهارشنبه گسترده شد و بخشی از بازاریان در شهرهای تهران، تبریز، اهواز و قزوین به اعتصاب پیوستند.

● قطع اینترنت جهانی با توجه به فراخوان شاهزاده رضا پهلوی به اعتراضات و سر دادن شعار شبانه در شامگاه پنجشنبه و جمعه، ۱۸ و ۱۹ دیماه، نشان از هراس حکومت از پاسخ مثبت مردم به این فراخوان، بهویژه در کلانشهرها، دارد.

در شرایطی که از ابتدای اعتراضات سراسری کاهش سرعت و قطع مقطعی اینترنت در دستور کار مقامات حکومتی قرار داشت، از شامگاه چهارشنبه ۱۷ دیماه و همزمان با یازدهمین روز اعتراضات ضدحکومتی قطع اینترنت جهانی در شهرهای مختلف کشور آغاز شده است.

گزارشها حاکی از آغاز روند قطع اینترنت جهانی در شهرهای مختلف ایران است. با گسترش قابل توجه اعتراضات از روز سه‌شنبه ۱۶ دیماه، و همزمان با فراخوان شاهزاده رضا پهلوی برای اعتراضات و شعارهای شبانه در روزهای پنجشنبه و جمعه، ۱۸ و ۱۹ دیماه، قطع اینترنت جهانی در برخی شهرها آغاز شده است. بر اساس گزارشها در استان‌های شیراز، اصفهان و کردستان از شامگاه چهارشنبه ۱۷ دیماه اختلال اینترنت شدت یافته و بسیاری از کاربران مطلقاً امکان اتصال به اینترنت جهانی را ندارند.

در تهران، کاربران در مناطق مختلف از کندی شدید



دیگریست برای ادامه حضور و تسخیر خیابانها و از این طریق میخ دیگری را به تابوت این رژیم خواهید کوبید.»

قطع اینترنت جهانی در ایران طی سالهای گذشته و از دولت حسن روحانی به عنوان یکی از ابزارهای جدی سرکوب شهروندان در دستور کار قرار گرفت. در مقاطعی از جمله در جریان اعتراضات سال ۹۸ و ۱۴۰۱، و در جریان جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل خاموشی اینترنت جهانی اجرا شد. هر بار قطع اینترنت خسارت هنگفتی به اقتصاد دیجیتال ایران وارد می‌کند؛ بخشی نوپا اما پویا که طی سالهای گذشته اختلال اینترنت به یکی از مهمترین مشکلات فعالان آن تبدیل شده و حتی موجب کوچ استارت‌آپ‌ها از کشور شده است.

کارشناسان هشدار می‌دهند تداوم یا تشدید این محدودیت‌ها، ضربه‌ای مهلک به اقتصاد دیجیتال کشور وارد کرده، محتوای فارسی را از وب حذف می‌کند و ارتباط ایران با اکوسیستم جهانی فناوری را دچار اختلال شدید می‌کند.

بر اساس گزارشها بخش عظیمی از اقتصاد دیجیتال ایران، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، به اینترنت جهانی وابسته است. اولین ضربه، قطع کامل ترافیک ورودی از خارج کشور است. وبسایت‌های ایرانی برای موتورهای جست‌وجوی جهانی مانند گوگل نامرئی می‌شوند. سئو (SEO) از بین می‌رود و رتبه سایت‌ها سقوط می‌کند. تبلیغات بین‌المللی (مثل گوگل ادز) متوقف می‌شود. شبکه‌های اجتماعی به عنوان کانال‌های اصلی بازاریابی و فروش بسیاری از کسب‌وکارها، مسدود می‌شوند.

آن بسته به شهر، محله و نوع اپراتور متفاوت است. از ابتدای آغاز اعتراضات سراسری در روز یکشنبه هفتم دیماه تا کنون نیز گزارشهایی از قطع و یا کاهش شدید سرعت اینترنت در شهرهای محل اعتراضات و در زمانی که اعتراضات برگزار می‌شد گزارش شده بود. اختلال از شب گذشته اما گسترده‌تر شده است.

منابع دولتی تا زمان تنظیم این گزارش -ساعت ۱۰ صبح پنجشنبه ۱۸ دیماه به وقت تهران- درباره قطع اینترنت جهانی اظهارنظری نکرده‌اند اما برخی خبرهای غیررسمی نشان از برنامه حکومت برای قطع اینترنت جهانی و فعال‌سازی اینترنت داخلی یا همان «اینترنت ملی» دارد.

حامد بیدی مدیر سایت کارزار نیمه شب گذشته در شبکه «ایکس» از قطع اینترنت ظرف چند ساعت آینده خبر داد. این خبر همسو با اختلال‌های گزارش شده در رادار کلودفلر درباره وضعیت اینترنت در ایران است.

قطع و تشدید اختلال اینترنت در شرایطی شکل گرفت که از بامداد روز چهارشنبه ۱۷ دیماه تا نیمه شب ده‌ها هزار نفر در شهرها و استان‌های مختلف ایران به خیابان آمدند و علیه جمهوری اسلامی و در حمایت از شاهزاده رضا پهلوی و نظام پادشاهی شعار دادند. همچنین اعتصاب بازاریان به شکل چشمگیری در روز چهارشنبه گسترده شد و بخشی از بازاریان در شهرهای تهران، تبریز، اهواز و قزوین به اعتصاب پیوستند.

از سوی دیگر قطع اینترنت جهانی با توجه به فراخوان

آمریکا شبکه‌ای مرتبط با همکاری‌های نظامی جمهوری اسلامی و ونزوئلا را تحریم کرد

● دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده (OFAC) در بیانیه‌ای ۱۰ فرد و نهاد مستقر در ونزوئلا و ایران را هدف تحریم قرار داد؛ از جمله یک شرکت ونزوئلایی که به تجارت پهپادهای جمهوری اسلامی ایران با ونزوئلا کمک کرده است.

● جان کی. هرلی، معاون وزیر خزانه‌داری در امور تروریسم و اطلاعات مالی سه‌شنبه ۳۰ دسامبر (۹ دی‌ماه) گفت: «وزارت خزانه‌داری [رژیم] ایران و ونزوئلا را به دلیل گسترش تهاجمی و بی‌پروای سلاح‌های مرگبار در سراسر جهان پاسخگو می‌داند... به اقدام سریع برای محروم کردن کسانی که به مجتمع نظامی-صنعتی ایران امکان فعالیت می‌دهند از دسترسی به نظام مالی ایالات متحده ادامه خواهیم داد.»

● بر همین اساس مهدی غفاری، عرفان قیصری، بهرام رضایی، مصطفی رستمی‌ثانی و رضا زارع‌پور ترقی از سوی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده مشمول تحریم‌های ثانویه قرار گرفته‌اند.

● طبق اعلام وزارت خزانه‌داری آمریکا، غفاری و قیصری در ارتباط با شرکت کاوشگران آسمان موج غدیر، رضایی مرتبط با شرکت فناوری الکترو موج مبین، رستمی‌ثانی مرتبط با صنایع شیمیایی پارچین، و زارع‌پور ترقی مرتبط با شرکت سهامی خاص بین المللی پردیسان رضوان شرق مشمول این تحریم‌ها قرار گرفته‌اند.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده (OFAC) در بیانیه‌ای ۱۰ فرد و نهاد مستقر در ونزوئلا و ایران را هدف تحریم قرار داد؛ از جمله یک شرکت ونزوئلایی که به تجارت پهپادهای جمهوری اسلامی ایران با ونزوئلا کمک کرده است.

جان کی. هرلی، معاون وزیر خزانه‌داری در امور تروریسم و اطلاعات مالی سه‌شنبه ۳۰ دسامبر (۹ دی‌ماه) گفت: «وزارت خزانه‌داری [رژیم] ایران و ونزوئلا را به دلیل گسترش تهاجمی و بی‌پروای سلاح‌های مرگبار در سراسر جهان پاسخگو می‌داند... به اقدام سریع برای محروم کردن کسانی که به مجتمع نظامی-صنعتی ایران امکان فعالیت می‌دهند از دسترسی به نظام مالی ایالات متحده ادامه خواهیم داد.»

در تحریم‌های جدید آمریکا پنج شخص حقیقی و چهار شرکت ایرانی و یکی از اتباع ونزوئلا در فهرست سیاه قرار گرفته‌اند.

حمله آمریکا به اهدافی در ونزوئلا؛ دونالد ترامپ: مادورو و همسرش دستگیر شدند



آمریکای لاتین رخ داده و صدای پرواز هواپیماها در ارتفاع پایین شنیده شده است.

ساعاتی بعد دونالد ترامپ اعلام کرد که نیکلاس مادورو به همراه همسرش دستگیر و از ونزوئلا خارج شده است. او توضیح داد ایالات متحده آمریکا با موفقیت یک حمله گسترده علیه ونزوئلا و رهبر آن مادورو، انجام داده است. نیکلاس مادورو به همراه همسرش دستگیر شده و از کشور خارج شده‌اند. مشخص نیست آنها به کجا منتقل شده‌اند. ترامپ اعلام کرد این عملیات با همکاری نهادهای مجری



دیدار خامنه‌ای و مادورو در تهران، سال ۲۰۱۶

قانون ایالات متحده انجام شده است. جزئیات بیشتری متعاقباً اعلام خواهد شد.

یک روز پیش از این مادورو اعلام کرده بود برای «گفتگوی جدی و سازنده» آماده است. او همچنین خطاب به دولت آمریکا گفته بود، «اگر نفت می‌خواهید ونزوئلا آماده است». نیکلاس مادورو از شرکای نزدیک جمهوری اسلامی بود و در پولشویی، قاچاق مواد مخدر و فروش غیرقانونی نفت و دور زدن تحریم‌ها با هم همکاری داشتند.

● آمریکا با بمباران شبیه سوم ژانویه ۲۰۲۶ (۱۳ دی‌ماه) نقاطی در خاک ونزوئلا را از جمله در شهر کاراکاش پایتخت این کشور را هدف حمله قرار داد.

● ساعاتی بعد دونالد ترامپ اعلام کرد نیکلاس مادورو رئیس جمهوری این کشور به همراه همسرش دستگیر و از ونزوئلا خارج شده‌اند. مشخص نیست آنها به کجا منتقل شده‌اند.

آمریکا با بمباران شبیه سوم ژانویه ۲۰۲۶ (۱۳ دی‌ماه) نقاطی در خاک ونزوئلا را از جمله در شهر کاراکاش پایتخت این کشور را هدف حمله قرار داد، ساعاتی بعد دونالد ترامپ اعلام کرد نیکلاس مادورو رئیس جمهوری این کشور به همراه همسرش دستگیر و از ونزوئلا خارج شده‌اند.

دولت دونالد ترامپ به طور رسمی اعلام نکرد که این اهداف توسط ارتش آمریکا هدف قرار گرفته شد، اما سفارت آمریکا در بوگوتا پایتخت کلمبیا انفجارها در کاراکاس را تأیید کرد. این سفارتخانه به شهروندان آمریکا هشدار داد به ونزوئلا سفر نکنند و شهروندان آمریکایی حاضر در ونزوئلا در اماکن امن پناه بگیرند.

گوستاوو پترو رئیس‌جمهور کلمبیا درباره انفجارها در کاراکاس، در «ایکس» خود نوشت که با موشک به ونزوئلا حمله شده است. او همچنین خواستار تشکیل جلسه سازمان ملل درباره انفجارها در پایتخت ونزوئلا شد.

همزمان یک خبرنگار شبکه سی‌بی‌اس در «ایکس» نوشت که مقام‌های دولت ترامپ از گزارش‌ها درباره وقوع انفجارها و پرواز هواپیماها بر فراز پایتخت ونزوئلا آگاه هستند. فاکس‌نیوز هم گزارش داد که اداره هوانوردی آمریکا ساعت یک با بمباران شبیه به وقت شرق آمریکا، پرواز هواپیماهای آمریکایی را در همه ارتفاعات در حریم هوایی ونزوئلا ممنوع کرده بود.

بر اساس گزارش‌ها با بمباران شبیه به وقت محلی، دست‌کم هفت انفجار در کاراکاس متحد اصلی جمهوری اسلامی

نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در دیدار با دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا، به دنبال دریافت چراغ سبز برای انجام حمله‌ای دیگر علیه برنامه موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی است؛ حمله‌ای که حتی ممکن است بخشی از یک عملیات مشترک با ایالات متحده باشد.

به گفته افرادی آشنا با دیدگاه‌های دو رهبر و ناظران سیاسی، نتانیاهو برای جلب حمایت ترامپ ممکن است با دشواری‌های جدی روبه‌رو شود.

دن دیگر، رئیس اندیشکده «مرکز اورشلیم برای امنیت و امور خارجی»، در این باره می‌گوید: «این یک نشست اضطراری است. زمینه آن نیاز به صاف کردن فضا است، چرا که در ماه‌های اخیر میان دو طرف تنش‌هایی شکل گرفته است. آن‌ها جدول‌های زمانی متفاوتی برای رسیدن به یک مقصد مشترک دارند؛ مقصدی که خاورمیانه‌ای عاری از رژیم ایران و نیروهای نیابتی تروریستی آن، به‌ویژه حماس، است.»

مقام‌های اسرائیلی می‌گویند نتانیاهو قصد دارد برای

روزنامه «واشنگتن پست»: نتانیاهو به دنبال گرفتن چراغ سبز از ترامپ برای حمله به برنامه موشکی جمهوری اسلامی است



دیدار بنیامین نتانیاهو و دونالد ترامپ / اکتبر ۲۰۲۵

مقابله با تهدیدات موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی و همچنین احتمال انجام حملات مشترک جدید میان اسرائیل و ایالات متحده گفت‌وگو کند.

در همین راستا، دفتر نخست‌وزیر این هفته ویدیویی تولیدشده با هوش مصنوعی منتشر کرد که در آن نتانیاهو و ترامپ شانه‌به‌شانه، در حال هدایت یک مپ‌افکن بی-۲ به تصویر کشیده شده‌اند؛ هواپیمای رادارگریزی که آمریکا در جنگ ۱۲ روزه برای حمله به تأسیسات هسته‌ای فردو از آن استفاده کرد.

به گفته چند نفر آشنا با دیدگاه‌های ترامپ که به دلیل حساسیت موضوع نخواستند نامشان فاش شود، فعلاً اولویت ترامپ «دیپلماسی» است.

پیش‌تر مورگان اورتگاس، معاون فرستاده ویژه ترامپ در امور خاورمیانه، در نشست شورای امنیت سازمان ملل اعلام کرد واشنگتن «همچنان برای گفت‌وگوهای رسمی با ایران در دسترس است»، در حالیکه بار دیگر تأکید کرد «هیچ‌گونه غنی‌سازی [اورانیوم] نباید انجام شود» و به جمهوری اسلامی هشدار داد «با آتش بازی نکنند».

در همان جلسه امیرسعید ابروانی سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل، تأکید کرد «ایران باج نمی‌دهد و غنی‌سازی صفر را نمی‌پذیرد».

● روزنامه «واشنگتن پست» روز یکشنبه ۲۸ دسامبر (هفتم دی‌ماه) به نقل از منابع اسرائیلی گزارش داد، بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در دیدار با دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا، به دنبال دریافت چراغ سبز برای انجام حمله‌ای دیگر علیه برنامه موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی است؛ حمله‌ای که حتی ممکن است بخشی از یک عملیات مشترک با ایالات متحده باشد.

● به گفته افرادی آشنا با دیدگاه‌های دو رهبر و ناظران سیاسی، نتانیاهو برای جلب حمایت ترامپ ممکن است با دشواری‌های جدی روبه‌رو شود.

● دن دیگر، رئیس اندیشکده «مرکز اورشلیم برای امنیت و امور خارجی»، در این باره می‌گوید: «این یک نشست اضطراری است. زمینه آن نیاز به صاف کردن فضا است، چرا که در ماه‌های اخیر میان دو طرف تنش‌هایی شکل گرفته است. آن‌ها جدول‌های زمانی متفاوتی برای رسیدن به یک مقصد مشترک دارند؛ مقصدی که خاورمیانه‌ای عاری از رژیم ایران و نیروهای نیابتی تروریستی آن، به‌ویژه حماس، است.»

روزنامه «واشنگتن پست» روز یکشنبه ۲۸ دسامبر (هفتم دی‌ماه) به نقل از منابع اسرائیلی گزارش داد، بنیامین

بر همین اساس مهدی غفاری، عرفان قیصری، بهرام رضایی، مصطفی رستمی‌ثانی و رضا زارع‌پور ترقی از سوی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده مشمول تحریم‌های ثانویه قرار گرفته‌اند.

طبق اعلام وزارت خزانه‌داری آمریکا، غفاری و قیصری در ارتباط با شرکت کاوشگران آسمان موج غدیر، رضایی مرتبط با شرکت فناوری الکترو موج مبین، رستمی‌ثانی مرتبط با صنایع شیمیایی پارچین، و زارع‌پور ترقی مرتبط با شرکت سهامی خاص بین المللی پردیسان رضوان شرق مشمول این تحریم‌ها قرار گرفته‌اند.

وزارت خزانه‌داری ایالات متحده تحریم‌های ثانویه را علیه شرکت «فناوری الکترو موج مبین» مرتبط با شرکت «رایان فن کاو اندیش» و نیز شرکت «کاوشگران آسمان موج غدیر» و شرکت سهامی خاص بین‌المللی «پردیسان رضوان شرق» اعمال کرده است.



وزارت خزانه‌داری آمریکا

همچنین خوزه‌عیسی اوردانتا گونزالس، شهروند ونزوئلا، در ارتباط با شرکت هوانوردی ملی امپرسا در این کشور (EANSA) تحت تحریم‌های ایالات متحده قرار گرفته است.

شرکت هوانوردی ملی امپرسای ونزوئلا هم در فهرست تحریم‌های ایالات متحده قرار گرفته است. این شرکت در سال ۲۰۲۰ میلادی تأسیس شده است.

انجام هرگونه تراکنش مالی با این اشخاص یا شرکت‌های مرتبط برای افراد و نهادهای آمریکایی و بین‌المللی ممنوع است. این اقدام بخشی از تلاش ایالات متحده برای محدود کردن فعالیت‌های مرتبط با توسعه تسلیحات و جلوگیری از صادرات غیرقانونی تسلیحات به کشورهای دیگر است.

مطابق مقررات تحریم‌ها، تمامی دارایی‌های افراد و نهادهای تحریم‌شده که در آمریکا یا در کنترل اشخاص آمریکایی باشد، مسدود خواهد شد و هرگونه معامله با آنها بدون مجوز ویژه ممنوع است.

دولت آمریکا تأکید کرده است که هدف این تحریم‌ها «تغییر رفتار» است، نه مجازات، و در صورت تغییر شرایط آمادگی دارد که حذف نام افراد از فهرست تحریم‌ها را بررسی کند.

قطع اینترنت جهانی؛ موج جدیدی از سرکوب ایرانیان معارض توسط جمهوری اسلامی

● در استان‌های شیراز، اصفهان و کردستان از شامگاه چهارشنبه ۱۷ دی‌ماه اختلال اینترنت شدت یافته و بسیاری از کاربران مطلقاً امکان اتصال به اینترنت جهانی را ندارند. ● از بامداد روز چهارشنبه ۱۷ دی‌ماه تا نیمه شب ده‌ها هزار نفر در شهرها و استان‌های مختلف ایران به خیابان آمدند و علیه جمهوری اسلامی و در حمایت از شاهزاده رضا پهلوی و نظام پادشاهی شعار دادند. همچنین اعتصاب بازاریان به شکل چشمگیری در روز چهارشنبه گسترده شد و بخشی از بازاریان در شهرهای تهران، تبریز، اهواز و قزوین به اعتصاب پیوستند.

● قطع اینترنت جهانی با توجه به فراخوان شاهزاده رضا پهلوی به اعتراضات و سر دادن شعار شبانه در شامگاه پنجشنبه و جمعه، ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه، نشان از هراس حکومت از پاسخ مثبت مردم به این فراخوان، به‌ویژه در کلانشهرها، دارد.

در شرایطی که از ابتدای اعتراضات سراسری کاهش سرعت و قطع مقطعی اینترنت در دستور کار مقامات حکومتی قرار داشت، از شامگاه چهارشنبه ۱۷ دی‌ماه و همزمان با یازدهمین روز اعتراضات ضدحکومتی قطع اینترنت جهانی در شهرهای مختلف کشور آغاز شده است.

گزارش‌ها حاکی از آغاز روند قطع اینترنت جهانی در شهرهای مختلف ایران است. با گسترش قابل توجه اعتراضات از روز سه‌شنبه ۱۶ دی‌ماه، و همزمان با فراخوان شاهزاده رضا پهلوی برای اعتراضات و شعارهای شبانه در روزهای پنجشنبه و جمعه، ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه، قطع اینترنت جهانی در برخی شهرها آغاز شده است.

بر اساس گزارش‌ها در استان‌های شیراز، اصفهان و کردستان از شامگاه چهارشنبه ۱۷ دی‌ماه اختلال اینترنت شدت یافته و بسیاری از کاربران مطلقاً امکان اتصال به اینترنت جهانی را ندارند. در تهران، کاربران در مناطق مختلف از کندی شدید اینترنت همراه و ثابت خبر داده‌اند؛ به‌گونه‌ای که در برخی ساعات، استفاده از پیام‌رسان‌ها، تماس‌های اینترنتی و حتی مرور ساده صفحات وب امکان‌پذیر نیست.

وضعیت مشابهی در کرج گزارش شده و برخی محله‌ها با اختلال شدید یا قطعی‌های کوتاه‌مدت روبرو بوده‌اند.

در دیگر شهرهای بزرگ از جمله اصفهان، شیراز، مشهد و تبریز نیز کاربران از کاهش محسوس کیفیت اینترنت خبر می‌دهند. در برخی مناطق، اینترنت بین‌الملل به‌صورت ناپایدار در دسترس بوده و اتصال به سرویس‌های خارجی یا ابزارهای تغییر مسیر (جی‌پی‌اس) با اختلال همراه شده است.

رسانه‌های داخلی گزارش داده‌اند که قطع و اختلال اینترنت در سطح کشور یکنواخت و سراسری نیست و شدت آن بسته به شهر، محله و نوع اپراتور متفاوت است.

از ابتدای آغاز اعتراضات سراسری در روز یکشنبه

پراگماتیسم ایرانی در انتظار آزمون دشار

و ورود او به کاخ سفید انجامید، نهاد حاکم در ایران بر «یک وقفه تاکتیکی» شرط بست؛ وقفه‌ای که با انتخاب مسعود پزشکیان - بنا بر خوانش آرام عادل السامی در روزنامه الشرق الاوسط - تحقق یافت. پزشکیان که از اوت ۲۰۲۴ کار خود را آغاز کرد، در قامت رئیس‌جمهوری اصلاح‌طلب با گفتمانی کم‌تنش‌تر نسبت به غرب ظاهر شد و خود را مدیر «جنگ اقتصادی» معرفی کرد، نه ماجراجویی موشکی.

در سوی دیگر، در نخستین روزهای رئیس‌جمهوری جدید آمریکا، و کمتر از دو هفته پس از ادای سوگند، ترامپ در ۴ فوریه ۲۰۲۵ یادداشت ریاست‌جمهوری امنیت ملی را امضا کرد که سیاست «فشار حداکثری» را با رویکردی سخت‌گیرانه‌تر و تفصیلی‌تر علیه حکومت ایران از نو احیا کرد.

این یادداشت سه محور اصلی را تعیین کرد: محروم‌سازی حکومت ایران از هرگونه مسیر دستیابی به سلاح هسته‌ای یا موشک‌های قاره‌پیما؛ برچیدن شبکه‌ها و نیروهای نیابتی آن که در فهرست‌های تروریستی غرب قرار دارند؛ و مهار توسعه زرادخانه موشک‌های بالستیک و توانمندی‌های نامتعارف آن.

پرسش مستقیم این است: آیا در سال جدید ۲۰۲۶، تقابل میان

● مشاری الذایدی تحلیلگر عرب، در یادداشتی که شرق‌الوسط منتشر کرد با اشاره به تحولات سال ۲۰۲۵ از جمله حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل و تأثیر آن بر سیاست‌های منطقه‌ای می‌پرسد در حالیکه دولت ترامپ سیاست «فشار حداکثری» را بازگردانده پرسش اصلی این است که در ۲۰۲۶ آیا تقابل مستقیم با رژیم ادامه می‌یابد یا «پراگماتیسم ایرانی» مانع جنگ تمام‌عیار خواهد شد؟

● ترامپ سه هدف دارد: محروم‌سازی حکومت ایران از هرگونه مسیر دستیابی به سلاح هسته‌ای یا موشک‌های قاره‌پیما؛ برچیدن شبکه‌ها و نیروهای نیابتی آن که در فهرست‌های تروریستی غرب قرار دارند؛ و مهار توسعه زرادخانه موشک‌های بالستیک و توانمندی‌های نامتعارف آن.

● آیا رژیم ایران تا پایان تقابل پیش می‌رود؟ پایانی به معنای واقعی کلمه یا «پراگماتیسم» ایرانی بروز می‌کند و سیاست انقلابی رژیم ایران یک گام، بلکه چند گام، به عقب می‌نشیند و با ابداع برخی ترفندهای لفظی و تبلیغاتی جلوی یک جنگ به تمام معنی را می‌گیرد؟



نشست سران قوای جمهوری اسلامی، پزشکیان، اژه‌ای و قالیباف

اسرائیل و آمریکا از یک سو و رژیم ایران از سوی دیگر بازمی‌گردد؟ این یکی از مهم‌ترین پرسش‌های سال پیش روست؛ و بر پایه پاسخ به آن، سیاست‌ها ترسیم و مسیرهای کلان کشورهای عربی، ترکیه و دیگر کشورهای غیرعرب در خاورمیانه اتخاذ خواهد شد.

آیا رژیم ایران تا پایان تقابل پیش می‌رود؟ پایانی به معنای واقعی کلمه یا «پراگماتیسم» ایرانی بروز می‌کند و سیاست انقلابی رژیم ایران یک گام، بلکه چند گام، به عقب می‌نشیند و با ابداع برخی ترفندهای لفظی و تبلیغاتی جلوی یک جنگ به تمام معنی را می‌گیرد؟

آیا ترامپ توان آن را دارد که آمریکا را به جنگی بکشاند که تضمینی نیست به ضربات موضعی و سریع، به سبک «چکش شب» که نیمه‌شب آمد و رفت، محدود ماند؟! ... خداوند ما را از بلاهای شب و روز در امان بدارد.

نویسنده: مشاری الذایدی

منبع: روزنامه الشرق الاوسط

ترجمه: کیهان لندن

در روزهای اندکی که تا پایان سال ۲۰۲۵ باقی مانده است، به جمع‌بندی دستاوردهای این سال می‌نگریم؛ و به نظر می‌رسد مهم‌ترین فصل آن، همان فصلی بود که در اواخر ژوئن ۲۰۲۵ (خرداد ۱۴۰۴)، ناقوس‌های مرگبار «چکش شب» آمریکا بر فراز تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به صدا درآمد.

این عملیات «ویژه» آمریکا هم‌زمان با جنگ ۱۲ روزه‌ای انجام شد که میان اسرائیل و جمهوری اسلامی درگرفت؛ جنگی که خود پس از سلسله‌ای از حملات اسرائیل علیه «حزب‌الله» لبنان و نیز در سوریه علیه این حزب و «سپاه پاسداران» شعله‌ور شد. همه این تحولات نیز در پی آغاز جنگ بزرگ میان اسرائیل و «حماس» رخ داد؛ جنگی که جرقه نخست آن عملیات حماس موسوم به «طوفان الاقصی» در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ بود.

اکنون چه می‌شود؟!

چند ماه پیش از انتخابات آمریکا که به پیروزی بزرگ ترامپ

دوران محمدرضا شاهی؛ شاه و شهبانو در نروژ

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



شدند. در فرودگاه اسلو اولاف پنجم پادشاه نروژ به همراه دختر خود، هیات دولت، نمایندگان مجلس و دیگر مقامات به پیشباز شاه و ملکه ایران آمدند. در حالیکه نیروهای نظامی نروژ برای ادای احترام در خیابانها صف کشیده بودند، از فرودگاه تا کاخ سلطنتی نروژ هزاران تن از مردم نروژ با پرچمهای ایران و نروژ به شاه و شهبانوی ایران خوشآمد گفته و ابراز شادمانی کردند.

محمدرضاشاه همزمان با تلاش برای مدرنیته کردن ایران، بطور جدی و پیوسته سیاست خارجی خود که ایجاد پیوندهای اقتصادی و فرهنگی با کشورهای آزاد و پیشرفته جهان بود را نیز پیش میبرد تا مردم ایران بخشی از جهان متمدن باشند.

۲۸ اردیبهشت ۱۳۴۰ شاه و شهبانو در میان پیشباز گرم مردم نروژ و مقامات دولتی وارد اسلو پایتخت آن کشور

→ هفتم دیماه تا کنون نیز گزارشهایی از قطع و یا کاهش شدید سرعت اینترنت در شهرهای محل اعتراضات و در زمانی که اعتراضات برگزار میشد گزارش شده بود. اختلال از شب گذشته اما گستردهتر شده است.

منابع دولتی تا زمان تنظیم این گزارش -ساعت ۱۰ صبح پنجشنبه ۱۸ دیماه به وقت تهران- درباره قطع اینترنت جهانی اظهارنظری نکردهاند اما برخی خبرهای غیررسمی نشان از برنامه حکومت برای قطع اینترنت جهانی و فعالسازی اینترنت داخلی یا همان «اینترنت ملی» دارد. حامد بیدی مدیر سایت کارزار نیمه شب گذشته در شبکه «ایکس» از قطع اینترنت ظرف چند ساعت آینده خبر داد. این خبر همسو با اختلالهای گزارش شده در رادار کلودفلر درباره وضعیت اینترنت در ایران است.

قطع و تشدید اختلال اینترنت در شرایطی شکل گرفت که از بامداد روز چهارشنبه ۱۷ دیماه تا نیمه شب دهها هزار نفر در شهرها و استانهای مختلف ایران به خیابان آمدند و علیه جمهوری اسلامی و در حمایت از شاهزاده رضا پهلوی و نظام پادشاهی شعار دادند. همچنین اعتصاب بازاریان به شکل چشمگیری در روز چهارشنبه گسترده شد و بخشی از بازاریان در شهرهای تهران، تبریز، اهواز و قزوین به اعتصاب پیوستند. از سوی دیگر قطع اینترنت جهانی با توجه به فراخوان شاهزاده رضا پهلوی به اعتراضات و سر دادن شعار شبانه در شامگاه پنجشنبه و جمعه، ۱۸ و ۱۹ دیماه، نشان از هراس حکومت از پاسخ مثبت مردم به این فراخوان، بهویژه در کلانشهرها، دارد. نیمه شب گذشته و ساعتی پس از آغاز اختلالات جدی اینترنت در ایران شاهزاده رضا پهلوی با انتشار یک پیام ویدئویی اعلام کرد «گزارشهایی به ما رسیده که رژیم سخت ترسیده است و تلاش دارد تا بار دیگر اینترنت را قطع کند.»

او افزود: «بدانید که ارتباط ما قطع نخواهد شد؛ چه از طریق صدها هزار دستگاه استارلینک در ایران، یا از طریق شبکههای ایراناینترنتشال و منوتو.»

شاهزاده رضا پهلوی تاکید کرد: «اگر رژیم مرتکب این اشتباه شود و اینترنت را قطع کند، این خودش فراخوان دیگریست برای ادامه حضور و تسخیر خیابانها و از این طریق میخ دیگری را به تابوت این رژیم خواهید کوبید.»

قطع اینترنت جهانی در ایران طی سالهای گذشته و از دولت حسن روحانی به عنوان یکی از ابزارهای جدی سرکوب شهروندان در دستور کار قرار گرفت. در مقاطعی از جمله در جریان اعتراضات سال ۹۸ و ۱۴۰۱، و در جریان جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل خاموشی اینترنت جهانی اجرا شد. هر بار قطع اینترنت خسارت هنگفتی به اقتصاد دیجیتال ایران وارد می کند؛ بخشی نوپا اما پویا که طی سالهای گذشته اختلال اینترنت به یکی از مهمترین مشکلات فعالان آن تبدیل شده و حتی موجب کوچ استارتآپها از کشور شده است.

کارشناسان هشدار می دهند تداوم یا تشدید این محدودیتها، ضربه ای مهلک به اقتصاد دیجیتال کشور وارد کرده، محتوای فارسی را از وب حذف می کند و ارتباط ایران با اکوسیستم جهانی فناوری را دچار اختلال شدید می کند. بر اساس گزارشها بخش عظیمی از اقتصاد دیجیتال ایران، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، به اینترنت جهانی وابسته است. اولین ضربه، قطع کامل ترافیک ورودی از خارج کشور است. وبسایت های ایرانی برای موتورهای جست و جوی جهانی مانند گوگل نامرئی می شوند. سئو (SEO) از بین می رود و رتبه سایتها سقوط می کند. تبلیغات بین المللی (مثل گوگل ادز) متوقف می شود. شبکه های اجتماعی به عنوان کانال های اصلی بازاریابی و فروش بسیاری از کسب وکارها، مسدود می شوند.

آنچه که برای جمهوری اسلامی باقی مانده



۱۴۰۴

© کیهان لندن / کارتونهای بهنام محمدی

گزارش «فرانس ۲۴» درباره جنگ ۱۲ روزه؛ توان جمهوری اسلامی به طور قابل توجهی تضعیف شده



برج میلاد، جنگ ۱۲ روزه

این حملات غیرنظامیان را نیز درگیر کرد. وزارت بهداشت ایران اعلام کرد در جریان جنگ ۱۲ روزه ۶۱۰ غیرنظامی کشته و ۴۷۰۰ نفر زخمی شدند، اما آماری از تلفات نظامی ارائه نداد.

ایران: حمله به شهرهای اسرائیل

همزمان با آغاز حمله اسرائیل، تهران به سرعت واکنش نشان داد. خامنه‌ای در بیانیه‌ای به ایرانیان اطمینان داد که اسرائیل «از پیامدهای این حمله سالم نخواهد ماند» و پاسخ جمهوری اسلامی ایران «نیم‌بند» نخواهد بود. تا شامگاه همان روز، حکومت ایران عملیات «وعده صادق ۳» را آغاز کرد و پهپادهای شاهد و موشک‌های هایپرسونیک را به سوی اسرائیل شلیک کرد. آذیرهای خطر در سراسر اسرائیل به صدا درآمد و موشک‌ها بر فراز آسمان اورشلیم دیده شدند؛ حملاتی که باعث آتش‌سوزی در ساختمان‌های تل‌آویو شد. به گفته ارتش اسرائیل، ایران دست‌کم ۱۵۰ موشک را در همان شب شلیک کرد که بیشتر آن‌ها با کمک آمریکا و اردن رهگیری شدند.

اهداف اصلی شامل وزارت دفاع اسرائیل و تأسیسات هسته‌ای این کشور بود. طبق اعلام خدمات اورژانس، دست‌کم دو نفر کشته و حدود ۶۰ نفر زخمی شدند. در روزهای بعد، ارتش اسرائیل انتشار تصاویر و ویدئوهای مربوط به خسارات ناشی از حملات ایران را در شبکه‌های اجتماعی ممنوع کرد.

با این حال، رگبار موشک‌ها خسارات گسترده‌ای به شهرها وارد کرد: پالایشگاه نفت حيفا، نیروگاه‌ها، تصفیه‌خانه‌های آب، بیمارستان سورکا در بئر‌شبع و مرکز پژوهشی مؤسسه وایزمن در حروفوت آسیب دیدند.

بر اساس اعلام ارتش اسرائیل، ایران حدود ۵۵۰ موشک و ۱۰۰۰ پهپاد شلیک کرد که ۹۰ درصد آن‌ها توسط اسرائیل و متحدانش رهگیری شد. اصابت مستقیم ۳۶ فروند موشک به مناطق مسکونی دست‌کم ۲۸ غیرنظامی را کشت

اسرائیل از پهپادهای (FPV) بازمی‌گشت؛ پهپادهایی که با دوربین نصب‌شده روی آن‌ها از راه دور هدایت می‌شوند. این پهپادها توسط عوامل موساد که به صورت مخفیانه در داخل ایران فعالیت می‌کردند، برای هدف قرار دادن زیرساخت‌های حساس و چهره‌های بلندپایه رژیم از نخستین ساعات درگیری به کار گرفته شدند.

تا شامگاه ۲۳ خرداد، اسرائیل سامانه پدافند هوایی جمهوری اسلامی را از کار انداخته، چندین شهر ایران را هدف قرار داده و دست‌کم ۲۰ نفر از فرماندهان ارشد رژیم را کشته بود. در میان آن‌ها، محمد باقری رئیس ستادمل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران قرار داشتند.

همچنین ۹ نفر از دانشمندان برجسته [رژیم] ایران در حملات هدفمند کشته شدند؛ رویدادی که روزنامه فرانسوی لوموند آن را «ضربه‌ای تعیین‌کننده» به برنامه هسته‌ای تهران توصیف کرد. در مجموع، طی ۱۲ روز، ۱۶ دانشمند توسط اسرائیل کشته شدند.

چند روز پس از آغاز حملات، نتانیاها تأیید کرد که اسرائیل در پی حذف رهبر جمهوری اسلامی، علی خامنه‌ای بوده است. ترامپ ۲۷ خرداد گفت نیروهای آمریکایی «دقیقاً» می‌دانند خامنه‌ای کجا پنهان شده است، اما فعلاً قصد ترور او را ندارند. در نهایت، اسرائیل نتوانست خامنه‌ای را سرنگون کند، اما حمله ۱۲ روزه آن توان نظامی رژیم را به طور قابل توجهی تضعیف کرد.

ایال زمیر رئیس ستاد ارتش اسرائیل، در همان دوران گفت: «ما پروژه هسته‌ای ایران را سال‌ها به عقب انداختیم و همین موضوع درباره برنامه موشکی آن نیز صدق می‌کند.» بر اساس اعلام ارتش اسرائیل، ذخایر ۲۵۰۰ فروندی موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی ایران به حداکثر ۱۵۰۰ فروند کاهش یافت و دو سوم سکوی پرتاب موشک آن نابود شد. در تهران، حملات ساختمان‌های دولتی، رسانه‌های حکومتی، دانشگاه‌ها و زندان بدنام اوین را هدف قرار داد.

● بر اساس داده‌های نهاد ناظر آمریکایی ACLED، اسرائیل در جریان جنگ ۱۲ روزه ۳۶۰ حمله در ۲۷ استان ایران انجام داد که یک‌سوم آن‌ها تهران را هدف قرار داد. ● خبرگزاری «فرانس ۲۴» گزارش می‌دهد بخشی از موفقیت عملیات «طلوع شیران» به استفاده اسرائیل از پهپادهای (FPV) بازمی‌گشت؛ پهپادهایی که با دوربین نصب‌شده روی آن‌ها از راه دور هدایت می‌شوند. این پهپادها توسط عوامل موساد که به صورت مخفیانه در داخل ایران فعالیت می‌کردند، برای هدف قرار دادن زیرساخت‌های حساس و چهره‌های بلندپایه رژیم از نخستین ساعات درگیری به کار گرفته شدند.

جنگ ۱۲ روزه که با حمله‌ای برق‌آسا اسرائیل به تأسیسات نظامی و هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران آغاز شد ویرانی‌های بی‌سابقه‌ای در اسرائیل به جا گذاشت و به طور قابل توجهی جمهوری اسلامی را تضعیف کرد. «فرانس ۲۴» در گزارشی به چگونگی شکل‌گیری و روند جنگ ۱۲ روزه پرداخته است. در مقدمه گزارش «فرانس ۲۴» که ۲۶ دسامبر (پنج دی‌ماه) آمده، بنیامین نتانیاها نخست‌وزیر اسرائیل، در طول دوران طولانی فعالیت سیاسی خود بارها جمهوری اسلامی ایران را دشمن شماره یک اسرائیل معرفی کرده و گفته بود برنامه هسته‌ای رژیم تنها یک هدف دارد: «نابودی دولت یهود». در مقابل، [حکومت] ایران نیز سال‌ها خواستار نابودی اسرائیل بوده و به مخالفان آن در غزه و لبنان سلاح رسانده است. آنچه روشن نبود، این بود که یک درگیری تمام‌عیار میان این دو رقیب - که هر دو از قدرت نظامی قابل توجهی برخوردارند - چگونه رقم خواهد خورد.

پاسخ این پرسش در ساعات اولیه بامداد ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ داده شد؛ زمانی که صدای انفجارها در تهران شنیده شد و نتانیاها اعلام کرد عملیات «طلوع شیران» آغاز شده است. این درگیری میان دو دشمن دیرینه، کشورهای همسایه مانند اردن و قطر و همچنین ایالات متحده را نیز درگیر کرد؛ درگیری‌ای که دونالد ترامپ آن را «جنگ ۱۲ روزه» نامید.

اسرائیل: ضربه به قلب رژیم ایران و برنامه هسته‌ای آن
«فرانس ۲۴» با اشاره به دو عملیات «وعده صادق» نوشت در طول سال ۲۰۲۴، جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل حملات محدودی علیه یکدیگر انجام می‌دادند؛ تهران موشک‌ها و پهپادهایی به سوی اسرائیل شلیک می‌کرد و در مقابل، جنگنده‌های تل‌آویو سکوی پرتاب موشک و سامانه‌های پدافند هوایی جمهوری اسلامی را هدف قرار می‌دادند. اما این درگیری‌های محدود در برابر عملیات غافلگیرکننده اسرائیل در ۲۳ خرداد رنگ باخت. طی یک شب، ۲۰۰ فروند هوایما پایگاه‌های نظامی در سراسر ایران و تأسیسات اصلی هسته‌ای این کشور در نطنز، فردو و اصفهان را هدف قرار دادند. چند ساعت بعد، اسرائیل کنترل حریم هوایی ایران را به دست گرفت و در ۱۲ روز بعد، نیروی هوایی آن عملیات‌هایی را در سراسر خاک ایران انجام داد.

بر اساس داده‌های نهاد ناظر آمریکایی ACLED، اسرائیل در جریان جنگ ۱۲ روزه ۳۶۰ حمله در ۲۷ استان ایران انجام داد که یک‌سوم آن‌ها تهران را هدف قرار داد. بخشی از موفقیت عملیات «طلوع شیران» به استفاده

ابراز نگرانی لاوروف از احتمال حمله مجدد اسرائیل به جمهوری اسلامی



سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه

حقوق بین‌الملل و هنجارهای اخلاقی مورد پذیرش جهانی هستند و «کاملاً با استانداردهای بین‌المللی و الزامات اخلاقی شناخته شده در تضادند».

لاوروف همچنین هشدار داد اظهارات مقام‌های اسرائیلی درباره آمادگی برای استفاده دوباره از زور علیه جمهوری اسلامی ایران «مایه نگرانی عمیق» است و افزود که تنش‌ها در منطقه ممکن است همچنان ناپایدار باقی بماند.

او از برخی کشورهای اروپایی نیز انتقاد کرد و گفت بعضی از آن‌ها به جای تشویق همکاری‌های منطقه‌ای، با تلاش برای عمیق‌تر کردن شکاف‌ها در خاورمیانه «بر آتش تنش‌ها می‌دمند».

در این چارچوب، لاوروف گفت جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به تحریک‌ها و آنچه فشار و باج‌خواهی غرب توصیف کرد، بار دیگر بر تعهد خود به گفت‌وگو و راه‌حل‌های سیاسی برای حل اختلافات حل‌نشده تأکید کرده است.

این ادعا در حالی مطرح می‌شود که مقامات ارشد جمهوری اسلامی بارها آشکار اعلام کردند که حاضر به مذاکره مستقیم با آمریکا نیستند و «غنی‌سازی صفر» را نخواهند پذیرفت.

همزمان با آزمایش‌های موشکی سپاه پاسداران، برخی منابع رسانه‌ای و اطلاعاتی گزارش داده‌اند که بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در سفر به آمریکا قصد دارد از دونالد ترامپ چرخ سبز حمله مجدد به جمهوری اسلامی را بگیرد. پیش از این «انستیتو مطالعات سیاست بین‌الملل» ایتالیا گزارش داده بود که با چرخ سبز علی‌خامنه‌ای جمهوری اسلامی برنامه هسته‌ای خود را به سمت تولید کلاهک‌های هسته‌ای فشرده برای موشک‌ها هدایت کرده است.

خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران این گزارش را «تکمیل اتهام‌زنی گروسی علیه ایران توسط موسسه ایتالیایی» دانست و نوشت: «این ادعا که هنوز سندی برای آن ارائه نشده است، بیش از هر چیزی به تنور اتهام‌زنی علیه کشورمان می‌دمد».

● وزیر خارجه روسیه در مصاحبه با خبرگزاری «تاس» گفت جمهوری اسلامی ایران با وجود حملات مستقیم اسرائیل و آمریکا به تأسیسات اتمی ایران «خوشتنداری» نشان داده و مسیر گفتگو را در پیش گرفته است. او نسبت به افزایش تنش‌ها در خاورمیانه و احتمال درگیری مجدد هشدار داد.

● لاوروف همچنین هشدار داد اظهارات مقام‌های اسرائیلی درباره آمادگی برای استفاده دوباره از زور علیه جمهوری اسلامی ایران «مایه نگرانی عمیق» است و افزود که تنش‌ها در منطقه ممکن است همچنان ناپایدار باقی بماند. ● او از برخی کشورهای اروپایی نیز انتقاد کرد و گفت بعضی از آن‌ها به جای تشویق همکاری‌های منطقه‌ای، با تلاش برای عمیق‌تر کردن شکاف‌ها در خاورمیانه «بر آتش تنش‌ها می‌دمند».

سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه، می‌گوید جمهوری اسلامی ایران با وجود حملات مستقیم اسرائیل و آمریکا به تأسیسات اتمی ایران «خوشتنداری» نشان داده و مسیر گفتگو را در پیش گرفته است. او نسبت به افزایش تنش‌ها در خاورمیانه و احتمال درگیری مجدد هشدار داد.

لاوروف در مصاحبه با خبرگزاری روسی «تاس» گفت سال ۲۰۲۵ شاهد «رویدادهای بی‌سابقه‌ای» بوده است؛ از جمله حملات اسرائیل به ایران که با همکاری واشنگتن انجام شد و تأسیسات اتمی را قرار داد که به گفته او «تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار داشته‌اند».

او افزود: «ایرانی‌ها با پاسخ دادن به همه تحریک‌ها و باج‌خواهی‌های غرب، حداکثر خوشتنداری و آرامش را نشان داده‌اند و با تأکید بر پابندی خود به گفت‌وگو و حل اختلافات باقی‌مانده از راه‌های سیاسی، واکنش نشان داده‌اند».

روسیه حملات به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی را به شدت محکوم کرد. لاوروف گفت این اقدامات ناقض

و ۳۰۰۰ نفر را زخمی کرد. روزنامه هآرتس با ترسیم نقشه خسارات، گزارش داد که در تل‌آویو ۴۸۰ ساختمان در پنج نقطه آسیب دیدند و برخی محله‌ها «به کلی نابود» شدند.

در حومه تل‌آویو، رمت‌گان، ۲۳۷ ساختمان در سه نقطه آسیب دید که حدود ۱۰ ساختمان به شدت تخریب شدند. در بات‌یام نیز ۷۸ ساختمان بر اثر یک حمله آسیب دید و ۲۲ ساختمان برای تخریب کامل محکوم شدند.

در مجموع، اسرائیلی‌ها ۴۰ هزار درخواست غرامت بابت خسارات حملات ایران ثبت کردند، اما اکثریت جامعه از تصمیم نخست‌وزیر برای حمله به ایران حمایت کردند.

آمریکا: مپ‌های «سنگرشن» و آتش‌بس

در حالی که اسرائیل و جمهوری اسلامی به تبادل حملات ادامه می‌دادند، آمریکا ورود مستقیم به جنگ را به تعویق انداخت. ترامپ روز پنجشنبه جنگ گفت: «ممکن است این کار را بکنم، ممکن است نکنم. هیچ‌کس نمی‌داند چه خواهم کرد.» او در ماه‌های قبل از نتانیاهو خواسته بود به ایران حمله نکند تا امکان دستیابی به توافق هسته‌ای فراهم شود، اما در نخستین روز جنگ، حملات اسرائیل را «عالی» و «بسیار موفق» توصیف کرد. در همین حال، اسرائیل از ترامپ می‌خواست مپ‌های «سنگرشن» در اختیارش بگذارد تا ضربه نهایی به برنامه هسته‌ای ایران وارد شود. سرانجام، آمریکا در شب ۲۳ خرداد و در چارچوب عملیات «چکش نیمه‌شب»، مپ‌های GBU-57 - مهمات هدایت لیزری ۱۳ تنی برای نابودی پناهگاه‌های زیرزمینی - را به کار گرفت.

هفت مپ‌افکن رادارگریز B-2 که این مپ‌ها را حمل می‌کردند، از ایالت میزوری به پرواز درآمدند و پس از ورود به حریم هوایی ایران، دو سایت اصلی تولید و ذخیره اورانیوم غنی‌شده در فردو و نطنز را که در عمق زمین قرار داشتند، هدف قرار دادند.

در فردو، به گفته ارتش آمریکا، ۱۲ مپ سنگرشن به‌طور متوالی روی دو کانال تهویه رها شد. دو مپ دیگر نطنز را هدف گرفت و زیردریایی‌های نیروی دریایی آمریکا نیز حدود ۲۴ موشک کروز تاماهاوک به مرکز فناوری هسته‌ای اصفهان شلیک کردند. ترامپ اعلام کرد که تأسیسات اصلی هسته‌ای ایران «به‌طور کامل و تمام‌عیار نابود شده‌اند»، هرچند اطلاعات بعدی آمریکا این ادعا را رد کرد.

دو روز بعد، ایران در پاسخ، بزرگ‌ترین پایگاه آمریکا در خاورمیانه -العدید در قطر- را بمباران کرد. با این حال، تهران پیشاپیش واشنگتن را از این حمله آگاه کرده بود و این حملات تلفات آمریکایی نداشت.

ترامپ با ادعای اینکه آمریکا با جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای به اهداف خود رسیده است، در سوم تیرماه ۱۴۰۴ در شبکه اجتماعی خود پایان جنگ را اعلام کرد. او نوشت: «میان اسرائیل و ایران به‌طور کامل توافق شده است که یک آتش‌بس کامل و جامع برقرار شود... پایان رسمی جنگ ۱۲ روزه مورد استقبال جهان قرار خواهد گرفت.» اگرچه دو طرف برای چند ساعت دیگر به حملات محدود ادامه دادند و آخرین ضربات تهران و بئرشع را هدف گرفت، اما در نهایت درگیری متوقف شد و هر دو طرف مدعی پیروزی شدند.

نتانیاهو این رویداد را «پیروزی تاریخی» خواند و هشدار داد که اسرائیل هرگونه تلاش آینده ایران برای احیای برنامه هسته‌ای را «خنثی» خواهد کرد. در مقابل، عالی‌ترین نهاد امنیتی جمهوری اسلامی اعلام کرد نیروهای جمهوری اسلامی، اسرائیل را «وادار» کرده‌اند که «به‌صورت یک‌جانبه» از ادامه جنگ دست بکشد.

گزارش انستیتو «مطالعات سیاست بین‌الملل» ایتالیا:

چراغ سبز خامنه‌ای به ساخت کلاهک هسته‌ای فشرده برای موشک

● «انستیتو مطالعات سیاست بین‌الملل» ایتالیا گزارش می‌دهد که با چراغ سبز علی خامنه‌ای جمهوری اسلامی برنامه هسته‌ای خود را به سمت تولید کلاهک‌های هسته‌ای فشرده برای موشک‌ها هدایت کرده است.

● خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران این گزارش را «تکمیل اتهام‌زنی گروسی علیه ایران توسط موسسه ایتالیایی» دانست و نوشت: «این ادعا که هنوز سندی برای آن ارائه نشده است، بیش از هر چیزی به تنور اتهام‌زنی علیه کشورمان می‌دمد.

● وبسایت «یورونیوز» می‌نویسد، پس از جنگ ۱۲ روزه که صدمه جدی به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی وارد کرد، گمانه‌زنی‌ها درباره این‌که آیا رهبر جمهوری اسلامی مجوز توسعه سلاح هسته‌ای را صادر کرده است یا نه، رو به افزایش است.

● ارزیابی نهادهای اطلاعاتی آمریکا تا ماه اوت (مرداد و شهریور) همچنان این بود که علی خامنه‌ای مجوز اجرای یک برنامه تسلیحات هسته‌ای را صادر نکرده است با این حال، موسسه ایتالیایی مطالعات سیاست بین‌الملل (ISPI) این ماه گزارش داد که منابعش در تهران اکنون نشان می‌دهند خامنه‌ای در ماه اکتبر (مهر و آبان) تصمیم گرفته است توسعه کلاهک‌های فشرده برای موشک‌های بالستیک را مجاز کند.

همزمان با هشدار رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، درباره عدم دسترسی بازرسان آژانس به سایت‌های هسته‌ای پباران شده در ایران و تکرار این نکته که جمهوری اسلامی درباره سرنوشت بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی پاسخگو نیست، «انستیتو مطالعات سیاست بین‌الملل» ایتالیا گزارش داد که با چراغ سبز علی خامنه‌ای جمهوری اسلامی برنامه هسته‌ای خود را به سمت تولید کلاهک‌های هسته‌ای فشرده برای موشک‌ها هدایت کرده است.

خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران این گزارش را «تکمیل اتهام‌زنی گروسی علیه ایران توسط موسسه ایتالیایی» دانست و نوشت: «این ادعا که هنوز سندی برای آن ارائه نشده است، بیش از هر چیزی به تنور اتهام‌زنی علیه کشورمان می‌دمد. اینکه اسرائیل پشت این اتهام زنی قرار داشته باشد یا نه؟ همانند آن است که بگوییم آیا رویکرد مخرب گروسی علیه برنامه هسته‌ای کشورمان از سوی یک قدرت خارجی تلقین می‌شود یا نه؟»

وبسایت «یورونیوز» گزارش داده است، پس از جنگ ۱۲ روزه که صدمه جدی به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی وارد کرد، گمانه‌زنی‌ها درباره این‌که آیا رهبر جمهوری اسلامی مجوز توسعه سلاح هسته‌ای را صادر کرده است یا نه، رو به افزایش است.

ارزیابی نهادهای اطلاعاتی آمریکا تا ماه اوت (مرداد و شهریور) همچنان این بود که علی خامنه‌ای مجوز اجرای یک برنامه تسلیحات هسته‌ای را صادر نکرده است با این حال، موسسه ایتالیایی مطالعات سیاست بین‌الملل (ISPI) این ماه گزارش داد که منابعش در تهران اکنون نشان می‌دهند خامنه‌ای در ماه اکتبر (مهر و آبان) تصمیم گرفته است توسعه کلاهک‌های فشرده برای موشک‌های بالستیک را مجاز کند. بر اساس تحلیل آی‌اس‌پی‌آی، تمامی منابعی که طی



بازدید علی خامنه‌ای از نمایشگاه دستاوردهای هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / آبان ۱۴۰۲

درصد، در صورت وجود تعداد کافی سانتریفیوژهای پیشرفته عملیاتی، تنها چند هفته زمان می‌برد.

اما ساخت کلاهک‌های فشرده‌ای که برای موشک‌های دوربرد ایران مناسب باشند، چالشی به مراتب پیچیده‌تر است.

چالش‌های فنی چیست؟

در حالی که ایران می‌تواند به سرعت اورانیوم را تا سطح تسلیحاتی غنی‌سازی کند، توسعه کلاهک‌های هسته‌ای فشرده بسیار دشوارتر است.

آی‌اس‌پی‌آی به تجربه پاکستان اشاره می‌کند؛ کشوری که در مه ۱۹۹۸ پنج آزمایش هسته‌ای انجام داد و دو روز بعد آزمایش کلاهک فشرده را نیز انجام داد.

پاکستان توانست بدون انجام آزمایش‌های زنده میانی، کلاهک‌های فشرده را توسعه دهد، اما این امر با تکیه بر ۲۴ آزمایش شبیه‌سازی‌شده از سال ۱۹۸۳ ممکن شد و با این حال ۱۵ سال زمان برد تا به یک طراحی عملیاتی برسد. آی‌اس‌پی‌آی می‌گوید اگر خامنه‌ای توسعه کلاهک را بر غنی‌سازی اولویت داده باشد، ممکن است به این دلیل باشد که غنی‌سازی سریع مواد شکافت‌پذیر، ایران را در شرایطی بسیار آسیب‌پذیر قرار می‌دهد.

با این حال، در نهایت مسیر غنی‌سازی و توسعه کلاهک باید به هم برسند، زیرا حتی برای آزمایش‌های شبیه‌سازی‌شده نیز مواد در سطح تسلیحاتی لازم است. در همین حال، بنا بر گزارش‌ها کره شمالی همکاری خود با حکومت ایران در زمینه موشک‌های بالستیک و طراحی‌های پیشرفته را تشدید کرده است، هرچند این‌که آیا این همکاری شامل کلاهک‌های هسته‌ای فشرده نیز می‌شود یا نه، قابل تأیید نیست.

کمال خرازی مشاور علی خامنه‌ای پیش‌تر گفته بود جمهوری اسلامی ایران در صورت بروز «تهدیدی وجودی» دکت‌ترین هسته‌ای خود را «اصلاح» خواهد کرد.

سال‌های گذشته با آن‌ها گفت‌وگو شده بود، پیش‌تر هرگونه اتخاذ چنین تصمیمی را رد می‌کردند.

تحلیل آی‌اس‌پی‌آی حاکی از آن است که تهران به این جمع‌بندی رسیده که سلاح هسته‌ای، در صورت عدم تسلیم، تنها بازدارندگی واقعی در برابر اسرائیل و آمریکا خواهد بود. این اندیشکده همچنین به شایعاتی درباره وجود یک برنامه فوق‌محرمانه غنی‌سازی در سایت‌هایی اعلام‌نشده و گزارش‌نشده به آژانس اشاره کرده است.

تولسی‌گردد، مدیر اطلاعات ملی آمریکا در ماه مارس به کمیته اطلاعات سنای آمریکا گفته بود: «جامعه اطلاعاتی همچنان بر این باور است که ایران در حال ساخت سلاح هسته‌ای نیست و رهبر جمهوری اسلامی، علی خامنه‌ای، برنامه تسلیحات هسته‌ای را که در سال ۲۰۰۳ متوقف کرده بود، دوباره مجاز نکرده است.»

با این حال گرد می‌افزاید: «در یک سال گذشته شاهد فروریختن تابوی چنددهه‌ای در ایران درباره یاخت سلاح‌های هسته‌ای بوده‌ایم؛ موضوعی که احتمالاً حامیان سلاح هسته‌ای را در درون ساختار تصمیم‌گیری ایران جسورتر کرده است.»

یورونیوز در ادامه می‌نویسد، هنوز گمانه‌زنی‌ها زیاد و تأیید نشده است اما آنچه تأیید شده، پیشرفت سریع ایران در توان غنی‌سازی اورانیوم پیش از درگیری ژوئن است.

بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران تا ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵، درست پیش از آغاز حملات اسرائیل، ۴۴۱ کیلوگرم اورانیوم با غنای ۶۰ درصد در اختیار داشت؛ بالاترین سطح غنی‌سازی در میان کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای.

اورانیوم با غنای ۶۰ درصد از نظر فنی به سطح ۹۰ درصدی مورد نیاز برای مواد شکافت‌پذیر تسلیحاتی بسیار نزدیک است.

آی‌اس‌پی‌آی می‌گوید گذار از غنی‌سازی ۶۰ درصد به ۹۰

هشدار ترامپ به جمهوری اسلامی در دیدار با نتانیاهو:

اگر به سمت توسعه برنامه موشکی و هسته‌ای بروید، حمله می‌کنیم



دیدار ترامپ و نتانیاهو در فلوریدا، دسامبر ۲۰۲۵

سلیمانی شروع شد. خودتان هم امروز به آن اشاره کردید. ماجرا از سلیمانی شروع شد؛ فرد بدی که کارهای بد می‌کرد، به افراد زیادی آسیب زد و سربازان آمریکایی و سربازان دیگر را کشت. نقطه شروع احتمالا همان‌جا بود. و بعد از آن ادامه پیدا کرد.»

ترامپ در پاسخ به سوال خبرنگاری که پرسید چقدر به یک جنگ دیگر با جمهوری اسلامی نزدیک هستیم و در مورد گزارش‌های مربوط به تلاش‌های جمهوری اسلامی برای احیای برنامه موشکی و هسته‌ای خود گفت: «این فقط چیزهایی است که می‌شنویم، اما معمولا هر جا دود هست، آتش هم هست.»

ترامپ افزود: «آن‌چه می‌شنوم این است که هنوز هسته‌ای نشده‌اند، اما شاید به سمت هسته‌ای هم بروند. مراکز قبلی نابود شده‌اند، اما دارند به مراکز دیگری فکر می‌کنند. این چیزی است که من شنیده‌ام. دارند بررسی می‌کنند. بنابراین این روند زمان زیادی می‌برد. قرار نیست به همان سایت قبلی برگردند، اما جاهای دیگری دارند که می‌توانند به آن‌ها بروند. اگر چنین کاری بکنند، اشتباه بزرگی مرتکب می‌شوند.... هیچ دلیلی ندارد که این کار را بکنند.»

او همچنین پیش از جلسه رسمی با نتانیاهو گفت اگر تهران به توسعه برنامه موشکی با پشتیبانی برنامه هسته‌ای خود ادامه دهد، آمریکا از اقدام نظامی حمایت خواهد کرد. رئیس‌جمهوری همچنین در پاسخ به این سوال که «آیا ایالات متحده در حال حاضر آماده گفت‌وگوهای دوجانبه با تهران است؟» گفت از «بله، حمایت می‌کنم.» او افزود: «ضمن این‌که قبل از جنگ هم از آن [گفت‌وگو] حمایت می‌کردم. به آن‌ها گفتم، گفتم بیایید مذاکره کنیم. اما باور نمی‌کردند آن‌چه قرار بود اتفاق بیفتد، اتفاق بیفتد.» اشاره رئیس‌جمهوری آمریکا به حملات هوایی اسرائیل و آمریکا به تأسیسات هسته‌ای آن است.

وجود نخواهد داشت. اشتباه این بود که وقتی عراق را از میان بردند؛ عراق و ایران تقریبا هم‌سطح بودند و هزار سال با نام‌های مختلف با هم جنگیده بودند. بعد کشوری آمد و یکی از این دو کشور، یعنی عراق، را نابود کرد. و ناگهان [جمهوری اسلامی] ایران تمام خاورمیانه را یک‌تنه در اختیار گرفت. اما دیگر این‌طور نیست. دیگر این‌طور نیست.»

دونالد ترامپ در بخش دیگری از سخنانش گفت: «در مورد ایران هم بگویم، امیدوارم دوباره در حال بازسازی (هسته‌ای و موشکی) نباشند، چون اگر چنین کاری بکنند، چاره‌ای نخواهیم داشت جز این‌که خیلی سریع این روند را به کلی از بین ببریم. بنابراین امیدوارم [جمهوری اسلامی] ایران، آن‌طور که می‌خوانم، در حال بازسازی و انباشت نباشد؛ این‌که دارند سلاح و چیزهای دیگر جمع می‌کنند. اگر هم چنین کاری بکنند، از آن سایت‌هایی که ما نابود کردیم استفاده نمی‌کنند، بلکه شاید از سایت‌های دیگری استفاده کنند. ما دقیقا می‌دانیم کجا می‌روند و چه می‌کنند. امیدوارم این کار را نکنند، چون نمی‌خواهیم سوخت یک [هپ‌افکن] بی-۲ را هدر بدهیم. رفت‌وبرگشت ۳۷ ساعت طول می‌کشد. نمی‌خواهم مقدار زیادی سوخت هدر برود.»

رئیس‌جمهوری آمریکا با ستایش از عملکرد بنیامین نتانیاهو گفت: «اگر هشت نفر از هر ده نخست‌وزیر در موقعیت او الان بودند، یا حتی قبل‌تر، شاید دیگر اسرائیلی وجود نداشت.» او گفت: «راستش را بخواهید، من هم کمک بزرگی کردم، واقعا کمک بسیار بزرگی.»

ترامپ گفت فکر می‌کند نام بنیامین نتانیاهو در کتاب‌های تاریخ ثبت خواهد شد.

ترامپ: سلیمانی فرد بدی بود که کارهای بد می‌کرد
او افزود: «ماجرای آن مذاکره ما با [جمهوری اسلامی] ایران شروع شد. فکر می‌کنم احتمالا از [میان برداشتن قاسم]

● رئیس‌جمهوری آمریکا دوشنبه ۲۹ دسامبر (هشتم دی‌ماه) در فلوریدا با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل جلسه داشت.

● دونالد ترامپ با اشاره به مباران تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی گفت: «اگر کاری را که با [جمهوری اسلامی] ایران کردیم انجام نداده بودیم، فقط برای این‌که موضوع را کمی از زاویه دیگری بگویم، شما امروز صبحی در خاورمیانه نداشتید، هیچ توافقی در خاورمیانه امضا نمی‌شد.»

● او در بخش دیگری از سخنانش گفت: «در مورد ایران هم بگویم، امیدوارم دوباره در حال بازسازی (هسته‌ای و موشکی) نباشند، چون اگر چنین کاری بکنند، چاره‌ای نخواهیم داشت جز این‌که خیلی سریع این روند را به کلی از بین ببریم. بنابراین امیدوارم [جمهوری اسلامی] ایران، آن‌طور که می‌خوانم، در حال بازسازی و انباشت نباشد؛ این‌که دارند سلاح و چیزهای دیگر جمع می‌کنند. اگر هم چنین کاری بکنند، از آن سایت‌هایی که ما نابود کردیم استفاده نمی‌کنند، بلکه شاید از سایت‌های دیگری استفاده کنند. ما دقیقا می‌دانیم کجا می‌روند و چه می‌کنند، چون نمی‌خواهیم سوخت یک [هپ‌افکن] بی-۲ را هدر بدهیم. رفت‌وبرگشت ۳۷ ساعت طول می‌کشد. نمی‌خواهم مقدار زیادی سوخت هدر برود.»

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا دوشنبه ۲۹ دسامبر (هشتم دی‌ماه) در فلوریدا با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل جلسه داشت.

به گفته ترامپ «جمع‌بندی‌ها» با نتانیاهو بسیار عالی بود و «اختلاف بسیار کمی میان نگاه ما و جایی که می‌خواهیم به آن برسیم و مسیری که می‌خواهیم برویم وجود دارد.» نخست‌وزیر اسرائیل نیز با تقدیر از «مواضع اصولی» ترامپ گفت اسرائیل دوستی بهتر او در کاخ سفید نداشته است. نتانیاهو تأکید کرد: «ترامپ در خاورمیانه به دستاوردهای چشمگیری رسیده، چون ما با هم کار کرده‌ایم.»

نخست‌وزیر اسرائیل همچنین افزود کشورش تصمیم گرفته است که «یک عرف را بشکند و آن اعطای جایزه اسرائیل به دونالد ترامپ است... جایزه‌ای که در نزدیک به ۸۰ سال گذشته هرگز به فردی غیر اسرائیلی داده نشده بود و قرار است به رئیس‌جمهوری ترامپ اهدا شود.»

ترامپ با اشاره به مباران تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی گفت: «اگر کاری را که با [جمهوری اسلامی] ایران کردیم انجام نداده بودیم، فقط برای این‌که موضوع را کمی از زاویه دیگری بگویم، شما امروز صبحی در خاورمیانه نداشتید، هیچ توافقی در خاورمیانه امضا نمی‌شد، اصلا توافقی وجود نداشت. چون دیگر کشورهای عربی، که مردم بسیار بسیار خوبی هستند، من آن‌ها را خیلی خوب می‌شناسم، واقعا مردم خوبی هستند، نمی‌توانستند با صلح در خاورمیانه موافقت کنند. چون یک سایه تیره روی همه چیز افتاده بود و این کار ممکن نبود.»

او افزود: «بنابراین قدرت و اعتبار [جمهوری اسلامی] ایران به‌شدت کاهش یافته است. نمی‌خواهم از واژه «تحقیر» استفاده کنم، چون می‌دانید که آن‌ها دوباره در تلاش‌اند بازسازی بکشند، اما ما نمی‌توانیم اجازه بدهیم دوباره بازسازی کنند، چون اگر بازسازی کنند، صبحی در خاورمیانه

رژیم ایران و جمع‌بندی سال ۲۰۲۵: کاهش نفوذ و شکاف داخلی

در مقابل، تندروها اصلاح‌طلبان را متهم کردند که این رویکرد نوعی عقب‌نشینی و تسلیم است، آن هم در زمانی که ایران به‌عنوان طرف شکست‌خورده در برابر دشمنانش تصویر می‌شود. از نگاه آنان، این نه عقب‌نشینی تاکتیکی، بلکه تسلیم است.

انتقادات از ظریف پس از مقاله اخیر او در «مجله سیاست خارجی» نیز شدت گرفت؛ مقاله‌ای که در آن نوشت تنش میان ایران و غرب نتیجه رفتار هر دو طرف است و روایت آمریکا و اسرائیل که ایران را تهدیدی برای نظام جهانی معرفی کرده، تهران را به اتخاذ سیاست خارجی امنیتی و نظامی، مبتنی بر توسعه موشک‌های بالستیک و شبکه نیروهای نیابتی، سوق داده است. این دیدگاه بحثی داخلی را برانگیخت که آیا چنین سیاستی که آمریکا و اسرائیل آن را دستاویزی علیه ایران قرار داده‌اند. در واقع حق ایران برای توسعه توان دفاعی و نظامی‌اش را نفی می‌کند تا زمینه مذاکره با غرب فراهم شود یا نه.

تهدیدهای منطقه‌ای

سال ۲۰۲۵ برای ایران سرشار از چالش‌ها و تهدیدهای منطقه‌ای بود؛ از جمله مطالبه امارات متحده عربی درباره حاکمیت بر جزایر سه‌گانه با وجود بهبود روابط دیپلماتیک، تحرکات اسرائیل در قفقاز، اتهام‌ها به ایران درباره مداخله در انتخابات عراق، تنش‌ها در افغانستان و پاکستان، و مهم‌تر از همه تحولات سوریه و لبنان. ایران رژیم بشار اسد مهم‌ترین متحد راهبردی در منطقه را از دست داد و همچنین با تضعیف «حزب‌الله» مواجه شد؛ حزبی که اسرائیل همچنان با ماشین نظامی خود به انهدام انبارهای سلاح، مراکز پرتاب موشک، پایگاه‌های آموزشی و زیرساخت‌های آن ادامه می‌دهد، هرچند منابع امنیتی اسرائیلی تأکید می‌کنند بخش قابل‌توجهی از توان نظامی حزب‌الله هنوز سالم است و این گروه به‌واسطه شبکه مخفی گسترده و ذخایر عظیم تسلیحاتی خود قادر به حفظ بازدارندگی است.

در صورت آغاز درگیری میان اسرائیل و حزب‌الله، این تنش می‌تواند به ایران نیز گسترش یابد؛ جایی که تهران ممکن است راهبرد خود را تغییر دهد و به‌جای پرهیز از تقابل، شاهد جنگی منطقه‌ای باشیم که در آن «حوثی‌ها» یمن و «حماس» نیز هم‌زمان وارد درگیری شوند؛ یعنی فعال‌سازی اصل «وحدت میدان‌ها» به‌جای تعلیق آن در دو سال گذشته.

در سطح تقابل مستقیم جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل، با وجود کاهش نفوذ حکومت ایران، بنیامین نتانیاهو همچنان می‌کوشد دونالد ترامپ را به سوی رویارویی تازه‌ای سوق دهد؛ با محوریت توان موشکی ایران و تلاش برای وادار کردن تهران به پذیرش محدودیت برنامه موشکی. از این‌رو، مقامات اسرائیلی در حال تهیه پرونده‌ای جامع اطلاعاتی درباره ایران هستند که تلاش‌های این کشور برای احیای برنامه هسته‌ای، بازسازی زرادخانه موشک‌های بالستیک و افزایش حمایت مالی از «حماس»، «حزب‌الله» و «حوثی‌ها» را تشریح می‌کند، پرونده‌ای که ایران آن را توجیهی آماده برای اقدام نظامی احتمالی در آینده می‌داند، اگر رویکرد ترامپ از دیپلماسی به گزینه نظامی تغییر کند. از سوی دیگر، موضوع تغییر رژیم ایران که ترامپ و نتانیاهو در خلال جنگ ۱۲ روزه به آن اشاره کردند نیز چالشی مطرح است. هرچند ممکن است تصور

در ایران، وام ازدواج صرفاً یک موضوع اقتصادی نیست، بلکه سیاستی اجتماعی است که دولت از طریق آن می‌کوشد جوانان را به ازدواج و فرزندآوری تشویق کند؛ نخست برای مقابله با بحران سالخوردگی جمعیت که ایران را به یکی از پیرترین کشورهای منطقه تبدیل کرده، و دوم برای ایجاد حس امنیت و ثبات اجتماعی. اما در عمل، صف‌های انتظار برای دریافت وام ازدواج افزایش یافته است. آمارهای بانک مرکزی در هشت ماه گذشته درباره وام ازدواج و فرزندپرووری نشان می‌دهد شمار افراد در صف انتظار از یک میلیون نفر فراتر رفته است. در حالی که دولت تصور می‌کرد این تسهیلات—ولو به‌طور محدود—احساس حمایت و توان عبور از مشکلات را به شهروندان می‌دهد، چنین احساسی عملاً شکل نگرفته است.



مسعود پزشکیان زیر قاب عکس علی خامنه‌ای

از سوی دیگر، تنش میان تندروها و دولت رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب، مسعود پزشکیان، افزایش یافته است. اظهارات محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، درباره ضرورت اصلاح کابینه و هشدار نسبت به برکناری‌ها، با استناد به آنچه ناکامی سیاست‌های دولت خواند، موجب شد، او تهدید کند که مجلس از ابزارهای نظارتی خود استفاده خواهد کرد. این مواضع باعث شد رسانه‌های نزدیک به دولت، قالیباف را به تلاش برای تحمیل نفوذ خود بر دولت متهم کنند.

جدال داخلی بر سر سیاست خارجی ایران

از پیامدهای جنگ ۱۲ روزه، تشدید اختلاف میان تندروها و اصلاح‌طلبان درباره مذاکره و خطوط قرمز ایران بود. اصلاح‌طلبان مذاکره را برای بقای نظام ضروری دانستند و خواستار کنارگذاشتن تعهدات ایدئولوژیک به‌عنوان محرک سیاست خارجی که به تنش با واشنگتن انجامیده شدند. حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین، از «توازن مثبت» سخن گفت؛ یعنی حفظ روابط مثبت با همه کشورهای منطقه و فرماندهی منطقه. محمدجواد ظریف نیز خواستار کنارگذاشتن اصرار بر توسعه سامانه موشک‌های بالستیک شد و گفت «انسان از موشک مهم‌تر است»؛ دعوتی به انعطاف در برابر مطالبات آمریکا برای دستیابی به گشایش در مذاکرات و رفع تحریم‌ها.

● هدی رؤوف نویسنده عرب در یک مقاله تحلیلی به بررسی پیامدهای جنگ ۱۲ روزه جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل و تأثیرات آن بر وضعیت داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایران پرداخته است و تشریح می‌کند چگونه این جنگ به تعمیق شکاف‌های سیاسی داخلی، تشدید بحران‌های اقتصادی و افزایش اختلاف میان اصلاح‌طلبان و تندروها درباره سیاست خارجی و مذاکره با غرب انجامیده است.

● رژیم تهران سال ۲۰۲۴ را بدون هیچ گشایش قابل‌توجهی در چالش‌ها و تهدیدهای موجود آغاز خواهد کرد.

● پرچم ایران بر فراز پایتخت، تهران، در حالی به اهتزاز درآمده که این شهر در فصل زمستان زیر لایه‌ای غلیظ از آلودگی و مه‌دود قرار دارد.

جنگ ۱۲ روزه تأثیرات داخلی قابل‌توجهی در ایران بر جای گذاشت و به بروز شکاف‌هایی میان نخبگان برجسته سیاسی از هر دو جناح اصلاح‌طلب و تندرو انجامید. همچنین مطالبات داخلی برای ضرورت بازنگری در سیاست‌های داخلی و خارجی ایران مطرح شد.

ماه دسامبر همواره حسی از نزدیک‌شدن پایان‌ها را به همراه دارد؛ پایانی که مقدمه امید به آغازهای تازه در سالی بهتر است. اما آیا پایان سال ۲۰۲۵ که سرشار از ناکامی‌ها و شکست‌ها بود، می‌تواند نویدبخش گشایشی برای ایران باشد؛ یا صرفاً امتدادی از بحران‌های آن خواهد بود؟

سال ۲۰۲۵ سال تثبیت بحران‌هایی بود که ایران در عرصه خارجی و منطقه‌ای با آن روبه‌روست، و نیز سال تعمیق شکاف‌های داخلی درباره سیاست‌های داخلی و خارجی. در سال جاری که روبه پایان است، اتهام‌زنی‌های متقابل میان تندروها، دولت کنونی و جریان اصلاح‌طلب شدت گرفت. هرچند سال ۲۰۲۳ آغاز افول نفوذ منطقه‌ای ایران و صعود پروژه اسرائیلی به شمار می‌رفت، اما تهران که می‌کوشید تا حد امکان از درگیری‌های شعله‌ور در منطقه پرهیز کند، به هدف اصلی تل‌آویو تبدیل شد.

از سال ۲۰۲۳، اسرائیل تضعیف توان نظامی و تشکیلاتی همه گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به ایران در منطقه، مانند «حزب‌الله»، «حوثی‌ها»، «حماس» و گروه‌های شبه نظامی عراقی، را در دستور کار قرار داد؛ اما سال ۲۰۲۵ را به نخستین سال رویارویی مستقیم نظامی با ایران تبدیل کرد؛ رویارویی‌ای که ۱۲ روز به طول انجامید. پیش از آن، تقابل ایران و اسرائیل عمدتاً در قالب «جنگ سایه‌ها» جریان داشت که از جنگ‌های سایبری تا درگیری‌های دریایی و حملات اسرائیل به اهداف ایرانی در لبنان و سوریه را شامل می‌شد.

جنگ ۱۲ روزه پیامدهای داخلی مهمی در ایران داشت و موجب آشکارشدن شکاف‌ها میان نخبگان سیاسی وابسته به جریان‌های اصلاح‌طلب و تندرو شد. مطالبات داخلی برای انجام خودانتقادی و بازنگری در سیاست‌های داخلی و خارجی ایران افزایش یافت. هرچند مهم‌ترین دستاورد تبلیغی این جنگ، انسجام و وحدت داخلی بود که نظام ایران آن را به‌عنوان شعاری ملی برای گردهم‌آوردن شهروندان در برابر اختلافات ایدئولوژیک ترویج کرد، اما این انسجام در معرض تهدید تشدید بحران‌های اقتصادی قرار دارد؛ بحران‌هایی که در جلوه‌هایی چون ناامنی شغلی، مشکلات مسکن، کاهش قدرت خرید، نابرابری در دسترسی به خدمات درمانی و حتی سیاست‌های بانکی درباره وام ازدواج نمایان شده است.

اختلال در اینترنت ایران تأیید شد

ارتباطی کشور را به طور مشخص هدف قرار داد.» ستار هاشمی افزوده بود که «با تدابیر اتخاذ شده، این حمله به صورت کامل دفع و خنثی شد. مدیریت حملات سایبری در کشور در دو سطح داخلی و خارجی انجام می شود. در سطح خارجی، با استفاده از ظرفیت ارائه دهندگان خدمات اینترنتی بین المللی و تجهیزاتی که خارج از کشور نصب شده اند، بخشی از حملات کنترل می شود؛ با این حال، بخش عمده ای از این حملات از این لایه عبور کرده و در داخل کشور، با تکیه بر توان محصولات تولید داخل و ظرفیت شرکت ارتباطات زیرساخت، مدیریت و مهار شد.» او تأکید کرده بود که «این حمله که از نظر گستردگی و شدت در زمره مهم ترین حملات سایبری اخیر محسوب می شود، می تواندست چالش های جدی برای کشور ایجاد کند،

طبق اطلاعات رادار کلودفلر، اختلال در اینترنت ایران شدیدتر شده است. بطوریکه ترافیک اینترنت در ایران نسبت به روزهای عادی با کاهش ۳۵ درصدی روبرو است. اختلال در اینترنت ایران از هفته گذشته و همزمان با آغاز دور تازه ای از اعتراضات سراسری از روز یکشنبه هفتم دی ماه تشدید شده است. ستار هاشمی وزیر ارتباطات روز چهارشنبه دهم دی ماه ادعای «وقوع حملات سایبری گسترده علیه زیرساخت های ارتباطی کشور» را مطرح کرد و همزمانی این حملات را عامل اشغال بخشی از پهنای باند و کاهش مقطعی سرعت اینترنت یا اختلال در کیفیت مطرح کرده است. این ادعا در حالی مطرح شده که کاهش سرعت و حتی قطع سراسری اینترنت از جمله راهکارهای سرکوب



اما با هوشمندی، تدبیر و تلاش شبانه روزی متخصصان حوزه ارتباطات، بدون ایجاد بحران مهار شد.» این ادعا در حالی مطرح شده که کاهش سرعت و حتی قطع سراسری اینترنت از جمله راهکارهای سرکوب شهروندان از سوی جمهوری اسلامی هنگام بروز اعتراضات مردمی است. در روزهای گذشته نیز گزارش هایی از شهرهایی که کانون اعتراضات بود درباره قطع یا کندی شدید سرعت اینترنت در ساعات تجمعات منتشر شده است. وبسایت «خبرآنلاین» نیز اختلال اینترنت را تأیید کرده و نوشته کاهش ترافیک اخیر بیشتر در بخش دسترسی به سرویس های بین المللی و پلتفرم های فیلترشده مشاهده شده و ترافیک داخلی به نسبت پایدار باقی مانده است. این الگو با اختلال یا مسدودسازی فیلترشکن ها کاملاً همخوانی دارد. بخش بزرگی از ترافیک کاربران ایرانی از طریق VPN ها و تونل های رمزگذاری شده منتقل می شود. وقتی دسترسی به این سرویس ها محدود شود یا عملکرد آن ها ناپایدار گردد، مصرف اینترنت بین المللی کاهش پیدا می کند و نمودارهای ترافیک افت قابل توجهی را نشان می دهند. وبسایت «زومیت» نیز گزارش داده «شنیده های زومیت از کاربران حاکی از آن است که در برخی از شهرهای کشور در روزهای اخیر اختلالاتی در دسترسی به اینترنت وجود داشته است.»

شهروندان از سوی جمهوری اسلامی هنگام بروز اعتراضات مردمی است. بر اساس گزارش ها اختلال در اینترنت ایران از صبح امروز تشدید شده است. وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی «حمله سایبری» را علت کاهش سرعت اینترنت در روزهای گذشته دانسته است! طبق اطلاعات رادار کلودفلر، اختلال در اینترنت ایران شدیدتر شده است. بطوریکه ترافیک اینترنت در ایران نسبت به روزهای عادی با کاهش ۳۵ درصدی روبرو است. اختلال در اینترنت ایران از هفته گذشته و همزمان با آغاز دور تازه ای از اعتراضات سراسری از روز یکشنبه هفتم دی ماه تشدید شده است. ستار هاشمی وزیر ارتباطات روز چهارشنبه دهم دی ماه ادعای «وقوع حملات سایبری گسترده علیه زیرساخت های ارتباطی کشور» را مطرح کرد و همزمانی این حملات را عامل اشغال بخشی از پهنای باند و کاهش مقطعی سرعت اینترنت یا اختلال در کیفیت مطرح کرده است. وزیر ارتباطات گفته بود «بعدازظهر روز یکشنبه، کشور شاهد یکی از بزرگ ترین و گسترده ترین حملات سایبری علیه زیرساخت های ارتباطی بود. این حملات از بیش از ۱۲۰ هزار مبدأ مختلف در سراسر جهان انجام شد و یکی از اپراتورهای ارائه دهنده خدمات

شود رئیس جمهور آمریکا بیشتر به توافقی مطابق منافعش می اندیشد تا تغییر نظام، اما برای اسرائیل نیز شاید تغییر نظام به سوی ساختاری دموکراتیک و لیبرال مطلوب نباشد؛ چرا که در آن صورت، تهران دیگر نمی تواند نقش «دشمن» را ایفا کند. با این حال، احتمال دارد واشنگتن و تل آویو به جای تغییر بنیادین، به دنبال جایگزینی چهره هایی از درون نظام اما پراگماتیک تر و آماده تر برای تعامل با آمریکا و اسرائیل باشند.

برنامه هسته ای جمهوری اسلامی پایدارترین چالش باقی مانده است. دولت ترامپ علاقه ای به مذاکره نشان نداده و شروط تعجیزی از جمله توقف غنی سازی و محدودیت موشک های بالستیک را مطرح کرده است. اخیراً شورای امنیت سازمان ملل موضوع پایان قطعنامه ۲۲۳۱ و بازگشت تحریم ها را بررسی کرد. در حالی که روسیه و چین معتقدند با گذشت ۱۰ سال، توافق پایان یافته و بازگشت تحریم ها فاقد وجهت حقوقی است، آمریکا و اروپایی ها در پی احیای تحریم ها و تشکیل کمیته ای برای پیگیری آن هستند. نمایندگان آمریکا، فرانسه، بریتانیا، آلمان و اتحادیه اروپا از بازفعال سازی تحریم های پیشین علیه ایران خبر دادند و تهران را به نقض تعهدات متهم کردند. معاون نماینده آمریکا اعلام کرد قطعنامه ۲۲۳۱ همچنان معتبر است و شورای امنیت شش تحریم را بازفعال کرده و کمیته تحریم ها (۱۷۳۷) فعالیت خود را از سر گرفته است.

در مقابل، جمهوری اسلامی پایان اعتبار قطعنامه ۲۲۳۱ و عدم مشروعیت سازوکار بازگشت تحریم ها را مطرح می کند و تأکید دارد اصول «برنامه جامع اقدام مشترک» همچنان معتبر است، مشروط به ارائه تضمین های قابل راستی آزمایی درباره صلح آمیز بودن برنامه هسته ای اش و در مقابل، به رسمیت شناختن کامل حقوقش ذیل «معاهده عدم اشاعه»، از جمله حق غنی سازی، رفع همه تحریم ها و عادی سازی اقتصاد.

پرونده جمهوری اسلامی همچنان در دستور کار شورای امنیت است و تهران برای تداوم دیپلماسی دو مسیر پیش رو دارد: نخست، تأکید بر صلح آمیز بودن برنامه هسته ای و آمادگی برای ارائه تضمین ها، همراه با کار بر روابط با «تروئیکا» اروپایی برای تشویق آمریکا به حرکت در این مسیر؛ و دوم، برقراری تماس با واشنگتن و آغاز گفت وگوهای محرمانه، چرا که با وجود شروط پیشینی آمریکا، ایران برای حفظ حیثیت طرفین، مسیر محرمانه را مناسب تر می داند. تهران معتقد است مذاکرات علنی پیش تر توسط بازیگران منطقه ای به ویژه اسرائیل، تخریب شده و از این رو ممکن است کشورهایی مانند روسیه و عمان را برای میانجی گری جهت آغاز مذاکرات غیرعلنی به کار گیرد.

ایران سال ۲۰۲۶ را بدون هیچ گشایش قابل توجهی در چالش ها و تهدیدهای موجود آغاز خواهد کرد؛ چالش هایی که حل نشده باقی ماندنشان می تواند هسته ای برای شعله ور شدن جنگی منطقه ای باشد. ممکن است ایران اصل «وحدت میدان ها» را فعال کند و دیگر به راهبرد پیشین پرهیز از تقابل بسنده نکند—راهبردی که به از دست دادن نیروهای نیابتی و تبدیل شدن تهران به هدف حملات آمریکا و اسرائیل و نیز جدال داخلی بر سر گسترش تقابل یا عقب نشینی تاکتیکی یا راهبردی، همگی به میزان پیشرفت یا پسرفت روابط تهران و واشنگتن در دوره پیش رو بستگی خواهد داشت.

*نویسنده: هدی رؤوف

*منبع: ایندپندنت عربی

*ترجمه: کیهان لندن

گرانی بی‌پایان و درآمدهای ناچیز؛ پای‌مرغ یا سویا جایگزین گوشت در سفره حقوق‌بگیران شد

و لبنیات و میوه از برنامه غذایی خود به‌تنهایی مهم‌ترین شاخص این بحران اقتصادی است.»

این جامعه‌شناس گفته «بیماران تهیدست و بخشی از طبقه متوسط حالا مجبورند با جایگزین‌ها و مشابه‌ها نیازهای تغذیه‌ای‌شان را تأمین کنند، مثلاً به‌جای گوشت، پای مرغ یا سویا بخورند. برخی از مواد غذایی مثل لبنیات و میوه را به‌جای مصرف روزانه، به مصرف هفتگی یا ماهانه یا حتی گاه‌گاهی تقلیل داده‌اند.»

دکتر سیمین کاظمی با تأکید بر ناکارآمد بودن کالابرگ و دیگر یارانه‌های دولت گفته «برای حل مشکل سوءتغذیه و دسترسی عادلانه به غذا باید نظام تولید و توزیع متحول شود. غذا در حال حاضر به یکی از مهم‌ترین ابزارهای کسب سود در جامعه تبدیل شده، چون تولید و توزیع آن به عهده بخش خصوصی است. اما وقتی جامعه با بحران و ناامنی غذایی روبه‌روست دولت باید مداخله کند و با مشارکت جامعه کلیت تولید و توزیع مواد غذایی اصلی و ضروری را در اختیار بگیرد.»

کارشناس در شرایطی معتقدند دولت باید سیاست‌هایی برای تقویت قدرت خرید اقشار حقوق‌بگیر و تنگدست در دستور کار قرار دهد که اقدامات دولت پزشک‌یان، مانند دولت‌های پیشین جمهوری اسلامی، نه تنها نتوانسته حمایت موثری از معیشت خانوارها انجام دهد بلکه در مقابل فشار ناشی از تورم و کسری بودجه را به همین خانوارها منتقل کرده است.

در همین رابطه خبرگزاری «ایلنا» آنچه سبب گرانی پی‌درپی مواد خوراکی شده را ناشی از روند معیوب توزیع رانت در ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی ارزیابی کرده و گفته «از «داروگر» و «روغن جهان» گرفته تا «نساجی ایران»، «کفش ملی»، «پخچال‌سازی»، «رشت الکتریک»، «پارس الکتریک» و کشت و صنعت‌های عظیمی مانند «مهاباد»؛ تمام صنایعی که هر کدام روزگاری هزاران کارگر داشتند و خصوصی‌سازی رانتی آن‌ها، نه تنها باعث رشد و پیشرفت اقتصادی نشد، بلکه به بیکاری گسترده و در نهایت فروش زمین‌ها و آهن‌قراضه‌های این کارخانه‌ها انجامید.»

در بخش دیگری از این گزارش آمده «بازنشستگان تأمین اجتماعی، پرستاران، معلمان و تمامی مزدبگیران، در وضعیتی گرفتار شده‌اند که حقوق دریافتی‌شان - چه بنا بر قانون کار و چه احکام دولتی - فرسنگ‌ها زیر خط فقر مطلق است. امروز نیز دولت با تقدیم انقباضی‌ترین بودجه سال‌های اخیر، عملاً اعلام جنگ اقتصادی علیه سفره‌های مردم کرده است.»

خبرگزاری «ایلنا» نوشته در حالیکه معافیت‌های مالیاتی نجومی و چند ده هزار میلیارد تومانی برای شرکت‌های بزرگ خام‌فروش، بنگاه‌های خصولتی و صنایع فعال در حوزه‌های رانتی همچنان با قدرت پابرجاست، دولت برای جبران کسری بودجه خود، دیواری کوتاه‌تر از جیب مزدبگیران پیدا نکرده است. امروز فعالان کارگری و دلسوزان این طبقه فریاد می‌زنند که دستمزدها باید مطابق با نرخ تورم واقعی و سبد معیشت افزایش یابد، اما سیگنال‌های بودجه‌ای نشان می‌دهد که باز هم قرار است سفره کارگر، قربانی کنترل دستوری تورم شود.



دی‌ماه امسال با افزایش قابل توجهی روبرو شد. سالهاست در اقتصاد ایران دلار به عنوان نبض اقتصاد شناخته می‌شود. اقتصاد ایران واردات‌محور است و افزایش قیمت ارز بطور مستقیم و غیرمستقیم سبب افزایش قیمت نهایی کالاها و خدمات می‌شود.

از سوی دیگر سقوط ارزش پول ملی ایران سبب کاهش «ارزش واقعی» درآمد خانوارها شده است. اگر چه عدد درآمد در ابتدای سال با افزایش روبرو شده اما از یک سو رقم افزوده شده به درآمد‌ها خیلی کمتر از ارقام تورم فزاینده بوده است و از سوی دیگر به علت سقوط ارزش پول ملی، درآمد‌های کنونی خانوارها، قدرت خرید به مراتب کمتری نسبت به درآمد سال گذشته آنها دارد.

این موارد موجب افزایش فاصله میان دستمزد و هزینه در میان خانوارهای حقوق‌بگیر شده است. همین موضوع سبب رانده شدن اقشار متوسط به زیر خط فقر، و فقیرتر شدن خانوارهایی شده که پیشتر هم زیر خط فقر قرار داشتند.

قابل توجه اینکه شوک تورمی ناشی از افزایش قیمت ارز در هفته‌های گذشته هنوز بر اقتصاد کشور و قیمت کالاها و خدمات اثر نگذاشته و این اثر در هفته‌های آینده نمایان خواهد شد.

با اینهمه بسیاری از فعالان صنفی کارگران و بازنشستگان، به عنوان دو قشر کم‌درآمد در ایران، تأکید دارند سفره‌های این اقشار به شدت کوچک شده و به علت بی‌ارزش شدن درآمد‌هایشان و موج فزاینده گرانی نه تنها مواد غذایی مفید را از سبد مصرفی آنها حذف کرده بلکه این اقشار حتی دیگر توان خرید خوراک کافی را ندارند!

دکتر سیمین کاظمی، پزشک و جامعه‌شناس، در گفت‌وگو با وبسایت «خبرآنلاین» از پیامدهای اجتماعی، جسمی و روانی این وضعیت می‌گوید و تأکید می‌کند: «خروج گوشت

● در آذرماه امسال تورم از مرز ۵۰ درصد را تأیید کرد. در این میان افزایش مواد خوراکی از تورم عمومی اقتصاد بالاتر بوده و در برخی اقلام خوراکی تورم طی یک سال سه رقیمی شده و حتی به بیش از صد درصد رسیده است. ● همزمان با سرعت گرفتن افزایش قیمت مواد خوراکی، قیمت دلار نیز در آذرماه و اوایل دی‌ماه امسال با افزایش قابل توجهی روبرو شد. سالهاست در اقتصاد ایران دلار به عنوان نبض اقتصاد شناخته می‌شود. اقتصاد ایران واردات‌محور است و افزایش قیمت ارز بطور مستقیم و غیرمستقیم سبب افزایش قیمت نهایی کالاها و خدمات می‌شود.

● اگر چه عدد درآمد‌ها در ابتدای سال با افزایش روبرو شده اما از یک سو رقم افزوده شده به درآمد‌ها خیلی کمتر از ارقام تورم فزاینده بوده است و از سوی دیگر به علت سقوط ارزش پول ملی، درآمد‌های کنونی خانوارها، قدرت خرید به مراتب کمتری نسبت به درآمد سال گذشته آنها دارد.

● افزایش فاصله میان دستمزد و هزینه در میان خانوارهای حقوق‌بگیر سبب رانده شدن اقشار متوسط به زیر خط فقر، و فقیرتر شدن خانوارهایی شده که پیشتر هم زیر خط فقر قرار داشتند.

● بسیاری از فعالان صنفی کارگران و بازنشستگان، به عنوان دو قشر کم‌درآمد در ایران، تأکید دارند سفره‌های این اقشار به شدت کوچک شده و به علت بی‌ارزش شدن درآمد‌هایشان و موج فزاینده گرانی نه تنها مواد غذایی مفید را از سبد مصرفی آنها حذف کرده بلکه این اقشار حتی دیگر توان خرید خوراک کافی را ندارند!

● قابل توجه اینکه شوک تورمی ناشی از افزایش قیمت ارز در هفته‌های گذشته هنوز بر اقتصاد کشور و قیمت کالاها و خدمات اثر نگذاشته و این اثر در هفته‌های آینده نمایان خواهد شد.

افزایش قیمت مواد غذایی سفره خانوارها را به شدت تحت تأثیر قرار داده و بسیاری از خانوارهای حقوق‌بگیر که تا مدتی پیش جزو طبقه متوسط شناخته می‌شدند اکنون دیگر توان تأمین مواد خوراکی ضروری را نیز ندارند. بر اساس گزارش‌ها تقاضا برای مواد خوراکی مانند ماکارونی، پای‌مرغ، استخوان، و سویا به علت افزایش قیمت گوشت و مرغ افزایش یافته است.

تورم در آذرماه امسال رکوردهای جدیدی را ثبت کرد بطوریکه حتی داده‌های مرکز آمار ایران به عنوان یک نهاد حکومتی نیز عبور تورم از مرز ۵۰ درصد را تأیید کرد. در این میان افزایش مواد خوراکی از تورم عمومی اقتصاد بالاتر بوده و در برخی اقلام خوراکی تورم طی یک سال سه رقیمی شده و حتی به بیش از صد درصد رسیده است.

در گروه «نان و غلات» که گروه پرمصرف خانوارهای کم‌درآمد به شمار می‌رود ثبت نرخ ۱۱۲/۷ درصد در آذرماه نشان از تشدید فشار سنگینی بر معیشت خانوارها است. «میوه و خشکبار» نیز با عبور تورم نقطه‌به‌نقطه از ۱۱۳ درصد، رکوردی کم‌سابقه در ۱۵ سال اخیر ثبت کرده است. این در حالیست که همزمان با سرعت گرفتن افزایش قیمت مواد خوراکی، قیمت دلار نیز در آذرماه و اوایل

۲۲ سال پس از زلزله مهیب بم؛ روایت دو امدادگر داوطلب از مدیریت ناکارآمد و سوءمدیریت در آواربرداری



● مهدی زارع، رئیس مرکز پیش‌بینی زلزله و استاد گروه زلزله‌شناسی ایران زلزله طیس را قدرتمندترین زلزله تاریخ ایران و زلزله بم با ۵۰ هزار کشته را جزو پرتلقات‌ترین زمین‌لرزه‌های تاریخ ایران عنوان می‌کند.

● با وجود گذشت ۲۲ سال از این زلزله مرگبار، اگرچه این شهر، بازسازی شد، اما هنوز بسیاری از کوچه‌های شهر خاکی است، هنوز حجمی از مصالح بازسازی، در باغ‌های بی‌صاحب یا باغات به دست وراث افتاده، رها شده است.

● روشنگ آسترکی روزنامه‌نگار که از نیروهای داوطلب امدادرسان در زلزله بم بود به لزوم وجود یک سیستم مدیریت یکپارچه امدادرسانی در کشور اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «ساختار مدیریت بحران از هلال احمر تا اورژانس و سایر بخش‌ها و در بخش‌های بالای سیاستگذار و مدیریتی با مشکلات جدی روبرو است به همین دلیل نیروی اجرایی در پایین این هرم، برای ارائه خدمات بهره‌وری لازم را ندارد.»

● رضا قلی‌زاده از دیگر نیروهای داوطلب امدادرسان با اشاره به هزینه شدن بسیاری از بودجه‌ها در خدمت اهداف ایدئولوژیک جمهوری اسلامی تأکید می‌کند: «درحالی‌که جمهوری اسلامی برای جنگ ۳۳ روزه لبنان، صدها طرح عمرانی در نقاط مختلف لبنان اجرا کرد برای زلزله بم که چند سال قبل‌تر رخ داده بود هیچ حرکتی نکرد و در ساخت کانکس و توالت و حمام سیار ان‌جی‌های بین‌المللی پای کار آمدند.»

فیروزه نوردستروم- ۲۲ سال از زلزله مرگبار بم می‌گذرد یکی از مرگبارترین زلزله‌های تاریخ معاصر ایران که با قدرت ۶.۶ ریشتر در بامداد روز جمعه پنجم دی ۱۳۸۲ شهر دوهزار ساله بم را برای چند ثانیه درهم کوبید و به تلی از خاک تبدیل کرد.

مهدی زارع، رئیس مرکز پیش‌بینی زلزله و استاد گروه زلزله‌شناسی ایران زلزله طیس را قدرتمندترین زلزله تاریخ ایران و زلزله بم با ۵۰ هزار کشته را جزو پرتلقات‌ترین زمین‌لرزه‌های تاریخ ایران عنوان می‌کند.

اما با وجود گذشت ۲۲ سال از این زلزله مرگبار، اگرچه این شهر، بازسازی شد، اما هنوز بسیاری از کوچه‌های شهر خاکی است، هنوز حجمی از مصالح بازسازی، در باغ‌های بی‌صاحب یا باغات به دست وراث افتاده، رها شده است. بسیاری از کوچه‌ها که پس از آن زلزله مهیب، بی‌مالک یا کم‌مالک بوده، لایروبی نشده و انسداد بعضی قنات‌ها هم باعث خشکی باغات شده است. حتی تنها بیمارستان بم بعد از این همه سال بعد از وقوع زلزله هنوز ساخته نشده است.

روشنگ آسترکی روزنامه‌نگار و همکار ما در «کیهان لندن» یکی از افرادی بود که به عنوان دبیر انجمن «توتم اندیشه» چند روز پس از زلزله و در زمستان ۱۳۸۲ به این شهر ویرانه رفت. او همچنین به عنوان مسئول بخش زنان ستاد کمک‌های مردمی سازمان‌ها غیردولتی استان اصفهان مسئول جمع‌آوری کمک‌های مردمی به سمت بم بود.

او با اشاره به سرمای کشنده شب و سرعت تجزیه اجساد جدا از درد و رنج در بین زلزله‌زدگان به موضوع خاکسپاری‌ها اشاره می‌کند: «تصور کنید ۱۰ روز از زلزله گذشته و همچنان

می‌کند: «در روزهای اول، از تمام شهرها هلی‌کوپتر فرستاده بودند و چون بیمارستان بم پر بود مصدومان بدحال را به شهرهای دیگر منتقل می‌کردند، من یک نمونه را تا اصفهان دنبال کردم، پس از وقوع زلزله همه اعضای خانواده یک فرد، زیر آوار از دست رفته بودند به جز سه برادر، یک برادر ۲۰ ساله در درمانگاه بود، دیگری ۲۴ ساله با پای شکسته در استادیوم ورزشی و سومی ۱۶ ساله بدحال و بی‌هوش به شهر دیگری اعزام شده بود. برادر بزرگتر که جراحی جزیی داشت قصد داشت به دنبال دو برادر دیگر خود برگردد تصور می‌کرد برادر ۱۶ ساله او در حالت کما به یک بیمارستان در اصفهان اعزام شده؛ برادر بزرگ‌تر برای پیدا کردن برادری که در کما به سر می‌برد به اصفهان رفت. من همراه با یکی دیگر از دوستانم او را همراهی کردیم و به تک تک بیمارستان‌هایی که مجروح داشتند رفتیم. افراد در کما و نوجوانان را دیدیم و برادر او را پیدا نکردیم. او شب می‌بایست در جایی می‌ماند، او را به یکی از استادیوم‌های سرپوشیده ورزشی بردیم که برای مجروحان آماده کرده بودند که تا صبح بماند و صبح او به شیراز برود چون متوجه شدیم برادر او اصلاً به اصفهان منتقل نشده بود و یک هلی‌کوپتر تعدادی مجروح بدحال از جمله یک پسر نوجوان با هویت نامشخص را به شیراز برده بود. وقتی ما به ورزشگاه وارد شدیم، به شکل معجزه‌آسایی او که به دنبال برادر نوجوان خود آمده بود برادر دیگر خود را در آنجا دید با دست شکسته، برادر دوم نمی‌دانست که پدر و مادر و خواهر کوچک‌ترشان فوت کرده، در نهایت در شیراز برادر کوچک‌تر را پیدا کردیم که در کما بود و به هوش آمده بود.»

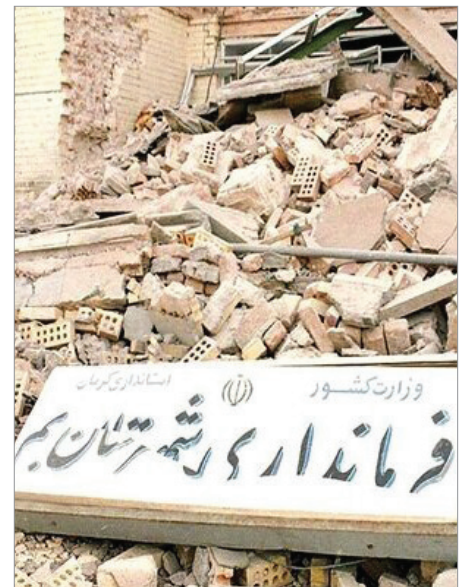
موضوع دیگری که روشنگ آسترکی از شهروندان بم شنیده بود موارد متعدد دزدی از خانه‌ها بود یعنی خانواده‌ای پس از وقوع زلزله به جایی بیرون از خانه پناه گرفته بود و بعد از یک روز که برگشته بودند دیده بودند که تمام

یک سری افراد به دنبال محل دفن عزیزان‌شان می‌گشتند چون مثلاً یک خانه تخریب شده بعد به صورت خودجوش آواربرداری کرده بودند چند پیکر پیدا شده بود و پیکرها را به سردخانه منتقل کرده بودند و چون سردخانه‌ها جا نداشتند مجبور بودند تمام چند هزار نفری که کشته شده بودند را بعد از دو سه روز در جایی به خاک بسپارند چون امکان نگهداری این اجساد در طولانی مدت وجود نداشت، حالا اگر در طول دو سه روز خانواده یک فرد کشته شده پیدا می‌شد و حضور داشتند خودشان جسد را می‌بردند و به خاک می‌سپردند یا اگر شهرداری کار خاکسپاری را انجام می‌داد مشخص بود که فرد در کدام منطقه دفن شده ولی من چندین مورد دیدم که در یک خانواده دو نفر بی‌هوش و مجروح به بیمارستان منتقل شده بودند چند نفر از اعضای خانواده آنها از دنیا رفته بودند و آنها را به ناچار دفن کرده بودند، حالا ده روز از این فاجعه گذشته، عضو خانواده از بیمارستان مرخص شده و از طریق همسایه‌ها و اهالی محل متوجه شده بود چند نفر از اعضای خانواده او فوت کرده‌اند و جسد بی‌جان آنها را در جایی دفن کرده‌اند، حالا این پیکرها کجاست؟ معلوم نیست. این مساله بسیاری از زلزله‌زده‌ها را سرگردان کرده بود، برخی از این افراد تمامی اعضای خانواده خود را از دست داده بودند و اقوام آنها به دنبال‌شان آمده بودند. آنها در بهر به دنبال جنازه‌ها بودند، آن زمان دولت الکترونیک هم فعال نبود ثبت‌های کامپیوتری، آن سالها به ویژه در شهرستان کوچکی مثل بم هنوز به راه نیفتاده بود، همه چیز بر روی کاغذ آورده می‌شد، در آن شرایط بحرانی، معلوم نبود این کاغذها کجاست یا مسئولش چه کسی است؟»

اما انتقال مصدومان به بیمارستان‌های شهرهای اطراف و ارائه گزارش اشتباه این نقل و انتقالات به خانواده‌ها موضوع تکان‌دهنده دیگری بود که روشنگ آسترکی به آن اشاره

اشای قابل استفاده خانه آنها مثل فرش را دزدیده بودند. از طرفی توزیع کمک‌ها نظم نداشت؛ البته این یک موضوع در مدیریت بحران جمهوری اسلامی ایپدی است. در هنگام وقوع سیل و زلزله و آتش‌سوزی وقتی هلال احمر و نهادهای حمایتی وارد عمل می‌شوند این کمک‌ها نظم ندارند، خانواده‌ای بوده که حتی یک پتو هم به آنها نرسیده بود و شب در سرمای کویر بدون پتو مانده بودند ولی خانواده دیگری چند پتو گرفته بودند. این توزیع ناعادلانه از مواد غذایی تا پیک نیک گازی و پتو و زیرانداز بسیار گزارش می‌شد یا زن یا دختر یک خانواده نوار بهداشتی پیدا نمی‌کردند و هیچ جایی نبود که به آنها کمک کند.»

این روزنامه‌نگار به لزوم وجود یک سیستم مدیریت یکپارچه و شش دانگ در شرایط تغییرات اقلیمی و وقوع بلایای طبیعی در کشور اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «ساختار مدیریت بحران از هلال احمر تا اورژانس و سایر بخش‌ها و در بخش‌های بالای سیاستگذار و مدیریتی با مشکلات جدی روبرو است به همین دلیل نیروی اجرایی در



پایین این هرم، برای ارائه خدمات بهره‌وری لازم را ندارد؛ در همین روزهای اخیر در بحران سیل یا آبگرفتگی در استان هرمزگان یا بوشهر یا کرمان دیدیم چه فاجعه‌هایی آفریدند. از طرفی نبود تجهیزات هم مزید بر علت است، نیروهای اورژانس تجهیزات کافی ندارند، در زلزله بم به عنوان نیروی داوطلب با این مسئله روبرو شدم و به عنوان روزنامه‌نگار هم پس از وقوع حادثه ساختمان متروپل، دوباره تجربه عینی زلزله بم برابم تکرار شد، یعنی همان نواقص مدیریتی و سیاست‌گذاری در ساختار خدماتی باعث شده نیروهای اجرایی نتوانند وظایف خود را به درستی انجام دهند.»

رضا قلی‌زاده که پس از وقوع زلزله بم به عنوان دبیر انجمن «وحدت جوانان ایران زمین» همراه با اعضای دیگر این ان‌جی‌او برای امدادرسانی به بم رفته بود به ارتباط با ان‌جی‌های بین‌المللی حاضر در بم و تلاش برای شناسایی و انسجام ان‌جی‌اوهایی مستقر در این شهر اشاره می‌کند.

این فعال سابق مدنی با اشاره به اصولی نبودن خاک‌برداری‌ها به کیهان لندن می‌گوید: «مراحل خاک‌برداری به وسیله لودر انجام می‌شد به صورت رندوم خاک را برمی‌داشتند و چون حجم فاجعه بسیار وسیع بود افراد محلی از اطراف با بیل مکانیکی یا لودر برای آواربرداری آمده بودند که متخصص نبودند، این درحالیست که نهادهای مدنی هم فاقد آگاهی‌های اولیه پیش از وقوع

زلزله یا آموزش کمک‌ها و امدادهای اولیه بودند. به جز آواربرداری‌های غیراصولی، تعداد سگ‌های زنده‌یاب خارجی هم محدود بود.»

به گفته این زندانی سابق سیاسی، به دلیل سوءمدیریت و فساد اداری دستگاه‌های جمهوری اسلامی کمک‌های اهدایی مثل پتو و اقلام خوراکی نه فقط در مورد زلزله بم بلکه در سایر حوادث طبیعی اتفاق افتاده است. پس از وقوع زلزله بم شنیدم سپاه وارد عمل شده بود و برخی دستگاه‌های پزشکی اهدایی خارجی را ضبط و برده بود و دستگاه‌های دیگری را جایگزین کرده بود.

او با اشاره به اینکه در بم تجربه ما و سایر گروه‌های مدنی مستقر در بم تجربه موفقی بود تأکید می‌کند: «بسیاری از ان‌جی‌اوها برای کودکان اردوگاهی تشکیل دادند و برنامه‌هایی برای دوران پس از زلزله برنامه‌ریزی کردند. در بخش گمشده‌ها من به همراه یک خانم از ان‌جی‌اوهایی داخل اصفهان یک پروژه تعریف کردیم که سایتی برای مجروحان بستری شده در بیمارستان‌های اصفهان طراحی کنیم و عکس‌های آنها را منتشر کنیم تا بازماندگان زلزله برای پیدا کردن عضو خانواده خود، بدانند که در کجا و در چه وضعیتی قرار دارند. دوستان دیگری سایت را طراحی کردند، ما در بیمارستان‌های اصفهان از تک تک مصدومان زلزله، عکس می‌گرفتیم و عکس و اسم و مشخصات آنها را به گروه سایت می‌دادیم.»

رضا قلی‌زاده با اشاره به فعالیت داوطلبانه گروه‌هایی از پزشکان بدون مرز و نیز پزشکان و روانپزشکان در بخش نهادهای مدنی توضیح می‌دهد: «این افراد شب‌ها چادر به چادر شب‌ها می‌رفتند و به خانواده‌ها مشاوره می‌دادند.» به گفته رضا قلی‌زاده: «ما در انجمن «وحدت جوانان ایران زمین» برای تقویت روحیه و از بردن عزای ناراحتی یک سال پس از وقوع زلزله بم، اولین شادی عمومی را در بم با حضور چند هزار نفر برگزار کردیم. ساز و دهل آوردیم و آن جشن، باعث شادی شد و قبح عزای عروسی شکسته شد چرا که پیش از آن، مراسم‌های عروسی در بم با دعای ندبه و گریه برگزار می‌شد.»

او با اشاره به هزینه شدن بسیاری از بودجه‌ها در خدمت اهداف ایدئولوژیک جمهوری اسلامی تأکید می‌کند: «درحالیکه جمهوری اسلامی برای جنگ ۳۳ روزه لبنان، صدها طرح عمرانی در نقاط مختلف لبنان اجرا کرد برای زلزله بم که چند سال قبل تر رخ داده بود هیچ حرکتی نکرد و در ساخت کانکس و توالت و حمام سیار ان‌جی‌های بین‌المللی پای کار آمدند. البته در طول این سال‌ها کنشگران مدنی و سیاسی شاهد توزیع کمک‌های بی‌شمار جمهوری اسلامی به لبنان و سوریه و غزه بوده‌اند انگار برای خدمت نکردن به مردم کشورمان، تعمدی وجود دارد.»

او به موارد مشابه مدیریت ناکارآمد، برنامه‌ریزی ضعیف و اجرای نامناسب عملیات پاکسازی و جابجایی آوار در ساختمان پلاسکو و زلزله آذربایجان و دیگر حوادث طبیعی اشاره می‌کند و می‌گوید: «این موضوع فساد و سوءمدیریت و نگاه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی را در بخش تقسیم بودجه و امکانات در تمام فجایع طبیعی و غیبتی کشور شاهد هستیم، برای نمونه در حادثه سقوط پرواز شماره ۷۹۰۸ هواپیمایی کاسپین که در سال ۱۳۸۸ در اطراف قزوین سقوط کرد یکی از اقوام ما داخل آن هواپیما بود. به جای بررسی و شناسایی اجساد از طریق آزمایش دی‌ان‌ای، جنازه‌ها را تشخیص هویت نکردند و بر اساس تعداد مسافران هواپیما، ترکیبی از خاک و چند تکه از اعضای بدن مسافران را با هم کفن‌پیچ کردند و به خانواده‌ها گفتند طبق شرایط امنیتی سریع بربری و دفن کنید.»

پدر آزاد زارعی از قربانیان سرنگونی هواپیمای اوکراینی: دولت کانادا این فاجعه را از جنایت عامدانه به یک اشتباه تقلیل داد

● پرواز پی‌اس ۷۵۲ هواپیمایی اوکراین در سحرگاه ۱۸ دی سال ۱۳۹۸ هدف دو موشک پدافند هوایی سپاه پاسداران قرار گرفت و تمامی ۱۷۶ سرنشین آن کشته شدند.

● مهرداد زارعی، تنها فرزندش، آراد ۱۷ ساله را در فاجعه شلیک موشک‌های سپاه به هواپیمای اوکراینی از دست داده است. مسئولان جمهوری اسلامی به جز باقی‌مانده پیکر بی‌جان آراد، هیچ یک از وسایل شخصی فرزندش را به او تحویل ندادند.

● مهرداد زارعی در گفتگو با «کیهان لندن» پرونده شکایت از جمهوری اسلامی در پی سرنگونی هواپیما «می‌توانست پاشنه آشیل جمهوری اسلامی باشد ولی متأسفانه نشد و با مسیرهای نادرستی که انتخاب شد مسیر دادخواهی هواپیمای اوکراینی به بیراهه رفت و به گرفت غرامت حداکثری منجر شد.»

● این پدر دادخواه افزوده «دولت کانادا تنها پرونده را در دادگاه دادگستری لاهه در جریان گذاشته که در دو قسمت کنوانسیون مونترال و شیکاگو، طبق دو مسیر مختلف، این پرونده را پیش می‌برد که چنانچه این پرونده در این دادگاه‌ها به نتیجه برسد و قضات رای بدهند، در نهایت به دریافت غرامت از جمهوری اسلامی ختم خواهد شد.»

فیروزه نوردستروم - در آستانه ششمین سالگرد فاجعه سرنگونی هواپیمای مسافربری اوکراینی با شلیک موشک‌های سپاه پاسداران قرار داریم. قرار است در بهار آینده پرونده مرتبط با این جنایت، در دادگاه لاهه بررسی شود. پرواز پی‌اس ۷۵۲ هواپیمایی اوکراین در سحرگاه ۱۸ دی سال ۱۳۹۸ هدف دو موشک پدافند هوایی سپاه پاسداران قرار گرفت و تمامی ۱۷۶ سرنشین آن کشته شدند.

چندی پیش حکم دادگاه قبلی در مورد قصور شرکت هواپیمایی اوکراین در دادگاه تجدیدنظر دادگاه عالی انتاریو تأیید شد. در دادگاه بدوی مشخص شده بود که شرکت هواپیمایی اوکراین در اقدام به جلوگیری از برخاستن پرواز پی‌اس ۷۵۲ از تهران در هجدهم دی‌ماه ۱۳۹۸ کوتاهی کرده است. بر اساس حکم دادگاه بدوی گزارش‌های جمهوری اسلامی قانع‌کننده نبود و ادعای این حکومت مبنی بر خطای انسانی رد شده بود.

انجمن خانواده‌های جان‌باختگان پی‌اس ۷۵۲ - روز



مهرزاد زارعی پدر آراد زارعی از جان‌باختگان سرنگونی هواپیمای اوکراینی

تعداد زیادی از کسانی که در این پرونده واقعا دلسوز بوده‌اند در حال حاضر مسئولیت اجرایی ندارند، یکی از آنها آقای فیلیپ شامپین بود که از همان روزهای اول، علت این فاجعه را نه یک اشتباه انسانی بلکه یک جنایت می‌دانست، بعد دیدیم که دولت کانادا و تروود او را از وزارت خارجه عزل کرد، افراد بسیار دیگری که با این پرونده همراه بودند در دولت کانادا تغییر کردند و اکنون فعالیت اجرایی ندارند، بنابراین هرقدر، زمان بیشتر می‌گذرد، تمایل دولت‌ها و در حقیقت مسیر دادخواهی کندتر و سخت‌تر خواهد شد.

مهرزاد زارعی افزوده «در جلسه اخیر ما با نمایندگان دولت‌ها در قسمت حقوقی گفتند این پرونده در جریان است ولی امیدوار نباشید که به زودی به نتیجه برسید چون این پرونده سالیان سال به طول خواهد انجامید، ولی من شخصا امیدوارم قبل از این که این پرونده به نتیجه برسد شاهد سرنگونی جمهوری اسلامی باشیم و بتوانیم عاملان این جنایت را در یک دادگاه مردمی و آزاد پس از جمهوری اسلامی محاکمه کنیم.»

وی در پایان تأکید کرده «این پرونده می‌توانست پاشنه آشیل جمهوری اسلامی باشد ولی متأسفانه نشد و با مسیرهای نادرستی که انتخاب شد مسیر دادخواهی هواپیمای اوکراینی به بیراهه رفت و به گرفتگی غرامت حداکثری منجر شد.»

مسئولان جمهوری اسلامی پس از ساقط کردن این هواپیمای با کتمان عاقدانه حقیقت، لاپوشانی و ارائه سناریوهای دروغین، دلیل سقوط این هواپیمای را «نقص فنی» اعلام می‌کردند اما پس از فشارهای بین‌المللی، ستاد کل نیروهای مسلح، روز ۲۱ دی‌ماه با انتشار یک بیانیه وقیحانه اعلام کرد که سقوط هواپیمای خطوط اوکراین به دلیل برخورد موشک پدافند و ناشی از «خطای انسانی» بوده است!

عاملان این کشتار، نتوانستند حقیقت فاجعه را دستکاری و مخدوش کنند، علی‌خامنه‌ای نیز نه تنها از بازماندگان این فاجعه دلجویی نکرد بلکه از سر نخوت با تفرعن سخیف و خجالت‌آور از سپاه پاسداران و سرکوب معترضان به این فاجعه حمایتی تلویحی کرد.

مختلف، این پرونده را پیش می‌برد که چنانچه این پرونده در این دادگاه‌ها به نتیجه برسد و قضات رای بدهند، در نهایت به دریافت غرامت از جمهوری اسلامی ختم خواهد شد.»

پدر آراد زارعی ادامه داده که «هر چند که در حال حاضر جمهوری اسلامی برای پرداخت غرامت، در را باز گذاشته ولی با روندی که دولت کانادا و سایر کشورهای شاکی پرونده پیش می‌برند رای نهایی به چهار خواسته بیشتر ختم نمی‌شود اول، عذرخواهی رسمی جمهوری اسلامی بابت این جنایت است که البته باید گفت که آنها باوری به این جنایت ندارند.»

او برگرداندن اموال قربانیان پرواز پی‌اس‌۷۵۲ را دومین خواسته دولت‌های شاکی دانست و گفت: «بازگرداندن کیف‌ها یا موبایل‌های سوخته یا اشیایی که از عزیزان ما باقی‌مانده دومین خواسته دولت‌هاست، چراکه می‌دانیم عوامل جمهوری اسلامی در همان روز اول با بولدورز، صحنه جنایت را برهم زد و از بین برد و بسیاری از اموال و اشیای باقی‌مانده از قربانیان این فاجعه را ضبط کردند. همچنین باید قول بدهند که هرگز حوادثی نظیر سرنگونی هواپیمای پرواز پی‌اس‌۷۵۲ برای هیچ هواپیمایی رخ ندهد.»

جمهوری اسلامی اعلام کرده است که به بازماندگان هر جانبخته ۱۵۰ هزار دلار غرامت می‌دهد.

مهرزاد زارعی به درخواست چهارم دولت‌های شاکی یعنی دریافت حداکثر غرامت از جمهوری اسلامی اشاره کرد و گفت: «البته من شخصا از روز اول مخالف بودم که پرونده به سمت دریافت غرامت برود هر چند با شفافیت در دادگاه عالی انتاریو ثابت کردیم که این جنایت عدی و تروریستی بوده ولی متأسفانه دولت کانادا نپذیرفت و برخی از اعضای انجمن خانواده‌های جان‌باختگان پی‌اس‌۷۵۲ مسیر اشتباهی را پیش گرفتند که همین مسیر باعث شد که نه تنها دولت کانادا این جنایت را قبول نکرد بلکه این جنایت را از جنایت عاقدانه به یک اشتباه تقلیل داد که این مساله، خانواده‌ها و کسانی را که در این راه همراه شدند را خشمگین می‌کند.»

به گفته این فعال سیاسی دادخواه، شش سال از زمانی که این جنایت اتفاق افتاده گذشته، متأسفانه

۲۰ مرداد در واکنش به این حکم، اعلام کرد: «این دادگاه به بررسی ریسک‌ها پیش از برخاستن هواپیمای از فرودگاه تهران می‌پردازد و نافی مسئولیت جنایی جنایتکاران جمهوری اسلامی در سرنگون کردن پرواز نیست. در حکم صادره در دادگاه بدوی نکات بسیاری علیه جمهوری اسلامی وجود داشت و در حکم تجدیدنظر بر یافته‌های دادگاه بدوی صحه گذاشته شد.»

این انجمن با یادآوری پرونده‌های یازدهم سپتامبر و پرواز ام‌اچ‌۱۷ و این نکته که پرواز پی‌اس‌۷۵۲ هم استثنا نیست تأکید کرد: «این دادگاه به بررسی ریسک‌ها پیش از برخاستن هواپیمای از فرودگاه تهران می‌پردازد و نافی مسئولیت جنایی جنایتکاران جمهوری اسلامی در سرنگون کردن پرواز نیست. در حکم صادره در دادگاه بدوی نکات بسیاری علیه جمهوری اسلامی وجود داشت و در حکم تجدیدنظر بر یافته‌های دادگاه بدوی صحه گذاشته شد.»

در این بیانیه با اشاره به اینکه «این حکم مسئولیتی را که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران در قبال سرنگونی پرواز پی‌اس‌۷۵۲ بر عهده دارند، نقض و یا نفی نمی‌کند بلکه بر آن تأکید می‌کند» آمده که «اقدامات حقوقی در سازمان بین‌المللی هوانوردی غیرنظامی، دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان بین‌المللی کیفری در لاهه تحت تأثیر این حکم قرار نخواهد گرفت.»

مهرزاد زارعی، تنها فرزندش، آراد ۱۷ ساله را در فاجعه شلیک موشک‌های سپاه به هواپیمای اوکراینی از دست داده است. مسئولان جمهوری اسلامی به جز باقی‌مانده پیکر بی‌جان آراد، هیچ یک از وسایل شخصی فرزندش را به او تحویل ندادند.

زارعی ضمن تبریک سال نوی میلادی به تمام دادخواهان، داغداران و تمامی کسانی که برای سرنگونی جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند در گفتگو با «کیهان لندن» ابراز امیدواری کرد که امسال آخرین سالی باشد که رژیم منحوس جمهوری اسلامی برقرار باشد و ما شاهد سرنگونی این رژیم تبهکار باشیم.

وی در اشاره به برگزاری جلسه‌ای پیرامون پرونده پرواز پی‌اس‌۷۵۲ که در تاریخ ۱۹ دسامبر با حضور وکلایی از دولت کانادا گفت که در آن جلسه روند و چشم انداز پرونده دادگاه لاهه بررسی شد و به سوالات ما پاسخ دادند.»

وی در ادامه توضیح داد: «همان‌طور که می‌دانید روند پرونده شکایت بین ایران و چهار کشور کانادا، انگلستان، سوئد، و اوکراین زمان‌بر و طولانی خواهد بود، در سال گذشته میلادی پرونده به دادگاه برده شد و در آنجا با اعتراض جمهوری اسلامی مواجه شد و دوباره پرونده را بازگرداندند و منتظر جوابیه جمهوری اسلامی مانده است، بنابراین برای ارسال پاسخ هر کدام از موارد پرونده، به مدت یک سال یا بیشتر زمان خواهد برد.»

زارعی تأکید کرد: «البته خواست قلبی من، بازکردن پرونده جنایی در بخش کیفری دادگاه لاهه است که متأسفانه دولت کانادا تاکنون با توجه به شکایت من و شاهین مقدم از پلیس سواره نظام کانادا هنوز از بازکردن پرونده جنایی سر باز زده و هیچ گونه اقدامی نکرده است، در حقیقت خواستار پرونده‌ای در بخش کیفری دادگاه لاهه هستیم تا بتوانیم پس از سقوط جمهوری اسلامی عاملان جنایت را محاکمه کنیم.»

وی اضافه کرد: «می‌دانید که دولت کانادا تنها پرونده را در دادگاه دادگستری لاهه در جریان گذاشته که در دو قسمت کنوانسیون مونترال و شیکاگو، طبق دو مسیر

«وعده درمانی» دولت اصلاح طلب پزشکيان برای کشاندن مردم معترض از خیابان به خانه!



و فقط هر سال بخش قابل توجهی از منابع عمومی را می‌بلعند!

۹ نهاد حوزوی در سال آینده حدود ۳۱ هزار میلیارد تومان بودجه خواهند گرفت که معادل حدود ۰/۵ درصد از کل بودجه است. همچنین شورای عالی حوزه‌های علمیه به تنهایی بودجه‌ای معادل ۵/۹ هزار میلیارد تومان دریافت خواهد کرد؛ بودجه‌ای که حدود هشت برابر بودجه وزارت نفت است. این در حالیست که توسعه صنعت نفت و گاز از جمله اقدامات ضروری برای افزایش تولید انرژی و حل بحران کمبود گاز و برق در ایران است.

در آنسو وعده پرداخت یارانه ۷۰۰ هزار تومانی به هر فرد در حالیست که محاسبات اقتصاددانان نشان می‌دهد فاصله میان دستمزد کارگران، بازنشستگان و بخش زیادی از کارمندان، با هزینه‌های زندگی به چند ده میلیون تومان رسیده است. در چنین شرایطی مشخص است که ۷۰۰ هزار تومان یارانه، که در مجموع برای یک خانواده چهار نفره کمتر از سه میلیون تومان خواهد شد، گره‌ای از مشکلات معیشتی خانوارها نخواهد گشود.

نکته قابل توجه «منابع مالی» برای این یارانه است. بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۵ دولت برنامه دارد ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی که در حال حاضر برای واردات کالاهای اساسی مانند مواد غذایی و دارو ارائه می‌شود را حذف کند. البته روند حذف ارز ترجیحی از اواخر دولت ابراهیم رئیسی آغاز و در دولت پزشکيان نیز برای برخی اقلام، از جمله شماری از مواد اولیه مورد نیاز کارخانه‌های تولید مواد غذایی و اقلام دارویی و تجهیزات پزشکی آغاز شده بود اما از ابتدای سال جدید ارز ترجیحی عرضه نخواهد شد.

در چنین شرایطی تولیدکنندگان و واردکنندگان ارز مورد نیاز را از بازار ارز تجاری که نرخ دلار در آن در حال حاضر در محدوده ۸۰ هزار تومان است تهیه کنند. ←

شده است. اگر چه دور جدید اعتراضات با اعتصاب بازاریان در تهران و اصفهان آغاز شد اما به سرعت با پیوستن دانشجویان و مردم به بازاریان معترض و گسترش آن در ده‌ها شهر ایران، با گذشت دو روز به اعتراضاتی سراسری تبدیل شد.

شعارهای بازاریان و شهروندان معترض فراتر از مشکلات اقتصادی، اصل نظام را نشانه گرفته و اهدافی مشخص از تغییر ساختار حکومت با حمایت از خاندان پهلوی و نظام پادشاهی را با خود همراه دارد.

با اینهمه جناح اصلاح طلب که هم‌اکنون دولت در جمهوری اسلامی را در دست دارد می‌کوشد در تحلیل‌ها جنبه اقتصادی اعتراضات را برجسته نگه دارد و دولت نیز با مجموعه‌ای از «وعده درمانی» به دنبال سرد کردن آتش اعتراضات است.

دولت پزشکيان اعلام کرده در قالب یک برنامه ۲۰ بندی معیشتی، از یارانه جدیدی روغایی کرده که رقم آن به ماهی ۷۰۰ هزار تومان برای هر نفر می‌رسد؛ یارانه‌ای اعتباری که علاوه بر مشمولان کالا برگ، حذف‌شدگان یارانه را هم در بر می‌گیرد و بر اساس ادعای دولت قرار است به دهک‌های اول تا هفتم درآمدی و حدود ۶۰ میلیون نفر از جمعیت کشور پرداخت شود.

یکی دیگر از وعده‌های دولت پزشکيان صرفه‌جویی ۱۰ درصدی در هزینه‌ها است. این وعده در حالی داده می‌شود که دولت پزشکيان با وجود خط و نشان‌هایی که او و حامیانش برای حذف بودجه «نهادهای خاص» کشیده بودند، دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۵ بودجه نهادها و سازمان‌های تبلیغاتی و ایدئولوژیک حکومت را افزایش داده است؛ بودجه سازمان‌ها و نهادهایی از صداوسیما گرفته تا حوزه‌های علمیه و نهادهای وابسته به خانواده روح‌الله خمینی که هیچ اثری در تولید و رشد اقتصاد کشور ندارند

● اگر چه دور جدید اعتراضات با اعتصاب بازاریان در تهران و اصفهان آغاز شد اما به سرعت با پیوستن دانشجویان و مردم به بازاریان معترض و گسترش تظاهرات در ده‌ها شهر ایران، با گذشت دو روز به اعتراضاتی سراسری تبدیل شد.

● شعارهای بازاریان و شهروندان معترض فراتر از مشکلات اقتصادی، اصل نظام را نشانه گرفته و اهدافی مشخص از تغییر ساختار حکومت با حمایت از خاندان پهلوی و نظام پادشاهی را با خود همراه دارد.

● جناح اصلاح طلب که هم‌اکنون دولت در جمهوری اسلامی را در دست دارد می‌کوشد در تحلیل‌ها جنبه اقتصادی اعتراضات را برجسته نگه دارد و دولت نیز با مجموعه‌ای از «وعده درمانی» به دنبال سرد کردن آتش اعتراضات است.

● یکی از وعده‌های دولت پزشکيان صرفه‌جویی ۱۰ درصدی در هزینه‌ها است. این در حالیست که با وجود خط و نشان‌هایی که پزشکيان و حامیانش برای حذف بودجه «نهادهای خاص» کشیده بودند، دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۵ بودجه نهادها و سازمان‌های تبلیغاتی و ایدئولوژیک حکومت را افزایش داده است.

● دولت وعده پرداخت یارانه ۷۰۰ هزار تومانی به هر فرد را داده اما محاسبات نشان می‌دهد فاصله میان دستمزد اکثر حقوق‌بگیران با هزینه‌های زندگی به چند ده میلیون تومان رسیده است. در چنین شرایطی مشخص است که ۷۰۰ هزار تومان یارانه، که در مجموع برای یک خانواده چهار نفره کمتر از سه میلیون تومان خواهد شد، گره‌ای از مشکلات معیشتی خانوارها نخواهد گشود.

● منابع طرح یارانه ۷۰۰ هزار تومانی از حذف ارز ترجیحی که برای واردات کالاهای اساسی ارائه می‌شود تأمین خواهد شد؛ ارزی که با حذف آن قیمت کالاهای اساسی مثل مواد غذایی و دارو با افزایشی تا چهار برابر روبرو می‌شود. در عمل، دولت با حذف ارز ترجیحی موج دیگری از تورم را به اقتصاد وارد و بعد رقیمی ناچیز را میان مردمی که با گرانی مضاعف کالاهای روبرو هستند پرداخت می‌کند.

● کارشناسان نیز طی روزهای گذشته به عملکرد دولت پزشکيان اعتراض کرده و معتقدند تیم اقتصادی دولت پزشکيان توانایی سامان دادن به مشکلات انباشته اقتصادی کشور را ندارد و طرح‌هایی مانند پرداخت یارانه ۷۰۰ هزار تومانی نیز بی‌اثر است.

روشنک آسترکی - همزمان با آغاز اعتراضات سراسری در ایران که با انگیزه اولیه افزایش قیمت‌ها و افزایش قیمت کالاهای و خدمات صورت گرفت، دولت پزشکيان تلاش دارد با اقداماتی چون تغییر رئیس بانک مرکزی و وعده پرداخت یارانه و بسته‌های حمایتی مردم را از خیابان‌ها به خانه هدایت کند. در آنسو اما انتقادها به عملکرد تیم اقتصادی دولت افزایش یافته و کارشناسان بخشی از وضعیت موجود را ناشی از اقدامات دولت اصلاح طلب پزشکيان در بخش اقتصاد ارزیابی می‌کنند.

اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴ روز پنجشنبه ۱۱ دی و طی پنج روز از آغاز در بیش از ۱۲ استان ایران گسترده

برگزاری کنفرانس سه روزه «انجمن ادب و هنر ایران» در لندن



در فضای بیرون تالار برگزاری، آثار چندین هنرمند و نقاش برای بازدید و خرید علاقمندان قرار گرفته بود. بیشتر آثار ارائه شده در این بخش از میان آثار هنرمندان زن انتخاب شده بود.

بخش دیگری به عرضه و فروش کتاب پرداخته بود. بخش ویژه‌ای نیز به ادبیات کودکان اختصاص داشت. گزارش «کیهان لندن» از این کنفرانس و گفتگو با دکتر وفا رام، از اعضای هیئت برگزارکننده این کنفرانس، را می‌بینید.

افزایش سرمایه‌گذاری است که فعلاً از آن خبری نیست و حتی اکنون در وضعیت رکود تورمی و رشد منفی اقتصادی قرار داریم، تأکید کرد: «بدتر اینکه چشم‌انداز و افق روشنی هم نمی‌بینیم. پرسش این است که آیا این امر ناشی از ناتوانی دولت است یا دلایلی فراتر از این دولت و آن دولت دارد.»

این مطلب تأکید کرده آنچه امروز بیش از هر چیز به چشم می‌آید، شکاف میان روایت دولت و برداشت جامعه از آینده است؛ شکافی که نه با ارجاع به اسناد بالادستی پر می‌شود و نه با تکرار دشواری‌ها. پزشک‌ها اگرچه همچنان بر کار کارشناسی، استفاده از ظرفیت نخبگان و پایبندی به برنامه هفتم تأکید دارد، اما بازار و افکار عمومی، بیش از نیت‌ها، منتظر نشانه‌های روشن از یک نقشه راه مشخص هستند.

«هم‌میهن» همچنین این پرسش را مطرح کرده که «در شرایطی که تورم، معیشت و نااطمینانی اقتصادی زندگی روزمره مردم را تحت فشار قرار داده، پرسش اصلی این است که آیا دولت چهاردهم می‌تواند از مرحله توصیف وضعیت عبور کند و به مرحله ارائه راه‌حل‌های عملی برسد، یا تضاد میان پزشک‌های امیدوار انتخابات و پزشک‌های گرفتار امروز، همچنان پررنگ‌تر خواهد شد؟»

کنفرانس سه روزه «انجمن ادب و هنر ایران» از ۲۷ تا ۲۹ دسامبر ۲۰۲۵ در لندن در حال برگزاری است.

این کنفرانس سه روزه از ۲۷ سال پیش تا کنون و هر ساله در اواخر ماه دسامبر برای پاسداشت هنر و ادبیات ایران برگزار می‌شود.

کنفرانس سال ۲۰۲۵ با عنوان «نقش هنر و ادبیات در جامعه» در هتل هیلتون، ترمینال ۵ فرودگاه هیترو در لندن، برگزار شده است.

و اگر نتوانیم صادرات نفت داشته باشیم و مبادلات مالی نداشته باشیم، اگر سایه جنگ از کشور برداشته نشود و اگر مسئله اسنپ‌بک و تنش‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کشور حل نشود، شرایط اقتصادی به شدت بدتر خواهد شد.»

مرتضی افقه خاطرنشان کرده «ما در حالی امسال با تورم ۵۰ درصدی روبرویم که در طول ۸، ۷ سال گذشته نیز شاهد تورم‌های بالای ۳۰ درصدی بودیم. اگر تورم تراکمی را محاسبه کنیم یعنی جمع تورمی که در این ۸ ساله بوده، نشان می‌دهد که در این مدت با این سیاست‌ها و بی‌تدبیری‌ها درصد قابل توجهی از مردم را فقیر و سفره مردم را کوچک کردیم و بنابراین کشور را در معرض تنش‌های بیشتری قرار داده‌ایم.»

با آغاز دور جدیدی از اعتراضات سراسری در کشور که به شکلی فراگیر ادامه دارد همه جناح‌های حکومت احساس خطر کرده و مرز انتقادات از عملکرد دولت پزشک‌ها تا رسانه‌های اصلاح‌طلب که از حامیان جدی مسعود پزشک‌ها و دولت او به‌شمار می‌روند نیز گسترش یافته است.

روزنامه «هم‌میهن» با تأکید بر اینکه تورم ۴۵ درصدی امسال با افزایش ۲۰ درصدی حقوق سال آینده، به معنای افزایش فقر است و در نهایت رشد اقتصادی نیز مستلزم

→ اختلاف رقم دلار ترجیحی و دلار در بازار ارز تجاری نشان می‌دهد هزینه تولید کالاهای مشمول این طرح از مواد غذایی تا دارو، تا سه الی چهار برابر افزایش خواهد یافت. دولت درآمد حاصل از عدم ارائه ارز ترجیحی را برای پرداخت یارانه ۷۰۰ هزار تومانی در نظر گرفته است.

به بیان دیگر دولت پزشک‌ها اگرچه با فراگیر شدن اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴ وعده یارانه ۷۰۰ هزار تومانی را داده تا با «وعده درمانی» و «مدیریت افکار عمومی» انگیزه اعتراضات در میان مردم کاهش و آنها را به ترک خیابان تشویق کند اما در عمل، دولت با حذف ارز ترجیحی موج دیگری از تورم را به اقتصاد وارد و بعد رقیمی ناچیز را میان مردمی که با گرانی مضاعف کالاهای روبرو هستند پرداخت می‌کند. از سوی دیگر همواره اجرای طرح‌های اینچنینی مانند پرداخت یارانه یا کالابری نیز به علت معیوب بودن ساختار اجرایی در جمهوری اسلامی به شکل ناقص و ناتمام انجام می‌شود.

کارشناسان نیز طی روزهای گذشته به عملکرد دولت پزشک‌ها اعتراض کرده و معتقدند تیم اقتصادی دولت پزشک‌ها توانایی سامان دادن به مشکلات انباشته اقتصادی کشور را ندارد و طرح‌هایی مانند پرداخت یارانه ۷۰۰ هزار تومانی نیز بی‌اثر است.

در همین رابطه کامران ندری، اقتصاددان در گفت‌وگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» وعده‌های دولت را بی‌اثر ارزیابی کرده و توضیح داده «این دولت نسبت به دولت‌های دیگر تا این لحظه ضعیف‌تر عمل کرده است؛ هم لایحه بودجه‌ای که ارائه کرده لایحه بودجه خوبی نیست و هم اقداماتی که در طول یک سال و نیم گذشته داشته، تغییر و تحول جدی در حوزه اقتصادی و سیاسی به ویژه سیاست خارجی نداشته است.»

او تأکید کرده «سیاست‌های اشتباه دولت و حاکمیت فشار بسیار زیادی روی معیشت و زندگی مردم آورده است و روز به روز معیشت مردم سخت‌تر و بدتر می‌شود و فشار اقتصادی به مردم افزایش پیدا می‌کند. تا زمانی که سبک حکمرانی تغییر نکند، این فشارها هم ادامه خواهد داشت و راهکاری جز تغییر در سبک حکمرانی وجود ندارد.»

این اقتصاددان با بیان اینکه «تصاحب قدرت توسط عده‌ای خاص» و «چرخش قدرت در کشور وجود ندارد» گفته در چنین شرایطی بروز اعتراضات اجتناب‌ناپذیر است. به گفته کامران ندری «این مسئولان که قدرت را قبضه کرده‌اند و اجازه ورود هوای تازه را به کشور و سیاست‌های اقتصادی کشور نمی‌دهند، باید کنار بروند یا اینکه شهامت و شجاعت اعتراف به تصمیمات اشتباه گذشته خود و شیوه جدید حکومت و حکمرانی را داشته باشند. راه سوم کشور را با بی‌ثباتی مواجه خواهد کرد و آن زمانی است که مردم تا جایی تحت فشار قرار بگیرند که مجبور شوند اعتراضاتی را داشته باشند.»

کامران ندری معتقد است «جدای از مشکلات حکمرانی که فراتر از دولت است، خود دولت و تیمی که آقای پزشک‌ها برگزیده است، نتوانستند در همان محدوده اختیارات خود نیز خوب کار کنند. نمونه دست‌یخت این دولت، لایحه بودجه ۱۴۰۵ است که بهتر از این می‌شد تدوین کرد.»

مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور نیز گفته «سیاست‌های فعلی دولت به همه مردم به ویژه به طبقه متوسط و فقیر فشار بسیار زیادی می‌آورد. این سیاست‌ها به گونه‌ای است که عمده‌تأ قیمت کالاهای و مواد اساسی و مورد نیاز این گروه افزایش پیدا می‌کند؛ بنابراین اگر این بودجه اعمال شود و اگر مشکل تحریم حل نشود

لزوم نجات ایران در چارچوب یک انقلاب ملی به رهبری شاهزاده رضا پهلوی



نقش شاهزاده رضا پهلوی

در این مسیر، شاهزاده رضا پهلوی برای بخش بزرگی از جامعه ایران، نه به عنوان یک مدعی قدرت، بلکه به عنوان نماد تداوم دولت-ملت ایران، وحدت ملی و گذار دموکراتیک شناخته می‌شود. تأکید مداوم او بر انتخاب آزاد مردم، رفراندوم، و واگذاری شکل نهایی نظام سیاسی به رأی ملت، جایگاه او را از یک چهره سیاسی سنتی متمایز کرده است.

او سرمایه‌ای دارد که در ایران امروز کمیاب است:

- عدم مشارکت در ساختار سرکوب کنونی
- زبان آشتی ملی به جای حذف
- فهم ضرورت دولت سکولار و مدرن

مسئولیت تاریخی جامعه

نجات ایران صرفاً بر دوش یک فرد نیست. انقلاب ملی زمانی به ثمر می‌رسد که روشنفکران، دانشگاهیان، کارگران، بازاریان، زنان، جوانان و به‌ویژه اقشار تخصصی مانند کادر درمان و آموزش، مسئولیت تاریخی خود را بپذیرند. سکوت نخبانان در بزنگاه‌های تاریخی، هزینه‌ای به مراتب سنگین‌تر از کنش مسئولانه دارد.

آینده‌ای که می‌توان ساخت

ایران می‌تواند دوباره کشوری باشد مبتنی بر خرد، قانون، توسعه پایدار و احترام به کرامت انسانی؛ کشوری که به جای صدور بحران، الهام‌بخش ثبات و پیشرفت در منطقه باشد. اما این آینده، خودبه‌خود محقق نمی‌شود؛ نیازمند اراده ملی، رهبری قابل اعتماد و گذار آگاهانه است.

امروز، نجات ایران یک انتخاب سیاسی نیست؛ یک ضرورت ملی و اخلاقی است. تاریخ درباره کنش و سکوت ما داوری خواهد کرد.

پاینده ایران

شعار «جاوید شاه»؛ رفراندومی پیش از سرنگونی!

● تحولاتی که طی روزهای گذشته در خیابان‌های ایران مشاهده می‌شود، صرفاً ادامه آنچه در گذشته «اعتراضات» یا «نارضایتی عمومی» نامیده می‌شد نیست، بلکه ورود جامعه به مرحله‌ای تازه است که از آگاهی سیاسی و اجتماعی جمعی حکایت دارد.

● شنیده شدن نام شاهزاده رضا پهلوی در خیابان‌ها، آن هم نه به صورت حاشیه‌ای بلکه به عنوان یکی از محورهای اصلی شعارها و نه با عنوان شاهزاده بلکه تحت عنوان «شاه ایران»، خود نشانه‌ای از شکل‌گیری تمرکز بر گفتمان پهلوی‌ست.

● رفراندوم زودهنگامی که در خیابان‌ها در حال برگزاری است، اگرچه فاقد فرم رسمی است، اما از نظر معنا، شاید صریح‌ترین و صادقانه‌ترین بیان اراده سیاسی جامعه ایران طی بیش از چهار دهه گذشته باشد.

● پیوند میان صدای خیابان و برنامه‌ریزی برای فردا، شاید مهم‌ترین تحول سیاسی امروز ایران باشد.

جامعه‌ای که مدت‌هاست می‌دانست چه نمی‌خواهد و حالا در حال بیان آن چیزی است که برای آینده خود می‌خواهد.

● برجسته شدن نقش شاهزاده رضا پهلوی در این میان، نه صرفاً نتیجه کاریزما یا سابقه خانوادگی، بلکه حاصل ارائه یک چارچوب قابل فهم برای عبور از یک بن‌بست تاریخی است که یک [نظام جمهوری] آن را پدید آورده است.

کوروش زمانی* - تحولاتی که طی روزهای گذشته در خیابان‌های ایران مشاهده می‌شود، صرفاً ادامه آنچه در گذشته «اعتراضات» یا «نارضایتی عمومی» نامیده می‌شد نیست، بلکه ورود جامعه به مرحله‌ای تازه است که از آگاهی سیاسی و اجتماعی جمعی حکایت دارد. جامعه‌ای که بیش از چهار دهه تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، انواع وعده‌ها، شعارها، پروژه‌های ایدئولوژیک و آزمون‌های شکست‌خورده همراه با خفقان و سرکوب را تجربه کرده، امروز به نقطه‌ای رسیده که دیگر صرف نفی وضعیت موجود برایش کافی نیست. آنچه در کف خیابان‌ها شنیده می‌شود، بیانگر عبور از مرحله مطالبات صنفی و اعتراض‌های خام و زود به مرحله‌ای است که در آن مردم به‌طور فزاینده‌ای درباره «آینده مطلوب» سخن می‌گویند، نه فقط «وضعیت غیرقابل تحمل کنونی».

در این میان، پرنس شدن شعارهای حمایتی از شاهزاده رضا پهلوی و تکرار نام او با صدایی بلند در سراسر ایران بشکلی‌گسترده و بی‌پرده، حامل پیامی چندلایه و عمیق است. این پدیده را نمی‌توان به‌سادگی به احساسات نوستالژیک یا تحریک رسانه‌ای تخفیف داد. آنچه در حال رخ دادن است، نتیجه یک فرآیند طولانی فرسایش مشروعیت، فروپاشی اعتماد عمومی و شکست کامل روایت رسمی جمهوری اسلامی از خود است. جامعه ایران، به‌ویژه نسل‌های جوان‌تر، امروز نه از سر دل‌بستگی عاطفی به گذشته، بلکه از مسیر مقایسه عقلانی و تجربه زیستی، به این جمع‌بندی رسیده که نظام سیاسی موجود نه تنها

دکتر رضا سعیدی فیروزآبادی - ایران امروز در یکی از سرنوشت‌سازترین بزنگاه‌های تاریخی خود ایستاده است. بحران‌های هم‌زمان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، بنیان‌های کشور را فرسوده و آینده نسل‌های بعدی را به مخاطره انداخته است. مسئله دیگر صرفاً اصلاحات مقطعی یا جابه‌جایی چهره‌ها نیست؛ مسئله، «نجات ایران» به عنوان یک کلیت تاریخی، فرهنگی و ملی است. چنین نجاتی تنها در چارچوب یک انقلاب ملی آگاهانه، فراگیر و هدفمند امکان‌پذیر است.

بحران مشروعیت و فروپاشی اعتماد عمومی

حکومتی که از رضایت مردم، قانون‌مداری، پاسخگویی و شایسته‌سالاری تهی شده باشد، دیر یا زود با فروپاشی مشروعیت مواجه می‌شود. در ایران امروز، فاصله میان دولت و ملت به شکافی عمیق بدل شده است. سرکوب اعتراضات، نقض سیستماتیک حقوق بشر، فشار بر اقشار تخصصی مانند پزشکان، معلمان و دانشگاهیان، و ناتوانی ساختاری در اداره اقتصاد، همگی نشانه‌های یک بن‌بست تاریخی‌اند.

انقلاب ملی؛ نه آشوب، نه انتقام

انقلاب ملی به معنای خشونت، هرج‌ومرج یا انتقام‌جویی نیست. برعکس، انقلاب ملی یعنی بازپس‌گیری حاکمیت ملت بر سرنوشت خویش، با کمترین هزینه انسانی و بیشترین اجماع ملی. تجربه تاریخی ایران و جهان نشان داده است که گذار موفق، نیازمند رهبری نمادین، مورد اعتماد و فراجناحی است؛ رهبری که بتواند نیروهای متکثر جامعه را حول اصول مشترک گرد آورد:

- تمامیت ارضی ایران
- حاکمیت قانون
- جدایی نهاد دین از دولت
- آزادی‌های مدنی و سیاسی
- عدالت انتقالی به جای انتقام

همین فهم تأکید دارند: بازگشت پادشاهی نه به عنوان احیای استبداد، بلکه به عنوان چارچوبی برای ثبات، قانون‌گرایی و تضمین یک نظام دموکراتیک مبتنی بر رأی آزاد مردم. این تغییر گفتمان در خلأ شکل نگرفته است. شکست کامل پروژه اصلاح‌طلبی، بن‌بست مطلق مسیرهای درون‌سیستمی و سرکوب بی‌رحمانه اعتراضات، همگی نقش تعیین‌کننده‌ای در این چرخش داشته‌اند. وقتی جامعه به این



جمع‌بندی می‌رسد که هیچ راه اصلاحی در چارچوب نظام موجود وجود ندارد، به‌طور طبیعی به گزینه‌های بنیادین‌تر می‌اندیشد. بنابراین بازگشت شعارهای حمایتی از نظام پادشاهی به خیابان‌ها را باید در همین بستر معنا کرد؛ نه به عنوان بازگشت به گذشته، بلکه به عنوان تعیین یک گزینه مطلوب و معتبر.

از سوی دیگر، این تحولات پیام روشنی برای نیروهای سیاسی خارج از کشور دارد. خیابان‌های ایران در حال ارسال یک سیگنال است: «دوران کلی‌گویی، ائتلاف‌های مبهم و پروژه‌های انتزاعی به پایان رسیده است». اکنون جامعه ایران که زمانی از سوی جریان‌های اپوزیسیون خارج از کشور، همراه و بدون سواد سیاسی تلقی می‌شد، اینک از همان جریان‌ها پیشی گرفته و چه بسا بسیار بیش از آن دارای آگاهی و تجربه‌های اجتماعی و سیاسی است و از کنشگران سیاسی انتظار شفافیت، مسئولیت‌پذیری و ارائه نقشه راه مشخص دارد. شنیده شدن نام شاهزاده رضا پهلوی در این فضا، به نوعی مطالبه پاسخ‌گویی نیز هست؛ مطالبه‌ای که تعیین می‌کند چه کسی و چگونه می‌تواند این گذار پیچیده و پرهزینه را مدیریت کند!

در سطح بین‌المللی نیز، این تغییر نباید نادیده گرفته شود. دولت‌ها و نهادهای خارجی که تحولات ایران را دنبال می‌کنند، سال‌ها با این پرسش مواجه بودند که بدیل جمهوری اسلامی چیست و تا چه حد از پشتوانه و مقبولیت توده‌ها برخوردار است. آنچه امروز در خیابان‌های ایران شنیده می‌شود، پاسخی عملی به این پرسش است که نشان می‌دهد جامعه ایران، برخلاف تصویر القا شده از

کند.

اهمیت این رفراندوم زودهنگام زمانی دوچندان می‌شود که به ماهیت نظام حاکم توجه کنیم. رژیم جمهوری اسلامی از بدو شکل‌گیری، مفهوم رأی مردم را به ابزاری غیابی تقلیل داده و هرگونه انتخاب واقعی را در چارچوب‌های ایدئولوژیک و نظارت استصوابی خفه کرده است. در چنین ساختاری، هر صدای مستقلی که خارج از سازوکار رسمی

→ قادر به اصلاح نیست، بلکه به مانعی ساختاری در برابر تغییر تبدیل شده است.

در دهه‌های گذشته، اعتراضات خیابانی در ایران اغلب با طیفی از مطالبات پراکنده همراه بود. هر موج اعتراضی حول محور خاصی شکل می‌گرفت؛ یک‌بار اقتصاد، بار دیگر سیاست خارجی، گاه آزادی‌های اجتماعی و زمانی فساد ساختاری. اگرچه این اعتراضات در مجموع تصویر روشنی از نارضایتی جامعه ارائه می‌دادند، اما کمتر به یک افق سیاسی مشخص و مورد اجماعی با اراده‌ی ایجاد تغییر اشاره داشتند. حتی در خیزش‌های بزرگ، شعارها بیشتر جنبه سلبی داشتند و معترضان بیش از آنکه بدانند چه می‌خواهند، می‌دانستند چه نمی‌خواهند. این وضعیت، هرچند طبیعی و قابل فهم بود، اما در عمل به پراکندگی گفتمانی و فرسایش انرژی اجتماعی و مهم‌تر از همه، از دست رفتن بخش جسوری از جامعه منجر شد که در مسیر ملی‌گرایی و گفتمان پهلوی قرار داشتند. آنچه امروز تغییر کرده، همین نقطه کلیدی است. شنیده شدن نام شاهزاده رضا پهلوی در خیابان‌ها، آن هم نه به‌صورت حاشیه‌ای بلکه به عنوان یکی از محورهای اصلی شعارها و نه با عنوان شاهزاده بلکه تحت عنوان «شاه ایران»، خود نشانه‌ای از شکل‌گیری تمرکز بر گفتمان پهلوی است. جامعه معترض در حال ارسال این پیام است که دوران ابهام، تعارف و ملاحظه‌کاری سیاسی به سر آمده و باید درباره آینده، شفاف و بی‌واسطه سخن گفت. این شفافیت، نه نشانه افراط‌گرایی، بلکه نشانه بلوغ سیاسی است؛ بلوغی که از دل هزینه‌های سنگین، سرکوب‌های خونین و شکست در همه مسیرهای پیشین بیرون آمده است.

نام شاهزاده رضا پهلوی در این فضا، صرفاً یک نام نیست. این نام به نمادی برای یک گزینه سیاسی مشخص تبدیل شده است؛ گزینه‌ای که در ذهن بخش قابل توجهی از جامعه، با مفاهیمی چون حکومت سکولار، حاکمیت قانون، پیوند با جهان آزاد، ثبات اقتصادی و عبور از چرخه ایدئولوژی‌محور گره خورده است. حتی برای نسلی که تجربه مستقیمی از دوران پادشاهی محمدرضا شاه پهلوی ندارد، مقایسه وضعیت امروز ایران با وضعیت کشورهای هم‌سطح منطقه در دهه‌های گذشته، یا حتی با خود ایران پیش از انقلاب، به یک ابزار تحلیلی روزمره تبدیل شده است. این مقایسه، خواه و ناخواه به این پرسش منتهی می‌شود که چگونه کشوری با چنین منابع انسانی و طبیعی، به این نقطه از فروپاشی رسیده است.

رژیم جمهوری اسلامی در طول حیات خود کوشیده است این مقایسه را نامشروع، تحریف‌شده یا توطئه‌محور جلوه دهد اما واقعیت زندگی روزمره، قوی‌تر از هر روایت ایدئولوژیک عمل می‌کند. وقتی مردم سقوط آزاد ارزش پول ملی، ناتوانی در تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی، مهاجرت گسترده نخبگان، گسترش فقر و حاشیه‌نشینی، تخریب محیط‌زیست و انزوای بین‌المللی را به‌طور ملموس تجربه می‌کنند، دیگر نیازی به تحلیل‌های پیچیده ندارند. تجربه زیستی، خود به قوی‌ترین سند تبدیل می‌شود. در چنین شرایطی، طبیعی است که جامعه به دنبال یک نقطه اتکا، یک نماد و یک افق جایگزین برگردد.

از این منظر، حمایت خیابانی جامعه از خاندان پهلوی با شعار «جاوید شاه» را می‌توان رفراندومی زودهنگام تلقی کرد؛ رفراندومی که پیش از سرنگونی رسمی نظام سیاسی، در حال شکل‌گیری است. این رفراندوم نه صندوق رأی دارد و نه سازوکار حقوقی، اما از نظر معنا و پیام، بسیار شفاف‌تر از هر همه‌پرسی دیگری است. خیابان در این معنا، به بستر اعلام اراده سیاسی تبدیل شده است؛ بستری که سانسور، سرکوب و مهندسی افکار عمومی نتوانسته آن را خاموش

سوی برخی محافل و جریان‌ها، فاقد گزینه و افق سیاسی نیست.

در نهایت، آنچه امروز در کف خیابان‌های ایران جریان دارد، یک رخداد گذرا یا هیجان لحظه‌ای نیست. این نشانه تغییر در آگاهی جمعی است؛ تغییری که رژیم جمهوری اسلامی را نه تنها به‌عنوان یک حکومت ناکارآمد، بلکه به‌عنوان یک بن‌بست تاریخی به چالش می‌کشد. رفراندوم زودهنگامی که در خیابان‌ها در حال برگزاری است، اگرچه فاقد فرم رسمی است، اما از نظر معنا، شاید صریح‌ترین و صادقانه‌ترین بیان اراده سیاسی جامعه ایران طی بیش از چهار دهه گذشته باشد.

این رفراندوم زودهنگام نشان می‌دهد که جامعه ایران، پیش از فروپاشی رسمی ساختار قدرت، در حال تصمیم‌گیری درباره آینده خود است. تصمیمی که نه از سر هیجان، بلکه از دل تجربه، مقایسه، آگاهی و هزینه‌های سنگین انسانی برآمده است. شنیده شدن نام شاهزاده رضا پهلوی با صدایی بلند، بی‌واسطه و فراگیر، نماد این لحظه تاریخی است؛ لحظه‌ای که در آن خیابان بار دیگر به داور نهایی مشروعیت سیاسی تبدیل شده و آینده، پیش از آنکه در «کاخ‌ها و نیاوران» نوشته شود، در کف خیابان‌های ایران شکل گرفته است. در امتداد همین تغییر در آگاهی جمعی و شکل‌گیری یک افق سیاسی روشن‌تر، برجسته شدن برنامه‌ها و نقشه راه شاهزاده رضا پهلوی برای آینده ایران نقش تعیین‌کننده‌ای در تبدیل اعتراض خیابانی به یک پروژه گذار ایفا می‌کند. اگر خیابان نماد اراده و خواست مردم است، برنامه‌ریزی سیاسی همان چیزی است که می‌تواند این اراده را از سطح شعار به واقعیت در عمل تبدیل کند.

یکی از تفاوت‌های معنادار وضعیت کنونی با بسیاری از مقاطع پیشین، همین هم‌زمانی فریاد خیابانی با وجود یک چارچوب فکری و اجرایی مشخص برای فردای پس از رژیم جمهوری اسلامی است؛ چارچوبی که در سال دوهزار و بیست و پنج به‌صورت منسجم‌تر و صریح‌تر از سوی شاهزاده رضا پهلوی ارائه شده است.

او در این مقطع، تلاش کرده است تصویر روشنی از مسیر گذار ترسیم کند؛ مسیری که نه بر فروپاشی صرف، بلکه بر مدیریت دوران انتقال، جلوگیری از هرج‌ومرج و تضمین شکل‌گیری یک نظام دموکراتیک و سکولار استوار است. این رویکرد، پاسخی مستقیم به یکی از عمیق‌ترین نگرانی‌های جامعه ایران است: ترس از تکرار تجربه تلخ انقلاب پنجاه و هفت، زمانی که سقوط یک نظام بدون نقشه راه، به استقرار استبدادی ایدئولوژیک‌تر انجامید. در این معنا، برنامه‌های ارائه‌شده از سوی شاهزاده رضا پهلوی، نه فقط یک بسته سیاسی، بلکه تلاشی آگاهانه برای پر کردن خلأ اعتماد و کاهش اضطراب جمعی نسبت به آینده است.

در مرکز این رویکرد، طرح پنج‌گانه‌ای قرار دارد که با عنوان «پیروزی بر جمهوری اسلامی» و کارزار «ایران را پس می‌گیریم» شناخته می‌شود. این طرح بر این نظریه استوار است که فروپاشی جمهوری اسلامی نه از یک مسیر واحد، بلکه از هم‌افزایی چند فشار هم‌زمان ممکن می‌شود. تأکید بر فشار حداکثری بین‌المللی از طریق دیپلماسی فعال و تحریم‌های هدفمند، در کنار حمایت حداکثری از مردم در لحظات اعتراض، اعتصاب و نافرمانی مدنی، نشان می‌دهد که این نقشه راه، خیابان و جامعه جهانی را دو جبهه جدا از هم نمی‌بیند، بلکه آنها را مکمل یکدیگر تلقی می‌کند. در این چارچوب، مردم تنها بازیگران صحنه داخلی نیستند، بلکه به محور مشروعیت‌بخش کنش دیپلماتیک نیز تبدیل می‌شوند. هم‌زمان، تأکید بر ریزش حداکثری از درون بدنه نظام، به‌ویژه در میان نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی،

نشان‌دهنده درک واقع‌بینانه از ساختار قدرت در ایران است. تجربه دهه‌های گذشته نشان داده که هیچ گذار پایداری بدون شکاف در ستون‌های سرکوب ممکن نیست. دعوت علنی و مستمر از این نیروها برای پیوستن به مردم، نه از موضع انتقام، بلکه با وعده حفظ کرامت انسانی و امنیت جانی، تلاشی است برای تبدیل گذار از یک فرآیند خشونت‌بار به یک انتقال کنترل‌شده و کم‌هزینه‌تر. این نگاه، به‌طور مستقیم با دغدغه‌های بخش بزرگی از جامعه هم‌خوانی دارد که نگران فروغلتیدن کشور به سناریوهای بی‌ثباتی منطقه‌ای هستند.

در کنار این محورها، سازماندهی و بسیج مخالفان در داخل و خارج کشور جایگاه ویژه‌ای در این نقشه راه دارد. یکی از ضعف‌های تاریخی اپوزیسیون ایران، پراکندگی، رقابت‌های فرسایشی و ناتوانی در ایجاد یک زبان مشترک بوده است. تلاش برای ایجاد شبکه‌های ارتباطی، هم‌افزایی میان گروه‌های مختلف و تمرکز بر اهداف حداقلی مشترک، پاسخی به همین ضعف ساختاری است. اینجاست که برنامه سیاسی از سطح نظری فراتر می‌رود و به یک پروژه عملیاتی نزدیک می‌شود. در ادامه همین منطق، پروژه «شکوفایی ایران» به‌عنوان یکی از مفصل‌ترین و فنی‌ترین اسناد ارائه‌شده برای دوران پس از جمهوری اسلامی، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. این پروژه که در قالب یک سند تفصیلی و با مشارکت ده‌ها کارشناس از حوزه‌های مختلف تدوین شده، تلاش دارد به پرسشی پاسخ دهد که سال‌هاست ذهن جامعه را درگیر کرده است: روز بعد از سقوط چه می‌شود؟ از این رو تمرکز بر صد روز نخست پس از فروپاشی نظام، نشان‌دهنده درک حساسیت این بازه زمانی است. دوره‌ای که در آن، نبود اهداف روشن یا آشفتگی می‌تواند سرنوشت یک انقلاب را برای دهه‌ها رقم بزند.

در این چارچوب، پرداختن به اصلاحات اقتصادی، از تدوین بودجه دولت آزاد گرفته تا اصلاح نظام بانکی، مهار تورم، مقابله با بحران‌های معیشتی و ایجاد فضای امن برای سرمایه‌گذاری، تنها وعده‌های کلی نیستند، بلکه به‌عنوان اولویت‌های فوری مطرح شده‌اند. جامعه‌ای که زیر فشار فقر و بی‌ثباتی اقتصادی فرسوده شده، بیش از هر چیز به نشانه‌هایی از بهبود ملموس نیاز دارد. بی‌توجهی به این واقعیت، می‌تواند سرمایه اجتماعی هر گذار سیاسی را به‌سرعت مستهلک کند.

هم‌زمان، تأکید بر رسیدگی به زیرساخت‌ها، به‌ویژه در حوزه آب، انرژی و محیط‌زیست، نشان می‌دهد که نگاه به آینده صرفاً سیاسی نیست، بلکه عمیقاً به بقای زیستی کشور گره خورده است. بحران آب، فرسایش منابع طبیعی و تخریب محیط‌زیست، امروز به تهدیدی امنیتی برای ایران تبدیل شده‌اند. گنجاندن این مسائل در قلب برنامه دوران گذار، نشانه‌ای از عبور از سیاست‌زدگی صرف و حرکت به‌سوی حکمرانی مبتنی بر واقعیت‌های علمی و کارشناسی است.

در مسئله امنیت و ثبات نیز، رویکرد ارائه‌شده بر حفظ نهادهای انتظامی و امنیتی ملی، جلوگیری از فروپاشی ساختارها و تضمین امنیت مرزها تأکید دارد. این نگاه، بار دیگر نشان می‌دهد که هدف، فروپاشی کشور نیست، بلکه تغییر نظام سیاسی در چارچوب حفظ منافع ملی است. برای جامعه‌ای که تجربه جنگ، ناامنی و بی‌ثباتی منطقه‌ای را به‌خوبی می‌شناسد، این پیام از اهمیت حیاتی برخوردار است.

در سطح اصول بنیادین، شاهزاده رضا پهلوی بارها بر این نکته تأکید کرده که به‌دنبال قدرت شخصی نیست و نقش خود را به‌عنوان یک پل سکولار برای گذار تعریف می‌کند. این تعریف از نقش، پاسخی مستقیم به یکی از رایج‌ترین نگرانی‌هاست. تأکید بر حفظ تمامیت ارضی ایران،

جدایی دین از حکومت و برابری حقوق شهروندی، ترسیم حداقل‌های یک قرارداد جدید است؛ قراردادی که قرار است همه ایرانیان، فارغ از مذهب، قومیت، جنسیت یا هر گرایش سیاسی، در آن جای داشته باشند.

مهم‌تر از همه، تأکید بر برگزاری رفراندوم ملی برای تعیین نوع حکومت آینده، نشان‌دهنده پذیرش اصل حاکمیت مردم به‌عنوان داور نهایی است. در این چارچوب، پادشاهی مشروطه یا جمهوری، نه به‌عنوان پیش‌فرض، بلکه به‌عنوان انتخاب مردم در یک فرآیند آزاد و دموکراتیک مطرح می‌شود. این رویکرد، عملاً بسیاری از دوگانه‌سازی‌های فرسوده را خنثی می‌کند و بحث را از سطح ایدئولوژیک به سطح اراده عمومی منتقل می‌سازد.

طی سال جاری نیز، ابتکارهای جدیدی به این مجموعه افزوده شده که نشان‌دهنده تلاش برای به‌روز کردن ابزارهای مبارزه و گذار است. راه‌اندازی سامانه «ایران را پس می‌گیریم» و تشکیل «گارد جاویدان ایران»، به‌عنوان یک پلتفرم برای سازماندهی مخالفان، افشای فساد و ایجاد شبکه‌های حمایتی، پاسخی به واقعیت عصر دیجیتال است؛ عصری که در آن، قدرت بیش از هر زمان دیگری، به توانایی اتصال، هماهنگی و گردش اطلاعات وابسته است. این سامانه، می‌تواند شکاف میان داخل و خارج کشور را کاهش دهد و کنش سیاسی را از حالت پراکنده به سمت هم‌افزا سوق دهد.

در بُعد منطقه‌ای و بین‌المللی نیز، طرح موسوم به «پیمان کوروش» نشان‌دهنده تلاشی برای بازتعریف جایگاه ایران در خاورمیانه است. تأکید بر صلح با همسایگان، عادی‌سازی روابط و همکاری در حوزه‌های فناوری، از جمله مدیریت بحران آب، بیانگر فاصله‌گیری آگاهانه از سیاست خارجی تنش‌محور رژیم جمهوری اسلامی است. برای جامعه‌ای که نزدیک به نیم قرن هزینه‌های سنگین انزوای بین‌المللی را پرداخته، این چشم‌انداز می‌تواند نشانه‌ای از بازگشت ایران به جایگاه مطلوب خود در نظام بین‌الملل باشد.

همچنین نشست همکاری ملی در مونیخ، که با حضور طیف گسترده‌ای از کنشگران سیاسی برگزار شد، تلاشی عملی رای عبور از پراکندگی تاریخی اپوزیسیون است. این گونه ابتکارات، اگرچه به‌تنهایی معجزه نمی‌کنند، اما می‌توانند بستر گفت‌وگو، اعتمادسازی و شکل‌گیری حداقل اجماع را فراهم آورند؛ امری که بدون آن، هیچ گذار موفقی ممکن نخواهد بود. مجموع این برنامه و ابتکارها در کنار آنچه در خیابان‌های ایران می‌گذرد، تصویری متفاوت از وضعیت کنونی ارائه می‌دهد. خیابان دیگر تنها محل فریاد خشم نیست، بلکه به فضایی تبدیل شده که در آن، یک پروژه سیاسی در حال ارائه‌ی زبان، نماد و یک رهبر ملی است.

پیوند میان صدای خیابان و برنامه‌ریزی برای فردا، شاید مهم‌ترین تحول سیاسی امروز ایران باشد. جامعه‌ای که مدت‌هاست می‌دانست چه می‌خواهد و حالا در حال بیان آن‌چیزی است که برای آینده خود می‌خواهد. برجسته شدن نقش شاهزاده رضا پهلوی در این میان، نه صرفاً نتیجه کاریزما یا سابقه خانوادگی، بلکه حاصل ارائه یک چارچوب قابل فهم برای عبور از یک بن‌بست تاریخی است که یک [نظام جمهوری] آن را پدید آورده است. اگر این جریان در همین مسیر ادامه یابد، خیابان می‌تواند از صحنه مبارزه، به نقطه آغاز بازسازی ایران تبدیل شود؛ بازسازی‌ای که این‌بار، با علم، آگاهی، برنامه، حافظه تاریخی و تصویر روشنی از آینده انجام خواهد شد، نه با توهم، خرافات و تصویری در ماه!

*کوروش زمانی: روزنامه‌نگار - تحت حمایت فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران و سازمان گزارشگران بدون مرز

جنبشی بدون فرش قرمز؛ چرا ستاره‌ها در اعتراضات اخیر ایران تماشاگرند؟



واکنشی برای حفظ انسجام روانی و جلوگیری از فروپاشی روایت شخصی است.

اما نباید از دلایل روان‌شناختی خاص سلبریتی‌بودن غافل شد. ستاره‌ها عادت دارند با رانت دیده‌شدن، در همه میدان‌ها ستاره بمانند. در جنبش سبز، بستن یک دستبند سبز کافی بود تا تیتراژ اول شوند؛ در جنبش زن، زندگی، آزادی، یک عکس بدون روسری، آنان را به قهرمان رسانه‌ها بدل می‌کرد. اما ساختار میدانی و اجتماعی جنبش اخیر، به این سادگی ستاره نمی‌سازد. قهرمان این جنبش، نه چهره‌ای شناخته‌شده، که جوانی گمنام است؛ جوانی که بی‌هیچ سپر رسانه‌ای، مقابل صف موتورهای سنگین و نیروهای امنیتی خشمگین زانو می‌زند؛ صورتش را می‌پوشاند؛ و به همه چیز فکر می‌کند، جز دیده‌شدن. اینجا ستاره‌شدن، نه هدف است و نه امتیاز. به نظر می‌رسد ایران امروز، دیگر جایی برای ستاره‌های ویترونی ندارد.

فوتبالیست‌های صد میلیاردری بلندقامتی که تا کمر خم می‌شوند، هنرمندانی که هر روز در نقشی تازه ظاهر می‌شوند، یک روز با قامت آزادی‌خواهی مردمی، روزی در پاکدستی اینستاگرامی، روزی می‌خوانند و روزی دیگر خوش می‌رقصند، در برابر واقعیتی عریان قرار گرفته‌اند: دوران بازی‌کردن به سر آمده است. در این میدان جدید، یا باید از آسمان به زمین آمد و بدون تشویق و بدون تماشاجی، کنشگری کرد؛ یا باید پنهان شد، به امید بازگشت روزهایی که غایب دوباره بازار داشته باشد.

سکوت امروز ستاره‌ها، بیش از آن‌که حاصل ترس باشد، نشانه بحران نمایندگی نهادین است؛ لحظه‌ای که در آن، سرمایه شهرت دیگر به اقتدار اخلاقی و سیاسی تبدیل نمی‌شود. میدان تغییر کرده، اما ستاره‌ها هنوز دلباخته قواعد میدان پیشین بازی هستند. امروز سیاست نه در قاب دوربین، که در خیابان زیسته می‌شود؛ جایی که نه تشویقی تضمین‌شده وجود دارد و نه نام‌ها اهمیتی دارند. این‌جا مسئله پایان ستاره‌ها نیست؛ پایان ستاره‌بودن است. امروز و اینجا، دیگر کسی برای کسی هورا نمی‌کشد؛ در خیابان‌های خون‌فرش، فرش قرمز برای کسی پهن نمی‌کنند.

روش‌هایی عمدتاً مسالمت‌جویانه و ضدخشونت. نکته مهم آن‌که این خواسته، حتی در درون حاکمیت نیز همراهانی جدی داشت؛ بسیاری از افراد صاحب قدرت، آشکارا یا پنهانی، به بی‌اثر بودن اجبار، دست‌کم در پوشاندن موی سر زنان، اشاره می‌کردند.

در چنین فضایی، کنش نمادین سلبریتی‌ها، از انتشار عکس بدون روسری تا موضع‌گیری‌های احساسی، هم کم‌هزینه بود و هم پرتشویق و همچنان ستاره‌شدن ممکن بود.

اما جنبش امروز ایران، از جنسی دیگر است. نه یک جنبش مقطعی مدنی است و نه شورشی واکنشی و هیجانی. این جنبش، آگاهانه و مستقیم، اصل ساختار سیاسی حاکم را نشانه گرفته است. به لحاظ فنی و نظری، با جنبشی مواجه‌ایم که می‌توان آن را در چارچوب جنبش‌های انقلابی تحلیل کرد؛ جنبشی که نه در پی اصلاح، بلکه در پی دگرگونی نظم سیاسی است. پیوستن به چنین جنبشی برای ستاره‌های ویترونی، بیش از حد خطرناک است.

اینجا دیگر از نقطه بازگشت خبری نیست. عبور از این خط قرمز، چیزی نیست که حکومت فراموش کند یا بتوان آن را در آینده با مصلحت‌سنجی سیاسی جبران کرد. این جنبش، کنش نیم‌بند و موضع‌گیری مبهم را برمی‌تابد. دومین عامل مهم سکوت چهره‌های مشهور، گرایش سیاسی مسلط بر این جنبش و پررنگ شدن نام پهلوی است.

هرچه زمان می‌گذرد، شعارهای حمایت از پهلوی، به عنوان آخرین نظم باثبات در حافظه جمعی آشکارتر می‌شود. این مسئله، برای بسیاری از نخبگان هنری، روشنفکری و به‌ویژه جریان‌های چپ، یک گره هویتی جدی ایجاد می‌کند.

بخش قابل‌توجهی از این نخبگان، خود در پیروزی انقلاب پنجاه و هفت نقش داشته‌اند یا سال‌ها حضور و سکوت خود را در قبال آن توجیه کرده‌اند. پیوستن به جنبشی که، حتی اگر صراحتاً سلطنت‌طلب نباشد، محوریت نمادین پهلوی را پذیرفته، برای آنان به معنای لعنت فرستادن به گذشته خویش است؛ گذشته‌ای که سال‌ها برای معنادادن به آن رنج کشیده‌اند یا رنج تحمیل کرده‌اند. در این‌جا سکوت

مهدی بهرامی - این روزها کمتر صدایی از چهره‌های مشهور شنیده می‌شود؛ هنرمندان، ورزشکاران، اینفلوئنسرها و حتی جامعه‌شناسان و اندیشه‌ورزانی که پیشتر با حرارت سخن می‌گفتند، یا سکوت کرده‌اند یا سخنانی می‌گویند که با فضای واقعی جامعه ایران نسبت یا دست‌کم تناسبی ندارد. این سکوت از کجا نشأت می‌گیرد؟ چرا ستاره‌هایی که زمانی در پیشانی میدان و رسانه می‌ایستادند، اکنون فروغی ندارند و تماشاگرانی در سکوت و سایه‌اند؟

یکی از مهم‌ترین دلایل این سکوت را باید در تفاوت ماهوی جنبش کنونی مردم ایران با جنبش‌های پیشین جست‌وجو کرد.

جنبش سبز، به لحاظ ریخت‌شناسی سیاسی، یک جنبش اعتراضی مقطعی و درون‌سیستمی بود؛ جنبشی که یک سوی آن جناحی قدرتمند از درون حاکمیت قرار داشت: از هاشمی رفسنجانی، ستون فقرات نظام، تا میرحسین موسوی، نخست‌وزیر محبوب بنیان‌گذار جمهوری اسلامی. هرچند این جنبش به تدریج از اعتراض به نتایج انتخابات فراتر رفت و ابعاد اجتماعی و هویتی پیدا کرد، اما در نهایت حول همان محور اولیه شکل گرفته بود: نتایج انتخابات، و سپس آزادی موسوی و کروبی از حصر.

پیوستن به چنین جنبشی، با وجود هزینه‌هایی که داشت، ریسکی کنترل‌پذیر محسوب می‌شد؛ ریسکی که به تعبیر نظریه انتخاب عقلانی در علوم سیاسی، نسبت سود به زیان آن برای کنشگران مشهور قابل محاسبه بود.

سلبریتی‌ها در این میدان، نه تنها سرمایه نمادین خود را از دست نمی‌دادند، بلکه اغلب بر آن می‌افزودند: محبوبیت اجتماعی، جایگاه اخلاقی، و حتی امکان بازگشت به مدار قدرت در آینده. همان‌گونه که در دولت روحانی دیده شد، بسیاری از چهره‌های معترض دوباره به ساختار رسمی نزدیک شدند و هزینه‌های گذشته جبران شد.

جنبش «زن، زندگی، آزادی» نیز اگرچه رادیکال‌تر از جنبش سبز بود، اما ماهیتی مدنی و فرهنگی داشت. خواسته محوری آن، نفی حجاب اجباری بود؛ مطالبه‌ای مشخص، با

حکومت «بقا محور»؛ وقتی اداره کردن فدای زنده ماندن می شود



می شود و جامعه راهی جز خیابان، اعتصاب یا انفجارهای پراکنده نمی بیند.

پیروزی یا «تعلیق شکست»؟

حکومت های بقامحور معمولاً خلوت شدن خیابان یا عقب نشینی موقت معترضان را «پیروزی» جا می زنند. اما این یک برد تاکتیکی است، نه پیروزی راهبردی. پیروزی واقعی یعنی توان اداره کشور، جذب سرمایه، رشد اقتصادی، ثبات خدمات و افزایش رضایت عمومی.

حکومتی که برای غرق نشدن موتور کشتی را خاموش می کند و بعد ادعا می کند به مقصد نزدیک شده، پیروز نشده است. او فقط «سقوط» را عقب انداخته است. تعلیق شکست یعنی همین: زمان خریدن با هزینه آینده.

نتیجه گیری: برخورد با دیوار واقعیت

حکومت بقامحور کشور را وارد «دوران استهلاک» می کند. در این دوران، همه چیز مصرف می شود تا هسته قدرت چند روز بیشتر دوام بیاورد؛ منابع انسانی، سرمایه اجتماعی، پول ملی، منابع طبیعی، و حتی امید.

اما بزرگترین دشمن این سیستم، صرفاً مخالفان سیاسی نیستند. دشمن اصلی، «واقعیت های عینی» است. بحران هایی مثل فرونشست زمین، ناترازی انرژی، فروپاشی معیشت و فرسایش زیرساخت ها نه با سرکوب حل می شوند، نه با تبلیغات. این ها مثل دیوارند، با شعار کنار نمی روند. وقتی مسیرهای تخلیه فشار بسته باشد و اصلاحات به عنوان «سقوط سنگری» تلقی شود، فشار در دیگ بسته بالا می رود و هر بار نقطه جوش نزدیک تر می شود.

پس چه نتیجه ای می گیریم؟

نتیجه این است: حکومت بقامحور می تواند بحران ها را جابجا و عقب بیندازد، اما نمی تواند آن را حذف کند. چون اداره کشور را به کنترل کشور تبدیل کرده است. هرچه بیشتر کنترل کند، نهادها و نیروها فرسوده تر می شوند. هرچه نهادها فرسوده تر شوند، واقعیت های عینی بی واسطه تر به جامعه ضربه می زنند. و هرچه ضربه ها عریان تر شود، هزینه بقا از توان بقا جلو می زند.

در یک جمله: حکومتی که برای ماندن ناچار است چرخ های کشور را کند یا متوقف کند، شاید بتواند «زمان» بخرد، اما دارد «کشور» را می فروشد.

«حفظ وضع موجود» می کند. در این نقطه، تداوم جایگزین پیشرفت می شود. سیاست از طراحی آینده خلع می شود و به کنترل حال تقلیل پیدا می کند. این تغییر کوچک در هدف، پیامدهای بزرگ دارد: هر اقدام، با معیار «کم کردن ریسک سقوط» سنجیده می شود، نه با معیار «سود کشور».

نشانه های حکومت بقامحور

برای اینکه تحلیل به شعار تبدیل نشود، باید معیار بدهیم. اگر این شاخص ها در رفتار یک سیستم پررنگ باشد، یعنی منطق بقا بر منطق اداره، غلبه کرده است:

۱. اولویت کنترل بر زندگی

وقتی کنترل بر زندگی روزمره مقدم می شود، حکومت حاضر است برای کاهش تجمع و اعتراض، هزینه سنگین روی اقتصاد، آموزش و خدمات بگذارد؛ محدودسازی فضای مجازی، تعطیلی های پیاپی، امنیتی کردن دانشگاه ها و بازار، و تصمیم هایی که ریتم شهر را می شکنند. در حکمرانی طبیعی، «کارکردها» اصل اند. در بقامحوری، «کنترل» اصل می شود.

۲. امنیتی شدن زبان رسمی

در زبان رسمی بقامحور، هر مطالبه صنفی تبدیل به پروژه نفوذ می شود و هر معترض به سرباز دشمن. این تغییر زبان، فقط واژه نیست؛ تغییر کارکرد سیاست است. در چنین فضایی، سیاست می میرد و جای خود را به منطق «ضد عملیات» می دهد: پیشگیری، پرونده سازی، برچسب زنی، و ترساندن.

۳. پادشاه به وفاداری به جای شایستگی

وقتی بقای سیاسی معیار اصلی باشد، شایستگی خطرناک می شود چون مستقل است و پرسش می کند. وفاداری امن تر است چون اطاعت می آورد. نتیجه، سپردن حوزه های تخصصی به افراد امنیتی یا وفادار است، حتی اگر فاقد تخصص باشند. این چرخه، ناکارآمدی را عمیق تر می کند و دوباره حکومت را بیشتر به ابزار سخت وابسته می سازد.

۴. فرسایش نهادی

فرسایش نهادی یعنی نهادها از «کارکرد» تهی می شوند و به «ویترین» تبدیل می گردند. مجلس، دستگاه قضایی، رسانه رسمی و سازوکارهای قانونی در ظاهر حضور دارند، اما نقش اصلی شان توجیه تصمیم های هسته سخت است. وقتی نهادها فرسوده می شوند، کانال های تخلیه فشار بسته

س. روزبه - چه زمانی یک نظام سیاسی از «حکمرانی» عبور می کند و به «بقای اضطراری» می رسد؟ و وقتی ابزارهای نرم اقتناع، قانون و رسانه فرومی ریزند، آیا ابزار سخت می تواند جای مشروعیت را پر کند؟

گزاره «حکومت فقط برای بقا می جنگد» اگر در حد شعار بماند، ارزش تحلیلی ندارد. اما اگر آن را یک مدل تصمیم گیری بدانیم، بسیاری از رفتارهای امروز حکومت قابل توضیح می شود: لحظه ای که هدف اصلی از «اداره کشور» به «حفظ هسته قدرت» تغییر می کند. در این وضعیت، بحران ها حل نمی شوند، بلکه فقط مهار می شوند تا زمان خریده شود. جامعه هم به جای تجربه آینده، وارد چرخه «روزمرگی اضطراری» می شود.

یک مثال کوچک برای فهم این منطق کافی است: در لحظه هایی که فشار اقتصادی و نارضایتی بالا می رود، به جای درمان علت، تصمیم ها به سمت کاهش حضور اجتماعی می روند: محدودیت، تعطیلی، امنیتی سازی. هدف نه حل بحران، بلکه خاموش کردن صدای بحران است.

چرا حکومت وارد فاز «جنگ برای بقا» می شود؟

حکومت زمانی وارد این فاز می شود که ابزارهای حکمرانی نرم کارکرد خود را از دست می دهند و تنها «ابزار سخت» باقی می ماند. این نقطه، محل چرخش از سیاست گذاری به عملیات است. عملیات یعنی واکنش فوری، پیشگیرانه، امنیتی، کم هزینه برای هسته قدرت، حتی اگر پرهزینه برای کشور باشد. و مشاهده می شود هیچ راهی جز اعدام ها و خونریزی و ضرب و شتم و سرکوب تصور نمی کند.

۱. بحران مشروعیت و ترس از «سقوط سنگری»

در منطق بقامحور، عقب نشینی کوچک به معنای اصلاح نیست، به معنای آغاز دومینوست. حکومت تصور می کند اگر یک سنگر را واگذار کند، خاکریز بعدی هم فرو می ریزد. پس حتی گشایش های محدود اجتماعی یا انعطاف های مقطعی، به چشم «شروع فروپاشی» دیده می شود. نتیجه روشن است: هر مطالبه به جای اینکه موضوع مذاکره باشد، تبدیل به تهدید وجودی می شود.

۲. بحران کارآمدی و ناتوانی در اداره روزمره

وقتی دولت در تامین نیازهای اولیه مثل ثبات پول ملی، انرژی، خدمات و حداقل نظم اقتصادی ناتوان می شود، اعتراض نه از سیاست، بلکه از زندگی روزمره بالا می آید. در اینجا حکومت به جای حل ناکارآمدی، فضا را امنیتی می کند تا صدای اعتراض ناشی از ناکارآمدی خفه شود. این دقیقاً همان لحظه ای است که «اداره کردن» عقب می نشیند و «مهار کردن» جلو می آید.

۳. وابستگی متقابل به ماشین امنیتی

حکومت برای دوام آوردن، به نیروهای سخت تکیه می کند و برای حفظ وفاداری آن ها ناچار به امتیازدهی است. این امتیازدهی فقط مالی نیست، بلکه به معنای نفوذ بیشتر در اقتصاد، سیاست و مدیریت است. در نتیجه، یک تله شکل می گیرد: حکومت برای حفظ خود، منابع بیشتری را به پای ماشین بقا می ریزد و همین کار، کشور را فرسوده تر می کند و بحران ها را عمیق تر می سازد. یعنی بقای امروز، با قرض گرفتن از فردای کشور تامین می شود.

۴. فقدان افق آینده و جایگزینی «تداوم» به جای «پیشرفت»

وقتی افق توسعه، سرمایه گذاری، اعتماد عمومی و امید اجتماعی تیره می شود، حکومت انرژی خود را صرف

انقلاب برای پایان دادن به رنج، نه برای برنج



کمیود منابع مادی است. اما رنج، تجربه زیسته بی قدرتی، تحقیر، حذف و بی آیندگی است. رژیمها می توانند با توزیع حداقلی منابع، فقر را موقتاً مدیریت کنند؛ اما رنج تحقیرکننده را نمی توان با نان و برنج درمان کرد. رنج، پرسش از شأن انسان است و پاسخ آن، سیاسی و تاریخی است، نه کالایی.

فریاد «جاوید شاه» و «این آخرین برده، پهلوی برمی گردد»، که این روزها از آبدانان تا ازنا و همه ایران را درنور دیده، در کنار این کنش، دقیقاً در همین چارچوب قابل فهم است. این شعارها نه نوستالژی کورند و نه واکنش احساسی؛ بلکه ارجاع به یک افق عملی بدیل هستند. در زبان پراگماتیستی، این فریادها بیان یک امکان قابل تصورند. بازگشت به نظم، قانون، پیوستگی ملی و دولتی که کرامت را پیش فرض شهروندی می داند، نه امتیازی قابل سلب.

برخلاف روایت هایی که می کوشند این خیزش را به شورش گرسنگان یا اعتراض برای معیشت تقلیل دهند، این صحنه نشان داد که ملت ایران از سطح مطالبه گری اقتصادی عبور کرده است. وقتی مردم در شدیدترین تنگنای معیشتی، امکان مصرف را رد می کنند، در واقع اعلام می کنند که مسئله، قیمت کالاها نیست؛ مسئله، معنای زیستن در این سرزمین است.

این همان نقطه ای است که یک اعتراض، به انقلاب بدل می شود: «جایی که کنش جمعی نه برای تخفیف درد، بلکه برای پایان دادن به منبع رنج شکل می گیرد.»

و این رنج، نامی روشن و صورتی برهنه دارد؛ رژیم جمهوری اسلامی: «استبداد، تحقیر، و قطع شدن رشته تاریخی ملت با شأن خویش.»

مردم آبدانان نشان دادند که این انقلاب، انقلاب برای شکم نیست؛ انقلاب شأن است. انقلابی برای بازپس گیری کرامتی که چهار دهه زیر چکمه فقر تحمیلی، تحقیر سیستماتیک و دروغ ایدئولوژیک لگدمال شده است. در این انقلاب ملی، ملت به پا خاسته ایران نشان داده اند که مسئله آنها نه کمیود نان و برنج، که مسئله رنجی عمیق تر از فقر مادی است.

رنج بی وطنی در وطن، رنج بی اعتباری پاسپورت، رنج تحقیر تاریخی و رنج ربوده شدن آینده.

آری، این ملت برای پایان دادن به رنج به میدان آمده، نه برای کیسه های برنج.

پاینده ایران- جاوید شاه

بهزاد پرنیان - آنچه در جریان اعتراضات روز سه شنبه شانزدهم دی ماه در شهر کوچک آبدانان رخ داد، نه یک تصویر ساده از خشم، بلکه بیانیه ای اخلاقی، سیاسی و تاریخی بود. مردم دلیر و رادمرد این شهر به یکی از مقرهای نیروهای سرکوب یورش بردند و به انباری مملو از کیسه های برنج دست پیدا کردند.

برنجی که نه برای سفره مردم، که برای تأمین و تطمیع نیروهای سرکوب و بسیج ذخیره شده بود.

در کشوری که فقر به مرز خفگی رسیده و تأمین نان به دغدغه ای روزمره بدل شده است، انتظار طبیعی آن بود که معترضان این اقدام را با خود ببرند. اما آنچه رخ داد، نقطه گسست از تمام روایت های تقلیل گرایانه بود.

و همین تک صحنه، به تنهایی پایان هر توهمی است که بخواهد این خیزش را «شورش گرسنگان» بنامد.

کیسه های برنج پاره شدند. برنج ها به خیابان ریخته شد. در اوج فشار معیشتی، کیسه ها را پاره کردند و محتوا را به خیابان ریختند، بی آنکه حتی مشت از آن را برای خود بردارند.

این عمل، در نوع خود عملی اخلاقی و سیاسی بود.

آنچه مردم شهر آبدانان به صحنه کشیدند، صرفاً نه یک واکنش هیجانی به تورم یا گرانی، بلکه کنشی آگاهانه و معنادار بود که باید آن را در سطحی فراتر از فقر معیشتی تحلیل کرد.

از منظر فلسفه پراگماتیسم، معنا نه در نیت های انتزاعی، بلکه در پیامدهای عملی کنش ها شکل می گیرد. یک کنش زمانی حقیقت خود را نشان می دهد که در عمل چه می سازد، چه می گوید و چه افقی را می گشاید.

در این چارچوب، پاره کردن کیسه های برنج را ناپیاست تنها یک «نشانه» قلمداد کرد؛ بلکه برآیند و نتیجه یک استدلال عملی بود. مردمی که می توانستند برای چند روز شکم خود را سیر کنند اما از آن سر باز زدند، در عمل اعلام کردند که مسئله آنان بقا به هر قیمت نیست.

پراگماتیسم به ما می آموزد که تفاوت میان «نیاز» و «ارزش» را نه در گفتار، بلکه در انتخاب های بحرانی ببینیم. انتخاب مردم غیور و آزاده آبدانان در آن لحظه روشن بود: «نان بدون کرامت، راه حل نیست. رفاه در سایه تحقیر، بن بست است.»

اینجاست که باید میان «فقر» و «رنج» تمایز گذاشت. فقر،

دموکراسی با نام حکومت نمی آید بلکه با مهار قدرت می آید



سیروس ملکوتی - بحث سیاسی در ایران اغلب به یک دوگانه ساده تقلیل یافته است؛ دو گانه ای چون پادشاهی یا جمهوری. این دو گانه سازی عملاً توجه را از متن به حاشیه فرو کاسته و درک مشخصی را از مضمون مطالباتی آشکار نمی سازد. تجربه تاریخی نشان می دهد که نام نظام سیاسی، به تنهایی، نه مانع استبداد است و نه ضامن آزادی. آنچه تعیین کننده است، وجود لایه هایی است که قدرت را مهار، محدود و پاسخگو می کنند.

ایران تجربه پایدار و نهادینه دموکراسی نداشته است. بنابراین مسئله اصلی، انتخاب شکل حکومت نیست؛ هر چند از منظر کنشگران بی اهمیت هم نمی توان آنرا تلقی نمود، بلکه طراحی سازوکارهایی است که هم زمان به فرسایش استبداد و امکان شکل گیری دموکراسی کمک کنند. این سازوکارها را می توان در چهار لایه به هم پیوسته که من آنرا لایه های محافظتی می نامم (هنجاری، نهادی، اجتماعی و فرهنگی) در نظر آورد.

- قانونی اساسی که نه برای مشروعیت بخشی به قدرت، بلکه برای محدود کردن آن نوشته شده باشد و حقوق شهروندان را مستقل از اراده حاکمان تضمین کند. (لایه هنجاری، قانون اساسی، منشور حقوق شهروندی، اصل حاکمیت قانون).

- وجود نهادهایی که بتوانند قدرت را مهار کنند، نه آن که صرفاً وجودی صوری داشته باشند؛ از تفکیک واقعی قوا گرفته تا قضاییه مستقل و انتخابات رقابتی. (لایه نهادی، تفکیک قوا، قوه قضاییه مستقل، نظام انتخاباتی).

- شکل یابی جامعه مدنی مستقل که نارضایتی را به مطالبه سیاسی تبدیل کند و انحصار سازمان یافتگی قدرت را بشکند. (لایه مدنی، احزاب، اتحادیه ها، رسانه های آزاد).

- و نهایتاً فرهنگی که قدرت را موقت بداند، شکست سیاسی را بپذیرد و مخالف را دشمن تلقی نکند. (لایه فرهنگی، فرهنگ مدارا، پذیرش شکست سیاسی، اعتماد عمومی).

دموکراسی نه با یک انتخابات می آید، نه با یک چهره، و نه با تغییر نام حکومت. بدون این لایه های محافظتی، هر نظامی چه پادشاهی، چه جمهوری می تواند به سرعت به اقتدارگرایی بازگردد.

روزنامه آلمانی «بیلد»: خیزش‌ها علیه رژیم اسلام‌گرای ملاها در ایران وارد مرحله‌ای تازه شده



تظاهرات در تهران، دی‌ماه ۱۴۰۴

و جوانان در جریان درگیری‌ها با خشونت نیروهای امنیتی مواجه شده‌اند. هرچند منابع بین‌المللی تاکنون آمار دقیقی از تلفات ارائه نکرده‌اند، اما گزارش‌های متعددی از استفاده از گاز اشک‌آور و بازداشت‌ها وجود دارد.

چرا این اعتراضات تا این حد گسترده‌اند؟

بیلد در بخش دیگری از این گزارش می‌نویسد، در خیابان‌های تهران تنش خاصی احساس می‌شود: بازاریان، یعنی طبقه تجار بازار سنتی، همواره بیش از صرفاً یک قشر اقتصادی بوده‌اند. آن‌ها زمانی از ستون‌های اصلی «انقلاب اسلامی» ۱۹۷۹ به‌شمار می‌رفتند، از روحانیون حمایت مالی کردند، اعلامیه پخش کردند و حتی هواپیمایی را برای روح‌الله خمینی، رهبر انقلاب اسلامی اجاره کردند تا با آن [از پاریس] به تهران بازگردد.

این شبکه برای دهه‌ها عامل ثبات نظام بود. اما اکنون همین بازاریان مغازه‌های خود را می‌بندند، خرید و فروش را تحریم می‌کنند و به خیابان‌ها می‌آیند، درست همان پایگاه اجتماعی که پیش‌تر به‌طور ساختاری و بنیادین از قدرت حمایت می‌کردند. بدون بازاریان، رژیم یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های اجتماعی و اقتصادی خود را از دست می‌دهد. بنابراین روشن است: نه تنها دانشجویان و بیکاران، بلکه گروه‌هایی که به‌طور سنتی حامی نظام بوده‌اند نیز معترض شده‌اند؛ کارزاری که اعتراضات را بسیار فراتر از یک بحران صرفاً اقتصادی می‌برد.

واکنش شاهزاده رضا پهلوی

شاهزاده رضا پهلوی به این اعتراضات واکنش نشان داده است. بنا بر منابع رسمی، او از تظاهرات استقبال کرده، از نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی خواسته است در برابر مردم نایستند و این لحظات را فرصتی تاریخی برای تغییر می‌داند.

وابسته به رژیم تروریستی هستند. آن‌ها تحت فرمان سپاه پاسداران قرار دارند و دهه‌هاست برای سرکوب خونین اعتراضات به کار گرفته می‌شوند.

علاوه بر این هرچه می‌گذرد، اصناف بیشتری به اعتصابات می‌پیوندند، در خیابان اعتراض می‌کنند و در میان دود گاز اشک‌آور علیه ملاها شعار می‌دهند. آنچه به‌عنوان اعتراض به تورم افسارگسیخته و سقوط شدید ارزش پول ملی ایران آغاز شد، طی چند روز به اعتراض فراگیر از کل نظام حاکم تبدیل شده است. میلیون‌ها نفر به خیابان‌ها آمده‌اند. حتی نخستین شعارها در حمایت از بازگشت پادشاهی پهلوی بود؛ از جمله شعارهایی مانند: «این آخرین نبرده، پهلوی برمی‌گردد».

شامگاه چهارشنبه دهم دی‌ماه ۱۴۰۴، مقامات از حمله به دفتر یکی از استانداران خبر دادند. به گفته خبرگزاری قضایی «میزان»، چندین نفر به دفتر فرمانداری در شهر فسا هجوم بردند و به آن خسارت وارد کردند.

گسترش اعتراضات

اعتراضات از آخر هفته آغاز شد؛ زمانی که بازاریان در بازار بزرگ تهران مغازه‌های خود را بستند، اقدامی که به‌طور سنتی نماد قدرت اقتصادی و از نظر تاریخی نیز دارای اهمیت سیاسی است. این تعطیلی‌ها به‌سرعت فراتر از انتقادهای اقتصادی رفت. صدها مغازه‌دار در تهران و دیگر شهرها از جمله در شیراز، کرمانشاه، قشم و استان‌های دیگر به فراخوان تعطیلی بازارها پیوستند.

اعتراضات به‌سرعت به دانشگاه‌ها و مراکز شهری گسترش یافت و هرچه بیشتر رنگ‌وبوی سیاسی گرفت. نیروهای امنیتی در بسیاری از مناطق با گاز اشک‌آور و حضور گسترده پلیس واکنش نشان دادند، هرچند رسانه‌های رسمی معمولاً با احتیاط درباره این رویدادها گزارش می‌دهند. از جمله گزارش‌های تأییدشده این است که دانشجویان

● روزنامه آلمانی «بیلد» در گزارشی که شامگاه چهارشنبه ۳۱ دسامبر (۱۱ دی‌ماه ۱۴۰۴ بوقت ایران) منتشر شد با اشاره به خیزش بزرگ مردم ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی، بار دیگر به شعارها در حمایت از پهلوی‌ها و پیوستن اقشار مختلف از جمله دانشجویان به اعتراضات بازاریان اشاره کرد.

● بیلد در بخش دیگری از این گزارش می‌نویسد، در خیابان‌های تهران تنش خاصی احساس می‌شود: بازاریان، یعنی طبقه تجار بازار سنتی، همواره بیش از صرفاً یک قشر اقتصادی بوده‌اند. آن‌ها زمانی از ستون‌های اصلی «انقلاب اسلامی» ۱۹۷۹ به‌شمار می‌رفتند، از روحانیون حمایت مالی کردند، اعلامیه پخش کردند و حتی هواپیمایی را برای روح‌الله خمینی، رهبر انقلاب اسلامی اجاره کردند تا با آن [از پاریس] به تهران بازگردد.

● «این شبکه برای دهه‌ها عامل ثبات نظام بود. اما اکنون همین بازاریان مغازه‌های خود را می‌بندند، خرید و فروش را تحریم می‌کنند و به خیابان‌ها می‌آیند، درست همان پایگاه اجتماعی که پیش‌تر به‌طور ساختاری و بنیادین از قدرت حمایت می‌کردند. بدون بازاریان، رژیم یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های اجتماعی و اقتصادی خود را از دست می‌دهد».

روزنامه آلمانی «بیلد» در گزارشی که شامگاه چهارشنبه ۳۱ دسامبر (۱۱ دی‌ماه ۱۴۰۴ بوقت ایران) منتشر شد با اشاره به خیزش بزرگ مردم ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی، بار دیگر به شعارها در حمایت از پهلوی‌ها و پیوستن اقشار مختلف از جمله دانشجویان به اعتراضات بازاریان اشاره کرد.

در گزارش بیلد آمده، خیزش‌ها علیه رژیم اسلام‌گرای ملاها در ایران وارد مرحله‌ای تازه شده است! معترضان خشمگین در شب سال نو یک پایگاه بسیج را در چنار (اسدآباد، استان همدان) به آتش کشیدند. بسیجی‌ها یک نیروی شبه‌نظامی

یک مقام ایرانی به رویترز: برخی مقام‌ها نگرانند که جمهوری اسلامی قربانی بعدی ترامپ باشد



گفتگوی علی خامنه‌ای با مسئولان نظام، اسفند ۱۴۰۳

نشانه‌ای از نگرانی رهبری، خامنه‌ای روز شنبه «دشمنان جمهوری اسلامی» را به دامن‌زدن به ناآرامی‌ها متهم کرد و هشدار داد «اغتاشگران باید سر جای خود نشاند شوند». مقام‌ها رویکردی دوگانه اتخاذ کرده‌اند؛ از یک سو اعتراضات اقتصادی را مشروع دانسته و وعده گفت‌وگو داده‌اند و از سوی دیگر، با برخی تجمعات از طریق درگیری‌های خیابانی و استفاده از گاز اشک‌آور برخورد شده است.

با این حال، به گفته گروه‌های حقوق بشری، در یک هفته دست‌کم ۱۷ نفر کشته شده‌اند. مقام‌ها اعلام کرده‌اند دست‌کم دو نفر از نیروهای امنیتی جان باخته و بیش از ۱۲ نفر زخمی شده‌اند.

جمهوری اسلامی هنوز در حال کنار آمدن با پیامدهای حملات اسرائیل و آمریکا در سال ۲۰۲۵ به اهداف هسته‌ای و نظامی است؛ حملاتی که به کشته‌شدن فرماندهان ارشد سپاه و دانشمندان هسته‌ای انجامید و تنها یک روز پیش از دور ششم گفت‌وگوهای برنامه‌ریزی‌شده با واشنگتن درباره برنامه هسته‌ای ایران صورت گرفت.

مذاکرات پس از جنگ ۱۲ روزه متوقف مانده است، هرچند دو طرف می‌گویند همچنان به توافق باز هستند. آمریکا و متحدانش ایران را متهم می‌کنند که برنامه هسته‌ای خود را پوششی برای توسعه توان تسلیحاتی قرار داده، در حالی‌که تهران تأکید دارد اهدافش صرفاً صلح‌آمیز است.

نارضایتی‌های اقتصادی همچنان در قانون اعتراضات اخیر قرار دارد. شکاف فزاینده میان مردم عادی و طبقه برخوردار روحانی و امنیتی، همراه با سوءمدیریت، تورم افسارگسیخته و فساد — که حتی رسانه‌های حکومتی نیز به آن اذعان دارند — خشم عمومی را تشدید کرده است.

شاهدان در تهران، مشهد و تبریز از حضور گسترده نیروهای امنیتی در میدان‌های اصلی خبر داده‌اند. امیررضا، ۴۷ ساله، فرش‌فروش در بازار بزرگ تهران، می‌گوید: «فضای تهران متشنج است، اما زندگی عادی جریان دارد».

سال گذشته، که عمدتاً سایت‌های هسته‌ای را هدف گرفت، به شدت سقوط کرده است؛ سایت‌هایی که غرب می‌گوید تهران در آن‌ها بر روی سلاح هسته‌ای کار می‌کند، ادعایی که ایران آن را رد می‌کند.

رویترز می‌نویسد گستردگی اعتراضات کنونی به اندازه ناآرامی‌های سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۳ پس از مرگ مهسا امینی در بازداشتگاه «گشت ارشاد» نیست. با این حال، هرچند کوچک‌تر، این اعتراضات به سرعت از مطالبات اقتصادی فراتر رفته و به نارضایتی‌های گسترده‌تر سیاسی کشیده شده است؛ به طوری که برخی معترضان شعارهایی مانند «مرگ بر جمهوری اسلامی» یا «مرگ بر دیکتاتور» سر داده‌اند.

این وضعیت چالشی برای مقام‌هایی است که در پی حفظ روحیه وحدت ملی شکل‌گرفته در جریان و پس از حملات اسرائیل و آمریکا بوده‌اند. مقام سومی گفت نگرانی‌ها در تهران در حال افزایش است که «ترامپ یا اسرائیل ممکن است علیه ایران اقدام نظامی کنند».

جمهوری اسلامی ایران، متحد دیرینه ونزوئلا

جمهوری اسلامی ایران که سال‌ها با ونزوئلا، دیگر تولیدکننده نفت و کشور تحت تحریم آمریکا، هم‌پیمان بوده است، اقدام واشنگتن در کاراکاس و همچنین اظهارات ترامپ درباره جمهوری اسلامی را محکوم کرده است.

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی، گفت چنین اظهاراتی درباره «امور داخلی ایران» طبق هنجارهای بین‌المللی چیزی جز «تحریک به خشونت، تروریسم و کشتار» نیست.

ترامپ تهدید کرد در صورت اعمال خشونت علیه معترضان مداخله خواهد کرد و گفت: «ما آماده و مسلح هستیم»، هرچند جزئیاتی ارائه نداد.

این اعتراضات یکی از اولویت‌های دیرینه علی خامنه‌ای را تهدید می‌کند: حفظ جمهوری اسلامی به هر قیمت. در

● خبرگزاری رویترز روز دوشنبه ۱۵ دی‌ماه ۱۴۰۴ به نقل از چند «مقام آگاه» گزارش داد که تلاش‌های جمهوری اسلامی برای مهار اعتراضات، در پی تهدید دونالد ترامپ به مداخله و همچنین بازداشت نیکلاس مادورو، پیچیده‌تر شده است.

● رویترز به نقل از یک مقام ایرانی نوشت که پس از اقدام آمریکا در ونزوئلا، برخی از مقام‌های ایرانی نگران‌اند جمهوری اسلامی «قربانی بعدی سیاست خارجی تهاجمی ترامپ» باشد.

● به گفته این مقام، فشارهای آمریکا دامنه مانور جمهوری اسلامی را محدود کرده و رهبران کشور را میان خشم عمومی در خیابان‌ها و تهدیدهای واشنگتن گرفتار کرده است.

خبرگزاری رویترز روز دوشنبه ۱۵ دی‌ماه ۱۴۰۴ به نقل از چند «مقام آگاه» گزارش داد که تلاش‌های جمهوری اسلامی برای مهار اعتراضات، در پی تهدید دونالد ترامپ به مداخله و همچنین بازداشت نیکلاس مادورو، پیچیده‌تر شده است.

رویترز به نقل از یک مقام ایرانی نوشت که پس از اقدام آمریکا در ونزوئلا، برخی از مقام‌های ایرانی نگران‌اند جمهوری اسلامی «قربانی بعدی سیاست خارجی تهاجمی ترامپ» باشد. به گفته این مقام، فشارهای آمریکا دامنه مانور جمهوری اسلامی را محدود کرده و رهبران کشور را میان خشم عمومی در خیابان‌ها و تهدیدهای واشنگتن گرفتار کرده است.

به گفته مقام‌ها و منابع مطلع، تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران برای مهار موجی از اعتراضات ضدحکومتی، با تهدید دونالد ترامپ به مداخله به نفع معترضان پیچیده‌تر شده است؛ هشدار که با بازداشت نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا، توسط آمریکا به طور جدی برجسته شد.

یک روز پیش از آنکه نیروهای ویژه آمریکا در سوم ژانویه ۲۰۲۶ مادورو و همسرش را بازداشت کرده و به نیویورک منتقل کنند، رئیس‌جمهور آمریکا در شبکه‌های اجتماعی هشدار داد که اگر جمهوری اسلامی به سوی معترضان شلیک کند، آمریکا «به کمک آن‌ها خواهد آمد». بر اساس آمار اولیه، در جریان این اعتراضات تاکنون دست‌کم ۱۷ نفر جان باخته‌اند.

گزینه‌های تهران به دلیل تهدیدهای ترامپ و همچنین بحران اقتصادی طولانی‌مدتی که پس از حملات اسرائیل با همراهی آمریکا به ایران تشدید شد، محدود شده است. این حملات در جریان جنگ ۱۲ روزه‌ای رخ داد که چندین سایت هسته‌ای جمهوری اسلامی را هدف قرار داد.

برخی می‌ترسند ایران «قربانی بعدی» باشد

یک مقام ایرانی به رویترز گفت: «این فشارهای دوگانه فضای مانور تهران را محدود کرده و خامنه‌ای را میان خشم عمومی در خیابان‌ها و مطالبات و تهدیدهای فزاینده واشنگتن گرفتار کرده است؛ گزینه‌ها اندک و ریسک‌ها بالاست».

این دیدگاه از سوی دو مقام دیگر و یک مقام پیشین ایرانی نزدیک به تصمیم‌گیران نیز تأیید شده است.

اقتصاد ایران سال‌هاست زیر فشار تحریم‌های آمریکا قرار دارد، اما ارزش ریال از زمان حملات اسرائیل و آمریکا در

پنجره تاریخی آزادی؛ چرا اکنون لحظه تعیین کننده ایران است



ما باید عمل کنیم، اکنون لحظه عمل است.

۳ - خودمحدودسازی

یکی از فضیلت‌های بزرگ ایرانیان، انعطاف‌پذیری و توان بالای سازگاری است. به همین دلیل توانسته‌ایم در شرایط متغیر، راه‌حلهایی پیدا کنیم. اما در این مورد، این فضیلت، علیه ما عمل کرده است. بدتر شدن تدریجی شرایط و امیدهای کاذبی که رژیم منتشر می‌کند، باعث شده مردم ایران به شکلی خطرناک خود را با وضعیت وفق دهند. استانداردهای زندگی و مطالبات مشروع مردم پیوسته پایین آورده شده‌اند، تا جایی که امروز مسئله برای بسیاری فقط «زنده ماندن» است.

افراد در گذشته، انتظار داشتند با کار بتوانند آینده‌ای برای خود بسازند - مثلاً خانه‌ای بخرند - اما اکنون به بقای حداقلی رضایت داده‌اند. این وضعیت نادرست است؛ به‌ویژه در کشوری با منابع ایران، اصلاً ضرورتی ندارد. نسل‌ها کاملاً از امکان رشد اقتصادی و تحقق رؤیاهای زندگی محروم می‌شوند.

بنابراین، ما فقط با یک رژیم اقتدارگرا و محدودکننده آزادی روبه‌رو نیستیم، بلکه رژیمی داریم که به دلیل ناتوانی اقتصادی فساد و سوءمدیریت، امکان رشد فردی هر ایرانی را از بین می‌برد.

این وضعیت تقدیر الهی نیست؛ نتیجه مستقیم عملکرد و سیاست‌های رژیم است.

پس به‌جای سازگار شدن، باید شرایط را تغییر داد؛ به‌ویژه اکنون که این فرصت در دسترس و قابل لمس است.

در غیر این صورت، مارپیچ سقوط ادامه خواهد یافت. کسانی که می‌گویند «بدتر از این نمی‌شود»، در اشتباه‌اند؛ مگر آن‌که مردم یک‌بار برای همیشه آزادی خود را بازپس گیرند.

اکنون زمان آن است: «این آخرین نبرد است...»

منطبق شده باشد. این هم‌زمانی، نتیجه دگرگونی‌های عمیق در نظم جهانی است که بسیاری از ساختارهای پیشین را دگرگون کرده است.

در یک یا دو سال آینده یا حتی بسیار زودتر این منافع مشترک از هم جدا خواهند شد و این پنجره زمانی بسته می‌شود. جهان دیگر به ایران توجه نخواهد کرد و این موضوع می‌تواند موفقیت یک جنبش آزادی‌خواهانه را بسیار دشوار و یا حتی ناممکن سازد.

نباید اجازه دهیم این فرصت تاریخی از دست برود. به همین دلیل نیز بازیگران سیاسی پراکنده و گرفتار اختلاف، باید از خود بپرسند: آیا اکنون زمان آن نرسیده است که از فراخوان کنونی (شاهزاده) پیروی کنند؟ یا قرار است این فرصت نیز از دست برود!

۲ - انتظار و ذهنیت

در حالی که بسیاری با شجاعت به خیابان‌ها آمده‌اند، بخش دیگری از جامعه هنوز در حالت انتظار و تعلیق به سر می‌برد؛ با این امید که شاید نیرویی خارجی یا شخصی دیگر کار را به‌جای آنان تمام کند. این اتفاق نخواهد افتاد. ما فقط خودمان را داریم.

«حق دادنی نیست، حق گرفتنی است.»

غرب آزادی را روی سینی نقره‌ای به ما تقدیم نخواهد کرد. اما زمانی از جنبش آزادی‌خواهانه مردم ایران حمایت خواهد کرد که ببیند ما در حال پیروزی هستیم. این ممکن است غیراخلاقی به نظر برسد، اما واقعیت سیاست بین‌الملل چنین است. و ما بهترین شانس را داریم اما باید از آن استفاده کنیم. صرفاً مخالف رژیم بودن کافی نیست؛ باید عمل کنیم. هیچ‌کس قرار نیست به‌جای ما پیش‌قدم شود. انتظار کشیدن فقط به فرسایش نیروها می‌انجامد.

این یعنی هر فرد باید آنچه در توانش هست، انجام دهد. این توان در افراد متفاوت است، اما همه باید مشارکت کنند. منتظر ماندن و تنها امیدواربودن کارساز نخواهد بود.

● دانیال ایلخانی‌پور، نماینده ایالتی پارلمان هامبورگ در آلمان، که در سال‌های اخیر به‌طور مستمر از مواضع شاهزاده رضا پهلوی حمایت کرده است، در واکنش به تحولات اخیر ایران و گستره بی‌سابقه و صریح اعتراضات مردمی، به چند نکته کلیدی اشاره کرده است.

● بازیگران سیاسی پراکنده و گرفتار اختلاف، باید از خود بپرسند: آیا اکنون زمان آن نرسیده است که از فراخوان کنونی (شاهزاده) پیروی کنند؟ یا قرار است این فرصت نیز از دست برود!

● در حالی که بسیاری با شجاعت به خیابان‌ها آمده‌اند، بخش دیگری از جامعه هنوز در حالت انتظار و تعلیق به سر می‌برد؛ با این امید که شاید نیرویی خارجی یا شخصی دیگر کار را به‌جای آنان تمام کند. این اتفاق نخواهد افتاد. ما فقط خودمان را داریم.

● غرب آزادی را روی سینی نقره‌ای به ما تقدیم نخواهد کرد. اما زمانی از جنبش آزادی‌خواهانه مردم ایران حمایت خواهد کرد که ببیند ما در حال پیروزی هستیم. این ممکن است غیراخلاقی به نظر برسد، اما واقعیت سیاست بین‌الملل چنین است. و ما بهترین شانس را داریم اما باید از آن استفاده کنیم. صرفاً مخالف رژیم بودن کافی نیست؛ باید عمل کنیم.

دانیال ایلخانی‌پور، نماینده ایالتی پارلمان هامبورگ در آلمان، که در سال‌های اخیر به‌طور مستمر از مواضع شاهزاده رضا پهلوی حمایت کرده است، در واکنش به تحولات اخیر ایران و گستره بی‌سابقه و صریح اعتراضات مردمی، به چند نکته کلیدی اشاره کرده است.

او می‌گوید: «من با امید و اطمینان به رویدادهای جاری نگاه می‌کنم، اما در عین حال باید با واقعیت‌ها نیز روبه‌رو شد.»

۱ - عامل زمان

یکی از عواملی که بیش از حد دست‌کم گرفته می‌شود، عامل زمان است.

علاوه بر این دلیل آشکار که هر روز تأخیر، رنجی غیرقابل‌تصور به مردم ایران تحمیل می‌کند و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی‌ای به بار می‌آورد که به‌سختی قابل جبران هستند، بُعد مهم‌تری نیز وجود دارد که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد: «تحولات ژئوپلیتیک».

برای همه ایرانیان روشن است که سیاست داخلی معمولاً هرگز بدون در نظر گرفتن ابعاد سیاست خارجی قابل ارزیابی نیست.

امروز یک پنجره زمانی منحصر به‌فرد گشوده شده است؛ پنجره‌ای که اگر از آن استفاده نشود، دوباره بسته خواهد شد.

برخلاف چند سال پیش که امکان یک گذار دموکراتیک به‌مراتب دشوارتر بود، اکنون نوعی «باد موافق» وزیدن گرفته است. شاید برای نخستین‌بار در دهه‌های اخیر، منافع کشورهای غربی تا حدی با منافع ایرانیان آزادی‌خواه منطبق شده است.

همان‌طور که چند سال پیش یک انقلاب دموکراتیک به‌مراتب دشوارتر بود، امروز شرایط متفاوت است و نوعی «باد موافق» وجود دارد؛ چراکه شاید برای نخستین بار منافع غرب و منافع ایرانیان آزادی‌خواه تا حدی بر هم

به یاد هوشنگ انصاری، صنعتگر برجسته، وزیر دارایی پیشین ایران



هوشنگ انصاری

در سال ۲۰۰۴، دانشگاه کرنل به افتخار کمک ۱۵ میلیون دلاری او و همسرش شهلا، «مرکز انصاری» را برای درمان‌های سلول‌های بنیادی بنیان گذاشت. در سال ۲۰۰۷، خانواده انصاری با ۲.۸ میلیون دلار سرمایه اولیه، به گسترش مجموعه هنر اسلامی موزه هنرهای زیبای هیوستون یاری رساندند و در سال ۲۰۱۳ نیز این بنیاد پشتیبان نمایشگاه «استوانه کوروش» در موزه متروپولیتن نیویورک بود. او طی سال‌ها، حمایت‌های مالی چشمگیری نیز از نهادها و نامزدهای حزب جمهوریخواه به عمل آورد. او عضو «کمیته ملی مالی» کارزار انتخاباتی بوش-چنی در سال ۲۰۰۴ بود و به عنوان متولی «بنیاد کتابخانه ریاست جمهوری جرج ایچ. دبلیو. بوش» نیز فعالیت داشت. «گالری تاریخ آمریکا انصاری» در کتابخانه و موزه ریاست جمهوری جرج ایچ. دبلیو. بوش به افتخار او نامگذاری شده است.

انصاری نشان «مدال افتخار الیس آلیند» که به افرادی اعطا می‌شود که نمونه‌ای از رهبری برجسته و پایبندی به آرمان‌های آمریکایی باشند و نیز «جایزه وودرو ویلسون» را به پاس خدماتش در تقویت تفاهم بین‌المللی و خدمت عمومی دریافت کرد.

در سال ۲۰۱۳، «مؤسسه سیاست عمومی بیکر» جایزه «جیمز ای. بیکر سوم برای تعالی در رهبری» را به او اعطا کرد. افتخاری که به پاس خدمات برجسته‌اش در عرصه خدمات عمومی و نیز رهبری او در حوزه‌های بازرگانی و مناسبات بین‌المللی اهدا شد.

انصاری در سال ۲۰۱۷ نیز جایزه «مهاجران بزرگ» را که به شهروندان مقیم ایالات متحده، به پاس دستاوردهای برجسته و خدمات ماندگارشان به جامعه آمریکا، تعلق می‌گیرد، را از «بنیاد کارنگی نیویورک» دریافت کرد.

منبع: کیهان لایف
ترجمه: کیهان لندن

سفیر ایران در ایالات متحده (۱۹۶۷-۱۹۶۹)، وزیر اطلاعات و جهانگردی (۱۹۷۱-۱۹۷۴)، وزیر امور اقتصادی و دارایی (۱۹۷۴-۱۹۷۷) و سرانجام مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران (۱۹۷۷-۱۹۷۸). او از مدیرانی بود که به کارآمدی اجرایی، ارتباطات بین‌المللی و نگاه توسعه محور شهره شد و در بزنگاه‌های اقتصادی کشور نقش آفرینی کرد.

پس از انقلاب ۱۳۷۹، انصاری به همراه همسرش مریم پناهی انصاری و دو فرزندشان، نینا و نادر، راهی ایالات متحده شد. این ازدواج بعدها به جدایی انجامید و او سپس با شهلا ناظمیان پیوند زناشویی بست.

او در سال ۱۹۸۶ تابعیت آمریکا را به دست آورد و فصل تازه‌ای از زندگی حرفه‌ای خود را در قالب کارآفرینی و سرمایه‌گذاری در بخش انرژی بنا نهاد. بنیانگذاری «گروه پارمن» در هیوستون و سرمایه‌گذاری در حوزه‌های گوناگون از تجهیزات میداین نفتی و املاک تا منسوجات، تجارت بین‌الملل و صنایع تفریحی، پایه‌های ثروت و نفوذ اقتصادی او را استوار ساخت.

انصاری در سال ۱۹۹۷ مدیرعامل شرکت بین‌المللی «آی‌آرای» تولیدکننده تجهیزات میداین نفتی شد، اما نقطه عطف کارآفرینی او خرید و هدایت شرکت «استوارت اند استیونسون» در سال ۲۰۰۵ بود. شرکتی پیشرو در تولید تجهیزات سفارشی برای تولید برق، سامانه‌های فشرده‌سازی و کاربردهای نظامی که جایگاه او را در صنایع انرژی و تجهیزات دفاعی بطور محسوسی ارتقا داد.

او همچنین از نیکوکاران برجسته و اثرگذار به شمار می‌رفت. وی از طریق «بنیاد انصاری» که در سال ۱۹۹۸ بنیان نهاد، منابع قابل توجهی را به نهادهای پزشکی، فرهنگی و آموزشی، از جمله دانشکده پزشکی ویل کورنل، مؤسسه قلب تگزاس و سازمان سیاست عمومی جیمز ای. بیکر سوم اختصاص داد و نیز هزینه بورسیه‌های تحصیلی در دانشگاه‌های «ای اند ام»، «هاروارد» و «تگزاس» را تأمین کرد.

● هوشنگ انصاری، صنعتگر و سرمایه‌گذار نامدار و از مدیران برجسته ایران در دهه‌های پیش از انقلاب، که مسئولیت‌هایی چون وزارت امور اقتصادی و دارایی، سفارت ایران در ایالات متحده و مدیریت عامل شرکت ملی نفت ایران را بر عهده داشت، در چهارم ژانویه ۲۰۲۵، در هیوستون در ایالات متحده، چشم از جهان فرو بست.

● سفیر ایران در ایالات متحده (۱۹۶۷-۱۹۶۹)، وزیر اطلاعات و جهانگردی (۱۹۷۱-۱۹۷۴)، وزیر امور اقتصادی و دارایی (۱۹۷۴-۱۹۷۷) و سرانجام مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران (۱۹۷۷-۱۹۷۸). او از مدیرانی بود که به کارآمدی اجرایی، ارتباطات بین‌المللی و نگاه توسعه محور شهره شد و در بزنگاه‌های اقتصادی کشور نقش آفرینی کرد.

● او در سال ۱۹۸۶ تابعیت آمریکا را به دست آورد و فصل تازه‌ای از زندگی حرفه‌ای خود را در قالب کارآفرینی و سرمایه‌گذاری در بخش انرژی بنا نهاد. بنیانگذاری «گروه پارمن» در هیوستون و سرمایه‌گذاری در حوزه‌های گوناگون از تجهیزات میداین نفتی و املاک تا منسوجات، تجارت بین‌الملل و صنایع تفریحی، پایه‌های ثروت و نفوذ اقتصادی او را استوار ساخت.

● او همچنین از نیکوکاران برجسته و اثرگذار به شمار می‌رفت. وی از طریق «بنیاد انصاری» که در سال ۱۹۹۸ بنیان نهاد، منابع قابل توجهی را به نهادهای پزشکی، فرهنگی و آموزشی، از جمله دانشکده پزشکی ویل کورنل، مؤسسه قلب تگزاس و سازمان سیاست عمومی جیمز ای. بیکر سوم اختصاص داد و نیز هزینه بورسیه‌های تحصیلی در دانشگاه‌های «ای اند ام»، «هاروارد» و «تگزاس» را تأمین کرد.

نازنین نوری - هوشنگ انصاری، صنعتگر و سرمایه‌گذار نامدار و از مدیران برجسته ایران در دهه‌های پیش از انقلاب، که مسئولیت‌هایی چون وزارت امور اقتصادی و دارایی، سفارت ایران در ایالات متحده و مدیریت عامل شرکت ملی نفت ایران را بر عهده داشت، در چهارم ژانویه ۲۰۲۵، در هیوستون در ایالات متحده، چشم از جهان فرو بست.

انصاری در سال ۱۹۲۷ در اهواز، در دل استان نفت‌خیز خوزستان، زاده شد. پدرش که تحصیلات خود را در هند به پایان رسانده بود و به عنوان کارمند بانک فعالیت می‌کرد، از همان آغاز او را به فراگیری زبان انگلیسی ترغیب کرد تا افق‌های پیش روی خود را فراتر از مرزهای ایران بگشاید.

تسلط او بر زبان انگلیسی، سرمایه فرهنگی بود که راه وی را به عنوان مردی جوان به جهان تجارت باز کرد تا بتواند در شرکت‌های خارجی فعال در بازارهای ایران به فعالیت بپردازد.

انصاری سپس به عنوان خبرنگار، تهاجم نیروهای شوروی به شمال ایران را برای «اینترنشنال نیوز سرویس» و دیگر رسانه‌های بین‌المللی پوشش داد. تجربه‌ای که نگاه جهانی و درک ژئوپلیتیک او را شکل داد. سفر به ژاپن و سال‌هایی که در آن کشور زندگی و کار کرد، فصل دیگری از این پرورش بین‌المللی بود. در جریان سفر رسمی پادشاه ایران به ژاپن، مرد جوان مورد توجه قرار گرفت و به دعوت او به خدمت دولت ایران درآمد.

مسیر خدمت دولتی انصاری با شتابی چشمگیر طی شد:

حمایت گسترده ورزشکاران و هنرمندان از اعتراضات سراسری



تحصن بازاریان در برابر مأموران حکومتی، بازار تهران، سه شنبه ۱۶ دی ماه ۱۴۰۴

کریمی، سوسن تسلیمی، کتابون ریاحی و هوتن شکبیا از جمله بازیگرانی هستند که در روزهای از شهروندان معترض حمایت کردند.

علیرضا عصار خواننده و آهنگساز نیز در جریان کنسرتش از اعتراضات مردمی علیه جمهوری اسلامی حمایت کرد و گفت «حق کاملاً و صد درصد با مردم است». این هنرمند تأکید کرد وضعیت امروز ایران نتیجه اقدامات حکومت است.

همایون شجریان خواننده سرشناس اعلام کرده در حمایت از مردم کنسرت‌های پیش‌رو در اروپا را لغو کرده است. او روز دوشنبه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۴ با انتشار مطلبی در روایتگر اینستاگرام خود نوشت: «این روزها، تمان جاغان از آنچه بر مردم این سرزمین می‌گذرد به در آمده است و اندوهگین رنج مردمان بی‌دفاعی هستیم که با خشونت روبه‌رو شده‌اند؛ مردمی که کشته، زخمی یا دستگیر شدند، تنها به‌خاطر آنکه دردهایشان را فریاد کردند... با این حجم از رنج و اندوه، اجرای کنسرت برای من ممکن نیست.»

همایون شجریان افزوده «از سر همدلی و همراهی با هم‌وطنان عزیزم، کنسرت‌های پیش‌رو در اروپا را لغو کردم؛ چرا که اجرای کنسرت در این روزگار تلخ و با احوالی که مردم عزیزمان دارند، برای من مقدور نیست». او در پایان تأکید کرده «سوگوار و هم‌دل شما هم‌وطنان عزیزم هستیم.»

همچنین گوگوش، سوزان روشن، منصور، لیلا فروهر، مرتضی برجسته و سیاوش شمس نیز از جمله خوانندگان ایرانی خارج از کشور هستند که با انتشار متن در شبکه‌های اجتماعی از اعتراضات مردم حمایت کرده‌اند.

علی خامنه‌ای روز شنبه ۱۳ دی ماه ۱۴۰۴ در سخنانی شهروندان معترض را «اغتاشگر» خواند و گفت: «با

اعتراضات مردم حمایت کرده‌اند. برخی از آنها ضمن اعلام حمایت از شهروندان معترض، از «اغتاشگر» خوانده شدن معترضان از سوی علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نیز انتقاد کرده‌اند.

فرزانه نصری سرمربی پیشین تیم‌های فوتبال زنان ذوب‌آهن، الناز رکابی سنگ‌نورد، شادی رضایی مربی پیشین تیم فوتبال زنان پرسپولیس، علیرضا حقیقی دروازه‌بان پیشین تیم ملی فوتبال و باشگاه پرسپولیس، علیرضا نجاتی ملی‌پوش پیشین کشتی فرنگی ایران، علیرضا جهانپخش جیرنده بازیکن تیم ملی فوتبال ایران، سعید کریمی کاپیتان تیم فوتبال ملوان، بختیار رحمانی بازیکن پیشین تیم ملی فوتبال ایران، جواد نکونام بازیکن سابق تیم ملی و مربی فوتبال، مهدی هاشمی نسبت بازیکن سابق تیم ملی فوتبال ایران، مهدی طارمی بازیکن تیم ملی فوتبال، زبیر نیک‌نفس بازیکن پیشین تیم استقلال، ناصر محمدخانی بازیکن پیشین پرسپولیس و تیم ملی فوتبال ایران، شهریار مغانلو بازیکن پیشین تیم فوتبال پرسپولیس، محمدرضا فغانی داور بین‌المللی فوتبال و کمیل قاسمی عضو سابق تیم ملی کشتی ایران از جمله ورزشکارانی هستند که طی روزهای گذشته از اعتراضات مردم حمایت کردند.

سارا شیرینی بازیکن تیم ملی فوتسال زنان ایران، فاطمه گلشن دروازه‌بان تیم خاتون بم، نسترن مقیمی، ملی پوش فوتسال زنان ایران و روژین تهران، بازیکن تیم فوتبال زنان خاتون بم از دیگر زنان ورزشکاری هستند که از اعتراضات سراسری حمایت کرده‌اند.

غزل مرشدی، بازیکن تیم فوتبال زنان پالایش گاز ایلام نیز با انتشار متنی با اشاره به جان‌باختگان اعتراضات نوشته «حاضرم بعدی باشم، ولی آخری باشم.»

هنگامه قاضیانی، آناهیتا همتی، امین حیایی، نیکی

● فرزانه نصری، الناز رکابی، شادی رضایی، علیرضا حقیقی، علیرضا نجاتی، علیرضا جهانپخش جیرنده، سعید کریمی، بختیار رحمانی، جواد نکونام، مهدی هاشمی نسبت، مهدی طارمی، زبیر نیک‌نفس، ناصر محمدخانی، شهریار مغانلو، محمدرضا فغانی و کمیل قاسمی از جمله ورزشکارانی هستند که طی روزهای گذشته از اعتراضات مردم حمایت کردند.

● غزل مرشدی، بازیکن تیم فوتبال زنان پالایش گاز ایلام نیز با انتشار متنی با اشاره به جان‌باختگان اعتراضات نوشته «حاضرم بعدی باشم، ولی آخری باشم.»

● هنگامه قاضیانی، آناهیتا همتی، امین حیایی، نیکی کریمی، سوسن تسلیمی، کتابون ریاحی و هوتن شکبیا از جمله بازیگرانی هستند که در روزهای از شهروندان معترض حمایت کردند.

● علیرضا عصار خواننده و آهنگساز نیز در جریان کنسرتش از اعتراضات مردمی علیه جمهوری اسلامی حمایت کرد و گفت «حق کاملاً و صد درصد با مردم است». این هنرمند تأکید کرد وضعیت امروز ایران نتیجه اقدامات حکومت است.

● همایون شجریان خواننده سرشناس اعلام کرده در حمایت از مردم کنسرت‌های پیش‌رو در اروپا را لغو کرده است.

● گوگوش، سوزان روشن، منصور، لیلا فروهر، مرتضی برجسته و سیاوش شمس نیز از جمله خوانندگان ایرانی خارج از کشور هستند که با انتشار متن در شبکه‌های اجتماعی از اعتراضات مردم حمایت کرده‌اند.

● محمد خاکپور، کاپیتان پیشین تیم ملی فوتبال، نیز در واکنش به «اغتاشگر» خواندن مردم معترض از سوی علی خامنه‌ای نوشت: «می‌شود از مردمی که زیر بار گرانی، بیکاری و ناامنی فردا له می‌شوند انتظار سکوت همیشگی داشت و بعد، صدای آن‌ها را با یک برچسب ساده (اغتاش) خاموش کرد.»

● رضا کیانیان با حمایت از مردم معترض نوشته «مال مردم خور، اغتاشگر است! دزد بیت المال، اغتاشگر است! انحصارگر چه در بازار و چه در سیاست، اغتاشگر است! بازار سیاه درست کن، اغتاشگر است! رانت خوار، اغتاشگر است! اختلاط، اغتاشگر است! مدیر بی سواد و بی تخصص، اغتاشگر است.»

اعتراضات سراسری دی ۴۰۴ روز سه شنبه ۱۶ دی ماه وارد دهمین روز شده است. شماری از هنرمندان و ورزشکاران با حمایت از اعتراضات سراسری با شهروندان معترض اعلام همبستگی کرده و به سرکوب و اغتاشگر خواندن معترضان واکنش نشان دادند.

اعتراضات سراسری دی ۴۰۴ با اعتصاب بازاریان در تهران آغاز و طی روزهای گذشته در حدود ۹۰ شهر در ۲۷ استان ایران گسترش یافته است. شعارهای معترضان از جمله «جاویدشاه»، «این خرین نبرده، پهلوی بر می‌گرده» و «امسال سال خونه، سید علی سرنگونه» به روشنی حکایت از خواست معترضان برای ایجاد تغییری بنیادین در ساختار حکومت و گذر از جمهوری اسلامی دارد.

با وجود فضای سنگین امنیتی و احضار و تهدید شهروندان از سوی نهادهای امنیتی، ده‌ها ورزشکار و هنرمند با انتشار مطالبی در شبکه‌های اجتماعی از

سرکوب معترضان در ایران؛ احتمال مداخله آمریکا علیه جمهوری اسلامی جدی تر شد



نیروی دریایی آمریکا

امنیتی، گزارش‌هایی از کشته‌شدن افراد و بازداشت‌ها در ایران منتشر شده است. دونالد ترامپ اعلام کرده در صورت شلیک به معترضان در ایران، به کمک آن‌ها خواهد آمد. او تأکید کرد: «ما آماده و مسلح هستیم و آماده اقدام» و در مقابل علی خامنه‌ای، گفت که «در برابر دشمن کوتاه نخواهیم آمد». نشریه بریتانیایی «سان» نیز در گزارشی با اشاره به اولتیماتوم دونالد ترامپ درباره دخالت ایالات متحده در صورت کشتار معترضان در ایران، نوشت تعدادی از جت‌های نظامی آمریکا به بریتانیا و آلمان منتقل شده‌اند.

همچنین مجله «فوربس» با اشاره به هشدار ترامپ به جمهوری اسلامی درباره اقدام آمریکا در صورت کشتار و سرکوب معترضان، پیش‌بینی کرد که احتمالاً آمریکا برای زدن ضربه سخت به حکومت ایران، ناو هواپیمابر تئودور روزولت یا آبراهام لینکلن را به منطقه اعزام خواهد کرد.

این مجله با اشاره به محدودیت و مشکلات مربوط به استفاده از سایر ناوها نوشت گزینه محتمل‌تر این است که یواس‌اس تئودور روزولت، که در نوامبر سن‌دیگو را ترک کرد، به سمت منطقه حرکت کند. گزینه دیگر یواس‌اس آبراهام لینکلن است و هر دو پیشتر در میان ناوهایی بوده‌اند که به شکل چرخشی به خاورمیانه اعزام می‌شدند.

در بخش دیگری از این گزارش آمده، نیروی دریایی آمریکا می‌تواند یک ناو هواپیمابر را با شتاب به خاورمیانه بفرستد تا از هر اقدام احتمالی علیه ایران پشتیبانی کند و حتی مشخص کند چگونه حضور یک ناو را در کاراییب حفظ کند، اما در دیگر نقاط با کمبود توان مواجه خواهد شد.

برخی منابع غیررسمی گزارش دادند که شمار هواپیماهای سوخت‌رسان آمریکا و جنگنده‌های و هلی‌کوپترهای تهاجمی آن در منطقه افزایش پیدا کرده است. در ایران نیز گفته می‌شود دوشنبه شب ۱۵ و بامداد سه‌شنبه ۱۵ دی‌ماه تعدادی پادگان و مقر نظامی تخلیه شده است.

● با ادامه سرکوب اعتراضات در ایران، منابع بین‌المللی می‌گویند احتمال حمله نظامی آمریکا به جمهوری اسلامی را جدی‌تر شده است.

● شبکه «اسکای‌نیوز» در گزارشی که دوشنبه شب ۱۵ دی‌ماه ۱۴۰۴ منتشر شد با اشاره به سیاست‌های بین‌المللی دولت ترامپ نوشت پس از بازداشت نیکلاس مادورو رئیس‌جمهوری ونزوئلا احتمال مداخله خارجی آمریکا به‌زودی در نقاطی دیگر از جهان از جمله ایران، کلمبیا، مکزیک یا گرینلند وجود دارد.

● مجله «فوربس» با اشاره به هشدار ترامپ به جمهوری اسلامی درباره اقدام آمریکا در صورت کشتار و سرکوب معترضان، پیش‌بینی کرد که احتمالاً آمریکا برای زدن ضربه سخت به حکومت ایران، ناو هواپیمابر تئودور روزولت یا آبراهام لینکلن را به منطقه اعزام خواهد کرد.

با ادامه سرکوب اعتراضات در ایران، منابع بین‌المللی می‌گویند احتمال حمله نظامی آمریکا به جمهوری اسلامی را جدی‌تر شده است. شبکه «اسکای‌نیوز» در گزارشی که دوشنبه شب ۱۵ دی‌ماه ۱۴۰۴ منتشر شد با اشاره به سیاست‌های بین‌المللی دولت ترامپ نوشت پس از بازداشت نیکلاس مادورو رئیس‌جمهوری ونزوئلا احتمال مداخله خارجی آمریکا به‌زودی در نقاطی دیگر از جهان از جمله ایران، کلمبیا، مکزیک یا گرینلند وجود دارد.

در این گزارش آمده ایران در حال حاضر شاهد بزرگ‌ترین اعتراضات داخلی خود در سه سال گذشته است. جمهوری اسلامی در مقطعی آسیب‌پذیر قرار دارد؛ در حالیکه اقتصاد کشور به‌شدت نابسامان است و فشارهای بین‌المللی رو به افزایش است، حکومت ایران همچنان در تلاش است تا از پیامدهای جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل بپوید. باید در پی درگیری‌های خشونت‌آمیز میان معترضان و نیروهای

معتز حرف می‌زنیم اما با اغتشاشگر حرف‌زدن فایده ندارد؛ اغتشاشگر را باید سر جایش نشانند.»

رهبان جمهوری اسلامی افزود: «اینکه یک عده‌ای تحت عنوان گوناگون نام‌های گوناگون می‌آیند به قصد تخریب به قصد ناامن کردن کشور پشت سر بازاری‌های مؤمن و سالم و انقلابی قرار بگیرند از اعتراض آنها سوءاستفاده کنند اغتشاش کنند اصلاً قابل قبول نیست، مطلقاً.»

شماری از هنرمندان و ورزشکاران به «اغتشاشگر» خوانده شدن شهروندان معترض نیز واکنش نشان دادند. رضا کیانیان هنرپیشه پیشکسوت با انتشار متنی در حساب اینستاگرام خود نوشت: «جوانی که آینده‌ای ندارد، معترض است. کاسبی که کاسبی ندارد، معترض است. کسی که کار ندارد، معترض است. پدری که توانایی فراهم کردن نان خانواده را ندارد، معترض است. مادری که خرجی خانه ندارد، معترض است. کارمندی که خرج اش با دخلش نمی‌خواند، معترض است. متخصصی که از تخصص اش بهره برده نمی‌شود، معترض است. هنرمندی که شوراهای گوناگون جلوی کارش را می‌گیرند، معترض است.»

رضا کیانیان در ادامه نوشت: «اما، مال مردم خور، اغتشاشگر است! دزد بیت المال، اغتشاشگر است! انحصارگر چه در بازار و چه در سیاست، اغتشاشگر است! بازار سیاه درست کن، اغتشاشگر است! رانت خوار، اغتشاشگر است! اختلاط، اغتشاشگر است! مدیر بی سواد و بی تخصص، اغتشاشگر است.»

رضا کیانیان در پایان تأکید کرد: «معتز معمولاً و از سر ناچاری به خیابان می‌آید تا صدایش شنیده شود ولی اغتشاشگر می‌تواند در جای امن پنهان شود.»

بهمن طبیبی، کشتی‌گیر پیشین تیم ملی کشتی آزاد ایران نیز با انتشار یک پست اینستاگرامی نوشت: «دیگر نمی‌توانید به این مردم معترض انگ خیانت و اغتشاشگر بزنید درد این مردم مشترک است.»

محمد طلایی، مربی سابق تیم کشتی آزاد ایران، نیز نوشت: «فریادی که از سر فقر بلند می‌شود، اغتشاش نیست، به ستوه آمدن است». طلایی همچنین با تأکید بر پیشینه تاریخی مردم ایران افزود: «به ستوه آمدن مردمی که یک تاریخ پشت این سرزمین ایستادن و خاک و ناموس به اجنبی ندادند. حرمت این مردم را نگه دارید.»

محمد خاکپور کاپیتان پیشین تیم ملی نیز در واکنش به «اغتشاشگر» خواندن مردم معترض از سوی علی خامنه‌ای نوشت: «می‌شود از مردمی که زیر بار گرانی، بیکاری و ناامنی فردا له می‌شوند انتظار سکوت همیشگی داشت و بعد، صدای آن‌ها را با یک برچسب ساده (اغتشاش) خاموش کرد. مردم این سرزمین نه دنبال آشوب‌اند و نه دشمن زندگی آرام. اما وقتی فشار اقتصادی، بی‌عدالتی مزمن و تحقیر ناعادلانه سال‌ها روی زندگی مردم انباشته می‌شود، اعتراض یک انتخاب سیاسی نیست؛ واکنش طبیعی انسان تحت فشار است.»

محمد خاکپور نوشت: «در این میان، مردمی که بی‌دفاع به خیابان می‌آیند نه سلاح دارند و نه تربیون؛ فقط صدا دارند. خاموش کردن صدا با زور، با گلوله، با باتوم، یا با ترس، نه مسئله را حل می‌کند و نه زخم را کوچک‌تر.»

سرمرربی پیشین تیم ملی زیر ۲۳ سال در پایان نوشت: «اعتراض، اگر شنیده نشود، از بین نمی‌رود؛ فقط به درد عمیق‌تری تبدیل می‌شود. مسئله سیاست نیست. مسئله زندگی و کرامت مردمی‌ست که زیر فشار خم شده‌اند و حق دارند بدون ترس، دیده و شنیده شوند.»

پرونده سانچی همچنان «باز» است؛ برگ دیگری از کارنامه ننگین و فرافکنی‌های کثیف جمهوری اسلامی



● روز شنبه ۱۶ دی ۱۳۹۶ بود که کشتی نفتکش سانچی جمهوری اسلامی در نزدیک سواحل چین و در پی آنچه برخورد با کشتی باربری چینی «کریستال» عنوان شد همراه با خدمه آن در دل آب میان آتش سوخت.

● پس از چند روز اعلام شد که تمامی ۳۲ خدمه سانچی، شامل ۳۰ ایرانی و دو خدمه بنگلادشی، جان باخته‌اند.

● سه سال بعد در اسفند ۱۳۹۹ گواهی درگذشت ۹ نفر از خدمه نفتکش سانچی با حکمی از سوی دادگاه لغو شد. این حکم به معنای در دست بودن اسناد معتبری برای زنده بودن یا در رد کشته شدن این ۹ دریانورد بوده است. ● امروز ۹ سال از آن واقعه گذشته است. هنوز این پرونده باز است، تعدادی از خانواده‌های سرنشینان سانچی باور ندارند که عزیزانشان جان باخته‌اند.

● در ۱۸ فروردین ماه ۱۴۰۳ پدر یکی از کارکنان نفتکش «سانچی» در مصاحبه با وبسایت «انصاف نیوز» ادعا کرده بود که احتمالاً در کشتی محموله‌ای وجود داشت که برای کره شمالی ارسال می‌شد. عبدالله عبدالحی، گفته بود با مدارک متقن به این نتیجه رسیده که فرزندان‌شان زنده و در ایران زندانی‌اند.

● در ۲۴ دی ماه ۱۴۰۱ علی هریسچی که وکالت گروهی از خانواده‌های خدمه کشتی سانچی را برعهده دارد در پنجمین سالگرد غرق شدن این کشتی اعلام کرده بود به اسنادی دست یافته که نشان می‌داد ۲۲ خدمه سانچی زنده هستند و پس از آتش گرفتن این نفتکش، چند هفته در بازداشت نیروهای ایران بودند و سازمان اطلاعات سپاه (ساس) نیز بازداشت آنها را به اطلاع علی خامنه‌ای رسانده بوده است.

فیروزه نوردستروم - روز شنبه ۱۶ دی ۱۳۹۶ بود که کشتی نفتکش سانچی جمهوری اسلامی در نزدیک سواحل چین و در پی آنچه برخورد با کشتی باربری چینی «کریستال» عنوان شد همراه با خدمه آن در دل آب میان آتش سوخت. پس از چند روز اعلام شد که تمامی ۳۲ خدمه سانچی، شامل ۳۰ ایرانی و دو خدمه بنگلادشی، جان باخته‌اند.

سه سال بعد در اسفند ۱۳۹۹ گواهی درگذشت ۹ نفر از خدمه نفتکش سانچی با حکمی از سوی دادگاه لغو شد. این حکم در حالی که شرکت ملی نفتکش را موظف به برقراری حقوق و مزایای آنان کرد، به معنای در دست بودن اسناد معتبری برای زنده بودن یا در رد کشته شدن این ۹ دریانورد بوده است.

حالا ۹ سال از آن واقعه گذشته است. هنوز این پرونده باز است، تعدادی از خانواده‌های سرنشینان سانچی باور ندارند که عزیزانشان جان باخته‌اند. در دی ماه ۱۴۰۱ بر اساس اعلام وکیل برخی خانواده‌ها، طبق حکم قطعی دادگاه، گواهی فوت ۹ نفر از سرنشینان سانچی ابطال و شرکت ملی نفتکش موظف به برقراری حقوق و مزایای آنان شده است. معنای حکم دادگاه این بود که از نظر قانون، ۹ دریانورد سانچی زنده‌اند.

آخرین وضعیت پرونده شکایت تعدادی از خانواده‌های خدمه سانچی به دی ماه ۱۴۰۳ بازمی‌گردد.

وکیل تعدادی از خانواده‌های خدمه سانچی درباره آخرین وضعیت پرونده آن زمان به خبرگزاری «ایلنا» گفته بود که

پرونده‌ای در دیوان عالی کشور در حال بررسی است. احمد ذاکری با بیان اینکه این پرونده دوبار حکم گرفته شده است اضافه کرده بود: «یک بار حکم مفقودالثر بودن خدمه کشتی سانچی گرفته شد البته مربوط به کسانی بود که من وکیل‌شان بودم، من وکیل خانواده ۱۰ نفر از خدمه سانچی بودم که یک نفر فوت شده بود، اما ۹ نفر دیگر طرح شکایت کردند».

وی با اشاره به صدور گواهی فوت برای خدمه کشتی گفته بود: «حکمی که صادر شده، مربوط به صدور گواهی فوت و واقعه فوت خدمه است که پس از غرق شدن کشتی در سال ۹۶، از اواخر ۹۶ تا ۹۷ توسط شرکت نفتکش و وزارت کار پیگیری شده بود. البته از ۳۰ نفر خدمه، فقط سه پیکر پیدا شد و ۲۷ نفر دیگر مفقود بودند. بر همین اساس، حقوق خانواده‌های خدمه قطع شد و هیچ پرداختی به آن‌ها انجام نمی‌شد. به غیر از این ۹ نفر سایر خانواده‌ها رضایت دادند که حقوق مستمری و فوت خدمه به این‌ها پرداخت شود اما آن ۹ خانواده رضایت ندادند و پس از صدور حکم هم هیچ اقدامی برای پرداخت حقوق و مزایای این خانواده‌ها انجام نشد. اکنون که به سال هفتم می‌رسیم و ۶ سال از این واقعه می‌گذرد، این ۹ خانواده چون معتقدند که همسران و فرزندان‌شان زنده هستند زیر بار نرفتند و همچنان در انتظار هستند».

ذاکری با بیان اینکه برای تامین هزینه‌ها در همان ابتدا که کشتی غرق شد مقداری پول به خانواده‌ها برای برگزاری مراسم و مواردی از این قبیل داده شد اضافه کرده بود: «حق و حقوقی که به دیگران داده می‌شود به این ۹ خانواده پرداخت نشده. در این واقعه ۳ نفر فوت شده تکلیف‌شان مشخص و حق و حقوقشان برقرار بود. از ۲۷ نفر مفقودی این حادثه در اوایل سال ۹۷ از طریق ثبت احوال، بدون کسب اجازه از خانواده‌ها دلایلی آوردند که بر اساس

آن گفتند تمامی خدمه فوت شده‌اند و گواهی فوت هم صادر شد شناسنامه‌های آن‌ها باطل شده و فوت قطعی برای آن‌ها ثبت شد در حالیکه این اقدام خلاف قانون بود.» ذاکری تأکید کرده بود: «در صورتی که وضعیت خدمه مشخص نباشد، طبق قانون، باید حداقل سه سال صبر می‌کردند و سپس درخواست فوت فرضی ارائه می‌دادند اما در این مورد، فوت قطعی صادر شد. این فرآیند با توجه به شیوع کرونا هم یک سال به طول انجامید و بهمن سال ۹۹، رأی دادگاه به نفع خانواده‌ها صادر شد که مشخص شد خدمه این ۹ خانواده مفقودالثر هستند، این رأی قطعی شد. سال بعد، یعنی در سال ۱۴۰۰، آن‌ها مجدداً اعتراض کردند و نزدیک به یک سال دیگر طول کشید تا شعبه ۱۱۵ دوباره به نفع خانواده رأی دهد و این رأی در مجتمع شهید قدوسی تهران تأیید شد.»

وکیل خانواده خدمه سانچی گفته بود: «برای همه خانواده‌ها گواهی فوت صادر شده بود اما ۹ نفر شکایت کردند و این حکم باطل شد اما برای سایر خانواده‌ها که گواهی فوت صادر شده بود حدود ۱۲۰ تا ۱۲۵ هزار دلار دیه همان سال ۹۷ گرفتند و مستمری هم به خانواده‌های آن‌ها پرداخت می‌شود. این مستمری به عنوان حقوق فوت خدمه محسوب می‌شود. اما برای این ۹ نفر هیچ حق و حقوقی در نظر گرفته نشد البته هدایایی پرداخت شد مثل هزینه پرداخت مراسم ختم اما حقوق به آن‌ها پرداخت نشده. البته شرکت ملی نفتکش به حکم صادر شده اعتراض کرد و این موضوع یک سال دیگر به طول انجامید. در اردیبهشت ۱۴۰۲، حکم جدیدی صادر شد. ما به‌طور مکرر با مسئولین صحبت می‌کردیم و آن‌ها بهانه‌هایی می‌آوردند و می‌گفتند که شما خودتان این حق را قطع کرده‌اید و آن‌ها هم زیر بار نرفته‌اند که حقوق خدمه را پرداخت کنند و در نهایت، این موضوع هنوز حل نشده باقی مانده است.»

آغاز یک پایان؛ از زلزله فرهنگی تا فروپاشی ساختاری



برای یک شهروند طبقه متوسط، این یعنی هزینه زندگی به دیواری غیرقابل عبور بدل شده است.

تغییر دموگرافیک: بازگشت بازار به صحنه

شاید مهم‌ترین شاخص لرزان بودن پایه‌های نظام، مشارکت طبقه بازرگان و کسبه است. برای نخستین بار پس از انقلاب ۱۳۵۷، بازار بزرگ تهران و بازاریان در بیش از ۱۰۰ شهر، اعتصابات هماهنگی را رهبری کرده‌اند. به طور تاریخی، بازار یکی از ستون‌های ثبات جمهوری اسلامی بود؛ حتی در سال ۲۰۲۲ نیز بسیاری از مغازه‌داران برای حفظ معیشت خود سکوت کردند.

در سال ۲۰۲۶، محاسبات تغییر کرده است. به دلیل نوسانات شدید ارزی - و رسیدن قیمت دلار به رکورد تاریخی ۱.۴۶ میلیون ریال - بازرگانان دیگر قادر به قیمت‌گذاری کالاهای خود نیستند. بستن مغازه دیگر صرفاً یک اعتراض نیست؛ بلکه ضرورتی برای بقاست. وقتی بازار به دانشجویان، کارگران و تهیدستان می‌پیوندد، نظام «اکثریت خاموش» خود را که زمانی حایلی در برابر انقلاب کامل بود، از دست می‌دهد.

«فاکتور مادورو» و روان‌شناسی خیابان

بافتار جهانی، «روان‌شناسی خیابان» را تغییر داده است. دستگیری نیکلاس مادورو توسط نیروهای آمریکایی در ونزوئلا در ۳ ژانویه ۲۰۲۶ (عملیات اراده مطلق)، امواج شوک‌آوری را به بدنه امنیتی ایران وارد کرد. برای نخستین بار، «شکست‌ناپذیری» ائتلاف جهانی ضد غرب به طور ملموسی سوراخ شده است.

قدرت گرفتن شعارهای پادشاهی‌خواهانه و فراخوان برای بازگشت سلسله پهلوی، نشان‌دهنده عبور قطعی از امیدهای «اصلاح‌طلبانه» است. مردم دیگر خواستار

عرفان نوربخش - در زمستان ۲۰۲۶، خیابان‌های ایران به صحنه تقابلی بدل شده‌اند که به‌طور بنیادین با ناآرامی‌های دوره‌ای دهه گذشته تفاوت دارد. اگر جنبش «زن، زندگی، آزادی» در سال ۲۰۲۲ زلزله‌ای فرهنگی و اخلاقی بود که مشروعیت ایدئولوژیک نظام را درهم شکست، قیام کنونی ۲۰۲۵-۲۰۲۶ نمایانگر مرحله‌ای از فروپاشی ساختاری است. حتی اگر دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی بتواند این موج خاص از تظاهرات را با تکیه بر قدرت عریان «دولت پادگانی» مهار کند، اجماع ژئوپلیتیک و اقتصادی که این نظام را برای نزدیک به پنج دهه سرپا نگه داشته بود، تبخیر شده است. رژیم ممکن است در این نبرد پیروز شود، اما جنگ را از پیش باخته است.

طوفان کامل: بقای اقتصادی در برابر آزادی اجتماعی

محرك ناآرامی‌های کنونی نه یک ناراضیاتی اجتماعی واحد، بلکه «طوفانی کامل» از فرسودگی اقتصادی است. در سال ۲۰۲۲، جان باختن مهسا امینی آتش اعتراضاتی را برافروخت که محور آن خودمختاری بدن و آزادی‌های مدنی بود و عمده‌تاً توسط نسل زد و زنان رهبری می‌شد. امروز اما، این جنبش ناشی از استیصال مطلق «اعتراض نان» است.

تا اواخر ۲۰۲۵، اقتصاد ایران به مرحله‌ای بحرانی وارد شد. نرخ تورم به ۴۸.۶ درصد جهش کرد و ریال ایران، پس از جنگ ویرانگر ۱۲ روزه با اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵، عملاً سقوط کرد. آن درگیری - که با حملات هدفمند به زیرساخت‌های هسته‌ای و سامانه‌های پدافند هوایی ایران همراه بود - در سپتامبر همان سال با فعال‌شدن «مکانیسم ماشه» و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی ادامه یافت. این اقدام از سوی سه کشور اروپایی (بریتانیا، فرانسه و آلمان) همه تحریم‌های سازمان ملل پیش از ۲۰۱۵ را احیا کرد و آخرین شریان‌های مالی قانونی باقی‌مانده رژیم را قطع کرد.

اما در ۱۸ فروردین‌ماه ۱۴۰۳ پدر یکی از کارکنان نفتکش «سانچی» در مصاحبه با وبسایت «انصاف نیوز» ادعا کرده بود که احتمالاً در کشتی محموله‌ای وجود داشت که برای کره‌شمالی ارسال می‌شد.

عبداله عبدالمی، گفته بود با مدارک متقن به این نتیجه رسیده که فرزندان‌شان زنده و در ایران زندانی‌اند.

او گفته بود اداره اطلاعات استان فارس پس از ۱۴ ماه تحقیق و بررسی، گزارشی در ۱۷ صفحه نوشته و به تهران ارسال کرد اما متأسفانه اجازه نمی‌دهند این گزارش روی پرونده قرار بگیرد.

به گفته وی از کشتی چینی هیچکس کشته نشد، جعبه سیاه سانچی را درنیاوردند، ایران از کشتی چینی شکایت نکرد چون نمی‌توانست ثابت کند خدمه سانچی از بین رفته‌اند.

کاپیتان شهرام فرحید مدیر بازرگانی شرکت ملی نفتکش ایران نیز پیش از این گفته بود، «صدها ساعت بررسی و همچنین اطلاعات جعبه سیاه کشتی سانچی، بیانگر این است که امکان زنده ماندن خدمه شجاع این کشتی وجود نداشته و این عزیزان در همان لحظات اولیه بر اثر استنشاق دود ناشی از گازهای سمی جان خود را از دست داده‌اند».

اما در ۲۴ دی‌ماه ۱۴۰۱ علی هریسچی که وکالت گروهی از خانواده‌های خدمه کشتی سانچی را برعهده دارد در پنجمین سالگرد غرق شدن این کشتی اعلام کرده بود به اسنادی دست یافته که نشان می‌داد ۲۲ خدمه سانچی زنده هستند و پس از آتش گرفتن این نفتکش، چند هفته در بازداشت نیروهای ایران بودند و سازمان اطلاعات سیاه (ساس) نیز بازداشت آنها را به اطلاع علی خامنه‌ای رسانده بوده است.

هریسچی تأکید کرده بود جمهوری اسلامی از طریق سانچی یک محموله سُرّی را به کره شمالی فرستاده بود و بر اساس اسناد، رهبر کره شمالی طی نامه‌ای از علی خامنه‌ای به خاطر ارائه محموله سانچی تشکر کرد.

در همان زمان پدر سجاد عبدالمی از احتمال زنده بودن سرنشینان خبر داده و به وبسایت «انصاف نیوز» گفته بود: «مدارکی وجود دارد که ثابت می‌کند سرنشینان کشتی حداقل ۱۵ دقیقه وقت داشته و در این مدت طبق دستورالعمل‌هایی که از قبل می‌دانستند، عمل کردند».

رضا عبدالمی وکیل خانواده‌های سانچی نیز گفته بود: «اگر طبق ادعای آقایان بچه‌ها در کشتی بوده و کشتی غرق شده است، چگونه سیم‌کارت‌های‌شان جابجا می‌شود؟ من فایلی در اختیار دارم که تغییرات نقطه به نقطه سیم‌کارت بچه‌ها را نشان می‌دهد».

وی تأکید کرده بود: «شرکت ملی نفتکش اصرار عجیبی دارد که همه بچه‌ها در کشتی بوده‌اند و در همان لحظات اول هم فوت کرده‌اند. قبول، کشتی را از آب بیرون بیاورند؛ اگر یک کیلو استخوان هم پیدا شد، ما می‌پذیریم که همه بچه‌های‌مان در کشتی فوت کرده‌اند».

حادثه نفتکش سانچی همچنان با ابهامات زیادی روبروست و بازماندگان قربانیان آن با بیم و امید نسبت به زنده بودن عزیزانشان روزگار می‌گذارند بدون اینکه نهاد مطمئن و پاسخگویی وجود داشته باشد.

این حادثه بار دیگر کارنامه تاریک و ننگین بی‌کفایت‌ها و دروغ‌گویی‌های سیستماتیک مقامات جمهوری اسلامی را سیاه‌تر از گذشته به نمایش گذاشت، همانطور که در همین چند سال گذشته مردم ایران فجایعی نظیر متروپل آبادان، پلاسکوی تهران، سرنوشتی هواپیمای اوکراینی و ده‌ها فاجعه دیگر را به چشم خود دیدند و جمهوری اسلامی نه تنها در مهار و مدیریت این وقایع عاجز بوده است بلکه هر بار با دروغ‌هایش سعی در پنهان‌کاری و لاپوشانی داشته است.

دونالد ترامپ در مصاحبه با فاکس نیوز: خامنه‌ای به دنبال خروج از ایران است



دونالد ترامپ

● رئیس جمهوری آمریکا پنجشنبه ۸ ژانویه (۱۸ دی ۱۴۰۴) در مصاحبه با شبکه «فاکس نیوز» تاکید کرد که ممکن است جمهوری اسلامی در حال فروپاشی باشد.

● مجری شبکه سپس به گزارش‌های منتشر شده پرسید که آیا شنیده‌اید که علی خامنه‌ای حالا یک برنامه جایگزین برای رفتن به روسیه دارد؟ رئیس جمهوری آمریکا پاسخ داد «بله، در مقطعی. او به دنبال این است که به جایی برود».

● ترامپ همچنین در پاسخ به این پرسش که آیا به نظر او جمهوری اسلامی در آستانه فروپاشی قرار دارد؟ گفت: «خب، ممکن است این‌طور باشد. منظورم این است که کاری که آن‌ها در گذشته کرده‌اند این بوده که شروع کرده‌اند به تیراندازی شدید به مردم؛ و ناگهان مردمی که هیچ سلاحی ندارند ایستاده‌اند و با مسلسل به آن‌ها شلیک می‌شود. یا آن‌ها را به زندان می‌برند و بعد اعدام می‌کنند و می‌کشند. بنابراین برخوردشان (جمهوری اسلامی) بسیار خشن است».

● ترامپ افزود: «من گفتم اگر این کار را نکنند، ما ضربه بسیار سختی به آن‌ها وارد می‌کنیم. خیلی سخت. ما آماده انجام آن هستیم. اگر این کار را نکنند، به آن‌ها [جمهوری اسلامی] ضربه می‌زنیم».

رئیس جمهوری آمریکا پنجشنبه ۸ ژانویه (۱۸ دی ۱۴۰۴) در مصاحبه با شبکه «فاکس نیوز» تاکید کرد که ممکن است جمهوری اسلامی در حال فروپاشی باشد.

شان هنتی مجری برنامه از دونالد پرسید: «آیا

ماند تا مانع از بهره‌برداری رژیم از روایت «عامل خارجی» شود.

۲. اهرم انرژی: اپوزیسیون باید یک «کابینه سایه انرژی» ارائه دهد و طرحی برای بازار نفت پایدار و پسا تحریم پیشنهاد کند که با منافع معاملاتی جهانی همخوانی داشته باشد.

۳. قدرت کارگری: با حمایت از اعتصابات در بخش انرژی (خوزستان)، اپوزیسیون اهرم نفت را به جای سپاه، در دستان مردم قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری

تظاهرات سال ۲۰۲۲ حجاب اجباری را از واقعیت بسیاری از خیابان‌های ایران حذف کرد. قیام ۲۰۲۶ تلاش است تا خود نظام را حذف کند. چه این دور از تظاهرات به فروپاشی کامل منجر شود و چه به یک کودتای نظامی ناامیدانه، یک چیز قطعی است: جمهوری اسلامی به عنوان

جمهوری اسلامی بهتر نیستند؛ آن‌ها خواستار جایگزین آن هستند.

تکامل تاکتیکی: تمرکززدایی و استیصال

جنبش ۲۰۲۶ استراتژی تمرکززدایی را در پیش گرفته که نیروهای بسیج و سپاه پاسداران را مستهلک کرده است. اعتراضات دیگر محدود به مراکز بزرگی مانند تهران یا اصفهان نیست؛ بلکه به بیش از ۱۰۸ شهر، از جمله پایگاه‌های روستایی در استان‌های غربی و شرقی گسترش یافته است.

در نشانه‌ای از استیصال فزاینده، گزارش‌های ۵ تا ۷ ژانویه حاکی از آن است که نیروهای امنیتی یورش به بیمارستان‌ها در ایلام و کرمانشاه را آغاز کرده‌اند. رژیم با ورود به مراکز درمانی برای بازداشت معتضان مجروح، یکی از آخرین خط قرمزهای اجتماعی را زیر پا گذاشته که منجر به بیزاری بیشتر کادر درمان و خانواده‌های

ویژگی	جنبش ۲۰۲۲ (زن، زندگی، آزادی)	قیام ۲۰۲۵-۲۰۲۶	ویژگی
محرك اصلی	حقوق اجتماعی/مدنی (حجاب)	بقای اقتصادی (تورم/ریال)	محرك اصلی
طبقه پیشرو	دانشجویان و زنان (طبقه متوسط)	بازاریان، کارگران و تهیدستان	طبقه پیشرو
گستره جغرافیایی	شهرهای بزرگ	بیش از ۱۰۸ شهر (شامل مناطق روستایی)	گستره جغرافیایی
سیاست خارجی	اولویت ثانویه	درون‌مایه اصلی (پایان بودجه نیابتی‌ها)	سیاست خارجی
واکنش نظام	نیروی مرگبار فوری	«گفتگو»ی اولیه و سپس یورش‌های سپاه	واکنش نظام

آسیب‌دیده شده است.

«لحظه یلتسین» و سد حفاظتی سپاه

به عنوان یک مقایسه تاریخی، بسیاری از تحلیلگران به کودتای اوت ۱۹۹۱ در اتحاد جماهیر شوروی اشاره می‌کنند. آن نظام زمانی سقوط کرد که ارتش از شلیک به مردم خود خودداری کرد. در ایران ۲۰۲۶، ما شاهد اولین ترک‌ها هستیم: دستگاه سرکوب قاطعیت گذشته را از خود نشان نمی‌دهد.

با این حال، یک «سد حفاظتی» کلیدی وجود دارد. برخلاف ارتش سرخ شوروی، سپاه پاسداران مالک تقریباً ۵۰ درصد از اقتصاد ایران است. در سال ۱۹۹۱، ژنرال‌های شوروی چیزی جز درجه‌شان برای از دست دادن نداشتند؛ در سال ۲۰۲۶، سرداران سپاه دارایی‌هایی به ارزش میلیاردها دلار در خطر دارند. این امر نشان می‌دهد که «ضربه نهایی» ممکن است یک گذار دموکراتیک تمیز نباشد، بلکه یک کودتای نظامی توسط سپاه با هدف به حاشیه راندن روحانیت و حفظ امپراتوری تجاری‌شان - مدلی شبیه به یک «دولت پادگانی» - باشد.

مسیر پیش رو: اپوزیسیون استراتژیک

اگر دولت ایالات متحده تحت ریاست دونالد ترامپ سیاست معاملاتی «اول نفت» را دنبال کند، اپوزیسیون ایران با مسیر دشواری روبرو خواهد شد. برای جلوگیری از به حاشیه رانده شدن، اپوزیسیون باید از وضعیت «دادخواه» به یک «شریک استراتژیک» تغییر موضع دهد:

۱. مالکیت ملی: جنبش باید «تحت رهبری ایرانیان» باقی

یک بلوک ایدئولوژیک باثبات، مرده است. هزینه حفظ وضع موجود، اکنون از هزینه گذار فراتر رفته است.

منابع

۱. خبرگزاری هرانا (۱۴۰۴). گزارش آماری از وضعیت بازداشت‌ها در اعتراضات دی ماه و یورش به مراکز درمانی. [بازیابی در ۱۸ دی ۱۴۰۴].
۲. رادیو فردا (۱۴۰۴). بررسی تبعات اقتصادی بازگشت تحریم‌های سازمان ملل (اسنپ‌ک) بر معیشت شهروندان. [منتشر شده در ۱۵ مهر ۱۴۰۴].
۳. ایران اینترنشنال (۱۴۰۴). گزارش میدانی از تعطیلی بازار بزرگ تهران و اعتصاب کسبه در بیش از ۱۰۰ شهر ایران. [منتشر شده در ۱۶ دی ۱۴۰۴].
۴. بی‌بی‌سی فارسی (۱۴۰۴). تحلیل تقابل نظامی ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل و تأثیر آن بر سقوط ارزش ریال. [منتشر شده در تیرماه ۱۴۰۴].
۵. وب‌سایت خبری کلمه (۱۴۰۴). بیانیه فعالان مدنی در محکومیت یورش به بیمارستان‌های ایلام و کرمانشاه. [منتشر شده در ۱۷ دی ۱۴۰۴].
۶. دویچه‌وله فارسی (۱۴۰۴). فاکتور و نزول: چگونه سقوط مادورو بر انگیزه معتضان ایرانی تأثیر گذاشت؟ [منتشر شده در ۱۴ دی ۱۴۰۴].
۷. ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر (۱۴۰۴). پایش روزانه تجمعات کارگری در بخش نفت و گاز خوزستان. [بازیابی در دی ماه ۱۴۰۴].

آکسیوس: اعتراضات در ایران ممکن است رژیم را ساقط کند



نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی، ۱۸ دی ۱۴۰۴

خروج از بحران ندارد. او به نیروهای امنیتی توصیه کرد به کسانی که مسالمت آمیز اعتراض می کنند آسیب نرسانند. رسانه های حکومتی در ایران ابعاد اعتراضات را کوچک جلوه می دهند. در همین حال، طبق گزارش «نت بلاکس» اینترنت تقریباً به طور کامل در سراسر کشور قطع شد. ترامپ چندین بار هشدار داده است که اگر حکومت ایران، به معترضان شلیک کند، آمریکا ممکن است از نیروی نظامی استفاده کند. اما او در مصاحبه پنجشنبه در برنامه «The Hugh Hewitt Show» از فاکسنیوز، نسبتاً محتاطانه حرف زد و مدعی شد که برخی از بیش از ۳۰ نفری که تاکنون کشته شده اند، «زیر دست و پا له شده اند». او همچنین از حمایت از رضا پهلوی خودداری کرد. فراخوان حضور گسترده مردم در خیابان به درخواست رضا پهلوی بود.

ترامپ درباره اعتراضات ایران گفت، «بگذاریم همه به میدان بیایند و ببینیم چه کسی سر بر می آورد.» اعتراضات گسترده ای در ایران در سال ۲۰۲۲ رخ داد که رژیم را تضعیف کرد اما ساقط نکرد. برخی در واشنگتن امیدوارند که این بار رژیم واقعاً سقوط کند.

سناتور جمهوریخواه لیندزی گراهام از ایرانیان خواست که اعتراضات را بیشتر کنند و تأکید کرد ترامپ از آنها حمایت خواهد کرد. او در توییت نوشت: «اشار، دیکتاتورها، قلدرها و قاتلانی که به رئیس جمهور ترامپ بی احترامی می کنند، مدت زیادی در این جهان دوام نمی آورند. ایران را دوباره بزرگ کنید.»

● آکسیوس به نقل از مقام های آمریکایی می نویسد اوایل این هفته، دستگاه اطلاعات آمریکا ارزیابی کرده بود که اعتراضات در ایران، ظرفیت کافی برای به چالش کشیدن ثبات حکومت را ندارند، اما این دیدگاه با توجه به رویدادهای اخیر در حال بازنگری است.

● یک مقام ارشد آمریکایی به آکسیوس گفت: «اعتراضات جدی است و به دقت آن را زیر نظر داریم.»

● در این گزارش که جمعه ۱۹ دی ۱۴۰۴ منتشر شد آمده، این اعتراضات عمده تا به دلیل بحران اقتصادی شکل گرفته اند، بحرانی که با تشدید تحریم ها و آسیب های وارد شده در جریان جنگ ۱۲ روزه عمیق تر شده است.

آکسیوس به نقل از مقام های آمریکایی می نویسد اوایل این هفته، دستگاه اطلاعات آمریکا ارزیابی کرده بود که اعتراضات در ایران، ظرفیت کافی برای به چالش کشیدن ثبات حکومت را ندارند، اما این دیدگاه با توجه به رویدادهای اخیر در حال بازنگری است.

یک مقام ارشد آمریکایی به آکسیوس گفت: «اعتراضات جدی است و به دقت آن را زیر نظر داریم.»

در این گزارش که جمعه ۱۹ دی ۱۴۰۴ منتشر شد آمده، این اعتراضات عمده تا به دلیل بحران اقتصادی شکل گرفته اند، بحرانی که با تشدید تحریم ها و آسیب های وارد شده در جریان جنگ ۱۲ روزه عمیق تر شده است.

بخش عمده معترضان خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی هستند. مسعود پزشکیان اخیراً گفته دولت راه حلی برای

اعتراضاتی را که در سراسر ایران در حال وقوع است دنبال می کنید؟» که رئیس جمهوری آمریکا پاسخ داد: «بله، من آن را بسیار از نزدیک دنبال می کنم.»

مجری شبکه سیس به گزارش های منتشر شده پرسید که آیا شنیده اید که علی خامنه ای حالا یک برنامه جایگزین برای رفتن به روسیه دارد؟ رئیس جمهوری آمریکا پاسخ داد «بله، در مقطعی. او به دنبال این است که به جایی برود.»

ترامپ همچنین در پاسخ به این پرسش که آیا به نظر او جمهوری اسلامی در آستانه فروپاشی قرار دارد؟ گفت: «خب، ممکن است این طور باشد. منظورم این است که کاری که آن ها در گذشته کرده اند این بوده که شروع کرده اند به تیراندازی شدید به مردم؛ و ناگهان مردمی که هیچ سلاحی ندارند ایستاده اند و با مسلسل به آن ها شلیک می شود. یا آن ها را به زندان می برند و بعد اعدام می کنند و می کشند. بنابراین برخوردشان (جمهوری اسلامی) بسیار خشن است.» ترامپ افزود: «من گفتم اگر این کار را بکنند، ما ضربه بسیار سختی به آن ها وارد می کنیم. خیلی سخت. ما آماده انجام آن هستیم. اگر این کار را بکنند، به آن ها [جمهوری اسلامی] ضربه می زنیم.»

رئیس جمهوری آمریکا در ادامه این مصاحبه درباره کشته شدن معترضان ادعایی عجیب داشت. او گفت: «تا اینجا، در مجموع، تا حدی این اتفاق افتاده، اما در بیشتر موارد نه. افرادی کشته شده اند. بعضی از آن ها به خاطر این که جمعیت ها آن قدر بزرگ بوده، واقعاً زیر دست و پا له شده اند. واقعاً وحشتناک بوده. جمعیت ها فقط... بسیار عظیم اند. اشتیاق برای سرنگونی آن رژیم باورنکردنی است.» ترامپ افزود: «اما افرادی کشته شده اند، ولی بیشتر به خاطر مرگ ناشی از... واقعاً لگدمال شدن. مردم در یک جهت خاص شروع به دویدن می کنند. بنابراین باید دید چه می شود. باید دید چه اتفاقی می افتد.»

رئیس جمهوری آمریکا در بخش دیگری از مصاحبه گفت درباره اعتراضات ضدحکومتی در ایران گفت «این همه آدم در حال اعتراض هستند. هیچ کس تا حالا چیزی شبیه آنچه الان در حال رخ دادن است ندیده. اما من یک هشدار بدون تشریفات [به جمهوری اسلامی] داده ام که اگر شروع کنند به تیراندازی به سوی آن ها - این مردم کاملاً غیرمسلح هستند - مردمی که کشورشان را دوست دارند و می خواهند تغییری اتفاق بیفتد. به کشورشان نگاه کنید؛ ۱۵۰ سال به عقب برگشته اند. اما به آن ها گفته ام اگر هرگونه کار بدی با این مردم بکنند، ما خیلی سخت به آن ها ضربه خواهیم زد.» رئیس جمهوری آمریکا همچنین در پاسخ به سوال مجری، از حس خود در زمان گرفتن تصمیمات حساس نظیر دستگیری نیکلاس مادورو و حذف قاسم سلیمانی گفت. آقای ترامپ گفت: «ما سلیمانی را از میان برداشتیم که اتفاق بزرگی بود؛ واقعاً اتفاق بسیار بزرگی در خاورمیانه. او با مردم بسیار بد رفتار می کرد. آدم های زیادی را کشت. تقریباً ۹۵ درصد از افرادی که می بینید بدون پا یا بدون دست راه می روند، کار پمپ های کنار جاده ای بود؛ آن (پمپ گذاری ها) بچه او بود. او از این کار لذت می برد. ما او را از میان برداشتیم.»

او با اشاره به کشته شدن «البغدادی» [بنیانگذار داعش] را هم از میان برداشتیم؛ بنیان گذار داعش افزود، «ما [عملیات] چکش نیمه شب را انجام دادیم که به معنای نابود کردن تهدید هسته ای [جمهوری اسلامی] ایران بود. و این یک نابودی کامل بود، همان طور که بعداً مشخص شد؛ با پمپ افکن های بی ۲- و بهترین خلبانان دنیا. آن ها این کار را در شب، بدون ماه، در تاریکی مطلق انجام دادند. و هر پمپ دقیقاً از یک کانال هوا پایین رفت، عمیق در دل یک کوه گرانی. شگفت انگیز بود.»

آلودگی خاک در ایران به مرز هشدار رسید



آبریز به آب‌های سطحی منتهی می‌شوند. در صورت شست‌وشوی خاک‌های آلوده و ورود آن‌ها به منابعی مانند رودخانه‌ها که تغذیه‌کننده سدها هستند، آلودگی به این بخش‌ها منتقل می‌شود. بخشی از آب شرب همین آب‌های زیرزمینی هستند و آلودگی خاک می‌تواند به‌طور غیرمستقیم بر آن هم اثرگذار باشد.»

او همچنین گفته «بر اساس نوع فعالیتی که در هر منطقه صورت می‌گیرد، نوع آلودگی خاک نیز متفاوت است. بنابراین حتی در شهرهای مختلف یک استان هم ممکن است دلایل آلودگی خاک متفاوت باشد. در برخی مناطق پسماند عامل اصلی است، در برخی فاضلاب، در برخی فاضلاب صنعتی و در برخی دیگر فعالیت‌های نفتی.»

علی صفری مدیر کل جهاد کشاورزی استان مرکزی نیز هشدار داده که اگر اقدامی برای حفاظت از خاک ایران صورت نگیرد، به زودی آلودگی و تخریب خاک به یکی از «ابرچالش‌های کشور» تبدیل خواهد شد.

علی صفری افزوده «آلودگی هوا را همه می‌بینند و احساس می‌کنند، اما آلودگی خاک پنهان است و تا نمونه‌برداری و آزمایش انجام نشود، کسی متوجه نمی‌شود. خاک از سه جزء اصلی فیزیکی، شیمیایی و زیستی تشکیل شده و یکی از قوی‌ترین تصفیه‌کننده‌های طبیعی محیط زیست است. حتی در دین مبین اسلام، خاک به‌عنوان یکی از مظهرات شناخته شده و برای تیمم استفاده می‌شود؛ چون توانایی جذب و تجزیه آلاینده‌ها را دارد.»

قابل توجه اینکه قانونی با عنوان «قانون حفاظت از خاک» در سال ۱۳۹۸ تصویب شده اما این قانون نیز مانند بسیاری دیگر از قوانین تصویب شده در جمهوری اسلامی روی کاغذ مانده و اجرا نشده است.

در این قانون تأکید شده بود که دو تهدید اصلی را برای خاک مشخص کرده که شامل فرسایش و آلودگی است. با این‌همه نه تنها آلودگی خاک به صورت فزاینده در حال گسترش در مناطق مختلف کشور است بلکه گزارش‌ها حاکی از آنست که متوسط فرسایش در ایران به ۱۵ تن در سال در هکتار رسیده که ۶ برابر متوسط جهانی است.

کم قابل مشاهده است. بر اساس گزارش‌های رسمی استفاده وسیع از کودها و آفت‌کش‌ها در کشاورزی، رهاسازی فاضلاب‌های شهری و تولید پساب‌های صنعتی از عوامل اساسی آلودگی خاک در ایران هستند.

طبق یک مطالعه انجام شده، بیش از صدها نقطه آلوده در خاک‌های ۱۱ استان کشور وجود دارد که به آلاینده‌های مختلف از جمله فلزات سنگین، آلاینده‌های نفتی، سموم و ... آلوده بوده و محیط زیست و سلامت مردم را به شدت تهدید می‌کند. آلودگی نفتی بالا در استان‌های خوزستان و بوشهر، آلودگی صنعتی در اصفهان و آلودگی بالای فلزات سنگین در همدان و آذربایجان شرقی از مهمترین این آلودگی‌ها هستند.

تحقیقات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و گزارش‌های سازمان حفاظت محیط زیست نشان می‌دهند که ۶۰ درصد آلودگی خاک ناشی از پسماندها و ۲۱ درصد از فاضلاب‌های صنعتی، کشاورزی و انسانی است. به بیان دیگر مدیریت ناکارآمد طی چند دهه سبب شده آلودگی خاک در ایران به تهدیدی جدی برای محیط زیست و سلامت شهروندان تبدیل شود.

محسن شهریاری مقدم توضیح داده اولین اثر آلودگی خاک، تهدید امنیت غذایی است، زیرا بخش عمده تولید مواد غذایی مبتنی بر خاک است. تهدید امنیت غذایی می‌تواند به دو صورت بروز کند: «از یک سو، ممکن است محصولاتی ناسالم تولید شود زیرا بسیاری از آلاینده‌ها وارد زنجیره غذایی می‌شوند و برخی از آن‌ها در زنجیره غذایی اثر جمعیتی دارند. از سوی دیگر، آلودگی خاک می‌تواند به‌طور مستقیم توان خاک را در تولید مواد غذایی کاهش دهد.»

مدیرکل دفتر حفاظت و مدیریت زیست‌محیطی آب و خاک اثر غیرمستقیم آلودگی خاک بر منابع آب سطحی و آب زیرزمینی هم اشاره کرده و گفته «آب‌های زیرزمینی به‌طور مستقیم از آبی تغذیه می‌شوند که از بستر خاک عبور می‌کند و وارد منابع زیرزمینی می‌شود. بنابراین، وقتی خاک آلوده می‌شود، طبیعتاً می‌تواند بر آب‌های زیرزمینی و همچنین آب‌های سطحی اثر بگذارد. بسیاری از حوزه‌های

● «تخریب سرزمینی» مدتهاست به عنوان مهمترین مشکل در حوزه خاک ایران معرفی می‌شود و آلودگی خاک، کاهش ماده آلی خاک، کاهش قدرت حاصلخیزی خاک، فشردگی خاک، فرسایش خاک و تغییر کاربری اراضی کشاورزی و منابع طبیعی را شامل می‌شود.

● آلودگی خاک در سه استان خوزستان، اصفهان و کرمان از حد مجاز عبور کرده و زنگ خطر کاهش تولید محصولات سالم را به صدا درآورده است.

● بر اساس گزارش‌های رسمی استفاده وسیع از کودها و آفت‌کش‌ها در کشاورزی، رهاسازی فاضلاب‌های شهری و تولید پساب‌های صنعتی از عوامل اساسی آلودگی خاک در ایران هستند.

آلودگی خاک از جمله در تهران موضوعی است که از چند سال پیش از سوی فعالان و کارشناسان محیط زیست مطرح می‌شد اما جدیدترین گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد آلودگی خاک در سه استان خوزستان، اصفهان و کرمان از حد مجاز عبور کرده و زنگ خطر کاهش تولید محصولات سالم را به صدا درآورده است.

● «تخریب سرزمینی» مدتهاست به عنوان مهمترین مشکل در حوزه خاک ایران معرفی می‌شود و آلودگی خاک، کاهش ماده آلی خاک، کاهش قدرت حاصلخیزی خاک، فشردگی خاک، فرسایش خاک و تغییر کاربری اراضی کشاورزی و منابع طبیعی را شامل می‌شود. محسن شهریاری مقدم، مدیرکل دفتر حفاظت و مدیریت زیست‌محیطی آب و خاک سازمان محیط زیست کشور به تازگی هشدار داده در بسیاری از مناطق کشور، آلودگی خاک وجود دارد، طبیعتاً شهرهایی که صنعتی‌تر هستند یا در شهرهایی که فاضلاب و پساب به‌درستی تصفیه نمی‌شود به نحوی که فاضلاب را وارد منابع پذیرنده می‌کند، شاهد آلوده خاک هستیم.

سعید متصدی معاون وقت محیط زیست انسانی سازمان حفاظت محیط زیست چند سال پیش درباره آلودگی خاک در تهران اطلاع‌رسانی کرد اما تأکید کرده بود که معضل آلودگی ویژه تهران نیست و در همه نقاط کشور بیش و

سقوط شاخص بورس همزمان با اعتصاب بازاریان در پایتخت



پی‌درپی روزهای گذشته خبر داده بود.

این کارشناس بازار سرمایه تأکید کرده بود «بازار سرمایه ایران در ابتدای زمستان، در وضعیتی دوگانه قرار دارد؛ از یک سو انتشار گزارش‌های مطلوب شرکت‌ها، آرامش نسبی سیاسی و اخبار مثبت صنایع، امید تازه‌ای به سهامداران داده است. از سوی دیگر، نرخ بهره بی‌سابقه و فشار عرضه اوراق دولتی، همچون دیواری بلند در برابر رشد سریع بازار ایستاده‌اند. در چنین شرایطی، بورس بیش از هر زمان دیگری به روند دلار و تورم توجه می‌کند. البته نباید فراموش کرد که اصلاحات ساختاری و بودجه‌ای می‌تواند مسیر پایدار و رو به رشد بورس را رقم بزند.»

او درباره چشم‌انداز بازار سرمایه توضیح داده بود «پیش‌بینی قطعی درباره آینده بازار دشوار است، اما می‌توان گفت بورس از فضای منفی فاصله گرفته و روندی رو به بهبود را آغاز کرده است. هرچند این مسیر یکنواخت نیست، اما شرایط فعلی نشان‌دهنده اوضاع نسبتاً مناسب بازار است و می‌توان با انتظارات معقول، به آینده در ماه پایانی پاییز خوش‌بین بود.»

علیرضا سادات افزوده بود جهش قیمت دلار نقش اصلی را در جهت‌دهی بازار ایفا می‌کند» و «با وجود این روند مثبت، جریان نقدینگی قدرتمند هنوز وارد بازار نشده و سرمایه‌گذاران بزرگ با احتیاط نظاره‌گرند.»

این کارشناس تأکید کرده بود که «ریسک قطعی گاز در زمستان همچنان تهدیدی جدی برای صنایع و نمادهاست.» سادات با تأکید بر اینکه نمی‌توان رفتار سیاستگذاران را پیش‌بینی کرد و این اثر مخربی بر اقتصاد دارد، گفته بود «آشفته‌گی اخیر در بازار نهاده‌های دامی بار دیگر نشان داد سیاست‌های اشتباه گذشته مانند ارز ترجیحی، هزینه‌های سنگینی بر اقتصاد تحمیل کرده‌اند. همزمان، نرخ بهره اوراق دولتی برای نخستین‌بار به مرز ۴۰ درصد رسیده است؛ عاملی که بازارهای مالی را «بی‌خزده» و مانع رشد سریع بورس شده است. عرضه بی‌رویه اوراق دولتی و پیش‌بینی انتشار بیش از ۹۰۰ هزار میلیارد تومان اوراق در بودجه، فشار مضاعفی بر بازار وارد خواهد کرد.»

مغازه‌ها را پایین کشیدند و اعتصاب کردند.

در نقاط مختلف پایتخت از جمله بازار علاءالدین، میدان شوش تهران (پاساژ ایرانیان) از بعد از ظهر روز یکشنبه اعتصابات آغاز شد. این اعتصاب در روز دوشنبه هشتم دی‌ماه ادامه یافته و کسبه از جمله در «بازار بزرگ تهران» و خیابان‌های لاله‌زار، سعدی و «ملت» و بازار «بین‌الحرمین» و پاساژ کاشانی در اعتصاب به سر می‌برند.

در شرایطی که ماه‌هاست بخش‌های مختلف اقتصاد ایران با تلاطم شدید ناشی از مشکلات ساختاری و پیامدهای تشدید تحریم‌ها روبروست، و رکود تورمی عمیق‌تر شده است، بازار بورس با رشد شاخص روبرو بوده است.

بخشی از کارشناسان معتقدند دولت پزشک‌های مانند دولت حسن روحانی، با ایجاد رشد کاذب در بازار بورس به دنبال جذب سرمایه و جبران کسری بودجه بوده است؛ موضوعی که از سوی وزیر اقتصاد انکار شده است.

علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد هفته پیش مدعی شد «دولت به‌هیچ‌عنوان قصد ندارد کسری بودجه را از طریق بازار سرمایه تأمین کند. واگذاری شرکت‌های دولتی از مسیر بورس، نه برای جبران کسری، بلکه در چارچوب اجرای احکام قانون بودجه و تحقق خصوصی‌سازی واقعی انجام خواهد شد.» با این‌همه پیش‌بینی کارشناسان بازار سرمایه نشان از ریسک در بازار بورس و احتمال موقتی بودن رشد فزاینده این بازار بود. مهدی دلبری، کارشناس بازار سرمایه اواخر آذرماه در گفت‌وگو با وبسایت «تجارت‌نیوز» رکوردشکنی‌های اخیر شاخص کل بورس را نشانه‌ای از بهبود واقعی وضعیت بازار سرمایه نمی‌دانسته بود.

این کارشناس بازار سرمایه صعود روزهای اخیر را «عمدتاً اسمی و ناشی از تورم» ارزیابی کرده و معتقد بود بهبود وضعیت فروش شرکت‌ها برای جبران کاهش حاشیه سود و انتظارات تورمی کافی نیست.

علیرضا سادات کارشناس بازار سرمایه نیز در نخستین ساعات روز دوشنبه هشتم دی‌ماه و ساعتی پیش از آنکه روند بازار بورس منفی شود، در گفت‌وگو با روزنامه «شرق» از وجود ریسک در بازار سرمایه و ناپایدار بودن صعودهای

● شاخص کل بورس ایران در روز دوشنبه، با ریزش ۳۶ هزار و ۶۶۸ واحدی نسبت به روز گذشته، در تراز ۴ میلیون و ۱۲۳ هزار و ۹۶۰ واحد ایستاد.

● شاخص هم‌وزن نیز که نشان‌دهنده وضعیت کلیت بازار و شرکت‌های کوچک‌تر است، با افت ۱/۲۵ درصدی مواجه شد و به سطح یک میلیون و ۱۳۳ هزار واحد عقب‌نشینی کرد.

● سقوط شاخص بازار بورس همزمان با افزایش افسارگسیخته قیمت‌ها در بازار ارز و طلا، و همچنین اعتصاب بازاریان است.

● روز یکشنبه هفتم دی‌ماه قیمت دلار به بیش از ۱۴۴ هزار تومان افزایش یافت و قیمت سکه در مرز ۱۶۹ میلیون تومان قرار گرفت.

● پیشتر مهدی دلبری، کارشناس بازار سرمایه، صعود روزهای اخیر در بازار بورس «عمدتاً اسمی و ناشی از تورم» ارزیابی کرده و معتقد بود بهبود وضعیت فروش شرکت‌ها برای جبران کاهش حاشیه سود و انتظارات تورمی کافی نیست. ● بخشی از کارشناسان معتقدند دولت پزشک‌های مانند دولت حسن روحانی، با ایجاد رشد کاذب در بازار بورس به دنبال جذب سرمایه و جبران کسری بودجه بوده است؛ موضوعی که از سوی وزیر اقتصاد انکار شده است.

همزمان با اعتصاب بخش قابل توجهی از بازاریان در تهران در روز دوشنبه هشتم دی‌ماه ۱۴۰۴ که در اعتراض به بی‌عملی حکومت در برابر افزایش قیمت ارز و طلا آغاز شده، شاخص کل بورس ایران سقوط و اکثر نمادها منفی شدند.

در شرایطی که بازار بورس ایران با حمایت دولت طی روزهای گذشته روندی صعودی را طی کرده و در نخستین ساعات فعالیت بازار در روز دوشنبه هشتم دی‌ماه نیز شاخص مثبت بود اما پس از ساعتی روند بازار تغییر جهت داد و شاخص کل منفی شد.

شاخص کل بورس ایران در روز دوشنبه، با ریزش ۳۶ هزار و ۶۶۸ واحدی نسبت به روز گذشته، در تراز ۴ میلیون و ۱۲۳ هزار و ۹۶۰ واحد ایستاد.

شاخص هم‌وزن نیز که نشان‌دهنده وضعیت کلیت بازار و شرکت‌های کوچک‌تر است، با افت ۱/۲۵ درصدی مواجه شد و به سطح یک میلیون و ۱۳۳ هزار واحد عقب‌نشینی کرد. همچنین روند خروج پول از بازار نیز با سرعت روبرو شد بطوریکه تا ساعت ۱۰:۲۰ صبح حدود ۱/۱ هزار میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام خارج شده است. این خروج نقدینگی در کنار تراز منفی ۷۵۲ میلیارد تومانی صندوق‌های درآمد ثابت، حکایت از خروج هم‌زمان پول از سهام و اوراق کم ریسک دارد.

کارشناسان معتقدند یکی از نکات نگران‌کننده در معاملات امروز بازار بورس ایران، تفاوت معنادار سرانه خرید و فروش حقیقی است. در حالی که سرانه خرید هر کد حقیقی حدود ۷۴/۸ میلیون تومان ثبت شده، سرانه فروش به عدد ۱۰۱ میلیون تومان رسیده است.

سقوط شاخص بازار بورس همزمان با افزایش افسارگسیخته قیمت‌ها در بازار ارز و طلا، و همچنین اعتصاب بازاریان است. روز یکشنبه هفتم دی‌ماه پس از افزایش قیمت دلار به بیش از ۱۴۴ هزار تومان و قرار گرفتن قیمت سکه در مرز ۱۶۹ میلیون تومان، بازاریان در چند بازار پایتخت کرکره

ثبت رکوردهای تکاندهنده تورم در آذرماه؛ تورم نقطه‌ای به ۵۲/۶ درصد افزایش یافت



● در آذرماه ۱۴۰۴ تورم نقطه به نقطه خانوارهای کشور ۵۲/۶ درصد بوده است؛ یعنی خانوارها به طور میانگین ۵۲/۶ درصد بیشتر از آذرماه ۱۴۰۳ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند.

● تورم ماهانه خانوارهای کشور برابر ۴/۲ درصد بوده است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات»، ۵/۵ درصد و برای گروه عمده «کالاهای غیرخوراکی و خدمات»، ۳/۴ درصد بوده است.

● تورم نقطه به نقطه‌ی گروه «خوراکی و آشامیدنی» در آذرماه ۷۲/۳ درصد و نرخ تورم گروه «دخانیات» ۶۰/۴ درصد بوده است.

● نرخ تورم در گروه لبنیات و تخم‌مرغ به رقم بی‌سابقه و تکاندهنده ۱۰/۲ درصد رسیده است.

● نرخ تورم سالانه به بیشترین سطح از اسفندماه ۱۴۰۲ به این سو رسیده و نرخ تورم نقطه به نقطه بالاترین رقم در ۳۱ ماه اخیر را ثبت کرده است.

● مشکلاتی چون تشدید تحریم‌ها، کاهش سطح تجارت خارجی ایران، کاهش تولید به علت بحران کمبود انرژی و افزایش هزینه تولید، و از همه مهمتر افزایش قیمت ارز، از دلایل افزایش سرعت جهش تورم در اقتصاد ایران به شمار می‌رود.

● کارشناسان اقتصادی پیش‌بینی کرده‌اند که با تداوم عملکرد نامطلوب تیم اقتصادی دولت مسعود پزشکیان، نرخ تورم تا پایان سال جاری به مرز ۶۰ درصد خواهد رسید.

گزارش مرکز آمار ایران از تورم آذرماه نشان می‌دهد تورم در هر سه بخش ماهانه، سالانه و نقطه‌ای با افزایش روبرو شده است. شاخص قیمت‌ها در آذرماه امسال نسبت به آذرماه سال گذشته با افزایش ۵۲/۶ درصدی و نسبت به ماه گذشته با افزایش ۴/۲ درصدی روبرو شده است. نرخ تورم در گروه لبنیات و تخم‌مرغ به رقم بی‌سابقه و تکاندهنده ۱۰/۲ درصد رسیده است.

به گزارش مرکز آمار ایران در آذرماه ۱۴۰۴ شاخص قیمت مصرف‌کننده خانوارهای کشور به عدد ۴۳۵/۱ رسیده است که نسبت به ماه قبل، ۴/۲ درصد افزایش، نسبت به ماه مشابه سال قبل، ۵۲/۶ درصد افزایش و در ۱۲ ماهه منتهی به ماه جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۴۲/۲ درصد افزایش داشته است.

در آذرماه ۱۴۰۴ تورم نقطه به نقطه خانوارهای کشور ۵۲/۶ درصد بوده است؛ یعنی خانوارهای کشور به طور میانگین ۵۲/۶ درصد بیشتر از آذرماه ۱۴۰۳ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند. تورم نقطه به نقطه آذرماه ۱۴۰۴ در مقایسه با ماه قبل، ۳/۲ واحد درصد افزایش داشته است.

در این ماه تورم ماهانه خانوارهای کشور برابر ۴/۲ درصد بوده است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات»، ۵/۵ درصد و برای گروه عمده «کالاهای غیرخوراکی و خدمات»، ۳/۴ درصد بوده است.

هستند که «لبنیات و تخم‌مرغ» بیش‌تاز تورم آذرماه بود و رشد قیمت ۱۰/۲ درصدی را ثبت کرد. همچنین «ارتباطات» با ۱۰/۱ درصد، «نان و غلات» با ۷/۷ درصد و «حمل و نقل» با ۵/۸ درصد نیز دیگر کالاها و خدماتی بودند که بیشترین نرخ تورم ماهانه را در آذرماه تجربه کردند.

طی ماه گذشته گزارش‌های میدانی نیز بیانگر گرانی قابل توجه قیمت‌ها در بازارهای مختلف، و تشدید بحران‌های معیشتی خانوارها بوده است.

مشکلاتی چون تشدید تحریم‌ها، کاهش سطح تجارت خارجی ایران، کاهش تولید به علت بحران کمبود انرژی و افزایش هزینه تولید، و از همه مهمتر افزایش قیمت ارز، از دلایل افزایش سرعت جهش تورم در اقتصاد ایران به شمار می‌رود.

قیمت دلار در حالی زمستان گذشته در کانال ۷۰ هزار تومان قرار داشت که اکنون به بیش از ۱۳۰ هزار تومان افزایش یافته است. نرخ دلار همواره به‌عنوان نبض اقتصاد ایران شناخته می‌شود و به علت واردات‌محور بودن اقتصاد کشور، افزایش نرخ دلار سبب موجی از گرانی در قیمت کالاها و خدمات مختلف می‌شود.

کارشناسان اقتصادی پیش‌بینی کرده‌اند که با تداوم عملکرد نامطلوب تیم اقتصادی دولت مسعود پزشکیان، نرخ تورم تا پایان سال جاری به مرز ۶۰ درصد خواهد رسید.

از سوی دیگر اقتصاد ایران بیش از پنج سال است تورمی در محدوده بالای ۳۰ درصد را تجربه کرده است. تداوم نرخ تورم ۳۰ درصدی در این مدت به معنای تضعیف شدن بنیه اقتصادی کشور و بحرانی انباشته در معیشت اقشار حقوق‌بگیر و کم‌درآمد است.

منظور از نرخ تورم سالانه، درصد تغییر میانگین اعداد شاخص قیمت در یک سال منتهی به ماه جاری، نسبت به دوره مشابه قبل از آن می‌باشد. در آذرماه ۱۴۰۴ نرخ تورم سالانه برای خانوارهای کشور به ۴۲/۲ درصد رسیده که نسبت به همین اطلاع در ماه قبل، ۱/۸ واحد درصد افزایش یافته است.

دامنه تغییرات نرخ تورم سالانه برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۴۱/۲ درصد برای دهک دهم، تا ۴۳/۷ درصد برای دهک‌های اول و دوم است. بر این اساس فاصله تورمی دهک‌ها در این ماه به ۲/۵ واحد درصد رسید که نسبت به ماه قبل (۲/۲ واحد درصد) ۰/۳ واحد درصد افزایش داشته است.

داده‌های مرکز آمار ایران نشان از افزایش آهنگ رشد قیمت‌ها در آذرماه و ثبت رکوردهای تورمی جدید دارد. طوری که نرخ تورم سالانه به بیشترین سطح از اسفندماه ۱۴۰۲ به این سو رسیده و نرخ تورم نقطه به نقطه بالاترین رقم در ۳۱ ماه اخیر را ثبت کرده است.

همچنین نرخ تورم ماهانه که در آبان‌ماه نزولی شده بود، در آذرماه، بار دیگر مسیر صعود را پیش گرفت. بررسی تورم نقطه به نقطه به تفکیک کالاها و خدمات نشان می‌دهد که کالاهای «خوراکی و آشامیدنی»، بیش‌تاز افزایش قیمت بودند و تورم نقطه به نقطه ۷۲/۳ درصدی را ثبت کردند. همچنین نرخ تورم «دخانیات» به ۶۰/۴ درصد رسید.

این در حالی است که «مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها» کمترین نرخ تورم نقطه به نقطه را با ثبت رقم ۳۵/۸ درصدی به خود اختصاص دادند. در بخش تورم ماهانه نیز بررسی‌ها حاکی از آن

افزایش ۲۰ درصدی دستمزدها در لایحه بودجه؛ هشدار درباره تورم وحشتناک، فلاکت غیرقابل تصور و بروز «اعتراضات سراسری»



اعتراضات سراسری در ایران - شهریور ۱۴۰۱

در لایحه بودجه، نه تنها با موجی از انتقاد از سوی کارمندان و بازنشستگان دولت، بلکه با اعتراض اصناف کارگری و بازنشستگان تأمین اجتماعی نیز روبرو شده است.

در همین رابطه «اتحادیه آزاد کارگران ایران» با انتشار متنی ضمن اشاره به افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارکنان دولت در سال آینده نوشته مطابق با لایحه بودجه پیشنهادی دولت، حداقل حقوق بازنشستگان در سال آینده ۱۴ میلیون تومان خواهد بود و این رقم در حالیست که با افزایش ۳ درصدی مالیات بر ارزش افزوده (اخذ مالیات از بسیاری از کالای مصرفی زندگی مردم) این مالیات به ۱۳ درصد خواهد رسید.

«اتحادیه آزاد کارگران ایران» افزوده «با حذف اختصاص ارز ترجیحی به واردات بسیاری از کالاها؛ ۵۷۲ هزار میلیارد تومان به جیب دولت خواهد رفت. فقط کافی است که بدانیم کالایی مانند برنج که ارز ترجیحی (ارز ۲۸۵۰۰ تومانی) آن حذف شده است به قیمت دلار آزاد که هم اکنون ۱۳۳ هزار تومان است بدست مردم خواهد رسید.»

این تشکل صنفی تأکید کرده «بدیهی است با افزایش بشدت تحقیرآمیز ۲۰ درصدی حقوق کارمندان و افزایش ناچیز حقوق بازنشستگان؛ حداقل مزد ما کارگران نیز نمی‌تواند چند برابر افزایش حقوق کارمندان و بازنشستگان افزایش یابد؟!»

«اتحادیه آزاد کارگران» همچنین از اصناف کارگری و بازنشسته خواسته «برای پایان دادن به جهنم حاکم بر کشور و تحمیل فقر و فلاکت و تورم و گرانی نجومی و غیر قابل تصور به زندگی و معیشت میلیون‌ها کارگر و حقوق‌بگیر زحمتکش» اعتصابات و اعتراضات سراسری را در دستور کار قرار دهند.

به دنبال این است که به لحاظ اقتصادی شرایط را به جایی برسانند که از دید آن‌ها نارضایتی‌ها افزایش پیدا کند و این نظام و حکومت از داخل خودش دچار مشکل بشود.

پس از ارائه لایحه بودجه ۱۴۰۵ به مجلس شورای اسلامی، موج گسترده‌ای از اعتراضات از سوی اصناف و فعالان صنفی به افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارکنان در این لایحه شکل گرفته است. «اتحادیه آزاد کارگران ایران» هشدار داده که تورمی وحشتناک و فقر و فلاکتی غیر قابل تصور برای سال آینده در راه است. در این میان ۱۷۱ نماینده مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای خطاب به رئیس دولت چهاردهم و رئیس مجلس شورای اسلامی به افزایش ۲۰ درصدی دستمزدها انتقاد کردند.

در لایحه بودجه سال آینده میزان افزایش «ضریب ریالی حقوق و سایر افزایش‌های متناظر برای گروه‌های مختلف حقوق‌بگیر کلیه دستگاه‌های اجرایی» ۲۰ درصد تعیین شده است. این رقم به این معناست که کارمندان دولت و بازنشستگان دولتی مشمول این میزان افزایش حقوق می‌شود.

در آنسو اما رقم دستمزد دیگر حقوق‌بگیران، از جمله کارگران، و بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی، بر اساس «رقم حداقل دستمزد» مشخص خواهد شد که از سوی شورای عالی کار -وابسته به وزات کار- تعیین می‌شود. به اینهمه هر ساله «رقم حداقل دستمزد» متأثر از رقم افزایش دستمزدها در لایحه بودجه بوده است. همچنین همواره میزان افزوده شده بر رقم حداقل دستمزد رقمی معادل یا کمتر از رقم افزوده شده بر حقوق کارکنان دولت در هر سال بوده است.

به این ترتیب افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارکنان دولت

«اتحادیه آزاد کارگران» از اصناف کارگری و بازنشسته خواسته «برای پایان دادن به جهنم حاکم بر کشور و تحمیل فقر و فلاکت و تورم و گرانی نجومی و غیر قابل تصور به زندگی و معیشت میلیون‌ها کارگر و حقوق‌بگیر زحمتکش» اعتصابات و اعتراضات سراسری را در دستور کار قرار دهند.

«شورای بازنشستگان ایران» تأکید کرده مسعود پزشکیان و دولت اصلاح‌طلب او، منبع اصلی تأمین مخارج بودجه خود را برای سال آینده، عمدتاً با افزایش مالیات‌ها، کم ارزش کردن حقوق و دستمزد و دست بردن در جیب و سفره مردم برنامه‌ریزی کرده است.

مقامات دولت معتقدند به علت تشدید تحریم‌ها و کاهش درآمدهای نفتی نتوانسته‌اند در لایحه بودجه بیش از ۲۰ درصد بر حقوق کارکنان دولت بیافزایند. این در حالیست که نگاهی به بخش‌های دیگر لایحه نشان می‌دهد بودجه‌پاشی به نهادهای حکومتی نه تنها کاهش نیافته بلکه با افزایش نیز روبرو بوده است!

۱۷۱ نماینده مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای خطاب به مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور و محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی به افزایش ۲۰ درصدی دستمزدها اعتراض کردند و نسبت به بروز اعتراضات به علت گسترش فقر و فلاکت هشدار دادند.

در حالیکه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و بسیاری از تحلیلگران بروز اعتراضات گسترده و سراسری به علت افزایش بحران‌های اقتصادی و معیشتی را محتمل می‌دانند، وزیر خارجه جمهوری اسلامی این روند را نیز گردن «توطئه دشمن» انداخته است.

عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی با این ادعا که «توطئه جدیدی در راه است» گفته «دشمن

پیوند مشکلات اقتصادی به «نفوذ» و «توطئه دشمن»؛ هدف سرکوب شدیدتر شهروندان است!

● احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد: وضعیتی که امروز در عرصه اقتصادی و اجتماعی با آن مواجه هستیم، کاملاً نشان می‌دهد که عوامل پشت پرده‌ای در کار است؛ گرانی‌ها به‌صورت ساعت‌به‌ساعت افزایش پیدا می‌کند و این نشان‌دهنده وجود دست‌های پنهان است.

● احمد علم‌الهدی: اگر دشمن بتواند در کنار برخی مسئولان، افرادی را نفوذ دهد که این وضعیت گرانی و فشار بر مردم را می‌بینند اما اقدامی نمی‌کنند، همان فتنه ۸۸ دوباره تکرار خواهد شد.

● عبدالنبی موسوی‌فرد امام جمعه اهواز: باید به سمت‌وسویی برویم که وابستگی اقتصاد داخلی به نرخ ارز را حل کنیم و از نقش نفوذی‌ها در این زمینه غفلت نکنیم.

● سخنان سازمانیافته امامان جمعه یک‌روز پس از آن مطرح شده که عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در دیدار با فعالان اقتصادی شهر اصفهان از «توطئه دشمن» برای ایجاد «ناراضیاتی اقتصادی» ابراز نگرانی کرده است.

● جمهوری اسلامی تلاش می‌کند اعتراضات احتمالی مردم به شرایط اقتصادی، که به عقیده کارشناسان با توجه به گرانی‌ها محتمل است، به «نفوذ» و «توطئه دشمن» پیوند زده شود تا با «امنیتی» کردن موضوع فضا برای سرکوب شدید معترضان فراهم شود.

● از سوی دیگر جناحین حکومت با توسل به این سناریوهای توهمی، به‌دنبال تسویه حساب‌های بین‌جناحی در حکومت و حذف رقبا هستند.

ساعاتی پس از آنکه وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی مدعی شد «دشمن» در یک توطئه به دنبال ایجاد «ناراضیاتی اقتصادی» است، امام جمعه‌ها در چند شهر ایران در اظهاراتی سازمانیافته از نقش «دشمن» و «نفوذی‌ها» در گرانی‌های اخیر سخن گفتند!

احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد در خطبه‌های نماز جمعه چنجم دی‌ماه با طرح این ادعا که «وضعیتی که امروز در عرصه اقتصادی و اجتماعی با آن مواجه هستیم، کاملاً نشان می‌دهد که عوامل پشت پرده‌ای در کار است؛ گرانی‌ها به‌صورت ساعت‌به‌ساعت افزایش پیدا می‌کند و این نشان‌دهنده وجود دست‌های پنهان است.»

او افزوده «اگر دشمن بتواند در کنار برخی مسئولان، افرادی را نفوذ دهد که این وضعیت گرانی و فشار بر مردم را می‌بینند اما اقدامی نمی‌کنند، همان فتنه ۸۸ دوباره تکرار خواهد شد.»

امام جمعه مشهد در بخش دیگری از خطبه‌های نماز جمعه گفته «امروز همه به‌خوبی تشخیص می‌دهند که دست‌هایی پشت پرده وجود دارد که موجب شکل‌گیری چنین وضعیتی شده است، اما با این حال، اگر مسئولان تنها نظاره‌گر

نمی‌دهند اگر دولت با کسری منابع حاصل از درآمدهای نفتی روبروست چرا بودجه نهادهای حکومتی از جمله صداوسیما، حوزه‌های علمیه و سازمان‌های ایدئولوژیک مانند موسسات مربوط به تولید «آستان امام خمینی» و سازمان تبلیغات اسلامی و قرارگاه فرهنگی و اجتماعی بقیه‌الله و ... نه تنها در شرایط «بحران درآمدی دولت» قطع نشده بلکه افزایش هم یافته است!

در این میان ۱۷۱ نماینده مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای خطاب به مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور و محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی به افزایش ۲۰ درصدی دستمزدها اعتراض کردند.

در این نامه آمده اصرار بر سرکوب دستمزد طبقات حقوق‌بگیر که حدوداً نیمی از خانوارهای کشور را تشکیل می‌دهند آن هم با استناد به نظریات تاریخ مصرف گذشته و بی‌اعتباری مانند ماریپیچ دستمزد و تورم و بی‌توجهی به تبعات و چرخه شوم حاصل از کاهش قدرت خرید این افراد (کاهش تقاضای مصرفی موثر، رکود در تولید، کاهش رشد اقتصادی، کاهش اشتغال و افزایش فساد در سیستم اداری) که در ادبیات روز اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است، نشان از فقدان پشتوانه علمی رفتارهای ضدمردمی سازمان برنامه و بودجه دارد.

نمایندگان همچنین به رئیس دولت و رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به بروز اعتراضات مردم به علت فقر هشدار داده‌اند: «وضعیت دستمزد طبقه حقوق‌بگیر جامعه به مرحله کشش‌ناپذیر رسیده‌است به‌گونه‌ای که کاهش مجدد قدرت واقعی این طبقات (آنگونه که در لایحه بودجه ۱۴۰۵ پیش بینی شده) در کنار رشد قابل توجه هزینه‌های زندگی و فاصله معنادار میان میزان حقوق و هزینه‌های حداقلی زندگی بیم بحران‌های اجتماعی و امنیتی را فزون می‌کند و سازمان برنامه و تمام افراد موثر در چنین تصمیمات ضدمردمی باید پاسخگوی تبعات بحران‌های احتمالی حاصل از استمرار این روند اشتباه باشند.»

در حالیکه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و بسیاری از تحلیلگران بروز اعتراضات گسترده و سراسری به علت افزایش بحران‌های اقتصادی و معیشتی را محتمل می‌دانند، وزیر خارجه جمهوری اسلامی این روند را نیز گردن «توطئه دشمن» انداخته است.

عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی روز پنجشنبه چهارم دی‌ماه با این ادعا که «توطئه جدیدی در راه است» گفته «دشمن به دنبال این است که به لحاظ اقتصادی شرایط را به جایی برساند که از دید آن‌ها نارضایتی‌ها افزایش پیدا کند و این نظام و حکومت از داخل خودش دچار مشکل بشود.»

وزیر امور خارجه دولت پزشکیان در ادامه مدعی شده «دشمن به‌دنبال ایجاد نارضایتی اقتصادی است، اما همان‌طور که جنگ ۱۲ روزه را پشت سر گذاشتیم این توطئه را هم ناکام می‌گذاریم و این آرزو را هم به‌گور خواهند برد.» عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی روز پنجشنبه چهارم دی‌ماه با این ادعا که «توطئه جدیدی در راه است» گفته «دشمن به دنبال این است که به لحاظ اقتصادی شرایط را به جایی برساند که از دید آن‌ها نارضایتی‌ها افزایش پیدا کند و این نظام و حکومت از داخل خودش دچار مشکل بشود.»

وزیر امور خارجه دولت پزشکیان در ادامه مدعی شده «دشمن به‌دنبال ایجاد نارضایتی اقتصادی است، اما همان‌طور که جنگ ۱۲ روزه را پشت سر گذاشتیم این توطئه را هم ناکام می‌گذاریم و این آرزو را هم به‌گور خواهند برد.»

➔ «شورای بازنشستگان ایران» نیز در بیانیه‌ای با عنوان «بودجه ۱۴۰۵؛ بودجه‌ای مبتنی بر رانت و سرکوب» نوشت «دولت کنونی مانند سایر دولت‌ها در شرایط مشقت‌بار زندگی مردم، سخاوتمندانه به افزایش بودجه نهادهای غیرتولیدی، غیرخدماتی، سرکوبگر، بی‌خاصیت و بی‌ربط به زندگی مردم که نتیجه‌اش بسط و گسترش بیشتر فقر و محرومیت‌های عمومی است» اقدام کرده است.

این تشکل صنفی نیز گنجانیدن افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارمندان شاغل و بازنشسته در لایحه بودجه را «حقیرانه و توهین‌آمیز» خوانده و تأکید کرده «نازل‌نگه‌داشتن مزد حداقل، دست بردن در قوانین کار برای بالا بردن درجه استثمار و بی‌حقوقی کارگران، بی‌توجهی به بدهی‌های دولت به صندوق‌ها، تصمیم برای حذف ارز ترجیحی بر کالاهای اساسی مورد نیاز در شرایط تورم رسمی ۵۰ درصدی، شاخص‌هایی هستند که دولت برای اجرای آنها اراده کرده است.»

در بیانیه «شورای بازنشستگان ایران» نیز با هشدار درباره «تداوم فقر و فلاکت فزاینده» با افزایش ناچیز دستمزدها آمده که «در حالیکه بودجه سازمان‌ها، ارگان‌ها و نهادهای نظامی، امنیتی، قضایی و تبلیغاتی مذهبی و رسانه‌ای را سخاوتمندانه به‌طور چشمگیری افزایش داده‌اند، اما تمام شواهد کارشناسی می‌گویند در تمامی دهه‌های گذشته، برای کسری بودجه نقطه عزیمت تورم در ایران، همواره ناشی از شوک‌های وارده به قیمت اقلام اساسی زندگی مردم بوده است و بودجه ۱۴۰۵ نیز چنین است.»

این تشکل صنفی همچنین نوشته مسعود پزشکیان و دولت اصلاح‌طلب او، منبع اصلی تأمین مخارج بودجه خود را برای سال آینده، عمدتاً با افزایش مالیات‌ها، کم ارزش کردن حقوق و دستمزد و دست بردن در جیب و سفره مردم برنامه‌ریزی کرده است.

افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارکنان دولت در حالیست که بر اساس ادعای مرکز آمار ایران تورم اقتصاد ایران در دومین ماه پاییز امسال به مرز ۵۰ درصد و تورم مواد خوراکی که سهم عمده‌ای در هزینه خانوارهای کم‌درآمد و حقوق‌بگیر دارد به حدود ۶۶ درصد افزایش یافته است. از سوی دیگر تورم در اقتصاد ایران روندی افزایشی دارد و طی ماه‌های آینده و در طول سال سال ۱۴۰۵ سطح قیمت کالاها و خدمات بیشتر خواهد شد.

در چنین شرایط افزایش ناچیز و نامتناسب دستمزدها با نرخ فزاینده تورم به معنای تحمیل فقر و فلاکت بیشتر به خانوارهای حقوق‌بگیر در ایران است. در چنین شرایطی آن افشاری که اکنون زیر خط فقر قرار دارند، فقیرتر شده و بخش زیادی از دیگر حقوق‌بگیران نیز به زیر خط فقر رانده خواهند شد. در این میان مقامات دولت معتقدند به علت تشدید تحریم‌ها و کاهش درآمدهای نفتی نتوانسته‌اند در لایحه بودجه بیش از ۲۰ درصد بر حقوق کارکنان دولت بیافزایند. این در حالیست که نگاهی به بخش‌های دیگر لایحه نشان می‌دهد بودجه‌پاشی به نهادهای حکومتی با ارقامی بیش از سال گذشته ادامه داشته است.

محمدحسین رحمتی، از معاونان سازمان برنامه و بودجه جمهوری اسلامی، روز گذشته در مقابل انتقادات از افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارمندان و بازنشستگان دولتی به کاهش یک میلیون بشکه‌ای نفت در مقایسه با سال ۱۳۹۶ اشاره کرد و گفت «هر یک درصد افزایش حقوق کارکنان، بازنشستگان و مستمری‌بگیران حدود ۲۷ هزار میلیارد تومان بار مالی برای دولت دارد؛ بنابراین اگر درآمد نفتی سال ۱۳۹۶ در اختیار دولت بود، امکان اعمال افزایش حدود ۷۵ درصدی حقوق وجود داشت.»

محمدحسین رحمتی و دیگر مقامات دولت اما توضیح

این‌طور نیست که چون جنگ ۱۲ روزه رخ داده و مشکلات دیگری پیش آمده است، دولت نتوانسته ارز ترجیحی تخصیص بدهد و کالاها گران شده‌اند، بلکه دولت ارز ترجیحی را از بودجه عمومی کشور تخصیص داده است و با وجود این که ملت این هزینه را پرداخت کرده‌اند، اما افرادی که دلار ارزان گرفته‌اند، کالاهای وارداتی را با قیمت‌های گزاف به مردم می‌فروشند. آیا این روند نشان‌دهنده چیزی جز بی‌کفایتی است؟ آیا مجلس باید دست روی دست بگذارد و به وزیری که این سوءمدیریت را انجام داده است، بگوید که هیچ اشکالی ندارد؟»

علی‌اصغر نخعی‌راد بطور مشخص عملکرد غلامرضا نوری قزلقه وزیر جهاد کشاورزی را زیر سوال برده و گفته «وضعیت نامناسب امروز بازار کالاهای اساسی و مواد غذایی، غیر از این که ناشی از ناکارآمدی وزیر جهاد کشاورزی و معاونان ایشان و سایر افرادی که در این وزارتخانه به‌کار گرفته شده‌اند، باشد، هیچ دلیل دیگری ندارد. بررسی‌های ما نشان می‌دهد که در دولت چهاردهم، افراد نالایقی که مدیریت بخش‌های مختلف وزارت جهاد کشاورزی را بلد نبودند، در سمت‌های گوناگون به‌کار گرفته شده‌اند و بسیاری از مدیران لایق این وزارتخانه

ضد مردمی باید پاسخگوی تبعات بحران‌های احتمالی حاصل از استمرار این روند اشتباه باشند.»

در حالی که جدیدترین اظهارات سازمانیافته مقامات حکومتی، از وزیر امور خارجه دولت اصلاح‌طلب چهاردهم تا امام جمعه مشهد و اهواز کلیدواژه‌های «توطئه دشمن» و «نفوذ» به مشکلات اقتصادی از جمله تورم فزاینده گره خورده که چند روز پیشتر نیز رئیس قوه قضاییه طی سخنانی فساد در بانک مرکزی و چند وزارتخانه را عامل گرانی‌ها و مشکلات اقتصادی معرفی کرد. غلامحسین محسنی اژه‌ای همچنین وعده مبارزه با فساد را داده و سازمان بازرسی کل کشور را مسئول رصد وضعیت بازار ارز کرده است.

در همین حال شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز عملکرد بانک مرکزی و بطور کلی تیم اقتصادی دولت پزشک‌یان را عامل وضعیت نابسامان اقتصادی و افزایش قیمت‌ها در بازارهای مختلف، از بازار ارز تا بازار مواد خوراکی، می‌دانند. نمایندگان مجلس شورای اسلامی همچنین به دولت پزشک‌یان ضرب‌العجل برای مدیریت مشکلات اقتصادی را داده و تأکید کرده‌اند در غیراینصورت استیضاح وزرای کابینه پزشک‌یان را در دستور کار قرار خواهند داد.

→ باشند و درک نکنند که چه فشار سنگینی بر مردم وارد می‌شود، خسارت‌های جدی به همراه خواهد داشت.»

در شهر اهواز نیز عبدالنبی موسوی‌فرد در خطبه‌های نماز جمعه به موضوع گرانی‌ها اشاره کرده و گفته «متأسفانه اقتصاد ما به نرخ ارز خارجی پیوند خورده است. باید به سمت‌وسویی برویم که این مسئله را حل کنیم. مسئله پیچیده است. پیشنهاد ما این است که ببینیم رئیسی در عمر کوتاه دولتش که فشار اقتصادی بیش از این بود، چه کار کرد. روش او را در دولت‌های خود اجرا کنید و از نفوذی‌ها غفلت نکنید.»

امام جمعه اهواز همچنین با اشاره به اینکه افزایش نرخ ارز و طلا مردم را نگران کرده است، گفته «باید به سمت‌وسویی برویم که وابستگی اقتصاد داخلی به نرخ ارز را حل کنیم و از نقش نفوذی‌ها در این زمینه غفلت نکنیم.» این سخنان سازمانیافته یک روز پس از آن مطرح شده که عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در دیدار با فعالان اقتصادی شهر اصفهان از «توطئه دشمن» برای ایجاد «نارضایتی اقتصادی» ابراز نگرانی کرده است.

عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی روز



تجمع سراسری بازنشستگان - اسفند ۱۳۹۹

نیز کنار گذاشته شده‌اند. اینهمه در حالیست که وزرای دولت پزشک‌یان کمتر از یک سال و نیم پیش از همین نمایندگان رأی اعتماد دریافت کرده بودند؛ همه وزرا پیشتر در مجلس شورای اسلامی یا در سمت‌های اجرایی حضور داشته‌اند و در نتیجه عملکرد آنها قابل بررسی بوده است. برای نمونه غلامرضا نوری قزلقه وزیر جهاد کشاورزی، پیش از حضور در دولت پزشک‌یان سالها نماینده مجلس شورای اسلامی، و همکار افرادی چون علی‌اصغر نخعی‌راد، بوده است!

در چنین شرایطی به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی تلاش می‌کند اعتراضات احتمالی مردم به شرایط اقتصادی، که به عقیده کارشناسان با توجه به گرانی‌ها محتمل است، به «نفوذ» و «توطئه دشمن» پیوند زده شود تا با «امنیتی» کردن موضوع فضا برای سرکوب شدید معترضان فراهم شود. از سوی دیگر جناحین حکومت با توسل به این سناریوهای توهمی، به‌دنبال تسویه حساب‌های بین‌جناحی در حکومت و حذف رقبا هستند.

در آنسو مجتبی ذوالنور نماینده قم در مجلس شورای اسلامی از طرح سوال جمعی از نمایندگان از مسعود پزشک‌یان درباره وضعیت اقتصادی کشور خبر داده و گفته در اوایل هفته آینده این طرح با به حد نصاب رسیدن امضاها به هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی تقدیم خواهد شد.

علی‌اصغر نخعی‌راد، عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها، مجلس شورای اسلامی نیز با بیان اینکه «دولت کنونی تبدیل به یک دولت بی‌سر شده است و نمی‌تواند مدیریت منسجمی را بر کشور اعمال کند» گفته «در برخی وزارتخانه‌ها شاهد آن بوده‌ایم که افراد صرفاً به دلیل ارتباطات سیاسی و جناحی خودشان، پست‌های کلیدی گرفته‌اند، در حالی که توانایی لازم را برای مدیریت‌های اجرایی ارشد نداشته‌اند و این موضوع در عملکرد بعضی وزارتخانه‌ها تأثیر منفی گذاشته است.»

او افزوده «وضعیت کنونی بازار بخصوص افزایش قیمت کالاهای اساسی نشان می‌دهد وزیرانی که مرتبط با این موضوع هستند، مدیریت و درایت مناسبی نداشته‌اند.

پنجشنبه چهارم دی‌ماه با این ادعا که «توطئه جدیدی در راه است» گفته «دشمن به دنبال این است که به لحاظ اقتصادی شرایط را به جایی برساند که از دید آن‌ها نارضایتی‌ها افزایش پیدا کند و این نظام و حکومت از داخل خودش دچار مشکل بشود.»

وزیر امور خارجه دولت پزشک‌یان در ادامه مدعی شده «دشمن به‌دنبال ایجاد نارضایتی اقتصادی است، اما همان‌طور که جنگ ۱۲ روزه را پشت سر گذاشتیم این توطئه را هم ناکام می‌گذاریم و این آرزو را هم به گور خواهند برد.»

همزمان ۱۷۱ نماینده مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای خطاب به مسعود پزشک‌یان رئیس‌جمهور و محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی به افزایش ۲۰ درصدی دستمزدها اعتراض کردند.

در این نامه تأکید شده که افزایش ناچیز دستمزدها در کنار افزایش قابل توجه هزینه‌های اقشار حقوق‌بگیر «بیم بحران‌های اجتماعی و امنیتی را فزون می‌کند» و «سازمان برنامه و بودجه و تمام افراد موثر در چنین تصمیمات

میراث فرهنگی کشور در بحرانی‌ترین شرایط؛ در بر همان پاشنه پیشین می‌چرخد!



خانه تاریخی «امین لشگر»

گیلارد؛ آرامستان تاریخی یهودیان نیز در محاصره زباله و تخریب گسترده قبور قرار گرفته است. این گورستان تاریخی که یکی از مهم‌ترین آرامستان‌های مربوط به جامعه یهودیان در غرب شهر دماوند است، در طول ماه‌های اخیر، به محل انباشت زباله و نخاله تبدیل شده و شمار زیادی از سنگ‌قبرهای این گورستان، دچار شکستگی، جابه‌جایی یا تخریب شده‌اند.

گزارش‌های رسیده از منابع محلی نشان می‌دهد که افزون بر انباشت زباله، آثار متعدد حفاری‌های غیرمجاز نیز در نقاط مختلف گورستان مشاهده می‌شود. این حفاری‌ها در برخی موارد به شکل حفاره‌های عمیق در میان قبور دیده می‌شود و احتمالاً با هدف یافتن اشیای تاریخی یا به‌دست‌آوردن اموال همراه با متوفیان انجام شده است؛ امری که علاوه بر جنبه مجرمانه، به ساختار تاریخی آرامستان آسیب‌های جدی وارد کرده است.

از سوی دیگر چشمه‌علی در دامنه کوه بی‌بی شهریانو در منطقه ری، با قدمتی که برخی پژوهش‌ها آن را بیش از ۷ هزار سال برآورد کرده نزدیک به سه سال است که خشک شده است.

این همه درحالیست که نه تنها کاوش‌های باستان‌شناسی این محوطه به نتایجی عملی منجر نشده و آثار کشف‌شده بدون هیچ‌گونه برنامه حفاظتی یا نمایش عمومی، از ری خارج شدند بلکه عدم حفاظت از این محوطه، آن را به محلی برای حفاری‌های غیرمجاز و تخریب‌های گسترده تبدیل کرده و هیچ اقدام موثری برای جلوگیری از ادامه این روند از سوی مسئولان شهری، میراث فرهنگی و نهادهای مربوطه انجام نشده است.

اما یکی از بارزترین یادگارهای سیاست فرهنگی دوران پهلوی، کاخ «مروارید»، کاخ شاهدخت شمس پهلوی نیز به شکلی نیمه‌مخروبه امروز به حاشیه رانده شده ←

و در اختیار شرکت توسعه فضاهای فرهنگی قرار داشت و پس از تخریب آن، فعالان میراث‌فرهنگی با تشکیل کارزاری خواهان پیگیری قضائی درباره تخریب تعمدی و تدریجی آن شدند.

از سوی دیگر ارزش‌های تاریخی و معنوی آرامستان‌های تاریخی کشور در معرض نابودی قرار گرفته‌اند. از جمله آرامستان تاریخی «ابن بابویه» نخستین گورستان شهری، مزار بزرگانی چون «میرزاده عشقی»، خاندان «دهخدا»، «نسیم شمال» و «غلامرضا تختی» با قدمتی بیش از یک قرن که سالهاست شاهد نوسازی، هم‌سطح‌سازی و تخریب خودسرانه سنگ مزارهای تاریخی بوده است و بخش وسیع و مهمی از این مجموعه تسطیح شده است.

اخیراً متولیان آستان شیخ صدوق در اقدامی خودسرانه، بدون دریافت مجوز از میراث فرهنگی برای ساختن آشپزخانه و حوزه علمیه، بخشی از سنگ قبرها را شکسته و قبور را از بین برده‌اند.

هم‌زمان، عملیات نوسازی و هم‌سطح‌سازی قبور قدیمی این آرامستان آغاز شده است. در جریان این هم‌سطح‌سازی، سنگ‌قبرهای تاریخی که اغلب مالکان شخصی دارند در بخش‌های بازسازی شده حذف شده‌اند.

پیش‌ازاین، قبور تاریخی «گورستان ابن‌بابویه» بارها در قالب طرح‌ها و پروژه‌های مختلف، شاهد تخریب هویت تاریخی خود بوده است. ازجمله شهریور ماه جاری محوطه‌سازی در ضلع جنوب‌شرقی این مجموعه و محدوده مزار غلامرضا تختی خرساز شد. هرچند اداره میراث فرهنگی شهری دستور توقف پروژه را در عرصه این اثر ثبت ملی صادر کرده است اما تصاویر جدید نشان می‌دهد این پروژه نه تنها متوقف نشده، بلکه بخش دیگری از این گورستان تاریخی تخریب و تسطیح و تعداد زیادی از سنگ‌قبرها خرد شده و از بین رفته است.

● شهرداری تهران دوم دی‌ماه یکی از بناهای شاخص باقی‌مانده از عصر قاجار، خانه تاریخی و ثبت ملی شده «امین‌لشگر» از بناهای تاریخی باقی‌مانده در کوچه پس‌کوچه‌های پامنار، محله تاریخی عودلاجان را در روز روشن، زیر چرخ لودرهای خود تخریب کردند.

● آرامستان تاریخی «ابن بابویه» نخستین گورستان شهری، مزار بزرگانی چون «میرزاده عشقی»، خاندان «دهخدا»، «نسیم شمال» و «غلامرضا تختی» با قدمتی بیش از یک قرن که سالهاست شاهد تخریب خودسرانه سنگ مزارهای تاریخی بوده است و بخش وسیع و مهمی از این مجموعه تسطیح شده است.

● گیلارد؛ آرامستان تاریخی یهودیان نیز در محاصره زباله و تخریب گسترده قبور قرار گرفته است. این گورستان تاریخی یکی از مهم‌ترین آرامستان‌های مربوط به جامعه یهودیان در غرب شهر دماوند است.

● یکی از بارزترین یادگارهای سیاست فرهنگی دوران پهلوی، کاخ «مروارید»، کاخ شاهدخت شمس پهلوی نیز به شکلی نیمه‌مخروبه امروز به حاشیه رانده شده است، یادگار زیبایی سال‌های طلایی دوران پهلوی که بخش زیادی از اموال ارزشمند آن به غارت رفته است.

سالهاست سرمایه‌های تاریخی، طبیعی و فرهنگی ایران، حال خوشی ندارند و با چالش‌ها و آسیب‌های مختلف و بعضاً خطرناک و غیرقابل بازگشتی روبرو هستند؛ از تخریب بافت‌های تاریخی شیراز و همدان و اهواز گرفته تا پاک‌تراشی جنگل‌های چیتگر و ناهارخوران و هیرکانی؛ از تخریب تپه‌ها و محوطه‌ها و ساخت‌وساز در حریم آثار ملی و تاریخی تا آتش‌سوزی و جنگل‌خواری و زمین‌خواری و تجاری‌سازی در بافت تاریخی شهرها و مرمت‌های غیراصولی؛ و بحران فرونشست در بافت‌های تاریخی، روندی که سالهاست که با بهانه‌های گوناگون تکرار می‌شوند.

از جمله نمونه‌های بارز این شرایط تباه‌کارانه و خسارت‌بار که بناها و محوطه‌های تاریخی کشور را در معرض نیستی قرار داده افزایش تخریب‌های سازمانیافته در شیراز، کرمان، یزد، مشهد، دزفول و اصفهان است.

در شرایطی که ایران از سال ۱۳۰۹ با تصویب قوانین مهمی مانند قانون عتیقه‌جات، یکی از پیشرفته‌ترین نمونه قوانین در زمینه میراث فرهنگی را در منطقه داشته بر اساس داده‌های غیررسمی منتشرشده از سوی کارشناسان حقوقی و پژوهشگران میراث‌فرهنگی، تنها در بازه پنج‌ساله اخیر بیش از هزار مورد تخلف در قالب ساخت‌وساز غیرمجاز، حفاری غیرقانونی و تعرض عوامل انسانی به حریم آثار ملی به ثبت رسیده است.

در تازه‌ترین این موارد، روز سه‌شنبه، دوم دی‌ماه، عوامل شهرداری منطقه ۱۲ تهران (ناحیه ۲) یکی از بناهای شاخص باقی‌مانده از عصر قاجار، خانه تاریخی و ثبت ملی شده «امین‌لشگر» از بناهای تاریخی باقی‌مانده در کوچه پس‌کوچه‌های پامنار، محله تاریخی عودلاجان را در روز روشن، زیر چرخ لودرهای خود تخریب کردند.

تخریب عمدی این عمارت در قلب بافت تاریخی تهران به بهانه ایمن‌سازی، پاک‌سازی معتادان و مواد فروشان در حالی خبرساز شد که این بنا زیر چتر سوراخ حمایتی قانون

شرط‌بندی دوباره جمهوری اسلامی بر روی اسب بازنده «زیست عفیفانه»!



پزشکیان رئیس جمهور ایران خبر دادند، سندی که بر اساس آن، سیاست‌های مرتبط با سلامت زنان با تأکید بر خانواده‌محوری و سبک زندگی اسلامی-ایرانی تنظیم شده است.

این سند که در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده، سلامت زنان را در پیوند با «سیاست‌های کلی جمعیت و با تأکید بر کرامت مادری و اهمیت و ارزش فرزندآوری به‌عنوان یک حق طبیعی و مسئولیت اجتماعی» تعریف کرده و گفته است: «زنان باید زندگی جنسی سالم، آگاهانه، اخلاقی و عفیفانه داشته و در این راستا بتوانند از خدمات و مراقبت‌های بهداشتی مناسب در سنین باروری بهره‌مند و قادر به ازدواج، داشتن بارداری و زایمان سالم و ایمن باشند.»

مقامات جمهوری اسلامی در حالی بر افزایش جمعیت و فرزندآوری اصرار دارند که حتی توان تأمین شیرخشک و پوشک مورد نیاز نوزادان را ندارند بطوری که گرانی و کمبود این اقلام ضروری به مشکلی دائمی برای خانوارهای دارای نوزاد تبدیل شده است.

آش بی‌کفایتی جمهوری اسلامی چنان شور شده که حتی برای زوج‌هایی نیز که تصمیم به داشتن فرزند گرفته ولی با مشکل ناباروری روبرو هستند، هیچ خدمات حمایتی ایجاد نکرده و سهم بیمه‌ها در پرداخت هزینه‌های سرسام‌آور درمان ناباروری بسیار ناچیز است.

در بخشی از سند ملی سلامت زنان، سلامت جنسی و روانی در روابط جنسی در چارچوب شرع و قوانین رسمی کشور تعریف شده و در مقابله با حق بر بدن و آزادی‌های فردی و روابط جنسی تأکید کرده است: «این مفهوم؛ تنها به معنای نبود بیماری، اختلال و انحراف نیست؛ بلکه شامل زندگی اخلاقی و عفیفانه آحاد جامعه و پیشگیری از بیماری جنسی زوجین است.»

● پس از تکرار شکست خفت‌بار جمهوری اسلامی در عرضه «پوشاک عفیفانه» و ابلاغ سند «سبک زندگی ایرانی-اسلامی» بار دیگر مقامات جمهوری اسلامی بر روی اسب بازنده «سبک زندگی ایرانی-اسلامی» و «زیست عفیفانه» شرط بستند.

● در «سند ملی سلامت زنان» سیاست‌های مرتبط با سلامت زنان با تأکید بر خانواده‌محوری و سبک زندگی اسلامی-ایرانی ابلاغ و سلامت زنان را در پیوند با «سیاست‌های کلی جمعیت و با تأکید بر کرامت مادری و اهمیت و ارزش فرزندآوری به‌عنوان یک حق طبیعی و مسئولیت اجتماعی» تعریف کرده است!

● نویسندگان این سند، «سلامت زنان» را نه به‌عنوان یک حق مستقل انسانی، بلکه با سفاکت خنده‌آوری تلاش کرده‌اند سلامت زنان ایرانی را در زورق هنجارهای شرعی و ایدئولوژیک بپیچند و عرضه کنند و نیازهای واقعی زنان را به حاشیه رانده‌اند.

● تصویب سند ملی سلامت زنان یکی از آخرین تلاش‌های واپس‌گرایان اسب تروای دولت اصلاح‌طلب پزشکیان برای اجرای هوشمندسازی سرکوب زنان، اجبار کردن آنها به پوشش حجاب اجباری، خانه‌نشینی کردن آنها و در نهایت به محدود کردن نقش آنها به مادری و همسری و فرزندآوری ختم می‌شود.

پس از تکرار شکست خفت‌بار جمهوری اسلامی در عرضه «پوشاک عفیفانه» و ابلاغ سند «سبک زندگی ایرانی-اسلامی» بار دیگر مقامات جمهوری اسلامی بر روی اسب بازنده «سبک زندگی ایرانی-اسلامی» و «زیست عفیفانه» شرط بستند.

روز چهارم دی‌ماه رسانه‌های داخلی در ایران از ابلاغ آنچه که «سند ملی سلامت زنان» یاد شده، از سوی مسعود

است، یادگار زیبای سال‌های طلایی دوران پهلوی که بخش زیادی از اموال ارزشمند آن به غارت رفته است. به گفته حسین مهاجری عضو شورای اسلامی شهر کرج، در کاخ مروارید، «سقف‌ها فرو ریخته، دیوارها و مبلمان داخلی به شدت آسیب دیده‌اند و عملاً با فضای رهاشده‌ای مواجه هستیم.»

پس از انقلاب، این بنای ارزنده توسط بنیاد مستضعفان مصادره شد. این بنیاد اقدامی برای حفظ و نگهداری از کاخ نکرد و در نهایت در سال ۱۳۸۶ کاخ مروارید و ۱۰۱ هکتار از زمین‌های اطرافش در قراردادی غیرقانونی از سوی بنیاد مستضعفان به مبلغ ۷۰ میلیارد ریال به بنیاد تعاون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فروخته شد.

اما بدترین قسمت ماجرا، بحران فرونشست به دلیل افت شدید آب‌های زیرزمینی و برداشت بی‌رویه از چاه‌هاست، زنگ خطر جدی دیگری که قلب بافت‌ها و محوطه‌های ارزشمند تاریخی مناطق مختلف کشور از جمله فارس و اصفهان را نشانه گرفته است، در استان اصفهان، خانه اصفهان و میدان نقش جهان تا بازارهای تاریخی و مناطق شرق اصفهان و برخوار و در استان فارس، تخت جمشید، پاسارگاد و نقش رستم در معرض فرونشست تدریجی زمین قرار دارند.

بنا بر اعلام پژوهشگران و کارشناسان سازمان زمین‌شناسی جنوب کشور، نقاط مختلف دشت مرودشت ۲ تا ۲۰ سانتی‌متر فرونشسته است، به گفته محمدجواد جعفری، مدیر پایگاه جهانی تخت جمشید، فرونشست در تمام دشت مرودشت وجود دارد و متأسفانه در نقش رستم نیز در نقطه تلاقی بین دشت و صخره، یک شکاف ایجاد کرده است.

از سوی دیگر هم‌زمان با توقف کاوش‌های علمی، تب گنج‌یابی، حفاری‌های غیرمجاز و قاچاق آثار تاریخی در سراسر کشور که نه شب می‌شناسند و نه مرز، در حال گسترش است، حفاری‌هایی که به مافیای واقعی قاچاق و یک بحران ملی تبدیل شده‌اند اما یگان حفاظت بی‌امکانات وزارت میراث فرهنگی، وزارتخانه‌ای که باید مدافع آن باشد، از انجام حداقل وظایف خود ناتوان است و اقدامی نمی‌کند، در این شرایط، گنج‌یاب‌های حفاران غیرمجاز، بی‌محابا به جان تپه‌ها و محوطه‌های تاریخی می‌افتند و اشیای چند هزار ساله ایرانی در روز روشن سر از حراجی‌های کشورهای همسایه درمی‌آورند. بر اساس گزارش سال ۱۴۰۴ سازمان میراث فرهنگی، به تنهایی بیش از ۱۰ هزار محوطه باستانی در استان فارس در معرض حفاری‌های غیرقانونی قرار دارند.

آمارهای رسمی و نیمه‌رسمی نشان می‌دهند که جرایم علیه آثار منقول، شامل استفاده غیرمجاز از فلزیاب، خرید و فروش غیرقانونی اشیاء و سرقه، در بازه ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ تقریباً ۷۹ درصد افزایش داشته‌اند که این آمار، همچنان رو به افزایش است.

همچنین گزارش‌های میدانی از وجود ۲۰ هزار محوطه و گورستان تاریخی ثبت ملی شده در ایران خبر می‌دهند که هیچکدام از دست قاچاقچیان و حفاران غیرمجاز سالم نمانده است یعنی ۲۰ هزار محوطه و گورستان تاریخی که برای سوداگران و گنج‌یابان دروازه‌ای باز هستند و همچنان این در بر همان پاشنه می‌چرخد.

بنابراین دیگر بر کسی پوشیده نیست که وضعیت میراث فرهنگی ایران امروز همچون دیگر عرصه‌های زیست محیطی، اقتصادی و سیاسی در یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های تاریخی خود قرار گرفته است و آنچه در رسانه‌ها از وضعیت بحرانی میراث تاریخی ایران آورده شده تنها مثنوی نمونه خروار است.

بودجه‌ای برای «بقا»؛ پزشکیان می‌گویند انگیزه‌ای برای رئیس جمهور ماندن ندارد!

● مسعود پزشکیان نتوانست از بودجه تدوین شده برای سال آینده دفاع کند و تنها به «ذکر مصیبت» پرداخت. او گفت «می‌گویند حقوق را زیاد کنید؛ یکی به من بگوید از کجا پول بیاورم؟» و افزود وقتی می‌تواند مشکلات اقتصادی مردم را حل کند «انگیزه‌ای برای رئیس‌جمهور ماندن» ندارد.

● رئیس دولت با «توضیح واضح‌ات» گفت «فی‌شود در کشوری زندگی کنیم که نفت و گاز دارد، روزانه نزدیک به ۸ میلیون بشکه نفت و گاز مصرف می‌کند، اما عده‌ای گرسنه باشند و شب سر بر بالش بگذارند و نان شب نداشته باشند، و بعد بگویم داریم مدیریت می‌کنیم.»

● مسعود پزشکیان توضیح نداده چرا عملکرد دولت او و دولت‌های پیشین جمهوری اسلامی روند نزولی در حوزه تولید و رشد اقتصادی، و افزایش فقر و فلاکت در کشور را سبب شده است؟

● دیوان محاسبات اعلام کرده لایحه بودجه ۱۴۰۵ نه تنها از شفافیت لازم برخوردار نیست، و با رشد برداشت از صندوق توسعه ملی و افزایش فروش اوراق مالی اسلامی، کسری واقعی بودجه نه تنها کاهش نمی‌یابد، بلکه تشدید شده و در نهایت هزینه آن بر دوش مردم و اقتصاد کشور تحمیل خواهد شد.

● کارشناسان هشدار می‌دهند بودجه‌ای که دچار کسری است و سبب افزایش تورم می‌شود نه تنها بر خانوارها بلکه بر تولیدکنندگان و صنعتگران نیز فشارهای مضاعف وارد خواهد کرد و سبب تشدید رکود می‌شود.

● پس از نشست امروز مجلس شورای اسلامی حمید رسایی نماینده اصولگرا در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «مطابق آنچه از نمایندگان شنیده می‌شود، اکثریت مجلس با کلیات این بودجه موافق نیستند و احتمال زیاد کلیات آن رأی نخواهد آورد.»

روند بررسی کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۵ در مجلس شورای اسلامی آغاز شده است. لایحه بودجه سال آینده دچار کسری است و بیانگر افزایش تورم، گسترش فقر و تشدید مشکلات معیشتی در کشور است. نمایندگان منتقد دولت در مجلس شورای اسلامی معتقدند نمایندگان به این لایحه رأی مثبت نمی‌دهند و در مفاد آن تغییراتی ایجاد خواهد شد. کارشناسان می‌گویند بودجه سال آینده تنها برای «بقا» تنظیم شده و نشانه‌ای از رشد و توسعه و بهبود شرایط در آن به چشم نمی‌خورد. مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم روز یکشنبه هفتم دی‌ماه ۱۴۰۴ برای بررسی کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۵ در صحن علنی مجلس شورای اسلامی حاضر شد.

رئیس دولت اصلاح‌طلب چهاردهم در حالیکه نتوانست از بودجه تدوین شده برای سال آینده دفاع کند، تنها به «ذکر مصیبت» پرداخت. او گفت «می‌گویند حقوق را زیاد کنید؛ یکی به من بگوید از کجا پول بیاورم؟» و افزود وقتی نمی‌تواند مشکلات اقتصادی مردم را حل کند

زیرمجموعه‌های جدول ۱۲ لایحه بودجه ۱۴۰۵ دارد. کمترین بودجه نیز ۲۰ میلیارد تومان است که برای «راه‌اندازی سامانه رصد، پایش و سنجش مستمر شاخص‌های فرهنگ عمومی، سبک زندگی مردم، مرجعیت رسانه‌ای» در نظر گرفته شده است.

در همین ارتباط، فهیمه فرهمندپور، رئیس شورای فرهنگی و اجتماعی زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی، با اشاره به شروع برخی اقدامات جدید در این شورا گفته است: «علاوه بر پیگیری اسناد گذشته، برخی کارهای جدید نیز آغاز شده که خوشبختانه به تدریج در حال آماده‌سازی برای ارائه است. یکی از این اقدامات، تدوین سیاست‌های «خانواده مولد» و «حمایت از خانواده‌های مبدل» است که به‌طور جدی در مسیر افزایش کارکردهای خانواده طراحی شده و انتظار می‌رود آثار اجتماعی قابل توجهی به همراه داشته باشد.»

از سوی دیگر ۱۵۵ نماینده مجلس شورای اسلامی روز سه‌شنبه ۱۱ آذرماه در نامه‌ای خطاب به غلامحسین محسنی اژه‌ای قوه قضائیه خواستار اجرای کامل قوانین عفاف و حجاب و جلوگیری از ترک فعل دستگاه‌ها شده بودند.

در بخشی از این نامه آمده بود «دشمنان به خوبی می‌دانند پیشرفت‌های شگرف انقلاب اسلامی در دهه‌های گذشته در سایه تربیت صحیح و بی‌بدیل جوانان این مرز و بوم و آن هم توسط زنان و مادران ایرانی صورت گرفته است و برای جلوگیری از این حرکت عظیم مهم‌ترین هدف دشمنان تغییر سبک زندگی ایرانی اسلامی و ضربه زدن به عفاف و حجاب به‌عنوان اصلی‌ترین عقبه اخلاقی جامعه ایران است.»

در همان روز فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت پزشکیان از برنامه برای مبارزه با «بی‌حجابی» خبر داده بود و گفته بود: «در این زمینه قرار است جلوی جریان‌ات سازمان یافته گرفته شود.»

به گفته فاطمه مهاجرانی وزارتخانه‌ها متناسب با وظایف خود، گزارش‌های مختلف را در بازه‌های زمانی مشخص تولید می‌کنند. مسعود پزشکیان نیز سه روز پیش از آن روز طی سخنانی گفته بود باید الگوهای مناسب در زمینه حجاب و عفاف به جامعه معرفی شوند.

پیش‌تر نیز رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت مسعود پزشکیان تأیید کرده بود که علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، درباره «ناهنجاری‌های اجتماعی و حجاب» ابلاغیه‌ای محرمانه به دولت ارسال کرده است.

در شرایطی که مردم ایران خسته از آزمون‌وخطاهای بسیار «آتش به اختیاران» نظام ایدئولوژیک جمهوری اسلامی و بدتر شدن شرایط اقتصادی هستند مقامات جمهوری اسلامی از بروز موج تازه‌ای از اعتراضات مردمی در پی وخیم شدن شرایط اقتصادی واهمه دارند و حجاب اجباری، دلیل این حجم از نفرت و سازماندهی نیروهای امنیتی، انتظامی و قضایی است.

تصویب سند ملی سلامت زنان یکی از آخرین تلاش‌های واپس‌گرایان اسب تروای دولت اصلاح‌طلب پزشکیان برای اجرای هوشمندسازی سرکوب زنان، اجبار کردن آنها به پوشش حجاب اجباری، خانه‌نشینی کردن آنها و در نهایت به محدود کردن نقش آنها به مادری و همسری و فرزندآوری ختم می‌شود.

با این وجود، پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل در شرایطی که جمهوری اسلامی با واقعیت سهمگین قرارگرفت در سراسرایی فروپاشی تدریجی و بن‌بست دیپلماتیک قرار گرفته است همچنان در این توهم به سر می‌برد که ابرقدرت بلامنازع هستیم.

در عمل، نویسندگان این سند، «سلامت زنان» را نه به‌عنوان یک حق مستقل انسانی، بلکه با سفاکت خنده‌آوری تلاش کرده‌اند سلامت زنان ایرانی را در زورورق هنجارهای شرعی و ایدئولوژیک بیچند و عرضه کنند و نیازهای واقعی زنان را به حاشیه رانده‌اند.

همچنین این سند، بار دیگر پروژه شکست‌خورده «زیست عقیفانه» را عنوان کرده و به این موضوع در بخش‌های مختلف این سند در قالب سلامت باروری، سلامت جنسی اشاره کرده و زیست عقیفانه را به معنای «زندگی مبتنی بر انطباق انواع خواسته‌ها، کشش‌ها و لذت‌جویی‌های فردی (از جمله در حوزه امر جنسی) با عقل، ارزش‌های اخلاقی و چارچوب احکام شرعی» تلقی کرده است.

انسیه خزعلی معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری اسلامی که سالهاست سرمایه‌های کشور را در راه پوشش اجباری به هدر داده است در اردیبهشت ۱۴۰۳ از تدوین طرحی با عنوان «طرح زیست عقیفانه» خبر داده بود که بر اساس آن اولیا و دانش‌آموزان دختر در دو مرحله جداگانه آموزش داده می‌شوند.

به گفته انسیه خزعلی «طرح زیست عقیفانه» با عنوان «زندگی و بالندگی» در این معاونت پیگیری می‌شود و مربیانی از سراسر کشور با همکاری آستان قدس رضوی آموزش می‌بینند تا به والدین، آموزش‌های لازم را ارائه دهند. او افزوده بود که «تاکنون چهار دوره آموزشی برگزار شده است که این مربیان، ابتدا برای والدین و در ادامه برای دانش‌آموزان، آموزش‌ها را ارائه خواهند داد.»

معاون ابراهیم رئیسی اضافه کرده بود که «هویت دختران و کمک به مهارت‌آموزی دانش‌آموزان در حوزه‌های سبک زندگی، از دیگر برنامه‌های معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری است که در حال انجام است.»

ترویج شعار تکراری «سبک زندگی اسلامی-ایرانی» یکی دیگر از بندهای این سند اعلام شده که در تعریف آن آمده است: «منظومه الگوهای زیستی انتخابی و نسبتاً پایدار مبتنی بر نظام‌های اعتقادی، علمی، اخلاقی، معنوی و موازین شرعی اسلام که بر بستر زیست‌بوم ایران، در ساحت‌های چهارگانه روابط انسان با خدا، خود، انسان‌ها و دنیا و دستاوردهای بشری، در جهت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی با سازوکارهای حکمرانی در دولت اسلامی در مواجهه با سبک‌های زندگی معارض و رقیب تقویت می‌شود.»

در این سند، هدف نخست این سیاست‌ها را «تبیین و ترویج باروری ایمن، افزایش فرزندآوری و پیشگیری از سقط غیر قانونی جنین و توسعه فرهنگ و ارتقاء و اصلاح برنامه‌های خودمراقبتی و سواد سلامت زنان و خانواده در چارچوب زیست عقیفانه و سبک زندگی اسلامی-ایرانی به عنوان هدف دوم» اعلام شده است.

همچنین در این سند بدون اشاره به چالش‌هایی نظیر خشونت علیه زنان و تبعیض‌های حقوقی و اجتماعی بر «حمایت اعتماد به نفس و تکریم منزلت زنان و مادران در جامعه در رشد و تعالی و تربیت نسل سالم و متدین و جامعه پویا با تأکید بر نقش و ظرفیت زنان خانه‌دار» تأکید شده است.

این همه درحالیست که در بودجه ۱۴۰۵ بیش از دو هزار میلیارد برای «اعتلای سبک زندگی ایرانی-اسلامی» در نظر گرفته شده است.

در بودجه ۱۴۰۵، «اجرای سند راهبردی و پشتیبانی از مساجد کشور» با بودجه یک هزار و ۲۶ میلیارد و ۴۷۰ میلیون و ۸۰۰ هزار تومانی، بیشترین سهم را در بین همه

تورمزا و پیامدهای امنیتی آن، خطایی پرهزینه خواهد بود.» نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز امروز و در حضور پزشکین انتقادهای خود از لایحه بودجه را مطرح کردند. محسن زنگنه نماینده تربت حیدریه و عضو کمیسیون برنامه و بودجه در سخنانی گفته «برخلاف ادعاهای مطرح شده، این بودجه انقباضی نیست و با بازی با اعداد تنظیم شده و

رویه در تدوین بودجه، امکان مقایسه دقیق و اعمال نظارت مؤثر را نیز از مجلس شورای اسلامی سلب خواهد نمود. دیوان محاسبات تأکید کرده «بخش قابل توجهی از اختیارات قانونی پارلمان در این لایحه عملاً به دولت و سایر مراکز تصمیم گیری منتقل شده و همین مسئله جایگاه نظارتی مجلس را به طور جدی تضعیف می کند.»

➡ «انگیزه‌ای برای رئیس جمهور ماندن» ندارد. مسعود پزشکین با «توضیح واضحات» گفت «هی شود در کشوری زندگی کنیم که نفت و گاز دارد، روزانه نزدیک به ۸ میلیون بشکه نفت و گاز مصرف می کند، اما عده‌ای گرسنه باشند و شب سر بر بالش بگذارند و نان شب نداشته باشند، و بعد بگوئیم داریم مدیریت می کنیم.»



مسعود پزشکین در نشست بررسی کلیات لایحه بودجه، هفتم دی ماه ۱۴۰۴

نه تنها موجب کنترل تورم نخواهد شد، بلکه در تضاد آشکار با اهداف برنامه هفتم توسعه قرار دارد.» محسن زنگنه خطاب به مسعود پزشکین گفته «برخلاف آنچه گفته می شود، بودجه انقباضی نیست و صرفاً با اعداد بازی شده است. اگر اعتبار جمعی-خرجی که هر سال در بودجه درج می شود به سرجمع بودجه کل کشور اضافه شود، بودجه امسال ۴۱ درصد رشد دارد. این بودجه انقباضی نیست، بلکه شعار انقباضی بودن آن برای پیشبرد اهداف همان افرادی است که این متنها را برای شما نوشته اند.» محمدرضا احمدی سبزر نماینده رشت در مجلس شورای اسلامی نیز گفته «در بودجه سال آینده پیش بینی شده است که درآمدهای مالیاتی ۴۲ درصد افزایش یابد این در حالی است که بنا بر اعلام دولت، نرخ تورم بیش از ۵۰ درصد است و با وجود تورم بالا و نبود رونق اقتصادی، وارد کردن فشار مضاعف به مردم برای جبران کسری بودجه قابل قبول نیست.» محمدرضا احمدی سبزر افزوده «انتظار این است که دولت اصلاح را از خود آغاز کند و از هزینه های جاری از جمله مأموریت ها، حق مأموریت ها و مخارج غیرضروری بکاهد. وجود ساختمان های اداری پرهزینه و تغییرات گسترده دکوراسیون توسط برخی مدیران، هزینه های کلانی را به دولت تحمیل می کند و باید از همین بخش ها صرفه جویی آغاز شود.»

اگر چه بودجه تدوین شده در دولت پزشکین شبیه بودجه های ناکارآمد تدوین و تصویب شده سالهای گذشته، در دولت های اصولگرا و اصلاح طلب پیشین، است اما حالا همین بودجه تکراری، به ابزاری برای تسویه حساب و تهدید مخالفان دولت در مجلس شورای اسلامی تبدیل شده است. پس از نشست امروز مجلس شورای اسلامی حمید رسایی نماینده اصولگرا در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «مطابق آنچه از نمایندگان شنیده می شود، اکثریت مجلس با کلیات این بودجه موافق نیستند و احتمال زیاد کلیات آن رأی نخواهد آورد.»

بر اساس اعلام دیوان محاسبات، در لایحه بودجه ۱۴۰۵ با رشد برداشت از صندوق توسعه ملی و افزایش فروش اوراق مالی اسلامی، کسری واقعی بودجه نه تنها کاهش نمی یابد، بلکه تشدید شده و در نهایت هزینه آن بر دوش مردم و اقتصاد کشور تحمیل خواهد شد. همچنین افزایش بهای کالاها و خدمات از طریق افزودن ۲ درصد به نرخ مالیات بر ارزش افزوده، در کنار بی توجهی به نرخ واقعی تورم در تعیین میزان افزایش حقوق کارکنان و بازنشستگان عملاً قدرت خرید خانوارها را کاهش می دهد. کارشناسان همچنین هشدار می دهند بودجه ای که دچار کسری است و سبب افزایش تورم می شود نه تنها بر خانوارها بلکه بر تولیدکنندگان و صنعتگران نیز فشارهای مضاعف وارد خواهد کرد و سبب تشدید رکود می شود. در همین رابطه روزنامه «جهان صنعت» نوشته سیاست های تورمزا، همان قدر که مصرف کنندگان را تحت فشار قرار می دهند، هزینه های تولید را نیز به شدت افزایش می دهند. افزایش نرخ ارز و قیمت نهاده ها، تولید داخلی را غیره صرفه تر می کند و کمر تولیدکنندگان را می شکند. نتیجه چنین روندی، تضعیف بنگاه های تولیدی، تشدید وابستگی به واردات و در نهایت گسترش بیکاری است. به این ترتیب، سیاست هایی که با فشار بر مصرف کننده آغاز می شوند، در نهایت نان آوران خانوارها را نیز از کار بیکار می کنند و آسیب پذیری اجتماعی را دوچندان می سازند.

این مطلب هشدار داده «تضعیف مستمر ارزش پول ملی و فروگذاشتن سطح معیشت نیروهای حقوق بگیر، می تواند به فرسایش انگیزه، وفاداری و کارآمدی نهادهای کلیدی منجر شود. وقتی فشارهای معیشتی به نقطه ای می رسد که کارد به استخوان می رسد، دیگر نمی توان انتظار داشت که جامعه با بدنه های نهادی، صرفاً با وعده های اخلاقی یا سیاست های جبرانی محدود همراهی کنند. در چنین شرایطی، نادیده گرفتن پیوند میان سیاست های اقتصادی

و افزود «بنده برای حکومت کردن یا برای اینکه رئیس پانم هیچ انگیزه ای ندارم. اگر نتوانم مشکل مردم و محرومان را حل کنم، چیزی نیست که به آن افتخار کنم. نمی شود حکومت کرد و مردم مشکل داشته باشند و بعد صرفاً درباره بودجه حرف بزنیم؛ بگوئیم حقوق کم است، بله کم است؛ بگوئیم مالیات زیاد گرفته می شود، بله زیاد گرفته می شود؛ بگوئیم حقوق را زیاد کنید، خوب یکی به من بگوئید این پول از کجا باید تأمین شود.»

مسعود پزشکین توضیح نداده چرا عملکرد دولت او و دولت های پیشین جمهوری اسلامی روند نزولی در حوزه تولید و رشد اقتصادی، و افزایش فقر و فلاکت در کشور را سبب شده است؟

مسعود پزشکین در بخش دیگری از سخنانش مدعی شد «مهم ترین اولویت دولت معیشت مردم است و با توجه به تأثیر نوسانات نرخ ارز بر قیمت ها و سطح زندگی مردم، دولت در هر صورت طرح کالابزرگ را اجرا خواهد کرد.» ادعای اولویت داشتن «معیشت مردم» پیشتر نیز از سوی رئیس سازمان برنامه و بودجه تکرار شده بود. این در حالیست که لایحه بودجه دارای کسری است، تورم را افزایش می دهد و به علت نبود برنامه های حمایتی از حقوق بگیران، فقر نیز افزایش پیدا خواهد کرد.

کارشناسان معتقدند لایحه بودجه ۱۴۰۵ دولت، به ویژه در حوزه مالیات بر ارزش افزوده، نرخ ارز و قیمت حامل های انرژی، در ساختاری که از نابرابری شدید درآمدی رنج می برد، به تشدید فشار معیشتی بر اقشار کم درآمد خواهد انجامید. در همین رابطه دیوان محاسبات اعلام کرده بررسی اولیه لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ توسط دیوان محاسبات کشور نشان می دهد که این بودجه از شفافیت لازم برخوردار نیست و کسری بودجه را تشدید خواهد کرد.

بر اساس اعلام دیوان محاسبات، لایحه بودجه ۱۴۰۵ نه تنها از شفافیت لازم برخوردار نیست، بلکه به علت عدم رعایت ثبات

رکورد جدید ایران در مهاجرت دانشجویی؛ بیش از ۱۱۰ هزار ایرانی در خارج تحصیل می‌کنند



● موج مهاجرت تحصیلی ایرانیان به دیگر کشورها با افزایش روبرو شده و شمار ایرانیان دانشجو در خارج از کشور با ثبت رکورد جدیدی از ۱۱۰ هزار نفر عبور کرده است.

● تعداد دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در کشورهای آمریکای شمالی و اروپای غربی در سال ۲۰۲۳ به ۶۰ هزار و ۹۹ نفر رسیده است. این رقم در سال ۲۰۲۲ برابر با ۴۹ هزار و ۵۳۴ نفر بوده و تنها در فاصله یک سال، افزایشی بیش از ۱۰ هزار و ۵۰۰ نفر را ثبت کرده است.

● ترکیه با ۲۸ هزار و ۹۲۴ دانشجو در سال ۲۰۲۴ در رتبه نخست جذب دانشجویان ایرانی قرار دارد. شمار دانشجویان ایرانی در این کشور نسبت به سال ۲۰۲۰ رشدی ۱۵۸ درصدی را ثبت کرده است.

● کانادا با ۲۴ هزار و ۹۶۰ دانشجو در سال ۲۰۲۳ دومین مقصد اصلی دانشجویان ایرانی است و آلمان با ۱۳ هزار و ۲۷۹ دانشجو در سال ۲۰۲۳ در جایگاه سوم قرار دارد.

● ایتالیا با ۱۳ هزار و ۸۱ دانشجو در سال ۲۰۲۴ رتبه چهارم و ایالات متحده آمریکا با ۱۲ هزار و ۴۳۰ دانشجو در سال ۲۰۲۴ در رتبه پنجم قرار گرفته‌اند.

نیز تشویق به مهاجرت کرده است. مهدی ابطحی، معاون پژوهشی وزارت علوم، هفته گذشته اعلام کرد بیش از هزار نفر از اساتید و پژوهشگران در ۵ سال اخیر مهاجرت کرده و جذب دانشگاه‌ها در دیگر کشورها شده‌اند.

پرویز اجلائی جامعه‌شناس و مدیر گروه جامعه‌شناسی شهر انجمن جامعه‌شناسی ایران شهریورماه امسال درباره علت گسترده شدن موج مهاجرت با بیان اینکه «رابطه مستقیمی میان سیاست‌های اقتصادی و سیاسی و مهاجرت وجود دارد» گفته بود «تا اقتصاد تکان نخورد، موج مهاجرت ادامه دارد.» به عقیده این جامعه‌شناس «ماجرای ساده است؛ مثل فشار آسمزی (گذر زندگی) است. هر جا کار و فعالیت و پول باشد، آدم‌ها به آنسو حرکت می‌کنند. اقتصاد ایران عملاً در وضعیت رکود و متوقف مانده؛ تورم بالا و رکود تورمی شدید و بیکاری به شکل گسترده، به ویژه در میان تحصیلکرده‌ها، بیداد می‌کند.»

پرویز اجلائی افزوده بود «ما امروز نسلی از فارغ‌التحصیلان با سطح علمی خوب داریم که تا مرز ۴۰ سالگی رسیده‌اند، اما هرگز شغل مناسبی پیدا نکرده‌اند، به‌خصوص همانهایی که جدی‌تر درس خوانده بودند. این گروه بخش مهمی از مهاجران فعلی را تشکیل می‌دهد و تجربه نشان داده هر جا بروند، موقعیت‌های شغلی مطلوبی به دست می‌آورند.» این جامعه‌شناس با اشاره به کاهش کیفیت آموزش در ایران طی سال‌های گذشته گفته بود «مؤسسات آموزش عالی، برای بقا ناچارند هر سال با هر معدل و سطحی دانشجو بپذیرند؛ حتی در مقطع دکتری که اغلب اعتبار علمی آن زیر استاندارد است. نتیجه این چرخه، انبوهی از فارغ‌التحصیلان است، چه آنهایی که تحصیلات باکیفیت داشته‌اند و چه کسانی که آموزش ضعیف دیده‌اند که در نهایت گروه زیادی از آنها در ایران بیکار می‌مانند. وقتی به خارج می‌روند، حتی آنهایی که پایه علمی ضعیف‌تری دارند، به سرعت مهارت‌های لازم را یاد می‌گیرند و خود را تطبیق می‌دهند و عمدتاً موفق می‌شوند.»

مقصد اصلی دانشجویان ایرانی است و آلمان با ۱۳ هزار و ۲۷۹ دانشجو در سال ۲۰۲۳ در جایگاه سوم قرار دارد. ایتالیا با ۱۳ هزار و ۸۱ دانشجو در سال ۲۰۲۴ رتبه چهارم و ایالات متحده آمریکا با ۱۲ هزار و ۴۳۰ دانشجو در سال ۲۰۲۴ در رتبه پنجم قرار گرفته‌اند.

بر اساس همین داده‌ها، ایتالیا بالاترین نرخ رشد را در میان مقاصد اصلی داشته و شمار دانشجویان ایرانی در این کشور نسبت به سال ۲۰۲۰ بیش از ۲۱۱ درصد افزایش یافته است. پس از آن، ترکیه با ۱۵۸ درصد و استرالیا با ۱۰۳ درصد رشد، در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در ایالات متحده آمریکا نیز تعداد دانشجویان ایرانی از ۹ هزار و ۶۱۴ نفر در سال ۲۰۲۰ به ۱۲ هزار و ۴۳۰ نفر در سال ۲۰۲۴ رسیده است.

مجموع این ارقام از ثبت یک جهش کم‌سابقه در مهاجرت تحصیلی ایرانیان طی سال‌های اخیر حکایت دارد؛ جهشی که در بازه زمانی کوتاه، به افزایش چشمگیر حضور دانشجویان ایرانی در مقاصد اصلی آموزشی جهان منجر شده است. افزایش شمار دانشجویان ایرانی خارج از ایران در شرایطی با افزایش روبرو شده که بهرام صلواتی، پژوهشگر و مدیر پیشین رصدخانه مهاجرت ایران، خردادماه امسال تأکید کرده بود که تنها یک درصد دانشجویان مهاجر به ایران برمی‌گردند. او این موضوع را «خطرناک» و «نشان‌دهنده فرار بی‌بازگشت نخبگان» دانست.

از سال ۱۴۰۰ روند مهاجرت تحصیلی ایرانیان سرعت یافته و در حالیکه پیش‌تر طی یک دهه این آمار دو برابر افزایش یافته بود، از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴ و در یک بازه چهار ساله این آمار دو برابر شد.

افزایش بحران‌های اقتصادی از جمله تورم و نبود فرصت‌های شغلی با درآمد مناسب، تشدید فشارهای امنیتی در دانشگاه‌ها پس از اعتراضات ۱۴۰۱، کاهش اعتبار دانشگاهی و نبود امکانات پژوهشی مناسب از جمله عوامل مؤثر در مهاجرت تحصیلی جوانان ایرانی اعلام می‌شود. این مشکلات نه تنها دانشجویان بلکه اساتید دانشگاه را

آمارها نشان می‌دهد موج مهاجرت تحصیلی ایرانیان به دیگر کشورها با افزایش روبرو شده و شمار ایرانیان دانشجو در خارج از کشور با ثبت رکورد جدیدی از ۱۱۰ هزار نفر عبور کرده است.

«خبرنامه امیرکبیر» با استناد به تازه‌ترین داده‌های رسمی منتشر شده از سوی مؤسسه آمار یونسکو (UIS) و همچنین آمارهای ملی کشورهای مقصد، اعلام کرده روند مهاجرت تحصیلی ایرانیان در سال‌های اخیر با شتابی کم‌سابقه ادامه یافته و به ثبت رکوردهای جدید منجر شده است.

داده‌های مؤسسه آمار یونسکو نشان می‌دهد تعداد دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در کشورهای آمریکای شمالی و اروپای غربی در سال ۲۰۲۳ به ۶۰ هزار و ۹۹ نفر رسیده است. این رقم در سال ۲۰۲۲ برابر با ۴۹ هزار و ۵۳۴ نفر بوده و تنها در فاصله یک سال، افزایشی بیش از ۱۰ هزار و ۵۰۰ نفر را ثبت کرده است.

مقایسه این آمار با سال ۲۰۰۰ که شمار دانشجویان ایرانی در این مقاصد ۱۰ هزار و ۴۹۵ نفر گزارش شده بود، از رشد حدود شش برابری طی ۲۳ سال حکایت دارد؛ این آمار صرفاً شامل آمریکای شمالی (ایالات متحده و کانادا) و اروپای غربی است و دانشجویان ایرانی در کشورهایی مانند ترکیه، آسیای شرقی و اروپای شرقی را در بر نمی‌گیرد.

همزمان، جدول «۱۰ مقصد اصلی دانشجویان ایرانی» که بر پایه جدیدترین داده‌های در دسترس تا سال ۲۰۲۴ تنظیم شده است، نشان می‌دهد شمار کل دانشجویان ایرانی خارج از کشور از ۶۰ هزار و ۳۹۹ نفر در سال ۲۰۲۰ به ۱۱۰ هزار و ۸ نفر رسیده است؛ افزایشی که بیانگر رشد ۸۲ درصدی این جمعیت در فاصله تنها چهار سال است.

بر پایه این جدول، ترکیه با ۲۸ هزار و ۹۲۴ دانشجو در سال ۲۰۲۴ در رتبه نخست جذب دانشجویان ایرانی قرار دارد. شمار دانشجویان ایرانی در این کشور نسبت به سال ۲۰۲۰ رشدی ۱۵۸ درصدی را ثبت کرده است.

کانادا با ۲۴ هزار و ۹۶۰ دانشجو در سال ۲۰۲۳ دومین

تشدید دوباره آلودگی هوا در ایران به علت افزایش مازوت سوزی؛ میزان کمبود گاز نسبت به سال گذشته دو برابر شده است

این کارشناس انرژی توضیح داده که «اگر بخواهیم با آمار ریاضی به سبکی گاز در بخش‌های مختلف اشاره کنیم، با توجه به محدودیت عرضه، برآورد می‌شود سهم گاز صنایع سنگین حدود ۵۰ درصد، نیروگاه‌ها حدود ۷۰ درصد و تزریق به مخازن نفتی نزدیک به ۱۰۰ درصد کاهش یافته باشد. بر این مبنا، سبکی روزانه گاز اکنون در حدود ۶۱۰ میلیون مترمکعب برآورد می‌شود.»

توضیحات عبدالله باباخانی نشان می‌دهد میزان ناترازی گاز به ۶۱۰ میلیون مترمکعب رسیده است. این به آن معناست که میزان ناترازی گاز از سال گذشته تاکنون حدود دو برابر شده است!

از سوی دیگر سعید توکلی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، در امرداد ۱۴۰۴ در نشست خبری عنوان کرده بود: «زمستان گذشته کشور با ناترازی ۳۵۰ میلیون مترمکعبی گاز روبه‌رو بوده است.»

بر اساس آمار ارائه شده از سوی سعید توکلی اگر میزان ناترازی گاز به حدود ۶۱۰ میلیون مترمکعب رسیده باشد، یعنی ناترازی گاز حدود ۷۴ درصد افزایش یافته و ۱/۷ برابر سال گذشته شده است.

از سوی دیگر هفته گذشته احمد موسی سخنگوی وزارت برق عراق اعلام کرد «طرف ایرانی با ارسال پیامی، وزارت برق را از توقف کامل پمپاژ گاز به دلیل «شرایط اضطراری» مطلع کرده است.»

اگر چه مقامات جمهوری اسلامی به این خبر واکنش نشان نداده‌اند اما به نظر می‌رسد آنچه از سوی آنها به عنوان «شرایط اضطراری» اعلام شده، بحران کمبود گاز برای تأمین نیاز داخل با توجه به کاهش دما بوده است.

با وجود اینکه ایران دارنده دومین ذخائر گاز طبیعی جهان است اما ناکارآمدی جمهوری اسلامی در توسعه صنعت نفت و گاز طی چهار دهه گذشته سبب شده حتی تأمین گاز مورد نیاز مصرف داخلی با بحران روبه‌رو باشد. کمبود گاز سبب شده طی سالهای گذشته مقامات حکومتی در فصل پاییز و زمستان که مصرف گاز در بخش خانگی افزایش پیدا می‌کند، اقدام به استفاده از سوخت جایگزین در نیروگاه‌های حرارتی تولید برق کنند؛ این روند مازوت سوزی در نیروگاه‌ها را افزایش داده که نه تنها هوا را آلودگی هوا را تشدید می‌کند بلکه به تهدیدی علیه سلامت شهروندان ساکن در شهرهای صنعتی شده است.

مرکز داده‌های باز ایران «ماه گذشته در گزارشی بر اساس داده‌های محرمانه وزارت نفت از مازوت سوزی بی‌سابقه در نیروگاه‌های حرارتی ایران خبر داد. این گزارش تأکید کرده بود که «اقدام به شدت آلاینده مازوت سوزی در نیروگاه‌های کشور» طی سال گذشته خورشیدی به‌طور متوسط ۴۶ درصد افزایش یافته است.

خبرگزاری «فارس» نیز اول آذرماه امسال از آغاز روند مازوت سوزی در نیروگاه‌های تولید برق خبر داده و نوشته بود مصرف مازوت در نیروگاه‌های ایران شروع شده و در روز ۲۳ آبان‌ماه به بیش از ۲۱ میلیون لیتر در روز رسیده است. خبرگزاری «فارس» افزوده بود «این حجم نیاز به قطار کردن نفتکش‌هایی به طول ۱۴ کیلومتر را دارد و نیروگاه مفتاح، سلیمی و شازند، رکودداران مصرف مازوت در کشور هستند.»



همچنین ایستگاه‌های احمدآباد و کردآباد، در حاشیه شهر اصفهان شاخص بالای ۲۰۰ و وضعیت بنفش و «بسیار ناسالم» را ثبت کردند.

شهرستان‌های خمینی‌شهر، شاهین‌شهر، قهج‌اورستان و کاشان نیز در وضعیت قرمز قرار گرفتند و وضعیت آلودگی هوای زرین‌شهر و مبارکه، نارنجی و ناسالم برای گروه‌های حساس گزارش شد.

تشدید آلودگی هوا با وجود بارش باران و برف در این شهرها طی روزهای گذشته بار دیگر نقش دولت در آلودگی کلانشهرها به علت مازوت سوزی در نیروگاه‌ها را افزایش داده است؛ موضوعی که اگر چه مقامات دولتی می‌توانند تکذیب کنند اما تلاش می‌کنند آن را کمرنگ کنند!

در این میان وبسایت «تجارت نیوز» در گزارشی اعلام کرده که کمبود گاز در سال جاری نسبت به سال گذشته افزایش یافته و دو برابر شده است.

در این گزارش آمده روند قطع گاز صنایع، اعمال محدودیت بر مصرف گاز صنایع انرژی بر از جمله فولاد، پتروشیمی، سیمان و... و همچنین روند تخصیص سوخت جایگزین به نیروگاه‌ها به جای گاز طبیعی طوری بود که به نظر می‌رسد کمبود گاز در سال جاری نسبت به سال گذشته افزایش یافته است.

عبدالله باباخانی، کارشناس انرژی، در گفت‌وگو با «تجارت نیوز» گفته «بر اساس اعلام شرکت گاز، میزان گاز تزریق به شبکه حدود ۸۳۵ میلیون مترمکعب در روز است. در همین بازه، مصرف بخش خانگی، تجاری و صنایع کوچک به‌طور میانگین روزانه حدود ۶۵۰ میلیون مترمکعب برآورد می‌شود. همچنین نیاز نیروگاه‌ها حدود ۳۲۰ میلیون مترمکعب در روز است و نیاز صنایع سنگین (فولاد، پتروشیمی، سیمان و...) حدود ۱۹۰ میلیون مترمکعب در روز برآورد می‌شود. از سوی دیگر، نیاز برآوردی تزریق گاز به مخازن نفتی برای جلوگیری از افت تولید حدود ۳۰۰ میلیون مترمکعب در روز است.»

● با وجود بارندگی‌های روزهای گذشته، بار دیگر آلودگی هوا در چند استان کشور از جمله تهران، خوزستان و اصفهان با افزایش روبه‌رو شده است.

● طبق اعلام سامانه پایش کیفی هوا، شاخص کیفیت هوا روز شنبه ششم دی‌ماه در ۹ ایستگاه استان تهران در وضعیت «قرمز» قرار گرفت.

● شاخص کیفیت هوای اصفهان در ساعت هشت صبح شنبه روی عدد ۱۸۶ قرار گرفته و وضعیت قرمز و «ناسالم برای عموم» اعلام شده است.

● هوای همه شهرهایی خوزستان آلوده است؛ شاخص آلودگی در شهر هندیجان به ۲۱۲ و در وضعیت بنفش و «بسیار ناسالم» است. در شهرهای اهواز، خرمشهر، ماهشهر، شادگان، دزفول، شوشتر، کارون، ملاثانی، آغاجری، بهبهان، هویزه و سوسنگرد نیز هوا در وضعیت قرمز و ناسالم برای همه گروه‌های سنی قرار دارد.

با وجود بارندگی‌های روزهای گذشته، بار دیگر آلودگی هوا در چند استان کشور از جمله تهران، خوزستان و اصفهان با افزایش روبه‌رو شده است. آمارهای ارائه شده از سوی وزارت نفت نشان می‌دهد میزان کمبود گاز در سال جاری نیست به سال گذشته دو برابر شده است.

طبق اعلام سامانه پایش کیفی هوا، شاخص کیفیت هوا روز شنبه ششم دی در ۹ ایستگاه استان تهران در وضعیت «قرمز» قرار گرفت.

شاخص آلودگی در شهرهای دماوند، ورامین، پاکدشت، قرچک، شهریار و باقرشهر، بین ۱۵۰ تا ۱۷۰ و در بهارستان و باغستان شهریار نزدیک به ۱۹۰ و وضعیت «ناسالم برای عموم»، گزارش شده است.

میانگین کیفیت هوای مناطق بیست‌ودوگانه شهر تهران نیز با شاخص ۱۳۶ در وضعیت نارنجی و «ناسالم برای گروه‌های حساس» قرار گرفت.

در استان خوزستان نیز هیچ یک از شهرهای اهواز، دماوند، مرکز پایش کیفی هوا استان خوزستان اعلام کرده شاخص آلودگی در شهر هندیجان در روز شنبه ششم دی‌ماه به ۲۱۲ رسیده که نشان‌دهنده وضعیت بنفش و «بسیار ناسالم» است.

در شهرهای اهواز، خرمشهر، ماهشهر، شادگان، دزفول، شوشتر، کارون، ملاثانی، آغاجری، بهبهان، هویزه و سوسنگرد نیز با شاخص آلودگی هوا به بیش از ۱۵۰ و در وضعیت قرمز و ناسالم برای همه گروه‌های سنی قرار دارد. برخی شهرها از جمله آبادان، شوش، باغملک و هفتکل در وضعیت نارنجی گزارش شده‌اند.

سعید محمودی، مدیرکل حفاظت محیط زیست خراسان «رضوی» نیز روز شنبه ششم دی‌ماه اعلام کرد کیفیت هوای این کلان‌شهر با افزایش حجم آلاینده‌ها در وضعیت «ناسالم برای گروه‌های حساس» قرار گرفته است. او تأکید کرده کیفیت هوا در ۱۶ منطقه مشهد ناسالم و در هفت منطقه دیگر دارای ایستگاه سنجش، در وضعیت سالم ثبت شده است. در استان اصفهان نیز داده‌های سامانه پایش کیفیت هوای کشور نشان می‌دهد شاخص کیفیت هوای اصفهان در ساعت هشت صبح شنبه روی عدد ۱۸۶ قرار گرفته و وضعیت قرمز و «ناسالم برای عموم» اعلام شده است.

بازآفرینی ایران در «کیو گاردنز» لندن



نگاتیوهای ادوارد بولز همراه با یک نقاشی از رز ایرانی

از زنان می‌توانستند مرزهای فرهنگی و اجتماعی را درنوردند و در یک کشور مسلمان سفر کنند. او ظاهراً از پشتیبایی یک افسر ارتش بریتانیا در این سفر برخوردار بوده‌است. او در مقدمه کتابش از خوانندگان دعوت می‌کند که با او به سفر ایران بروند و آن سرزمین را کشف کنند. این نویسنده هم فراتر از ثبت گیاهان رفته و برخوردهای خودش با مردم محلی را توصیف می‌کند. برگزارکنندگان این نمایشگاه تأکید می‌کنند مانند بسیاری از اسناد دیداری و نوشتاری آن دوره، این مجموعه‌ها نیز در برخی محدودیت‌ها و پیش‌داوری‌های زمان خود اسیر هستند. نام مکان‌ها اغلب اشتباه نوشته شده‌اند، پیش‌زمینه‌های فرهنگی نادیده گرفته شده‌اند و صداهای بومی خاموش مانده‌اند. یعنی «ذهن فعال غربی» بصورت «ایژه منفعل» به ایرانیان نگریسته است. بسیاری از توصیف‌ها آنچنان نادرست و ناقص هستند که ممکن است برای خوانندگان امروزی و ایرانی ناآشنا یا نادرست به نظر رسند. ولی همین مطالب پس از چاپ به‌عنوان «واقعیت» پذیرفته می‌شدند و در پژوهش‌ها و انتشارات بعدی مورد استناد قرار می‌گرفتند. مسئولین نمایشگاه می‌افزایند که اکنون با نگاهی نوین و با در نظر گرفتن حساسیت‌های فرهنگی این نمایشگاه را تدارک دیده‌اند. دقیق‌تر آنکه شبنم بلوچ سعی کرده است که بستر فرهنگی و تاریخی عمیق‌تری را برای درک دیدگاه‌های عمدتاً بریتانیایی آن زمان فراهم آورد. او این آثار را از دریچه‌ای نوین بررسی می‌کند و سعی می‌کند آنها را برای علاقمندان جدید قابل دسترس‌تر سازد.

باغ‌های «کیو گاردنز» یک موسسه و یک فضای سبز در پارک طبیعی و محافظت شده بسیار وسیعی در جنوب غربی لندن است که «بزرگترین و متنوع‌ترین مجموعه‌های گیاه‌شناسی و قارچ‌شناسی» جهان را در خود جای داده است. این باغ که در سال ۱۷۵۹ در فضای سبز شگفت‌انگیز کیو تأسیس شد، شامل ۲۷ هزار گونه گیاهی زنده است که توسط این موسسه گردآوری شده‌اند. «هرباریوم» آن یکی از بزرگترین مجموعه‌ها در جهان است که بیش از ۸/۵ میلیون نمونه گیاهی و قارچی حفظ شده دارد. کتابخانه

بریتانیایی و اروپایی به ایران سفر می‌کنند و مجذوب تنوع زیستی شگفت انگیز این سرزمین شده‌اند. آنان هزاران نمونه گیاهی، عکس، طرح و یادداشت‌های میدانی را با خود آورده‌اند که بسیاری از آن‌ها در این موسسه نگهداری می‌شود. این منابع پایه‌های شناخت گیاه‌شناسی ایران را در غرب شکل داده‌اند، اما در عین حال روایت‌های گسترده‌تری را نیز بازگو می‌کنند که متأثر از دیدگاه‌ها و پیش‌فرض‌های زمان خود هستند.

«ایران بازآفرینی شده» گردهم آورنده دفترچه‌های خاطرات و سفر، یادداشت‌ها، نوشته‌ها، عکس‌ها و تصویرپردازی‌های گیاه‌شناسی و چند اثر نقاشی است. به عبارت دیگر، جلوه‌ی درهم‌تنیده‌ای از علم، روایت و فرهنگ است، شامل سفرهای اکتشافی ادوارد بالز و اتو اشتاف و چند نفر دیگر و گردشگری‌های آرام و در عین حال جسورانه آلیس فولرتون به‌عنوان یک سیاح زن در دهه ۱۹۳۰.

ادوارد بالز گیاه‌شناس بریتانیایی (۱۸۹۲-۱۹۸۴) از ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۵ در ایران سفر کرد. چیزی که در ابتدا می‌بایستی صرفاً در محدوده یک سفر اکتشافی منظور جمع‌آوری نمونه‌های گیاهی باقی می‌ماند، خیلی زود تبدیل به ثبت مشاهدات چندلایه از زندگی مردم، آداب و رسوم محلی، برخوردهای فرهنگی و توصیف مناظر و راه‌ها ایران شد. در بازگشت بالز مشاهدات خود را تحت عنوان «وقایع نگاری یک باغبان» در اختیار خوانندگان کنج‌کو بریتانیایی قرار داد.

اتو اشتاف (۱۸۵۷-۱۹۳۳)، گیاه‌شناس اتریشی بود که بعدها به سمت سرپرست هرباریوم کیو رسید. دفترچه طراحی او شامل نقاشی‌هایی از مناطق کوهستانی ایران در جریان سفرش در جنوب ایران به سال ۱۸۸۵ است. برخی از طرح‌ها رنگ‌آمیزی شده‌اند. این مجموعه نشان می‌دهد که در سفرهای اولیه گیاه‌شناسی، پژوهشگران نه فقط به مشاهده گیاهان علاقمند بودند بلکه بررسی دقیق جغرافیا ایران نیز برایشان بسیار مهم بوده است.

آلیس فولرتون نویسنده کتاب «به ایران برای گل» است که سفرهای خود به ایران را در اوایل قرن بیستم همراه با دوستش نانسی لینسی شروع کرد. در آن زمان شمار اندکی

● نمایشگاهی در کتابخانه و بایگانی «کیو گاردنز» (موسسه باغ‌های کیو) در جنوب غربی لندن با عنوان «بازآفرینی ایران: از هرباریوم تا میراث» در حال برگزاری است.

● باغ‌های «کیو گاردنز»، به همراه باغ‌های گیاه‌شناسی «ویکهرست» در ساسکس انگلستان، یک موسسه تحقیقاتی و آموزشی گیاه‌شناسی مهم در عرصه بین‌المللی است.

● این نمایشگاه جلوه درهم‌تنیده‌ای از علم، روایت و فرهنگ است؛ شامل سفرهای اکتشافی ادوارد بالز و اتو اشتاف و چند نفر دیگر و گردشگری‌های آرام و در عین حال جسورانه آلیس فولرتون به‌عنوان یک سیاح زن در دهه ۱۹۳۰.

● یکی از نکات برجسته‌ای که هنگام بازدید از نمایشگاه برجسته می‌شود اینست که گردشگران و گیاه‌شناسان بریتانیایی و اروپایی نکته‌بین، دقیق و مشاهده‌گر بوده‌اند و در کنار ثبت گونه‌های گیاهان، مشاهدات خود از زندگی و فرهنگ مردم را نیز به رشته تحریر درآورده‌اند.

آدوم صابونچیان - نمایشگاهی در کتابخانه و بایگانی «کیو گاردنز» (موسسه باغ‌های کیو) در جنوب غربی لندن با عنوان «بازآفرینی ایران: از هرباریوم تا میراث» در حال برگزاری است. این نمایشگاه با نگاهی نوین به مجموعه‌های ایرانی این موسسه، تا ۲۱ ژانویه ۲۰۲۶، در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه، ادامه دارد.

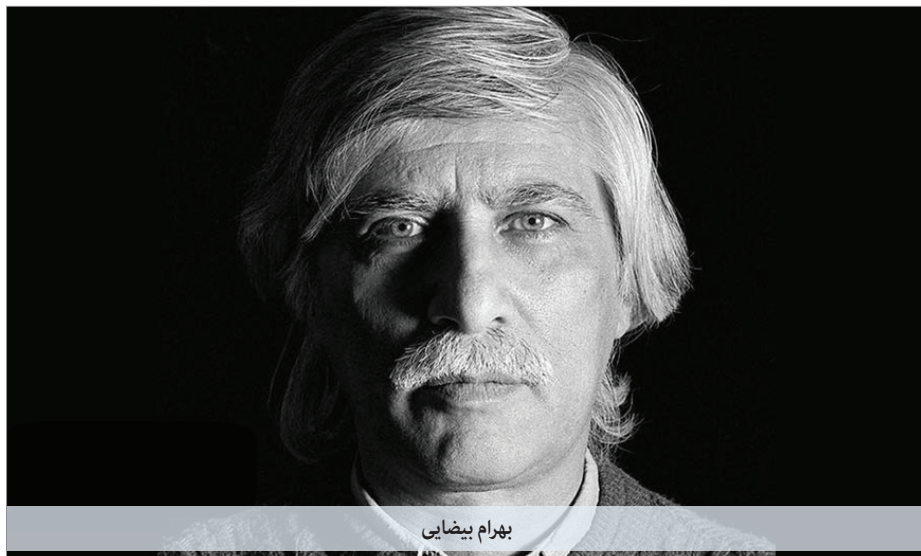
در علم گیاه‌شناسی «هرباریوم» به معنای مجموعه‌ای از نمونه‌های گیاهی خشک شده است که برای مطالعه بر اساس خانواده، جنس و گونه ذخیره، فهرست‌بندی و مرتب می‌شوند. در این نمایشگاه نه فقط انواع خشک‌شده و طبقه‌بندی شده گیاهان ایرانی به نمایش گذاشته شده‌اند، بلکه یادداشت‌ها و سفرنامه‌های گیاه‌شناسان و گردشگران بریتانیایی و اروپایی را نیز شامل می‌شود که با نگاه مردم‌شناسی و فرهنگ‌شناسی به مردم مناطق مختلف ایران نگریسته‌اند و مشاهدات خود را در مقالات و کتاب‌هایشان منعکس کرده‌اند.

نمایشگاه شامل چند نقاشی قدیمی از گیاهان ایرانی و نیز وسایلی است که ایرانیان از زمان‌های کهن در آداب غذاخوری خود استفاده می‌کردند. به عبارت دیگر این نمایشگاه در برگزیده میراث معنوی و فرهنگی ایرانیان نیز است. این موضوع، نمایشگاه را منحصر به فرد کرده زیرا که می‌تواند طیف وسیعی از علاقمندانی را که لزوماً گیاه‌شناس نیستند و به‌عنوان سرگرمی به باغبانی می‌پردازند و یا حتی کسانی که چندان علاقه‌ای هم به باغبانی ندارند، ولی علاقه به تاریخ و فرهنگ ایران دارند، جذب کند.

همچنین با توجه به علاقه تاریخی ایرانیان به باغبانی، گیاهان و فضای سبز که به هزاران سال پیش بر می‌گردد و در واژه «پردیس» یا «فردوس» تجسم یافته است؛ واژه‌ای که بعدها وارد زبان‌های اروپایی نیز شده است.

این نمایشگاه با بررسی آثار گردآوری شده از سوی دانشمندان و تاریخ‌نگارانی مانند ادوارد بالز و اتو اشتاف، بیشتر تجارب فرهنگی و اجتماعی آنان در طی سفرهایشان نیز به تصویر کشیده شده است. آنان در طی سفرهای اکتشافی‌شان، حکایات و روایت‌های میزبانان خود و نیز افرادی که با آنها روبه‌رو می‌شدند را ثبت کرده‌اند و آداب و رسوم اجتماعی آنان را مشاهده و توصیف کرده‌اند. شبنم بلوچ، که خود ایرانی است، سرپرست مشترک نمایشگاه است. بیش از دو قرن است که گیاه‌شناسان و مجموعه داران

بهرام بیضایی نویسنده و کارگردان سرشناس ایرانی درگذشت



بهرام بیضایی

نمایشنامه‌نویس نامیده شده است. گروه ایران‌شناسی دانشگاه استنفورد افزوده بهرام بیضایی «بارها گفته بود موطن و مسلک او عالم فرهنگ است. عشقی عظیم به ایران داشت و به‌رغم تنگ‌نظری‌ها علیه او و خانواده‌اش لحظه‌ای از برکشیدن و پاس داشتن میراث فرهنگی ایران دست نکشید.»

این بیانیه با اعلام این خبر که به‌زودی نشستی در بزرگداشت زندگی و آثار این هنرمند بی‌بدیل ایران‌دوست و ایران‌شناس برگزار خواهد کرد و افزود «به قول شاهنامه که بیضایی عمری در آن زیست، اگر مرگ داد است بیداد چیست.» مژده شمسایی، همسر بهرام بیضایی و بازیگر سینما نیز روز شنبه ششم دی‌ماه خبر درگذشت این هنرمند را در شبکه‌های اجتماعی اعلام کرد. او با انتشار با انتشار تصویری از بیضایی در صفحه فیسبوک خود نوشت: «زمین زیر پایم سست است وقتی او بر آن راه نمی‌رود. هوا برایم تنگ است وقتی او در کنارم نفس نمی‌کشد.»

بهرام بیضایی متولد پنج دی‌ماه ۱۳۱۷ در تهران بود. بهرام بیضایی اگر چه به عنوان نمایشنامه‌نویس، فیلمنامه‌نویس و کارگردان ایرانی شناخته می‌شود اما او همچنین شاعر و پژوهشگر برجسته‌ای نیز بود.

«نمایش در ایران» یکی از آثار برجسته پژوهشی بهرام بیضایی و یکی از منابع معتبر نمایش و تئاتر در ایران به شمار می‌رود. بهرام بیضایی از بنیانگذاران کانون نویسندگان ایران بود اما با وقوع انقلاب ۵۷ از این کانون کناره گرفت. او همچنین در دهه ۵۰ خورشیدی استاد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود. بیضایی پس از انقلاب و در سال ۱۳۶۰ در پی «انقلاب فرهنگی» از استادی دانشگاه تهران اخراج شد!

این هنرمند برجسته شهریور ۱۳۸۹ به‌دلیل فشارهای فزاینده، اعمال محدودیت و سانسور ناچار به توقف فعالیت‌هایش در ایران شد و به دعوت عباس میلانی، مورخ، ایران‌شناس و مدیر برنامه مطالعات ایران در دانشگاه استنفورد، به این مرکز آموزشی رفت.

«غریبه و مه»، «کلاغ»، «مرگ یزدگرد»، «چریکه تارا»، «باشو غریبه کوچک»، «مسافران» و «سگ‌کشی» از آثار برجسته بهرام بیضایی به شمار می‌روند.

● بهرام بیضایی، کارگردان و نمایشنامه‌نویس سرشناس ایرانی، پنجم دی‌ماه ۱۴۰۴ در ۸۷ سالگی، و در سالروز تولدش، در ایالات متحده آمریکا درگذشت.

● مژده شمسایی همسر بهرام بیضایی با انتشار متنی در شبکه‌های اجتماعی نوشته «زمین زیر پایم سست است وقتی او بر آن راه نمی‌رود. هوا برایم تنگ است وقتی او در کنارم نفس نمی‌کشد.»

● بهرام بیضایی از بنیانگذاران کانون نویسندگان ایران بود اما با وقوع انقلاب ۵۷ از این کانون کناره گرفت.

● بیضایی در دهه ۵۰ خورشیدی استاد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود. بیضایی پس از انقلاب و در سال ۱۳۶۰ در پی «انقلاب فرهنگی» از استادی دانشگاه تهران اخراج شد!

● این هنرمند برجسته شهریور ۱۳۸۹ به‌دلیل فشارهای فزاینده، اعمال محدودیت و سانسور ناچار به توقف فعالیت‌هایش در ایران شد و به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرد.

● «غریبه و مه»، «کلاغ»، «مرگ یزدگرد»، «چریکه تارا»، «باشو غریبه کوچک»، «مسافران» و «سگ‌کشی» از آثار برجسته بهرام بیضایی به شمار می‌روند.

● گروه ایران‌شناسی دانشگاه استنفورد اعلام کرده پنجم دی‌ماه، به احترام زادروز بهرام بیضایی و همچنین سالروز درگذشت اکبر رادی روز نمایشنامه‌نویس نامیده شده است.

بهرام بیضایی، کارگردان و نمایشنامه‌نویس سرشناس ایرانی، پنجم دی‌ماه ۱۴۰۴ در ۸۷ سالگی در ایالات متحده آمریکا درگذشت. گروه ایران‌شناسی دانشگاه استنفورد، روز شنبه ششم دی ۱۴۰۴، با انتشار بیانیه‌ای، از درگذشت بیضایی در سالروز تولد ۸۷ سالگی‌اش خبر داد.

در این بیانیه بهرام بیضایی «فخر ادب و هنر ایران» معرفی شده و آمده «گروه ایران‌شناسی دانشگاه استنفورد درگذشت فخر ادب و هنر ایران، استاد و همکار برجسته‌ای ما در ۱۵ سال اخیر، بهرام بیضایی را به اطلاع همگان می‌رساند.»

این بیانیه تأکید کرده پنجم دی‌ماه، به احترام زادروز بهرام بیضایی و همچنین سالروز درگذشت اکبر رادی روز

➔ آن شامل بیش از ۷۵۰ هزار جلد کتاب و مجموعه تصاویر آن شامل بیش از ۱۷۵ هزار نسخه چاپی و نقاشی از گیاهان است. با غ‌های «کیو گاردنز» یکی از جاذبه‌های گردشگری لندن و یک میراث جهانی است.

باغ‌های «کیو گاردنز»، به همراه باغ‌های گیاه‌شناسی «ویکهرست» در ساسکس انگلستان، یک موسسه تحقیقاتی و آموزشی گیاه‌شناسی مهم در عرصه بین‌المللی است که بیش از ۱۱۰۰ کارمند دارد. کل مساحت فضای سبز و گلخانه‌های گیاه‌شناسی آن ۱۳۲ هکتار است. چهار ساختمان محافظت شده و ۳۶ سازه درجه دو ثبت شده دارد که همگی در جایگاه مهم بین‌المللی قرار دارند. باغ‌های کیو در فهرست پارک‌ها و باغ‌های تاریخی درجه یک دنیا ثبت شده است.

مجموعه کتابخانه و بایگانی کیو، ۲۰۰۰ سال دانش و فعالیت اکتشافی در مورد گیاهان را در بر می‌گیرد. این مجموعه با بانک اطلاعاتی عظیم در مورد نامگذاری، طبقه‌بندی و کاربردهای گیاهان، بوم‌شناسی گیاهان، حفاظت گیاهان وحشی جهان، گنجینه‌ای بی‌نهایت باارزش در دنیاست.

«کیو گاردنز» دارای منابع فراوانی درباره گیاه‌شناسی و گیاهان خشک‌شده در سراسر جهان است که شامل تاریخ باغبانی، طراحی باغ و فضای سبز و بیوگرافی گیاه‌شناسان و باغبانان برجسته است که می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران، علاقمندان به باغبانی یا صرفاً خوانندگان مشتاق قرار گیرد. قدیمی‌ترین قلم این مجموعه به دهه ۱۳۷۰ میلادی برمی‌گردد، در حالی که نسخه‌های موجود از آثار باستانی گیاه‌شناسی به زمان‌های بسیار دورتر هم می‌رسند.

باغ‌های کیو یک نهاد عمومی غیردولتی است که توسط وزارت محیط زیست، مواد غذایی و امور روستایی حمایت مالی می‌شود.

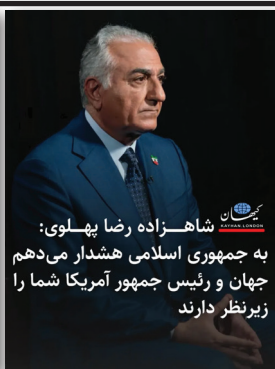
یکی از نکات برجسته‌ای که هنگام بازدید از نمایشگاه برجسته می‌شود اینست که گردشگران و گیاه‌شناسان بریتانیایی و اروپایی نکته‌بین، دقیق و مشاهده‌گر بوده‌اند و در کنار ثبت گونه‌های گیاهان، مشاهدات خود از زندگی و فرهنگ مردم را نیز به رشته تحریر درآورده‌اند. البته همچنانکه خود مسئولین نمایشگاه متذکر شده‌اند، مشاهدات این نویسندگان در مواردی پیش‌داورانه، غرض‌آلود و همراه با محدودیت‌های برخاسته از زمانه‌شان است. ولی این امر از اهمیت دانش و اطلاعاتی که آنها فراهم آورده‌اند، که با حفظ فاصله انتقادی می‌تواند مورد استفاده علاقمندان و پژوهشگران قرار گیرد، نمی‌کاهد.

ذهن کنج‌کاو و علاقمند به درک محیط اطراف در پی نفوذ به ژرفای واقعیت است؛ به‌ویژه اگر ذهن کنج‌کاو و علاقمند به کشف واقعیت در محیطی نامأنوس قرار بگیرد بهتر می‌تواند با «فاصله‌گذاری» و «بیگانه‌سازی» نظاره‌گر محیط اطراف باشد و چیزهایی را ببیند و کشف کند که شاید یک بومی به‌دلیل عادی و بدیهی شدن آن محیط برایش قادر به توجه به آنان نیست. خوب است در این مورد از غریبان آموخت و سعی کرد کنج‌کاوانه نظاره‌گر دقیق عینیت خارج از خود شد تا به ژرفای واقعیت نزدیک شد.

حال طرفداران تئوری توطئه خواهند گفت که اینان خدمتگزاران دولت فحیمه بریتانیا بودند و به‌منظور خدمت به مطامع استعماری آن دولت، که چشم طمع به منابع زیرزمینی سرزمین ایران دوخته بود، این اطلاعات را جمع‌آوری کرده‌اند. نمی‌توان با قاطعیت در اینباره نظر داد اما به‌هرحال اطلاعات و مشاهدات مردم‌شناختی و جغرافیایی آنان می‌توانست نهایتاً در خدمت دولت بریتانیا قرار گیرد. گفته معروفی است که «دانش قدرت است»؛ یعنی سلطه نه فقط با کاربرد زور و خشونت علنی بلکه با توسل به وسایل نرم‌افزاری هم میسر می‌شود.



اولتیماتوم ترامپ:
اگر حکومت معترضان را در ایران بکشد
ضربه‌ای سخت به آن می‌زنیم



شاهزاده رضا پهلوی:
به جمهوری اسلامی هشدار می‌دهم
جهان و رئیس‌جمهور آمریکا شما را
زیر نظر دارند



متن کامل گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی
با شبکه تلویزیونی فاکس نیوز:
«آماده بازگشت به ایران و رهبری
پیکار نهایی هستیم»



شورای سردبیری «اورشلیم پست»:
مردم ایران نام رضا پهلوی را فریاد می‌زنند،
این قدرت است



بیانیه جمعی از زندانیان سیاسی و
خانواده‌های جانبازان دهه ۶۰ در حمایت
از رهبری شاهزاده رضا پهلوی



متن کامل مقاله شاهزاده رضا پهلوی در واشینگتن پست:
ایران آماده گذار دموکراتیک، رژیم از هم
گسیخته، و اپوزیسیون هماهنگ است؛
لحظه تعیین‌کننده نزدیک می‌شود



متن کامل گفتگوی شاهزاده
رضا پهلوی با وال‌استریت ژورنال:
ما به حضور نیروهای نظامی خارجی
در خاک ایران نیازی نداریم



شاهزاده رضا پهلوی حمله به
شهروندان ملک‌شاهی و بیمارستان
ایلام را محکوم کرد



اهتزاز پرچم سیروخورشید
در دانشگاه تربیت مدرس در پاسخ
به فراخوان شاهزاده



تحلیل سیاسی روز؛
سرنوشت «آخرین نبرد»
در دست «شاه» و ملت
الاهه بقراط



حمایت رهبر پیروان آیین
بارسان (اهل حق) از فراخوان
شاهزاده رضا پهلوی



فراخوان مشترک هفت حزب و
سازمان سیاسی گرد برای اعتصاب عمومی



گزارش سازمان حقوق بشر ایران:
درباره دی‌ماه خونین ایران:
تعداد معترضان جان‌باخته
به ۴۵ نفر رسید



تخلیه چند پادگان و مرکز نظامی؛
«در اهواز به سربازان گفته‌اند زودتر
از پادگان دور شوید»



کلاه "میکا" در دست ترامپ



انفجار قیمت‌ها در بازار غذایی
با مجوز دولت پزشکیان؛
سقوط تاریخی ارزش ریال ادامه دارد



گسترش اعتراضات سراسری
به ۲۵۷ نقطه در ۸۸ شهر از ۲۷
استان کشور



حمایت گسترده ورزشکاران
و هنرمندان از اعتراضات سراسری



شیر یا خط تاریخی
دیو و فرشته
امضا: محفوظ!



ترامپ و یادآوری قتل
قاسم سلیمانی به خامنه‌ای



در کنار مردم ایران ایستاده‌ایم؛
بیانیه ۱۸۴ سینماگر ایرانی در حمایت
از اعتراضات سراسری



همایون شجریان از لغو کنسرت‌های
اروپایی‌اش در حمایت از مردم خبر داد



ارز تک نرخی شد؛
قیمت دلار به بیش از ۱۴۲
هزار تومان رسید



بازداشت نزدیک به ۱۳۰
کودک در جریان هفته نخست
اعتراضات سراسری دی ۴۰۴



برونده سانچی همچنان «باز» است؛
برگ دیگری از کارنامه ننگین و فراق‌کنی‌های
کتیف جمهوری اسلامی
فیروزه نوردستروم



کتابهای ریحی:
نور نزدیک است!



تایم:
تهدید ترامپ به مداخله آمریکا،
فشارها بر حکومت را افزایش داد



دونالد ترامپ در مصاحبه با فاکس نیوز:
خامنه‌ای به دنبال خروج
از ایران است



فعال متحد ترامپ:
شاهزاده رضا پهلوی سه‌شنبه به
اقامتگاه ترامپ می‌رود



پنجره تاریخی آزادی:
چرا اکنون لحظه تعیین‌کننده ایران است



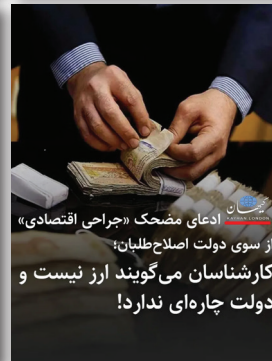
بیانیه محکومیت حمله به مراکز
بهداشتی و بیمارستان‌ها در ایران



قطع اینترنت جهانی:
موج جدیدی از سرکوب ایرانیان
معرض توسط جمهوری اسلامی



لس آنجلس تایمز: حکومت ایران
در وضعیت آماده‌باش قرار دارد



ادعای مضحک «جراحی اقتصادی»
از سوی دولت اصلاح‌طلبان:
کارشناسان می‌گویند ارزش نیست و
دولت چاره‌ای ندارد!



سفیر اسرائیل در سازمان ملل
به مردم ایران:
تمام جهان برای شما دعا می‌کند



سرکوب معترضان در ایران:
احتمال مداخله آمریکا علیه
جمهوری اسلامی جدی‌تر شد



یک مقام ایرانی به رویترز:
برخی مقام‌ها نگرانند که جمهوری اسلامی
قربانی بعدی ترامپ باشد



ارز در ایران نگرانی شد:
موج جدید گرانی در بحبوحه
اعتراضات سراسری



بیانیه ۱۷ فعال سیاسی و مدنی درباره
اعتراضات سراسری:
نظام نامشروع جمهوری اسلامی رفتنی است



دولت قطع اینترنت به علت
اعتراضات سراسری را تأیید کرد



روزنامه آلمانی «بیلد»:
رژیم ملاها در آستانه فروپاشی است



اعدام یک شهروند دیگر به
اتهام «جاسوسی» برای اسرائیل



استرالیا از شهروندان خود
خواست فوری ایران را ترک کنند



دلار مرز ۱۴۸ هزار
تومان را رد کرد



اعتصاب گسترده
در بازار طلای تهران



اعلام آمادگی وکلای شهرستان
ملک‌شاهی برای قبول وکالت رایگان
قربانیان سرکوب ۱۳ دی



یک مأمور نیروی انتظامی
در ایرانشهر کشته شد



به یاد هوشنگ انصاری،
صنعتگر برجسته، وزیر دارایی
پیشین ایران



گسترش چشمگیر تظاهرات
و اعتصابات از ابتدای یازدهمین روز
اعتراضات سراسری



بیانیه ۳۹ زندانی سیاسی
سابق و محبوس در زندان اوین در
حمایت از فراخوان ملی شهریار ایران،
شاهزاده رضا پهلوی



عکس هفته | ایران «شاه» را صدا زد

در اعتراضات دی ۴۰۴ شعارهای «جاویدشاه» و «این آخرین نبرده، پهلوی بر می‌گرده» شعارهای محوری ایرانیان در تجمعات و تظاهرات در شهرهای مختلف کشور بود. شهروندان همچنین با پاسخ مثبت به فراخوان شاهزاده رضا پهلوی برای برگزاری اعتراضات در هجدهم دی‌ماه بار دیگر مهر تأیید بر رهبری او در انقلاب ملی زدند.